مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

خودسازی و خدمت‌رسانی

در فرهنگ امام خمینی (ره)

رسول سعدانلو

Presented by: https://jafrilibrary.com/

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی قدس سره

نویسنده:

رسول سعادتمند

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فهرست

فهرست ----- ۵

فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی قدس سره ----- ۱۵

مشخصات کتاب ----- ۱۵

اشاره ----- ۱۵

فهرست مطالب ----- ۱۷

دیباچه ----- ۳۵

پیش گفتار ----- ۳۷

فصل اول: جایگاه تزکیه و خودسازی ----- ۴۰

احکام همه جانبه اسلام در خدمت تکامل انسان ----- ۴۰

توأم بودن علم و عمل؛ و تجسم اعمال ----- ۴۲

هدف بعثت، تزکیه نفوس و نجات از طغیانگری ----- ۴۳

ضرورت و اهمیّت تزکیه برای دولتمردان ----- ۴۶

خودسازی مسئولان، زمینه ساز برقراری حکومت عدل ----- ۴۹

نقش دین باوری مسئولان در رعایت حقوق بشر ----- ۵۰

سعادت بشر در علم همراه با تربیّت ----- ۵۱

سعادت جاودان در گرو تزکیه و طهارت نفس ----- ۵۳

جهاد با نفس، جهاد اکبر ----- ۵۴

سازندگی درونی، گامی در راه نور و روشنایی ----- ۵۵

لزوم رشد قوای روحانی ----- ۵۶

کوشش برای تقویت معنویت و سرکوب نفسانیّت ----- ۵۷

تربیّت انسان، نقطه شروع تمام اصلاحات ----- ۵۸

مقاومت انسانهای مهذب در برابر تهدید و تطمیع ----- ۵۹

غیر مهذبها، پر ضررترین افراد برای اسلام ----- ۶۰

نجات کشور و ملت در پرتو معنویات ----- ۶۱

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حب نفس، منشأ تمام فسادها در طول تاریخ ---- ۶۲
حب نفس و خودخواهی، منشأ و ریشه حب دنیا ---- ۶۴
مقدم بودن تزکیه و تهذیب بر همه امور ---- ۶۷
فصل دوم: راهها و عوامل مؤثر در خودسازی ---- ۷۰
وارستگی نفس منشأ همه کمالات ---- ۷۰
علم و عمل دو بال برای پرواز روحی ---- ۷۰
اصلاح نفس قبل از اصلاح دیگران ---- ۷۱
توجه به بیماری خودخواهی، قدم اول درمان ---- ۷۲
ملاحظه خداوند و رعایت مصلحت ---- ۷۳
تفکر در عظمت خلقت و خالق جهان ---- ۷۴
نماز راستین و درک اسرار مرموز آن ---- ۷۴
ایمان راستین باورمندی قلبی ---- ۷۵
عالم محضر خداست ---- ۷۶
در محضر خدا معصیت خدا نکنید ---- ۷۷
در محضر خدا بودن همه اعمال و افکار ---- ۷۸
خودسازی در جوانی و آمادگی برای ناملایمات ---- ۷۹
خطر استدراج و از دست دادن تدریجی فرصت ها ---- ۸۰
نیرنگهای شیطان درونی با پیران و جوانان ---- ۸۱
امید به شفاعت، عامل اطاعت خداوند است نه نافرمانی او ---- ۸۲
استفاده از باقیمانده فرصت جوانی ---- ۸۳
اهمّیت حق الناس ---- ۸۴
مراقبت و محاسبه نفس در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی ---- ۸۵
هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا مباش ---- ۸۵
کتاب انسان سازی و رسالت آدم سازی ---- ۸۶
حرکت معنوی و تربیت انسانی در پرتو قرآن ---- ۸۷
لزوم عمل به قرآن و پیروی از اولیای دین ---- ۸۸

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تربیت قرآنی، منشأ کمال بشر ---- ۸۹
سعادتمندی در پرتو عمل به قرآن ---- ۹۰
باید «انسان قرآنی» ایجاد کرد ---- ۹۱
نامه محبوب محبوب است ---- ۹۲
تدبر در قرآن ---- ۹۳
انجام واجبات و ترک محرمات ---- ۹۳
دعاها و مناجات ها، والاترین راه گشای عبودیت ---- ۹۴
شلاق های ادعیه ---- ۹۵
مناجاتی که همه امامان می خواندند ---- ۹۶
کمال مطلق و ذکر حقیقی او، آرامش بخش دلها ---- ۹۷
تفکر در الطاف الهی، راه وصول به حب خداوند ---- ۹۸
نظر رحمت و محبت به همه موجودات بویژه انسانها ---- ۹۹
خدمت به محرومان ---- ۱۰۰
انتخاب دوستان از میان اشخاص وارسته و متعهد ---- ۱۰۱
هیچ گاه خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید ---- ۱۰۱
توجه به گذرگاه بودن دنیا ---- ۱۰۳
میزان حاکمیّت اللّه در نفوس، معیار خودشناسی ---- ۱۰۵
تأثیر سوء مدح و ثنا ---- ۱۰۸
پیروزی بر نفس با مراقبت و محاسبه اعمال ---- ۱۱۰
فصل سوم: اخلاص در انگیزش و کار ---- ۱۱۱
انسان، اعجوبه مخلوقات ---- ۱۱۱
قلب انسانی، نقطه شروع کمالات ---- ۱۱۲
تمایز اعمال در الهی بودن و غیرالهی بودن ---- ۱۱۳
ارزش انگیزه الهی در امور ---- ۱۱۵
تلاش برای الهی نمودن انگیزه ها ---- ۱۱۸
اخلاص، معیار ارزش عمل ---- ۱۱۸

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حجم معنوی عمل در اخلاص عمل ---- ۱۱۸
کار برای خدا ---- ۱۱۹
اخلاص، منشأ اطمینان قلبی و ایمان و پیروزی ---- ۱۲۰
کسب رضایت الهی در انجام وظیفه ---- ۱۲۱
ما باید رضای خداوند را بدست بیاوریم ---- ۱۲۲
اخلاص داشتن در خدمت به بندگان خدا ---- ۱۲۳
ریزه کاریهای شیطان ---- ۱۲۳
تشخیص چگونگی اعمال ---- ۱۲۳
عمل الهی در گرو مقصد الهی ---- ۱۲۴
اخلاص، منشأ نتیجه بخشی تمام امور ---- ۱۲۵
اخلاص مسئولان، منشأ وحدت ---- ۱۲۶
عبادت بودن خدمت خالصانه به انقلاب ---- ۱۲۷
حفظ امدادهای غیبی با اخلاص در عمل ---- ۱۲۷
جاودانگی کارهایی که برای خداست ---- ۱۲۸
پیروزی نهایی در اخلاص است ---- ۱۲۹
بقای نتیجه اعمال ---- ۱۳۰
فصل چهارم: پست و مقام وسیله امتحان ---- ۱۳۲
۱. جایگاه پست و مقام در اسلام ---- ۱۳۲
حکومت و زمامداری در اسلام، تکلیف و وظیفه الهی ---- ۱۳۲
ریاست و حکومت، وسیله ای برای اقامه عدل ---- ۱۳۲
انگیزه الهی حاکمان، مایه نیل به معدن قرب حق ---- ۱۳۳
مطرح نبودن مقام و ریاست در اسلام ---- ۱۳۵
قبول مسئولیّت برای خدمت نه کسب قدرت ---- ۱۳۵
دنبال این باشیم که مکتبمان پیش برود ---- ۱۳۷
۲. آزمون بزرگ ---- ۱۳۸
ملازم بودن وجود انسان با امتحان ---- ۱۳۸

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مبتلا بودن همه به امتحانات الهی ---- ۱۳۹
سخت ترین آزمایش الهی ---- ۱۴۱
۳. آفات و خطرات پست و مقام ---- ۱۴۵
فانی بودن دنیا و مقامات دنیوی ---- ۱۴۵
مقام چیزی نیست ---- ۱۴۶
مقام سوار شما نشود ---- ۱۴۷
خطر قدرت در دست ظالم ---- ۱۴۸
تأثیر ناپذیری از مقام و ریاست ---- ۱۴۹
ظهور ضعف انسان در خودنمایی ---- ۱۵۱
جاه طلبی نتیجه مهذب نشدن نفوس ---- ۱۵۲
حب ریاست، شعبه ای از حب نفس ---- ۱۵۴
خودخواهی و قدرت طلبی منشأ فسادهای عالم ---- ۱۵۵
بشر در جستجوی کمال مطلق ---- ۱۵۷
برای رسیدن به مقام و شهرت این در و آن در مزن ---- ۱۶۶
قدرت طلبی مسئولین، منشاء شکست انقلاب ---- ۱۶۷
فصل پنجم: شایستگی و شایسته سالاری ---- ۱۶۹
اتمام حجت خداوند در رفع عذرها ---- ۱۶۹
زمامداران شایسته از دید اسلام ---- ۱۷۰
عدالت، شرط اصلی زمامداران اسلام ---- ۱۷۱
تقوا، معیار کرامت در نزد خداوند ---- ۱۷۱
تدین و تعهد، معیار تصدی مسئولیت ---- ۱۷۲
لزوم امین بودن افراد در مسئولیتها ---- ۱۷۴
تقوا برای متصدیان امور لازمتر است ---- ۱۷۵
سپردن پستهای کلیدی کشور به معتقدان واقعی اسلام ناب محمدی ---- ۱۷۶
ادامه مسئولیّت بدون شایستگی، گناه کبیره ---- ۱۷۸
اهمیّت ارزیابی و گزینش در تصدی مسئولیتها ---- ۱۸۰

Presented by: https://jafrilibrary.com/

گماردن افراد شناخته شده در مسئولیتهای حساس ---- ۱۸۱
لزوم دقت در انتخاب استانداران و اسلامی کردن محل مسئولیّت ---- ۱۸۲
وابسته نبودن افراد اطلاعات به احزاب و گروهها ---- ۱۸۲
مستقل، منزه و متقی بودن افراد اطلاعات ---- ۱۸۳
اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر ---- ۱۸۴
لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان ---- ۱۸۵
لزوم اصلاح و تصفیه و مراقبت در قوه اجرائیه ---- ۱۸۷
جلوگیری از فعالیّت اشخاص متخلف در وزارتخانه ها ---- ۱۸۸
ما با کسی شوخی نداریم ---- ۱۸۸
خدا را حاضر دیدن در همه امور ---- ۱۸۹
نظام در اهداف خود جدی است ---- ۱۸۹
فصل ششم: ساده زیستی مسئولان و پرهیز از اشرافیگری ---- ۱۹۰
توجه به معنویات منشأ حفظ نظام اسلامی ---- ۱۹۰
مسئله معنویات در رأس امور است ---- ۱۹۲
کوخها منشأ برکاتند نه کاخها ---- ۱۹۲
تنافی خوی کاخ نشینی با فرهنگ اسلام ---- ۱۹۵
مرفه بودن مسئولین سرچشمه همه مصیبتهای ملتها ---- ۱۹۷
پیروی از حضرت امیر علیه السلام در رعایت بیت المال ---- ۲۰۰
مصرف بیت المال در امور مربوط به مصالح مسلمین ---- ۲۰۲
اهمیّت ساده زیستی روحانیت و مسئولان ---- ۲۰۳
بالاترین خطر برای علما و روحانیت اسلام ---- ۲۰۵
مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست ---- ۲۰۶
پیروی از امام علی علیه السلام در همه ابعاد ---- ۲۰۶
فصل هفتم: مردمی بودن مسئولان ---- ۲۰۸
رفتار حکومتهای قاجار و پهلوی با مردم ---- ۲۰۸
رسیدگی ننمودن به محرومان ویژگی حکومت اشرافی ---- ۲۰۹

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم عبرت پذیری از تاریخ ---- ۲۱۰
سرنوشت شاه درسی برای دولتها ---- ۲۱۲
جدایی دولتها از ملتها، منشأ گرفتاریها ---- ۲۱۴
جایگاه مقامات دولتی در اسلام ---- ۲۱۵
حکومت آرمانی ---- ۲۱۵
رژیم اسلامی، رژیمی مردمی ---- ۲۱۶
سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با مردم ---- ۲۱۷
الگو قرار دادن پیشوایان دین در رفتار با مردم ---- ۲۱۷
مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی ---- ۲۱۹
مردمی بودن دولتمردان ---- ۲۲۰
صلاح مسئولین کشور در مراوده و دوستی با مردم ---- ۲۲۱
آسیب ناپذیری در حاکمیّت بر قلوب ---- ۲۲۴
با ملت بودن و بدون ملت بودن ---- ۲۲۵
نقش ملت در پشتیبانی از دولت ---- ۲۲۶
پایگاه مردمی، رمز پایداری نظام ---- ۲۲۷
حکومت بر دلها، تنها راه اقتدار دولتها ---- ۲۲۸
سبب عمده شکست کشورها ---- ۲۲۹
آسیب پذیری نظام در جدایی مردم از مسئولان ---- ۲۳۱
حفظ پشتوانه مردمی توسط مسئولان ---- ۲۳۲
همگامی ملت با دولت ---- ۲۳۴
حکومتهای مردمی و دستاورد آن ---- ۲۳۵
در حکومت اسلامی، فرمانفرمایی و فرمانبری نیست ---- ۲۳۷
حکومت محرومان و مستضعفان، نعمت بزرگ الهی ---- ۲۳۸
خوف نداشتن از قدرتها، ویژگی حکومت محرومان ---- ۲۳۹
ناتوانی قدرتها در مواجهه با حکومتهای مردمی ---- ۲۴۲
سوء استفاده قدرتهای بزرگ از روحیه قدرت طلبی مرفهین ---- ۲۴۳

Presented by: https://jafrilibrary.com/

میدان ندادن به افراد مرفه برای استضعاف ملت ---- ۲۴۴
ارائه الگوی مردمی بودن نظام برای صدور انقلاب ---- ۲۴۷
فصل هشتم: پشتوانه های اقتدار نظام ---- ۲۴۹
اسلامیّت انقلاب، انگیزه حضور مردم در صحنه ها ---- ۲۴۹
مدارس علمی و دانشگاههای متعهد، بنیان مرصوص در مقابل اجانب ---- ۲۵۰
محرومان و مستضعفان حامیان واقعی انقلاب و اسلام ---- ۲۵۲
قدر این جوانان حزب اللهی را بدانید ---- ۲۵۳
انگیزه قیام ۱۵ خرداد ---- ۲۵۴
آفرینندگان و حافظان و مدافعان حماسه ۱۵ خرداد ---- ۲۵۵
تواضع و تعظیم در برابر ملت ---- ۲۵۶
اگر سپاه نبود کشور هم نبود ---- ۲۵۷
آتش دوزخ جایگاه مسئولین غافل از بسیج ---- ۲۵۸
لزوم تفاهم استانداران و روحانیون ---- ۲۶۰
مردم حلّال مشکلات کشور ---- ۲۶۰
حفظ پشتوانه مردمی نظام ---- ۲۶۲
ارتش ۲۰ میلیونی ---- ۲۶۵
فصل نهم: جایگاه خدمت و خدمت رسانی ---- ۲۶۶
برترین عبادات ---- ۲۶۶
برترین توفیق ---- ۲۶۷
انبیا و روحیه خدمتگزاری ---- ۲۶۷
خدمت به محرومین، جلوه ولایت حضرت امیر ---- ۲۶۸
بهترین حالات، خدمت به خدا و بندگان او ---- ۲۶۹
خدمت با قصد خالص الهی نه با اغراض نفسانی ---- ۲۶۹
توقع پاداش از هیچکس نداشته باشیم ---- ۲۷۰
لزوم ادای وظیفه نه وصول به نتیجه ---- ۲۷۱
در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیّت مباش ---- ۲۷۱

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خودتان را خدمتگزار مردم بدانید ---- ۲۷۲
خودتان را حاکم مردم ندانید ---- ۲۷۲
به من بگوئید خدمتگزار ---- ۲۷۴
قدردانی از فداکاریهای مردم با خدمت به آنان ---- ۲۷۴
ارزش خدمت به مظلومان و کشور ---- ۲۷۵
رعایت مصالح اسلام و کشور در انجام خدمات ---- ۲۷۶
فصل دهم: سالم سازی محیط خدمت ---- ۲۷۷
لزوم هماهنگی مأموران دولتی با روحانیت و مردم ---- ۲۷۷
پیروی دقیق از خط اسلام در تدبیر امور کشور ---- ۲۷۸
لزوم خدمت نمودن مسئولان به مردم ---- ۲۷۸
کوشش همگانی در اسلامی شدن نظام ---- ۲۸۰
لزوم رفتار عادلانه همه کارگزاران در حکومت اسلامی ---- ۲۸۱
عمل به وظیفه ---- ۲۸۲
ملاک مترقی بودن یک کشور ---- ۲۸۴
اهمیّت تحول روحی افراد ---- ۲۸۴
دولت، خدمتگزار است نه فرمانفرما ---- ۲۸۵
عدالت و محبت نسبت به زیردستان ---- ۲۸۵
اخوّت اسلامی ---- ۲۸۶
سلوک رؤسا و امرای صدر اسلام ---- ۲۸۷
ایجاد آرامش روحی و محیط محبت با خدمت به ملت ---- ۲۸۹
ایجاد محیط اخلاقی و برادری برای جلب همکاری ملت ---- ۲۹۰
بسیج وزارتخانه ها برای خدمت رسانی ---- ۲۹۱
خوشرفتاری با ارباب رجوع، عامل عشق مردم به دولت ---- ۲۹۲
لزوم رعایت عدالت نسبت به مراجعین ---- ۲۹۳
جلوگیری از اذیت مراجعین در ادارات ---- ۲۹۳
لزوم تشکیل مرجع رسیدگی کننده به شکایات مراجعین ---- ۲۹۴

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کارشکنی در انجام امور خانواده شهدا، عملی ضد انقلابی ---- ۲۹۶
حفظ حضور مردم در صحنه ها ---- ۲۹۶
به فکر مردم بودن و سخت گیری نکردن ---- ۲۹۸
عدم سازگاری تشریفات با جمهوری اسلامی ---- ۲۹۹
لزوم پرهیز از کم کاری در ادارات ---- ۳۰۰
تصفیّه عوامل ایجاد نارضایی ---- ۳۰۱
همدلی و برادری مسئولین در رفع مشکلات ---- ۳۰۲
ترس از قانون ---- ۳۰۲
فصل یازدهم: خدمت رسانی و اولویتها ---- ۳۰۴
برتری و شرافت یک موی سر کوخ نشینان بر همه کاخ نشینان جهان ---- ۳۰۴
ارائه طرحها در راستای حفظ منافع محرومین، بزرگترین هدیه و... ---- ۳۰۵
لزوم توسعه بخش خصوصی به نفع مردم محروم ---- ۳۰۶
خدا نیاورد آن روزی را که... ---- ۳۰۷
برای این هیچ ندارها یک فکری بکنید ---- ۳۰۸
انتظار مردم از مسئولان ---- ۳۱۰
صرف اوقات در حل مسائل کلیدی ---- ۳۱۰
توجه مسئولان به ضعفا و مستمندان ---- ۳۱۱
نصیحت و سفارش همیشگی به مسئولان ---- ۳۱۲
اعطای امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به خانواده های ایثارگران ---- ۳۱۳
توصیه ملت به خدمتگزاری خانواده شهدا ---- ۳۱۴
قدر این ملت را بدانید ---- ۳۱۵
بیم از انفجار مردمی در اثر مأیوس شدن از جمهوری اسلامی ---- ۳۱۶
شکر گزاری از خداوند با خدمت به محرومین ---- ۳۱۷
درباره مرکز ---- ۳۲۰

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی قدس سره

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعادتمند، رسول، ۱۳۳۶ - ، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی قدس سره/ تهیه و تنظیم رسول سعادتمند.

وضعیت ویراست : [ویراست ؟۲

مشخصات نشر : قم: تسنیم،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۹۶ص.

شابک : ۶۰۰۰۰ریال ۹۶۴-۵۸۶۴-۰۳-۸:

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویس توصیفی

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۸۷۸۵۱

ص: ۱

اشاره

Presented by: https://jafrilibrary.com/

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فهرست مطالب

فهرست مطالب..... ۳

دیباچه..... ۱۲

پیش گفتار..... ۱۴

فصل اول: جایگاه تزکیه و خودسازی..... ۱۷

احکام همه جانبه اسلام در خدمت تکامل انسان..... ۱۷

توأم بودن علم و عمل؛ و تجسم اعمال..... ۱۹

هدف بعثت، تزکیه نفوس و نجات از طغیانگری..... ۲۰

ضرورت و اهمیّت تزکیه برای دولتمردان..... ۲۳

خودسازی مسئولان، زمینه ساز برقراری حکومت عدل..... ۲۶

نقش دین باوری مسئولان در رعایت حقوق بشر..... ۲۷

سعادت بشر در علم همراه با تربیّت..... ۲۸

سعادت جاودان در گرو تزکیه و طهارت نفس..... ۳۰

جهاد با نفس، جهاد اکبر..... ۳۱

سازندگی درونی، گامی در راه نور و روشنایی..... ۳۲

لزوم رشد قوای روحانی..... ۳۳

کوشش برای تقویت معنویت و سرکوب نفسانیّت..... ۳۴

تربیّت انسان، نقطه شروع تمام اصلاحات..... ۳۵

مقاومت انسانهای مهذب در برابر تهدید و تطمیع..... ۳۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

غیر مهذبها، پر ضررترین افراد برای اسلام..... ۳۷

نجات کشور و ملت در پرتو معنویات..... ۳۸

حب نفس، منشأ تمام فسادها در طول تاریخ..... ۳۹

حب نفس و خودخواهی، منشأ و ریشه حب دنیا..... ۴۱

مقدم بودن تزکیه و تهذیب بر همه امور..... ۴۴

Presented by: https://jafrilibrary.com/

وارستگی نفس منشأ همه کمالات..... ۴۷

علم و عمل دو بال برای پرواز روحی..... ۴۷

اصلاح نفس قبل از اصلاح دیگران..... ۴۸

توجه به بیماری خودخواهی، قدم اول درمان..... ۴۹

ملاحظه خداوند و رعایت مصلحت..... ۵۰

تفکر در عظمت خلقت و خالق جهان..... ۵۱

نماز راستین و درک اسرار مرموز آن..... ۵۱

ایمان راستین باورمندی قلبی..... ۵۲

عالم محضر خداست..... ۵۳

در محضر خدا معصیت خدا نکنید..... ۵۴

در محضر خدا بودن همه اعمال و افکار..... ۵۵

خودسازی در جوانی و آمادگی برای ناملایمات..... ۵۶

خطر استدراج و از دست دادن تدریجی فرصت ها..... ۵۷

نیرنگهای شیطان درونی با پیران و جوانان..... ۵۸

امید به شفاعت، عامل اطاعت خداوند است نه نافرمانی او..... ۵۹

استفاده از باقیمانده فرصت جوانی..... ۶۰

اهمیّت حق الناس..... ۶۱

مراقبت و محاسبه نفس در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی..... ۶۲

هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا مباش..... ۶۲

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کتاب انسان سازی و رسالت آدم سازی..... ۶۳

حرکت معنوی و تربیت انسانی در پرتو قرآن..... ۶۴

لزوم عمل به قرآن و پیروی از اولیای دین..... ۶۵

تربیت قرآنی، منشأ کمال بشر..... ۶۶

سعادتمندی در پرتو عمل به قرآن..... ۶۷

باید «انسان قرآنی» ایجاد کرد..... ۶۸

نامه محبوب محبوب است..... ۶۹

تدبر در قرآن..... ۷۰

انجام واجبات و ترک محرمات..... ۷۰

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دعاها و مناجات ها، والاترین راه گشای عبودیت..... ۷۱

شلاق های ادعیه..... ۷۲

مناجاتی که همه امامان می خواندند..... ۷۳

کمال مطلق و ذکر حقیقی او، آرامش بخش دلها..... ۷۴

تفکر در الطاف الهی، راه وصول به حب خداوند..... ۷۵

نظر رحمت و محبت به همه موجودات بویژه انسانها..... ۷۶

خدمت به محرومان..... ۷۷

انتخاب دوستان از میان اشخاص وارسته و متعهد..... ۷۸

هیچ گاه خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید..... ۷۸

توجه به گذرگاه بودن دنیا..... ۸۰

میزان حاکمیّت اللّه در نفوس، معیار خودشناسی..... ۸۲

تأثیر سوء مدح و ثنا..... ۸۵

پیروزی بر نفس با مراقبت و محاسبه اعمال..... ۸۷

فصل سوم: اخلاص در انگیزش و کار..... ۸۸

انسان، اعجوبه مخلوقات..... ۸۸

قلب انسانی، نقطه شروع کمالات..... ۸۹

تمایز اعمال در الهی بودن و غیرالهی بودن..... ۹۰

ارزش انگیزه الهی در امور..... ۹۲

تلاش برای الهی نمودن انگیزه ها..... ۹۵

اخلاص، معیار ارزش عمل..... ۹۵

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حجم معنوی عمل در اخلاص عمل..... ۹۶

کار برای خدا..... ۹۶

اخلاص، منشأ اطمینان قلبی و ایمان و پیروزی..... ۹۷

کسب رضایت الهی در انجام وظیفه..... ۹۸

ما باید رضای خداوند را بدست بیاوریم..... ۹۹

اخلاص داشتن در خدمت به بندگان خدا..... ۱۰۰

ریزه کاریهای شیطان..... ۱۰۰

تشخیص چگونگی اعمال..... ۱۰۱

عمل الهی در گرو مقصد الهی..... ۱۰۱

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اخلاص، منشأ نتیجه بخشی تمام امور..... ۱۰۲

اخلاص مسئولان، منشأ وحدت..... ۱۰۳

عبادت بودن خدمت خالصانه به انقلاب..... ۱۰۴

حفظ امدادهای غیبی با اخلاص در عمل..... ۱۰۴

جاودانگی کارهایی که برای خداست..... ۱۰۵

پیروزی نهایی در اخلاص است..... ۱۰۶

بقای نتیجه اعمال..... ۱۰۸

فصل چهارم: پست و مقام وسیله امتحان..... ۱۱۰

۱. جایگاه پست و مقام در اسلام..... ۱۱۰

حکومت و زمامداری در اسلام، تکلیف و وظیفه الهی..... ۱۱۰

ریاست و حکومت، وسیله ای برای اقامه عدل..... ۱۱۰

انگیزه الهی حاکمان، مایه نیل به معدن قرب حق..... ۱۱۱

مطرح نبودن مقام و ریاست در اسلام..... ۱۱۳

قبول مسئولیّت برای خدمت نه کسب قدرت..... ۱۱۳

دنبال این باشیم که مکتبمان پیش برود..... ۱۱۵

۲. آزمون بزرگ..... ۱۱۶

ملازم بودن وجود انسان با امتحان..... ۱۱۶

مبتلا بودن همه به امتحانات الهی..... ۱۱۷

سخت ترین آزمایش الهی..... ۱۱۹

۳. آفات و خطرات پست و مقام..... ۱۲۳

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فانی بودن دنیا و مقامات دنیوی..... ۱۲۳

مقام چیزی نیست..... ۱۲۴

مقام سوار شما نشود..... ۱۲۵

خطر قدرت در دست ظالم..... ۱۲۶

تأثیر ناپذیری از مقام و ریاست..... ۱۲۷

ظهور ضعف انسان در خودنمایی..... ۱۲۹

جاه طلبی نتیجه مهذب نشدن نفوس..... ۱۳۰

حب ریاست، شعبه ای از حب نفس..... ۱۳۲

خودخواهی و قدرت طلبی منشأ فسادهای عالم..... ۱۳۳

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بشر در جستجوی کمال مطلق..... ۱۳۵

برای رسیدن به مقام و شهرت این در و آن در مزن..... ۱۴۴

قدرت طلبی مسئولین، منشاء شکست انقلاب..... ۱۴۵

فصل پنجم: شایستگی و شایسته سالاری..... ۱۴۷

اتمام حجت خداوند در رفع عذرها..... ۱۴۷

زمامداران شایسته از دید اسلام..... ۱۴۸

عدالت، شرط اصلی زمامداران اسلام..... ۱۴۹

تقوا، معیار کرامت در نزد خداوند..... ۱۴۹

تدین و تعهد، معیار تصدی مسئولیت..... ۱۵۰

لزوم امین بودن افراد در مسئولیتها..... ۱۵۲

تقوا برای متصدیان امور لازمتر است..... ۱۵۳

سپردن پستهای کلیدی کشور به معتقدان واقعی اسلام ناب محمدی..... ۱۵۴

ادامه مسئولیّت بدون شایستگی، گناه کبیره..... ۱۵۶

اهمیّت ارزیابی و گزینش در تصدی مسئولیتها..... ۱۵۸

گماردن افراد شناخته شده در مسئولیتهای حساس..... ۱۵۹

لزوم دقت در انتخاب استانداران و اسلامی کردن محل مسئولیّت..... ۱۶۰

وابسته نبودن افراد اطلاعات به احزاب و گروهها..... ۱۶۰

مستقل، منزه و متقی بودن افراد اطلاعات..... ۱۶۱

اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر..... ۱۶۲

لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان..... ۱۶۳

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم اصلاح و تصفیه و مراقبت در قوه اجرائیه..... ۱۶۵

جلوگیری از فعالیّت اشخاص متخلف در وزارتخانه ها..... ۱۶۶

ما با کسی شوخی نداریم..... ۱۶۶

خدا را حاضر دیدن در همه امور..... ۱۶۷

نظام در اهداف خود جدی است..... ۱۶۷

فصل ششم: ساده زیستی مسئولان و پرهیز از اشرافیگری..... ۱۶۸

توجه به معنویات منشأ حفظ نظام اسلامی..... ۱۶۸

مسئله معنویات در رأس امور است..... ۱۷۰

کوخها منشأ برکاتند نه کاخها..... ۱۷۰

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تنافی خوی کاخ نشینی با فرهنگ اسلام..... ۱۷۳

مرفه بودن مسئولین سرچشمه همه مصیبتهای ملتها..... ۱۷۵

پیروی از حضرت امیر علیه السلام در رعایت بیت المال..... ۱۷۸

مصرف بیت المال در امور مربوط به مصالح مسلمین..... ۱۸۰

اهمیّت ساده زیستی روحانیت و مسئولان..... ۱۸۱

بالاترین خطر برای علما و روحانیت اسلام..... ۱۸۳

مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست..... ۱۸۴

پیروی از امام علی علیه السلام در همه ابعاد..... ۱۸۴

فصل هفتم: مردمی بودن مسئولان..... ۱۸۶

رفتار حکومتهای قاجار و پهلوی با مردم..... ۱۸۶

رسیدگی ننمودن به محرومان ویژگی حکومت اشرافی..... ۱۸۷

لزوم عبرت پذیری از تاریخ..... ۱۸۸

سرنوشت شاه درسی برای دولتها..... ۱۹۰

جدایی دولتها از ملتها، منشأ گرفتاریها..... ۱۹۲

جایگاه مقامات دولتی در اسلام..... ۱۹۳

حکومت آرمانی..... ۱۹۳

رژیم اسلامی، رژیمی مردمی..... ۱۹۴

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با مردم..... ۱۹۵

الگو قرار دادن پیشوایان دین در رفتار با مردم..... ۱۹۵

مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی..... ۱۹۷

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردمی بودن دولتمردان..... ۱۹۸

صلاح مسئولین کشور در مراوده و دوستی با مردم..... ۱۹۹

آسیب ناپذیری در حاکمیّت بر قلوب..... ۲۰۲

با ملت بودن و بدون ملت بودن..... ۲۰۳

نقش ملت در پشتیبانی از دولت..... ۲۰۴

پایگاه مردمی، رمز پایداری نظام..... ۲۰۵

حکومت بر دلها، تنها راه اقتدار دولتها..... ۲۰۶

سبب عمده شکست کشورها..... ۲۰۷

آسیب پذیری نظام در جدایی مردم از مسئولان..... ۲۰۹

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حفظ پشتوانه مردمی توسط مسئولان..... ۲۱۰

همگامی ملت با دولت..... ۲۱۲

حکومتهای مردمی و دستاورد آن..... ۲۱۳

در حکومت اسلامی، فرمانفرمایی و فرمانبری نیست..... ۲۱۵

حکومت محرومان و مستضعفان، نعمت بزرگ الهی..... ۲۱۶

خوف نداشتن از قدرتها، ویژگی حکومت محرومان..... ۲۱۷

ناتوانی قدرتها در مواجهه با حکومتهای مردمی..... ۲۲۰

سوء استفاده قدرتهای بزرگ از روحیه قدرت طلبی مرفهین..... ۲۲۱

میدان ندادن به افراد مرفه برای استضعاف ملت..... ۲۲۲

ارائه الگوی مردمی بودن نظام برای صدور انقلاب..... ۲۲۵

فصل هشتم: پشتوانه های اقتدار نظام..... ۲۲۷

اسلامیّت انقلاب، انگیزه حضور مردم در صحنه ها..... ۲۲۷

مدارس علمی و دانشگاههای متعهد، بنیان مرصوص در مقابل اجانب..... ۲۲۸

محرومان و مستضعفان حامیان واقعی انقلاب و اسلام..... ۲۳۰

قدر این جوانان حزب اللهی را بدانید..... ۲۳۱

انگیزه قیام ۱۵ خرداد..... ۲۳۲

آفرینندگان و حافظان و مدافعان حماسه ۱۵ خرداد..... ۲۳۳

تواضع و تعظیم در برابر ملت..... ۲۳۴

اگر سپاه نبود کشور هم نبود..... ۲۳۵

آتش دوزخ جایگاه مسئولین غافل از بسیج..... ۲۳۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم تفاهم استانداران و روحانیون..... ۲۳۸

مردم حلّال مشکلات کشور..... ۲۳۸

حفظ پشتوانه مردمی نظام..... ۲۴۰

ارتش ۲۰ میلیونی..... ۲۴۳

فصل نهم: جایگاه خدمت و خدمت رسانی..... ۲۴۴

برترین عبادات..... ۲۴۴

برترین توفیق..... ۲۴۵

انبیا و روحیه خدمتگزاری..... ۲۴۵

خدمت به محرومین، جلوه ولایت حضرت امیر..... ۲۴۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بهترین حالات، خدمت به خدا و بندگان او..... ۲۴۷

خدمت با قصد خالص الهی نه با اغراض نفسانی..... ۲۴۷

توقع پاداش از هیچکس نداشته باشیم..... ۲۴۸

لزوم ادای وظیفه نه وصول به نتیجه..... ۲۴۹

در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیّت مباش..... ۲۴۹

خودتان را خدمتگزار مردم بدانید..... ۲۵۰

خودتان را حاکم مردم ندانید..... ۲۵۰

به من بگوئید خدمتگزار..... ۲۵۲

قدردانی از فداکاریهای مردم با خدمت به آنان..... ۲۵۲

ارزش خدمت به مظلومان و کشور..... ۲۵۳

رعایت مصالح اسلام و کشور در انجام خدمات..... ۲۵۴

فصل دهم: سالم سازی محیط خدمت..... ۲۵۵

لزوم هماهنگی مأموران دولتی با روحانیت و مردم..... ۲۵۵

پیروی دقیق از خط اسلام در تدبیر امور کشور..... ۲۵۶

لزوم خدمت نمودن مسئولان به مردم..... ۲۵۶

کوشش همگانی در اسلامی شدن نظام..... ۲۵۸

لزوم رفتار عادلانه همه کارگزاران در حکومت اسلامی..... ۲۵۹

عمل به وظیفه..... ۲۶۰

ملاک مترقی بودن یک کشور..... ۲۶۲

اهمیّت تحول روحی افراد..... ۲۶۲

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دولت، خدمتگزار است نه فرمانفرما..... ۲۶۳

عدالت و محبت نسبت به زیردستان..... ۲۶۳

اخوّت اسلامی..... ۲۶۴

سلوک رؤسا و امرای صدر اسلام..... ۲۶۵

ایجاد آرامش روحی و محیط محبت با خدمت به ملت..... ۲۶۷

ایجاد محیط اخلاقی و برادری برای جلب همکاری ملت..... ۲۶۸

بسیج وزارتخانه ها برای خدمت رسانی..... ۲۶۹

خوشرفتاری با ارباب رجوع، عامل عشق مردم به دولت..... ۲۷۰

لزوم رعایت عدالت نسبت به مراجعین..... ۲۷۱

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جلوگیری از اذیت مراجعین در ادارات..... ۲۷۱

لزوم تشکیل مرجع رسیدگی کننده به شکایات مراجعین..... ۲۷۲

کارشکنی در انجام امور خانواده شهدا، عملی ضد انقلابی..... ۲۷۴

حفظ حضور مردم در صحنه ها..... ۲۷۴

به فکر مردم بودن و سخت گیری نکردن..... ۲۷۶

عدم سازگاری تشریفات با جمهوری اسلامی..... ۲۷۷

لزوم پرهیز از کم کاری در ادارات..... ۲۷۸

تصفیّه عوامل ایجاد نارضایی..... ۲۷۹

همدلی و برادری مسئولین در رفع مشکلات..... ۲۸۰

ترس از قانون..... ۲۸۰

فصل یازدهم: خدمت رسانی و اولویتها..... ۲۸۲

برتری و شرافت یک موی سر کوخ نشینان بر همه کاخ نشینان جهان..... ۲۸۲

ارائه طرحها در راستای حفظ منافع محرومین، بزرگترین هدیه و..... ۲۸۳

لزوم توسعه بخش خصوصی به نفع مردم محروم..... ۲۸۴

خدا نیاورد آن روزی را که..... ۲۸۵

برای این هیچ ندارها یک فکری بکنید..... ۲۸۶

انتظار مردم از مسئولان..... ۲۸۸

صرف اوقات در حل مسائل کلیدی..... ۲۸۸

توجه مسئولان به ضعفا و مستمندان..... ۲۸۹

نصیحت و سفارش همیشگی به مسئولان..... ۲۹۰

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اعطای امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به خانواده های ایثارگران..... ۲۹۱

توصیه ملت به خدمتگزاری خانواده شهدا..... ۲۹۲

قدر این ملت را بدانید..... ۲۹۳

بیم از انفجار مردمی در اثر مأیوس شدن از جمهوری اسلامی..... ۲۹۴

شکر گزاری از خداوند با خدمت به محرومین..... ۲۹۵

ص: ۱۱

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دیباچه

شرافت همه ما به این است که خدمت به خلقِ خدا کنیم.

امام خمینی رحمه الله

پـذیرش مسـئولیت در نظام مقـدس جمهوری اسـلامی ایران وسـیله ای برای برآوردن خواهش های نفسانی مانند مقام پرستی و شهرت طلـبی نیست، بلکه به عنوان ادای تکلیف و انجـام وظیفه مطرح است. نگرش اشـخاص به مسـئولیت هـا بـا این دیـدگاه، حوزه مسـئولیت ها را به صـحنه ای بزرگ از جهاد و تلاش تبدیل می کند که نتیجه شـیرین آن، آسایش و اطمینان خاطر مردم نسـبت به سـلامت محیط های خدمت رسانی، ارتقای فضایل اخلاقی و تکامل مسئولان و خدمتگزاران در رسیدن به قرب الهی خواهد بود.

بر همین اساس، شـرط لازم برای مسـئولیت پذیری در نظام مقدس جمهوری اسـلامی ایران، شـناخت اهداف و آرمان های این نظـام و اعتقـاد و تعهـد به آنهـا و به کـارگیری همه توان برای عملی کردن این آرمـان هـاست. این اهـداف و آرمان ها که در سخنـان و پیـام های امام خمینی به مناسـبت های مختلف نمود یافته، برگرفته از آرمان هایی است که انبیا و اولیا و بزرگان دین در راه آن تلاش کرده اند. انقلاب اسـلامی، نفخه ای روحانی و امانتی الهی است که با دمیده شدن «روح اللّه» به پیکر افسـرده امت اسلام، حیاتی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دوباره نه تنها به کالبد اسلام و مسلمانان، که در پیکر بی رمق، بشر معاصر ایجاد کرد.

مطالب این کتاب برگرفته از آرمان های امام خمینی است که همگی از کتاب صحیفه امام خمینی برگزیده شده است. این کتاب، در یازده فصل تنظیم شده است: جایگاه تزکیه و خودسازی، راه ها و عوامل مؤثر در خودسازی، اخلاص در انگیزش و کار، پست و مقام وسیله امتحان، شایستگی و شایسته سالاری، ساده زیستی مسئولان و پرهیز از اشرافیگری، مردمی بودن مسئولان، پشتوانه های اقتدار نظام، جایگاه خدمت و خدمت رسانی، سالم سازی محیط خدمت، خدمت رسانی و اولویت ها.

با تشکر از پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمینرسول سعادتمند، امید است که در سال پاسخگویی این ره آورد نورانی، مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

Presented by: https://jafrilibrary.com/

پیش گفتار

پـذیرش مسـئولیت در نظـام مقـدس جمهوری اسـلامی ایران وسـیله ای برای برآورده کردن خواهش هـای نفسـانی ماننـد مقام پرسـتی و شـهرت طلـبی نیسـت، بلکـه به عنـوان ادای تکلیـف و انجـام وظیفه مطرح است. بـدیهی است که نگرش اشـخاص به مسـئولیت هـا با این دیـدگاه، حوزه مسـئولیت ها را به صـحنه ای بزرگ از جهاد و تلاش تبـدیل می کنـد که نتیجه شـیرین آن آسایش و اطمینان خاطر مردم نسـبت به سـلامت محیط های خدمت رسانی از یک سو و از سوی دیگر، ارتقای فضایل اخلاقی و تکامـل مسـئولان و خـدمت گزاران در رسـیدن به قرب الهی خواهـد بود؛ زیرا خـدمت به بنـدگان خداونـد و یاری دین او با اسـتحکام بخشـیدن به پـایه هـای نظام دینی، خود برترین عبادت هاست و پاداش هر عبادت خالصانه چیزی جز قرب و نزدیک شدن به ساحت مقدس ربوبی نخواهد بود و چه ثمره ای والاتر و شیرین تر از باریابی به درگاه دوست.

شهیدان به حق پیوسـته انقلاب اسـلامی تکلیف خود را با نثار خون پاکشان به پای نهال انقلاب ادا کردند و وارثان این انقلاب که شانه به زیر بار مسئولیت ادامه راه آن شهیدان داده اند، بیش از همگان نیازمند بصیرت در

Presented by: https://jafrilibrary.com/

پیمودن راه آنان هستند. بر همین اساس، شرط لازم برای مسئولیت پذیری در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شناخت اهداف و آرمان های این نظام و اعتقاد و تعهد به آنها و به کارگیری همه توان برای عملی کردن این آرمان هاست. این اهداف و آرمان ها که در سخنان و پیام های امام خمینی رحمه الله به مناسبت های مختلف نمود یافته، همان آرمان هایی است که انبیا و اولیا و بزرگان دین و فضیلت جان بر سر آن نهادند و آن امام راحل نیز عمر پر برکت خویش را در راه تحقق آنها وقف نمود و هزاران تن از جوانان پاکباخته این مرز و بوم گل های زیبای هستی خویش را به پای آن نثار کردند و رسمیّت این آرمان ها را در قالب قانون اساسی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با خون خود امضا و تثبیت کردند و جایگاه والای جمهوری اسلامی ایران را در یکی از راهبردی ترین نقاط جغرافیایی جهان بر نظام سلطه گر، ظالم، دین ستیز و معنویت گریز بین المللی، تحمیل کردند. اینک ما وارثان خون های پاک آنان هستیم که خداوند ما را در کلاس امتحان مسئولیّت به آزمایش گرفته است که با این امانت سنگین چه خواهیم کرد. همان به که شرح این اهداف و آرمان ها را از زبان سلسله جنبان این انقلاب عظیم و بی همتا، بشنویم، ولی آنچه پیش روی شماست، اساس آرمان های آن پیر سفر کرده است که در ملاء اعلی همراه با یاران خونین کفن خویش، پیروز از آزمایش بزرگ الهی، چگونگی عملی شدن آرمان های انقلاب عظیم و مقدس خویش را به دست وارثان انقلاب، نگران به نظاره نشسته است. امید آن که در پیشگاه خداوند از این آزمایش روسپید بدر آییم.

در ادامه توضیح دو نکته ضروری می نماید:

ص: ۱۵

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اول اینکه مطالب این کتاب از صحیفه امام رحمه الله (۲۲ جلدی)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸ منتشر شده از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله برگزیده شده است.

دیگر اینکه تیترهای این کتاب برگرفته از مطالب مندرج تحت آن عنوان هاست. ازاین رو، خواهشمند است در انتساب این عناوین به حضرت امام خمینی رحمه الله دقت گردد.

ص: ۱۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل اول: جایگاه تزکیه و خودسازی

احکام همه جانبه اسلام در خدمت تکامل انسان

قانون الهی غیر از این قوانین دنیایی است؛ در این قوانین دنیایی یک جهت، دو جهت ملاحظه شده است و فقط مربوط به همین زندگی این عالم است؛ این همین است، محدود به همین است. این هم تمام حدودش را معلوم نیست که بتوانند همه حدود را تفتیش کنند و آنطوری که باید، قانون برایش بگذارند. اما قوانین الهی از قبل از اینکه شما، انسان نطفه اش بیاید در این عالم؛ آن وقتی که وقت ازدواج دو نفر است، شما حالا یک آدم را به نظر بیاورید قبل از اینکه ازدواج بکند پدر و مادر، برای کیفیتش چه تهیه بشود که این بچه ای که می آید بچه سالم بیاید، بچه صحیح بیاید، دستور هست؛ دستور شرعی هست که چه جور اشخاصی باید انتخاب بشود، برای زن چه جوری شوهرانتخاب بشود، برای شوهر چه جور زنی انتخاب بشود. و بعد هم که ازدواج واقع شد، در حال ازدواج هم تکالیف هست؛ و اینها همه برای رشد آن ثمره ای است که باید بیاید. آن وقتی که بناست انعقاد نطفه بشود آداب دارد، چیزهایی در آن هست. همه برای اینکه رشد پیدا بشود. آن وقتی که وقت حمل مادر است، که آبستن است مادر به بچه، این هم آدابی دارد. آن وقتی که بچه می آید به دنیا، تربیت همان بچه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کوچولویی که تازه متولد شده، کیفیت معاشرت مادر با آن بچه و تکالیف این مادر نسبت به آن بچه، باز یک چیزی دارد. هر چه بچه بزرگ می شود، تکالیف پدر و مادر نسبت به او زیادتر می شود؛ و تا آن اندازه که پدر و مادر می توانند تربیت کنند، اینها مکلفند بر تربیتش. بعد به یک جایی می رسد که تربیت از تربیت پدر و مادری می گذرد و تربیت معلمی می شود؛ آنها هم همه اش آداب الهی دارد. تا آن وقتی که خود انسان مستقل بشود، باز دارد، باز قوانین هست. قدم به قدم، اسلام قانون دارد، تا آن وقتی که می خواهد بمیرد، قوانین هست؛ برای بعد از موت قوانین هست. اینجا که هستیم، برای بعد از موتمان هم قوانین تهیه آنجا را هم همین جا قوانین اسلام، دیده است؛ مثل قوانین اینجا و بشر نیست که نتواند جز همین پرده مادی را ببیند. آنها پرده معنوی را هم دیدند، و قوانین از برای آن هست؛ و همه پیغمبرها که تشریف آوردند، برای تربیت این بشر به همه ابعادش، غیر انبیا نمی توانند به همه ابعاد تربیت بکنند. اگر چنانچه تربیت مرد صالحی هم باشد، یک اشخاص صالحی هم باشند، آنقدری که می توانند تربیت کنند، تربیت برای همین زندگی دنیاست. این زندگی دنیا را اداره کند و خوب اداره کند و چه بکند؛ اما از اینکه گذشت، ورق دوم را که بعد از این است، دیگر بشر دستش به او نمی رسد تا اینکه بچه اش را بخواهد تربیت کند برای آن طرف؛ این دیگر به عهده انبیاست، و غیر انبیا از آنها نمی آید این. انبیا هم راجع به جنبه دنیایی که آمدند، تربیتهایی می کنند، دستورهایی می دهند، قوانینی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دارند؛ و هم نسبت به جنبه های معنوی و اخروی، یک دستورهای زیادی و یک راههایی به بشر آموخته اند.(۱)

توأم بودن علم و عمل؛ و تجسم اعمال

عمل برای نفع جامعه است؛ عمل برای رشد جوانها و جامعه است؛ و این عمل یک عمل روحانی است، یک عمل الهی است که همین صورتش در آن عالم هست و شما به آن صورتها می رسید در آن عالم که فوق تصور ماهاست، آن عالم همه چیزهایی که در اینجاست، مثل این صوتی که انسان این را یک جایی منعکس می شود و پس می دهد، تمام این اعمالی که ما در اینجا انجام می دهیم این مثل آن صوت انعکاس دارد. و بعد که ما از اینجا رفتیم به آن عمل می رسیم، می بینیم. در آیه قرآن هست که فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره؛(۲) هرکس عمل خیری بکند همان عمل خیر را می بیند، خودش را می بیند. این عمل در آنجا به صورتهای خوب در می آید، به صورتهای مناسب در می آید، و از بعد از مرگ انسان همراه آدم است تا آخر؛ و من یعمل مثقال ذره شرا یره؛(۳) هرکس هر مقدار، هر ذره ای که عمل شر به جا بیاورد، آن هم در آن عالم می بیند؛ خود او را در آن عالم می بیند. جهنم و بهشت از عمل من و شما موجود می شود؛ عمل ما ابزار کار است برای آنجا. بنابراین هدر ندهید این عمر را؛ این عمر شریفی که خدای تبارک و تعالی به شما داده است که در اینجا کسب کنید و کارهای خوب بکنید و هدایت کرده شما را برای

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۰ تا ۳۲.

۲- ۲. سوره زلزال، آیه ۷.

۳- ۳. سوره زلزال، آیه ۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کارهـای خوب، کارهـای مفیـد برای جـامعه، کارهـای مفیـد برای خودتـان. این برای این است که خـدای تبارک و تعالی علم داشـته است، مطلع بوده است بر واقعیات که هر کس هر کاری بکند اینجا، همین کار را در آنجا خواهد دید. نظیر دواهایی که انسان اینجا می خورد، یا سمهایی که انسان می خورد در اینجا آثارش را می بیند، این هم در آنجا خود عمل را می بیند. آنجا دیگر انسـان خودش را بینـد. بنابراین، عقل انسان اقتضا می کنـد که این چنـد روزی که در اینجا هست، این عمرش را به هـدر ندهد که از بین برود؛ بالاتر اینکه در راه شر و در راه بد خرج نکند که وبال گردنش بشود آنجا. اینجا هر چه کار خوب بکنید برای خودتان، برای جامعه تان، این [را]در آنجا ان شاءاللّه می بینید.(۱)

هدف بعثت، تزکیه نفوس و نجات از طغیانگری

اول آیه ای که به رسول اکرم، به حسب روایـات و تواریـخ، وارد شـده است، آیه اقراء باسم ربک(۲) است. این آیه اولین آیه ای است که، به حسب نقـل جبرئیـل بر رسـول اکرم خوانـده است و از اول به «قرائت» و به تعلم دعـوت شـده است. اقراء باسـم ربک الـذی خلق و در همین سوره است که کلا ان الانسان لیطغی، ان رآه اسـتغنی.(۳) این سـوره اولین مورد وحی است و در اولین نزول وحی این آیه در این سوره وارد شده است که کلا ان الانسان

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۹ تا ۳۰.

۲- ۲. سوره علق، آیه ۱: بخوان به نام پروردگارت.

۳- ۳. سوره علق، آیه ۷-۶: حقا که آدمی نافرمانی می کند، هرگاه که خویشتن را بی نیاز بیند.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لیطغی، ان رآه استغنی. معلوم می شود که طغیان و طاغوت بودن از اموری است که در راس امور است و برای طاغوت زدایی باید تعلیم «کتاب» و «حکمت» و تعلم «کتاب» و «حکمت» کرد و «تزکیه» کرد. انسان این طوری است، وضع روحی همه انسانها این طور است که تا یک استغنایی پیدا می کند طغیان می کند؛ استغنای مالی پیدا می کند، به حسب همان مقدار طغیان پیدا می کند، استغنای علمی پیدا می کند، به همان مقدار طغیان پیدا می کند، مقام پیدا می کند، به مقداری که مقام پیدا کرده است طغیان می کند. فرعون را که خدای تبارک و تعالی «طاغی» می گوید هست برای همین است که مقام پیدا کرده بود و انگیزه الهی در او نبود و این مقام او را به طغیان کشیده بود. کسانی که چیزهایی که مربوط به دنیاست و آنها را بدون تزکیه نفس پیدا می کنند، هرچه پیدا بکنند، طغیانشان زیادتر خواهد شد و وبال این مال و این منال و این مقام و این جاه و این مسند از چیزهایی است که موجب گرفتاریهای انسان است در اینجا و بیشتر در آنجا. انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیانها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم. اگر این توفیق برای همگان حاصل شد، دنیا یک نوری می شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق. تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست، ریشه اش همان طغیانی است که در نفس هست. ریشه این است که انسان دیده است که خودش یک مقام دارد طغیان کرده است و چون قانع نمی شود به آن مقام، این طغیان اسباب تجاوز می شود، تجاوز که شد، اختلاف حاصل می شود و این فرق

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نمی کنـد، از آن مرتبه نازلش طغیان است تا آن مرتبه عالی آن. از مرتبه نازلی که دریک روسـتا بین افراد اختلاف حاصل می شود ریشه آن همین طغیـان است، تـا مرتبه بالاتر و هرچه بالاتر برود طغیان زیادتر می شود. فرعونی که طغیان کرد «و انا ربکم الاعلی»(۱) گفت، این انگیزه در همه است، فقـط در فرعـون نیست. اگر انسـان را سـر خود بگذارنـد، انـا ربکم الاـعلی خواهد گفت. انگیزه بعثت این است که این نفوس سـرکش را و این نفوس طاغی را و یاغی را از آن سرکشـی و از آن طغیان و از آن یاغیگری کنترل کند و تزکیه کند نفوس را ... .

غایت بعثت این تزکیه است، غایت آمدن انبیا این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم. اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاهت، در صحنه سیاست، در هر صـحنه ای که وارد بشوند، اشخاصـی که تزکیه نشدند و تصـفیه نشدند و از این شـیطان باطن رها نشدند، خطر اینها بر بشـر خطرهـای بزرگ است. و بایـد کسـانی که می خواهنـد در این عالم تربیت کننـد دیگران را، قبلا خودشان تزکیه شـده باشـند، تربیت شـده باشـند و کسانی که در بشـر می خواهنـد زمامـداری کنند اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شـیطانی نکنند، باید تزکیه کنند خودشان را و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند.(۲)

۱- ۱. سوره نازعات، آیه ۲۴: من پروردگار برتر شما هستم.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۴ ص ۳۸۹ تا ۳۹۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ضرورت و اهمیّت تزکیه برای دولتمردان

تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای روسای جمهور، برای دولتها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا کنند، یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند، یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته اند، این گاهی یک کشور را به فساد می کشد و گاهی کشورها را به فساد می کشد. این طغیانها که موجب این است که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که تزکیه نشده است کسی که زمام امور به دستش است. شما مقایسه کنید صدام را با یک نفر آدم عادی؛ یک نفر آدم عادی هرچه طغیان بکند و هر چه فرعونیت داشته باشد جز اینکه یک افراد معدودی را به تباهی بکشد یا خانواده خودش را به تباهی بکشد کار دیگری از او نمی آید، اما صدام را ببینید که طغیان کرده است و طاغی است و این طغیان موجب به فساد کشیدن یک مملکت، دو مملکت، بلکه منطقه ممکن است بشود و اگر این طغیان در رئیسهای جمهور بزرگ دنیا باشد، اگر رئیس جمهور امریکا طغیان بکند طغیان او یک کشورهای بسیار را به فساد می کشد. جنگهای بزرگی که در دنیا واقع شد، مثل جنگ اول و جنگ دوم، برای همین بود که طغیان در آن طبقه بالا ـ بود. آن طبقه بالا ـ که مهذب نبودند طغیان کردند و کشورهای بزرگ را به فساد کشاندند. اگر رئیس حزب جمهوری سوسیالیستی شوروی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

طغیان کند، طغیان او محدود نیست به این حدود معین، طغیان او کشورهایی را به فساد می کشد.

کسانی که در یک مقامی هستند، چه مقامهای پایین و چه مقامهای بالا، اگر بخواهند مملکت اصلاح بشود، اگر بخواهند این کشور آرامش پیدا بکند، آنها باید آرامش را از بالا شروع کنند؛ از پایین آرامش نمی شود حاصل بشود. باید اشخاصی که زمامدار امور هستند، هر نحو زمامداری، باید از آنجا آرامش را شروع کنند. آرامش آنها کشور را به آرامش می کشد و اگر خدای نخواسته طغیان کنند، طغیان آنها کشور را به هلاکت می کشاند. آنهایی که برای این کشور دلسوزند، آنهایی که برای اسلام دلسوزند، آنهایی که اسلام را نجات دهنده همه بشر می دانند، باید به تعلیمات اسلام، لااقل به یکی از تعلیمات اسلام توجه کنند و آن اینکه ان الانسان لیطغی، ان رآه استغنی. آنهایی که بعثت را یک بعثت الهی دانند و انگیزه بعثت را هدایت همه خلق می دانند، باید به غایت بعثت توجه کنند، به انگیزه بعثت توجه کنند که خود خدا انگیزه بعثت را فرموده است، فرموده است: یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه. تزکیه برای این است که نور هدایت در انسان واقع بشود. تا تزکیه نشدید، طغیان برای شما حاصل خواهد شد. تا تزکیه نشده اید، علم برای شما خطرناک است، خطرناکتر از هر چیزی. تا تزکیه نشده اید، مقام برای شما خطرناک است و شما را به هلاکت دنیایی و اخروی می کشاند. کوشش کنید که از این روزی که بعثت شروع شده است، از آن وقتی که بعثت شروع شده است و امروز سالروز این بعثت بزرگ است و این نعمت عظیم الهی است، توجه کنید که بعثت

Presented by: https://jafrilibrary.com/

برای چه بوده، انگیزه بعثت چه بوده است و اگر کسی تخلف کند از انگیزه بعثت چه خواهد شد. انگیزه بعثت تزکیه نفوس بوده است و تزکیه نفوس به این است که خودخواهیها برود از بین، خودبینیها برود از بین، ریاست طلبیها برود از بین، دنیا طلبیها برود از بین، و به جای همه، خدای تبارک و تعالی و هوای برای خدا بنشیند. انگیزه بعثت این است که حکومت خدا در دلهای بشر حکومت کند تا اینکه در جامعه های بشر هم حکومت کند. تا تزکیه در رده های بالا حاصل نشود و تصفیه در رده های بالا حاصل نشود، این مملکت و همه ممالکی که هستند اصلاح نخواهند شد. آنهایی که این انقلاب را مفید می دانند و این انقلاب را پشتیبانی می کنند و این انقلاب را از ملت می دانند و این انقلاب را می خواهند به نتیجه برسد باید آرامش را به هر نحو که هست در کشور ایجاد کنند و این آرامش را از رده بالا ـ باید شروع بشود. مادامی که در رده بالا آرامش نیست، پایینها آرامش پیدا نمی کنند. مادامی که تزکیه در رده بالا نباشد و تصفیه در رده بالا نباشد و خدا خواهی در رده بالا نباشد و فرار از خود در رده بالا ـ واقع نشود، تزکیه نباشد و خودبینیها به جای این تزکیه ها باشند و خودخواهیها به جای تصفیه ها باشند، در رده بالا آرامش حاصل نخواهد شد و هرچه فریاد بزنید که آتش بس، نخواهد شد.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۹۱ تا ۳۹۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خودسازی مسئولان، زمینه ساز برقراری حکومت عدل

جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است. تمام قشرهای ملت ما و همه ملتها احتیاج به تربیت و تزکیه دارند، احتیاج به تعلیماتی که از ناحیه انبیا آمده است دارند. مجرد اینکه ما ادعا بکنیم که جمهوری ما اسلامی است این ادعا پذیرفته نیست. آن وقت جمهوری ما اسلامی می شود و به کمال خودش می رسد که خدای تبارک و تعالی در این ملت و در این کشور حاکم باشد؛ یعنی از آن نقطه اولی تا آن آخر حکومت، حکومت الهی باشد. سردمداران، همه الهی باشند. کسانی که در راس حکومت هستند، کسانی که در راس امور هستند الهی باشند، از نفسانیت خارج شده باشند، خود را نبینند، شخصیت خود را نبینند، چون نه خودی دارند و نه شخصیتی، هرچه هست از خداست. اگر انسان الهی بشود و ادراک بکند که این بندگان راه خدا، اینها بندگان خدا هستند و باید با آنها آن کرد که خدا راضی است، اگر ما بیدار بشویم و بفهمیم که ما از خدا هستیم و به او رجوع می کنیم انا للّه و انا الیه راجعون(۱) اگر این دو کلمه را ما در زندگی بفهمیم که ما از او هستیم و همه از اوست و ما هیچ هستیم و هیچ نداریم و هرچه داریم از اوست و ما به سوی او برگشت می کنیم و از ما حساب می برند، ما را در حساب واقع کنند، این دو کلمه را اگر ما بفهمیم، با بندگان خدا آن طور که خدا راضی است و آن طور که امر خداست عمل می کنیم. در همه ارگانهای دولتی، در همه بازارهای اسلامی، در همه کوچه و خیابانهای ممالک اسلامی

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶: ما از خداییم، و به سوی او باز می گردیم.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

و در همـه جـا اگر این کلمه الهی وارد بشـود، در کارخـانه هـا وارد بشـود، در مزارع وارد بشـود، در مـدارس وارد بشـود، در وزارتخانه ها وارد بشود، در مجالس شورا و شوراها این دو کلمه اگر وارد شد و ایمان به او آمد، و انسان ادراک کرد این را و ایمان به او آورد؛ یعنی در قلبش واقع شد که ما و همه از خدا هستیم و به او رجوع می کنیم، همه موجودات از خداست و باید با عـدل الهی با آنها رفتار کرد و همه ما برمی گردیم به خـدای تبارک و تعالی، و اگر با عدل الهی رفتار کردیم خدای تبارک و تعالی به ما رحمت بزرگ را وارد می کنـد، و اگر با عـدل الهی رفتار نکردیم، آنجا خـدا با ما با عدل رفتار می کند که هیچ کس نمی تواند از زیر آن بار بیرون برود.(۱)

نقش دین باوری مسئولان در رعایت حقوق بشر

حکومتی می توانـد ادعا بکنـد که حقوق بشـر را حفظ می کنـد که دولتش مبتنی بر یک عقایـد الهی دینی باشد؛ و خودش را مسـئول پیش یک قدرت بزرگ بداند. آن اشخاصـی که خودشان را مسـئول نمی دانند پیش یک قدرتی، قائل نیستند. به یک قدرت بزرگی توجه ندارند، به یک قدرت عظیمی، به یک مسـئولیت واقعی. اینها هر چه ادعا بکنند که ما بشردوست هستیم و ما می خواهیم حقوق بشـر حفظ بشود و ما می خواهیم، ادعاست؛ هیچ واقعیت ندارد. تا آن نقطه اصلی که نقطه اتکاست، خدا نباشد و خوف از او نباشد و خوف از مسئولیت روز جزا نباشد، این بشر هرج و مرج می کند، به تباهی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ۵۰۸ و ۵۰۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کشـد. طبع انسان این است که از همین کارهای خلاف بکند؛ طبعی است. اگر سر خود باشد متعدی است؛ آنی که انسان را به راه می آورد و کنترل می کنـد و راهش را معین می کنـد، آن دیـانت است که می توانـد کنترل کنـد. آن اعتقاد به یک مبـداء و یک معاد است که می توانـد انسان را باز دارد از اینکه در خلوت هم که هیـچ کس نباشـد خلاف نکند. اینهمه حرفها که شـرافت یک شخصـی اقتضای کـذا می کنـد، انسانـدوستی یک شخصـی اقتضای کـذا می کنـد، اینها حرفهایی است که ما باورمان نمی آید که این انساندوستها و این شرافتمندها یک همچو مردمی باشند.(۱)

سعادت بشر در علم همراه با تربیّت

آنها که گمان می کننـد که مـدارس بایـد علم در آن باشـد و دیگر کاری به این مسائل نداریم، باید متخصصـین باشـند، ساده اندیشـند آنهـا. ساده اندیشـی است که انسان گمان کنـد که یک معلمی که انحراف دارد، معلمی که یا طرف شـرق است و یا طرف غرب، یا تربیت شرقی دارد یا تربیت غربی، آن را ما معلم قرار بدهیم از برای این فرزندانی که نفوسشان مثل آینه صیقلی است. و هرچه در او وارد بشود می پـذیرد. سـاده اندیشـی است که ما جوانهای خودمان را به دست معلمی بـدهیم که به طرف شرق می رود و بچه هـای مـا را شـرقی کنـد، یـا به طرف غرب می رود و بچه های ما را غربی کنـد. ساده اندیشـی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص، میزان است و علم،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۰۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

میزان است. علم الهی هم میزان نیست. علم توحید هم میزان نیست. علم فقه و فلسفه هم میزان نیست. هیچ علمی میزان نیست. آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد، که او از مربی القا شده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القا بشود به بشر. آن اگر در همه مدارس ما چه مدارس علوم اسلامی و چه مدارس علوم دیگر اگر در همه آنها این معنا باشد و انحراف در کار نباشد و استقامت باشد، چندی نمی گذرد که همه جوانهای ما که امید آتیه این مملکت هستند، همه اصلاح می شوند. و همه نه شرقی و نه غربی بار می آیند، و همه بر صراط مستقیم واقع می شوند. ساده اندیشی است که ما گمان بکنیم که کافی است برای ما اینکه یک اشخاصی باشند دارای علم، اشخاصی باشند که علم داشته باشند و تربیت، و لااقل علم داشته باشند و انحراف نداشته باشند. فرضا که ما بخواهیم که علم را رواج بدهیم و از علم علما استفاده کنیم، باید علمی باشد و لااقل انحراف نباشد، کار نداشته باشد به شرق و غرب. این طور نباشد که معلمین ما و مربیهای جوانهای ما، تربیت مسکو شده باشند یا تربیت واشنگتن. ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند هر طوری می خواهند باشند. باید بیایند و ما از آنها استفاده کنیم. استفاده توانیم بکنیم اگر مرض ظاهری ما را یک متخصص خوب بکند، امراض باطنی برای ما ایجاد می کند، از یک مرض کم به یک مرض بزرگ، از یک مرض کوچک به یک مرض بزرگ ما را می کشاند. باید توجه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

داشته باشیم ما به همه مسائل.(۱)

سعادت جاودان در گرو تزکیه و طهارت نفس

شما دارای یک نفْس قدوسی هستید. شما دارای یک نفْس مجرد(۲) هستید که اگر چنانچه در خدمت اسلام، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید، آن نفْسِ شما نفْسِ طاهر، زکی و سعادتمند است؛ و هر جا که بشود و هر طور که بشود، آن نفْس زکیه سعادتمندْ سعادتمند است. در شکستها سعادتمند، در مردن [هم] سعادتمند است. مردن انسان، انسان طاهر، اول زندگی انسانی اوست. این جا زندگی حیوانی است، زندگی محدود است. آن زندگانی انسانیِ غیر محدود مال یک عالَمِ غیر محدود است. اگر تصفیه کردید، اگر نفْس خودتان را تطهیر کردید، اگر اعمال خودتان را با قرآن کریم وفق دادید، با احکام اسلام وفق دادید، اگر اخلاق خودتان را اخلاق قرآنی کردید، اگر نفْس خودتان را تصفیه کردید، باک از هیچ چیز نداشته باشید. مردن چیزِ سهلی است، چیز مهمی نیست. این است که حضرت امیر _ سلام اللّه علیه _ مولای همه می فرمود که من به موت آن قدر انس دارم که بیشتر از انسی که بچه به پستان مادرش دارد.(۳) برای این که او فهمیده بود که دنیا چیست و ماورا چیست؛ فهمیده بود که موت یعنی چه، موتْ حیات است. ما شهید دادیم لکن شهیدان ما زنده اند؛ پیش خدا زنده اند، آن جا رزق

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۰۹ تا ۵۱۰.

۲- ۲. نفْس مجرد، روح انسان که از ابعاد و مقادیر مادی خارج است.

۳- ۳. نهج البلاغه، خطبه پنجم.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می خورند؛ ابدی هستند آنها.(۱) و ما هم از خدا می خواهیم که موفق به شـهادت بشویم. یک آنْ است و سـعادت همیشگی. زحمت یک آنْ، سعادت همیشگی دنبالش؛ سعادت همیشگی.(۲)

جهاد با نفس، جهاد اکبر

کشور ما و ملت ما احتیاج به سازنـدگی دارد. سازنـدگیهای روحی مقدم بر همه سازندگیهاست. جهاد سازندگی از خود افراد بایـد شـروع بشود و خودشان را بسازند و با شـیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشاء همه جهادهایی است که بعد واقع می شود. انسان تا خودش را نسازد نمی توانـد دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود.

جهـاد نفس، جهاد اکبر است. برای اینکه همه جهادها اگر بخواهـد نتیجه داشـته باشـد و بخواهـد انسان در جهادها پیروز بشود موکول به این است که در جهـاد نفس پیروز باشـد. اگر انسانهـا توجه به خودشان داشـته باشـند، جهاد نکرده باشـند با شـیطان خودشان، اینها واحد واحدهایی هستند که علاوه بر اینکه نمی توانند اصلاح جامعه را بکنند، فساد هم در جامعه می کنند. همه فسادهـایی که در عالم واقع می شود، برای این است که آن جهاد واقع نشـده؛ آن جهاد اکبر واقع نشـده. تمام این گرفتاریهایی که بشر دارد از دست خود بشر دارد. بشر است که به بشر جنایت وارد می کند. سایر موجودات، سایر

۱- ۱. اشاره به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۱۰ تا ۳۱۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حیوانات ولو سبع هم باشند، آن قدری که بشر جنایت می کند آنها نمی کنند. این بشر است که چون اصلاح نشده است و جهاد سازندگی نکرده است، این از همه حیوانات سبعتر است. هیچ سبعی مثل انسان نیست. و هیچ حیوان دیگری هم به پای این حیوان نمی رسد.(۱)

سازندگی درونی، گامی در راه نور و روشنایی

باید بسازیم خودمان را، جدیت کنید که این جهاد سازندگی را از خودتان شروع کنید. وقتی از خودتان شروع کردید هر کاری بکنید، این کاری است الهی. وقتی خودتان را ساختید، تمام کارهایتان کارهای الهی می شود. برای اینکه از ظلمتها بیرون رفته اید. در نور وارد شده اید. همه اعمالتان نورانی می شود. حرف که می زنید نور است. با گوش هم که می شنوید نور است. با قلبتان هم ادراک می کنید و با نور ادراک می کنید. اصلا شما شده اید نور.

انبیا آمدند که ما اشخاصی که از نور بهره ای نداریم و ظلمات به ما احاطه کرده است از هر طرف ما را، از این ظلمتهای گوناگون نجات بدهند و برسانند به عالم نور، که اگر رسیدید به عالم نور، شما سر تا پایتان نورانی می شوید؛ نور می شوید. اصلش حرفی که می زنید نورانی است. حرفی که می شنوید نورانی است. گوش و سمع و بصر نورانی است همه گوش خودت را رها کرده ای، یک گوش نورانی پیدا کرده ای. چشم ظلمانی را رها

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کرده ای، یک چشم نورانی پیدا کرده ای. چشمی است که با آن توجه به خدا دارید. گوشی است که با آن توجه به خدا دارید.(۱)

لزوم رشد قوای روحانی

انسان اگر آن جهت روحانیت اسلام را، آن جهت معنویت اسلام را حفظ بکند، یک آدم می شود صد تا؛ یک آدم می شود هزار تا. مالک اشتر(۲) یک نفر نبود، مالک اشتر یک آدمی بود که یک لشکر بود و بیشتر. حضرت امیر علیه السلام یک نفر نبود؛ همه عالم بود؛ همه چیز بود، روی آن جهات معنویت و واقعیتی که داشت. انسان مادامی که توجهش به همین مادیات دنیا و جهات پایین است یک نفر است؛ آن هم یک نفر حیوان! ما با حیوانات در این معنا شرکت داریم که همه می خوریم و می خوابیم؛ این کارهای حیوانی را می کنیم. آنی که امتیاز می دهد شما را و همه ما را از حیوانات، آن معانی است که در انسان موجود است، بالقوه موجود است؛ و باید بالفعل بشود. آن حظ الهی و روحانی است که در انسان موجود است و باید رشد بدهد. اگر چنانچه آن حظ معنوی را رشد دادید، یکی تان یک فوج می شوید. یک نفر، دیگر نیستید. «یکی» می شود، یک موجود، می شود موجودات. یک قطره می شود دریا.(۳)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۳ تا ۳۸۴.

۲- ۲. از سران سپاه و یاران حضرت علی علیه السلام.

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۷۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کوشش برای تقویت معنویت و سرکوب نفسانیّت

باید ما کوشش کنیم که این معنویت را تقویت کنیم و این نفسانیت را هرچه توانیم سرکوب کنیم. اگر این حل بشود همه چیز حل است. اختلافات روی همین معنا است. هیچ اختلافی در عالم واقع نمی شود الا اینکه مبنایش این است. شیطان هم روز اول گفت «خلقتنی من نار و خلقته من طین»(۱) من از او بهترم، تخلف خدا را کرد گفت، حاصل، به خدا گفت من بهترم و این ارث شیطانی، ارث است برای همه ما. همه آن چیزی را که در خود می بینند، آن را بالاتر از دیگران می بینند. اگر همان مطلب در دیگری باشد کوچک می بینند، وقتی در خودشان هست بزرگ می بینند، عیب خودشان را نادیده می گیرند، عیب کوچک دیگران را بزرگ شمارند. اینها همان فطرتی است، فطرت الهی است که ما به راه کج کشیده ایم او را کل مولود یولد علی الفطره(۲) مگر اینکه الا ان ابواه شاید هم ابویه باشد لکن حدیث اینطوری است یهودانه او ینصرانه او یمجسانه(۳) و همین طور همه چیز، فطرت بر توحید است، لکن وقتی که دست شیطان به انسان می رسد منحرفش کند. اگر این حکومت اسلامی دست مثلا یک دسته دیگری بود گفتند خیلی خوب است، حالا که نیست دست آنها می گویند خیلی بد است. اگر این قوه قضایی که این قدر خدمت کرده است، دست یک دسته دیگری بود می گفتند خیلی ما خدمت کردیم، حالا که دست آنها نیست می گویند این قوه قضایی نیست، این ظلم

۱- ۱. سوره اعراف، آیه ۱۲: «مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای ».

۲- ۲. «هر زاده شده ای بر اساس فطرت پاک زاده می شود». عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۸.

۳- ۳. «مگر اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی و یا مجوسی می گردانند».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است، نه عـدل. این برای همان است که باطن ذات انسان تهـذیب نشـده که عدل را برای عدل بخواهد، نه برای خود. و ما اگر عدل هم بخواهیم، برای خودمان می خواهیم خودمان را نباید بازی بدهیم. ما هر چی می خواهیم برای خودمان می خواهیم. ما عـدل را برای عـدلش دوست نـداریم، اگر این عدل برای ما جاری بشود و خلاف ما باشد دشـمن با آن عدل هستیم. اگر یک ظلمی بـه نفـع مـا باشـد دوست آن ظلم هسـتیم. همه اینهـا ریشه اش در خـود انسـان است، اگر این ریشه کنـده بشـود و لااقل تضـعیف بشود، کارها حل می شود، همه با هم دوست می شوند، ایراد به هم نمی گیرند، کمک هم می کنند. اگر یک کسی قیـام به یـک امری کرد، دیگران زیر بغلش را می گیرنـد، وقتی می بیننـد می خواهـد یک کاری بکنـد. اگر یک ارگانی یک تصـمیم مثبـتی بگیرد، دیگران کـه می بیننـد ایـن خـوب اسـت می رونـد دنبـالش. و اگر آن ریشـه فاسـد در قلب انسـان باشـد صددرصد هم عدل بداند می گوید این درست نیست. آن ریشه فاسد منحرف می کند انسان را.(۱)

تربیّت انسان، نقطه شروع تمام اصلاحات

هر اصـلاحی نقطه اولش خود انسان است. چنانچه خود انسان تربیت نشودتواند دیگران را تربیت کند. و شما دیدید که در این طول سـلطنتها از اول تا حالا و این سـلطنتهای اخیری که بسـیاریتان همه اش را درک کردید و بعضـی از شما بعضی اش را که چون کارها دست اشخاصی بود که تربیت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳۱ تا ۵۳۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اسلامی نداشتند و خودشان درست نشده بودند، برای خاطر همین نقیصه بزرگ، کشور ما را کشاندند به آنجایی که ملاحظه می کنید و ملت ما را هم کشاندند به آنجایی که سالها باید طول بکشد تا اینکه ان شاءاللّه، اصلاح بشود. از این جهت، آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست باشد و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دوممان بهتر از روز اولمان باشد. و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن، مجاهده برای ساختن یک کشور. و ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان ما، به زندگی صحیح رفاهی و به تربیتهای صحیح اسلامی انسانی برسند.(۱)

مقاومت انسانهای مهذب در برابر تهدید و تطمیع

باید از حالا که نفوس شما یک نفوس نزدیک به ملکوت است، یک نفوسی است که زیاد وارد در این بند و بستهای دنیای نشده است، از آلودگی الان کمتر آلوده است از حالا به فکر باشید که خودتان را اصلاح کنید و خودتان را تهذیب کنید برای آتیه مملکت.

اگر شماها مهذب شدید، قشر دانشگاهی، قشر علما مهذب شدند مملکت مهذب می شود. اگر مملکت مهذب شد، مملکت مهذب زیر بار ظلم نمی رود، زیر بار استعمار نمی رود. همه این مفاسد برای این است که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۹۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فاسد هستند قشرها که به واسطه فرض کنید که وعده های دیگران یا به واسطه زور دیگران زیر بارروند، اگر مهذب باشند نه وعده دیگران در آنها تاثیر می کند، نه ارعاب دیگران درشان تاثیر می کند.(۱)

غیر مهذبها، پر ضررترین افراد برای اسلام

ما باید ببینیم که بیشتر صدمه ای که اسلام خورده است از چه خورده است و از چه گروهی و بیشتر چیزی که اسلام به او اهمیت داده است چه امری است تا راه باز بشود برای کوشش ما که در این امری که اهتمام دارد اسلام در آن، کوشش کنیم و جلوی آن چیزهایی که بر اسلام وارد شده است، صدماتی که بر اسلام وارد شده است، ان شاءاللّه، جلویش گرفته بشود. من گمان می کنم که آن چیزی که به اسلام بیشتر از همه چیز ضرر زده است عدم تربیت صحیح است، تحقق پیدا نکردن تهذیب و اخلاق اسلامی است. اگر شما در طول تاریخ اسلام بلکه همه انبیا توجه کنید و البته توجه دارید، آن قدری که اسلام از این اشخاص منحرف و غیر مهذب صدمه خورده است و تمام ادیان صدمه دیده اند، از هیچ چیز دیگر ندیده اند. اصل اساس آن چیزی که به مکتبهای توحیدی ضرر رسانده است و مانع شده است از اینکه رشد پیدا کنند، همین غیر مهذب بودن بود؛ گاهی از طرف اشخاصی که علم دارند و مهذب نیستند و بیشتر هم از طرف اشخاصی که جاهل بودند و مهذب نبودند. و معلوم نیست که آن قدری که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۵۹ تا ۲۶۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

از طرف عالم غیر مهذب اسلام صدمه دیده است، از طرف جهال غیر مهذب با اینکه عددشان زیاد است صدمه دیده است، از طرف جاهل غیر مهذب با اینکه عددشان زیاد است صدمه دیده باشد. تمام مکتبهای انحرافی را اشخاص دانشمند و ملا ایجاد کردند؛ چه آن چیزهایی که مذهب سازی بوده است، آنها هم اشخاص عالمی بودند که مذهب درست کردند؛ مذهبهای انحرافی، و چه مکتبهای سیاسی که آنها هم از جانب اشخاص دانشمند و عالم بوده است. و آنقدری که به مکتبهای توحیدی از این سنخ جمعیت که عالم بودند و همه جور علمی هم شاید می دانستند، صدمه خورده است، از هیچ طایفه ای نخورده است.(۱)

نجات کشور و ملت در پرتو معنویات

کسی که به خدا اعتقاد نداشته باشد، کسی که به روز جزا اعتقاد نداشته باشد، این نمی شود که برای کشورش مفید واقع بشود. ممکن است یکی دو تا پیدا بشود اما ما صحبتمان سر توده مردم است.

مردمی می توانند کشور خودشان را حفظ کنند، مردمی می توانند مملکت و ملت خودشان را نجات بدهند که معنویت داشته باشند. اگر معنویت در کار نباشد و همه مربوط به مادیت باشد، هر جا آخور بهتر است سر آن آخور می روند ولو اینکه آن آخور را امریکا برایش درست کند. اینهایی که خیانت به مملکت ما کردند و همه چیز ما را بردند، اینها پیششان فرق

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۰۳ تا ۵۰۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نمی کرد که امریکا به آنها مادیت را بدهـد، پارک و نمی دانم دسـتگاه را بدهند، یا از یک راه صـحیحی باشد. راه صـحیح و غیر صـحیح پیش آنها فرقی نمی کند. آنها اتومبیل می خواهند: اتومبیل از دست پیغمبر به آنها برسد یا از دست ابوجهل برسـد فرقی نمی کنـد؛ به او کـار ندارنـد، به اتومبیـل کـار دارنـد. اینهـایی که به مملکت مـا خیـانت کردنـد و مملکت ما را به تباهی کشاندنـد، آن بودند که ایمان نداشـتند. اگر در بین آنها یک نفر ایمان داشت، آن یک نفر این کارها را نمی کرد. آنهایی که خوردنـد و بردند و ما را به تباهی کشاندند، آنهایی بودند که به اسـلام کار نداشـتند، اعتقاد نداشـتند؛ به ماورای طبیعت اعتقاد نداشـتند، به معنویـات عقیـده نداشـتند. آنها می گفتنـد همین چهار روز زنـدگی است؛ پس هر چه هست بهتر، مرفه تر؛ از هر راهی می خواهد باشد.(۱)

حب نفس، منشأ تمام فسادها در طول تاریخ

آن چیزی که دنیا را تهدید می کند، سـلاحها و سـر نیزه ها و موشکها و امثال این نیست. آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراشـیبی انحطاط قرار می دهـد، انحراف اخلاقی است. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ یک از این سـلاحهای جنگی به حال بشـر ضرر ندارد. آن چیزی که دارد این انسانها را و این کشورها را رو به هلاکت و رو به انحطاط می کشاند، این انحطاطهایی است که در سران کشورها و در دست به کارهای این

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۶۳ تا ۴۶۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حکومتها، از انحطاط اخلاقی، دارد تحقق پیدا می کند و همه بشر را دارد سوق می دهد به سراشیب انحطاط و نمی دانیم که عاقبت امر این بشر چه خواهد شد. شما ملاحظه بفرمایید که این سلاحهایی بزرگ مدرن، که الان در دست ابر قدرتهاست، این سلاحها در چه امری از امور کار می رود؟ آیا برای خیر بشر است؟ برای تامین صلح است، چنانچه مدعی هستند؟ یا برای هلاکت بشر و برای خودخواهیهایی که این سران دارند؟ اینکه در رویات ما هست که حب الدنیا راس کل خطیئه(۱) این یک واقعیتی است. و اساس حب دنیا هم، ریشه حب دنیا هم حب نفس است که آن هم حب دنیاست. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است، از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تاکنون و تا آخر، منشاش همین حب نفس است. از حب نفس است که حب به جاه، حب به مقام، حب به مال و حب به همه انگیزه های شهوانی پیدا می شود. و انبیا اساس کارشان این بوده است که این حب نفس را تا آن مقدار که ممکن است سرکوب کنند و نفسها را مهار کنند. و انبیا هم آن طوری که می خواستند موفق نشدند، و تا آخر هم نتوانستند آن طوری که دلخواه آنهاست، تحقق پیدا کند و در حکومت عدل بقیه اللّه هم عدالت جاری می شود، لکن حبهای نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است، و همان حبهای نفسانی است که بعض روایات هست که حضرت مهدی سلام اللّه علیه را تکفیر می کنند.(۲) حقیقتا راس همه خطاها، خطیئتها همین

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۱.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹، ح ۲۰۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خودخواهی هاست و تا این خودخواهی ها در بشر هست، این جنگها و این فسادها و این ظلمها و ستمگریها هست. و انبیا اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند، برای این است که؛ حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزشهای معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند، جامعه را مهار می کند و تا حد زیادی اصلاح می کند. و اگر حکومتها به دست جباران باشد، به دست منحرفان باشد، به دست اشخاصی باشد که ارزشها را در آمال نفسانی خودشان می دانند، ارزشهای انسانی را هم گمان می کنند که همین سلطه جوئیها و شهوات است، تا این حکومتها برقرار هستند، بشریت رو به انحطاط است، و اگر آمال انبیا در یک کشوری تحقق پیدا بکند آن ولو بعض آمال انبیا آن کشور رو به اصلاح می رود.(۱)

حب نفس و خودخواهی، منشأ و ریشه حب دنیا

پسرم! آنچه مورد نکوهش و سرمایه و اساس شقاوت ها و بدبختی ها و هلاکت ها و راس تمام خطاها و خطیئه ها است حب دنیا است که از حب نفس نشات گیرد. عالم ملک مورد نکوهش نیست بلکه مظهر حق و مقام ربوبیت او است و مهبط ملائکه اللّه و مسجد و تربیت گاه انبیا و اولیا علیهم السلام است و عبادتگاه صلحا و محل جلوه حق بر قلوب شیفتگان محبوب حقیقی، و حب به آن اگر ناشی از حب به خدا باشد و به عنوان جلوه او

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۶۱ تا ۱۶۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جل و علا باشـد، مطلوب و موجب کمال است و اگر ناشـی از حب به نفس باشـد راس همه خطیئه ها است، پس دنیای مذموم در خود تو است، علاقه ها و دلبستگی ها به غیر صاحب دل موجب سقوط است. همه مخالفت ها با خدا و ابتلا به معصیت ها و جنـایت هـا و خیانت ها از حب خود است، که حب دنیا و زخارف آن و حب مقام و جاه و مال و منال از آن نشات می گیرد در عین حال که هیـچ دلی به غیر صاحب دل به حسب فطرت بستگی نتوانـد داشت لکن این حجاب های ظلمانی و نورانی که ما را و همه را از صاحب دل غافل دارد و به گمان و اشـتباه خود، غیر صاحب دل را دلدار می داند، ظلمات فوق ظلمات است. ما و امثال ما به حجاب های نورانی نرسـیدیم و در حجاب های ظلمانی اسیر هستیم. آنکه گوید: هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصـار قلوبنـا بضـیاء نظرهـا الیـک حتی تخرق ابصـار القلوب حجب النور فتصل الی معـدن العظمه از حجاب های ظلمانی گذشـته است شیطان که در مقابل امر خدا ایستاد و به آدم خضوع نکرد، در حجاب ظلمانی خود بزرگ بینی بود و خلقتنی من نـار و انا خیر منه(۱) گویـان از سـاحت ربوبی مردود شـد، و مـا نیز تـا در حجـاب خودی هستیم و خودبین و خودخواه هستیم، شیطانی هستیم و از محضر رحمان مطرود، و چه مشکل است شکستن این بت بزرگ که مادر بت ها است!

و ما تا خاضع او و فرمانبردار او هستیم خاضع برای خدا و فرمانبردار او جل و علا نیستیم و تا این بت شکسته نشود حجاب های ظلمانی دریده و

۱- ۱. مرا از آتش آفریدی و من از او برترم. اشاره است به آیه ۱۲، سوره اعراف.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

برداشته نشود. اول باید بدانیم که حجاب چیست که اگر ندانیم، نخواهیم توانست درصدد رفعش یا لااقل تضعیفش برآییم و یا لااقل هر روز به غلظت و قوت آن نیفزاییم. در حدیثی است که «بعض اصحاب رسول اللّه صلی الله علیه و آله خدمت ایشان بودند صدایی به گوششان رسید، سئوال کردند: چه صدایی است؟ فرمودند: صدای سنگی بود که هفتاد سال قبل، از لب جهنم حرکت کرده بود و حال به قعر جهنم رسید، آنگاه مطلع شدند که کافری هفتاد ساله مرده است».(۱) اگر حدیث صادر شده باشد، شاید آن بعض از اهل حال بوده یا با تصرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به گوششان رسیده، برای تنبیه غافلان و هوشیار جاهلان، اگر هم حدیث که الفاظش را یاد ندارم صادر نشده باشد لکن مطلب همین است، ما یک عمر رو به جهنم سیر می کنیم و یک عمر نماز که بزرگ ترین یادگاه خدای متعال است پشت به حق و خانه او جل و علا و رو به خود و خانه نفس به جا می آوریم و چه دردناک است که نماز ما که باید معراج ما باشد و ما را به سوی او و بهشت لقای او برد به سوی خود ما و تبعیدگاه جهنم برد.

پسرم! این اشارت ها نه برای آن است که امثال من و شما راهی برای معرفت اللّه و عبادت اللّه به آن گونه که حق او است، پیدا کنیم با آن که از اعرف موجودات به حق تعالی و حق عبادت و بندگی او جل و علا نقل شده است: ما عرفنا حق معرفت و ما عبدنا حق عبادتک(۲) بلکه برای آن

۱- ۱. علم الیقین ۲: ۱۰۰۲، مسند احمد بن حنبل، ۲: ۳۷۱.

۲- ۲. آن چنانکه حق معرفت تو است، تو را نشناختیم و آنگونه که حق عبادت تو است، تو را عبادت نکردیم. مرآه العقول ۸: ۱۴۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است که عجز خویش را بفهمیم و نـاچیزی خود را درک کنیم و خاک بر فرق انانیت و انیت خود ریزیم بلکه از سرکشـی این غول بکاهیم، باشد که توفیق یابیم مهاری و لگامی بر او زنیم، که از خطر عظیمی که جان را یادش می سوزاند، رهایی یابیم.

وهان! آن خطر که در لحظات آخر جـدایی از این عالم و کوچ به سوی جایگاه ابـدی است، آن است که آن کس که مبتلا به حب نفس است و دنبـال آن حب دنیـا بـا ابعـاد مختلف آن است که در حـال احتضار و کوچ بعض امور بر انسان ممکن اسـت کشف شود و دریابد که مامور خداوند او را از محبوب و معشوق او جدا می کند، با دشـمنی خدا و غضب و نفرت از او جل و علا کوچ کند و این عاقبت و پیامد حب نفس و دنیا است.(۱)

مقدم بودن تزکیه و تهذیب بر همه امور

بـدانیم که ارث شـیطان، خودبینی است. تمام فسادهایی که در عالم واقع می شود، چه فسادها از افراد و چه فسادها از حکومت ها و چه در اجتماع، تمام فسادها زیر سر همین ارث شیطان است. و تمام مفسده هایی که در عالم پیدا می شود، از این بیماری خودبینی است. چه در کنج خانه کسـی نشسـته باشد و به عبادت مشـغول باشد، اگر خودبینی بکند، ارث شیطان را دارد، و چه در جامعه باشد و با مردم تماس داشته باشد، این هم اگر فسادی از آن حاصل بشود، از خودخواهی و خودبینی خودش است، و چه

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۳ تا ۲۱۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حکومت هایی که در عالم حکومت می کنند؛ از اولی که حکومت در دنیا تاسیس شده است تا حالا، هر فسادی واقع شده از این خصیصه است.

دردها دوا نمی شود، الا با این که این خصیصه شیطانی از بین برود. کسی بخواهد درد خودش را شخصا دوا کند، باید این خصیصه را از بین ببرد؛ باید ریاضت بکشد و خودش را بزرگ حساب نکند؛ نگوید من عالمم، نگوید من خودم مقدس هستم چنانچه ملائکه می گفتند نگوید من ثروتمندم، نگوید من زاهدم، نگوید من عارفم، نگوید من موحدم. در هریک از اینها، ولو آن علم اعلایی که علم فلسفه یا عرفان است، اگر این خصیصه شیطانی باشد، حجاب است؛ «العلم حجاب الاکبر»(۱). و اگر کسی بخواهد معالجه کند خودش را، باید این خصیصه را به آن توجه بکند و بسیار مشکل است معارضه با این خصیصه. اگر بخواهد کسی تهذیب بشود، با علم تهذیب نمی شود؛ علم انسان را تهذیب کند. گاهی علم، انسان را به جهنم می فرستد؛ گاهی علم توحید انسان را به جهنم می فرستد؛ گاهی علم عرفان انسان را به جهنم می رساند؛ گاهی علم فقه انسان را به جهنم می فرستد؛ گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم می فرستد. با علم درست نمی شود. تزکیه می خواهد یزکیهم(۲) تزکیه مقدم است بر همه چیز. طلبه ای که در مدرسه درس می خواند، همدوش با درس، همقدم با درس تزکیه لازم دارد. امام جمعه ای که می خواهد هدایت کند مردم را، باید تزکیه خودش را کند تا بتواند هدایت کند. دولتی که بخواهد مردم را وادار به کار خوب بکند

۱- ۱. «علم بزرگترین حجاب است ».

۲- ۲. اشاره است به آیه ۲ سوره جمعه.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بایـد تزکیه بکنـد خودش را. عـارفی که بخواهـد مردم را به معارف الهیه دعوت کنـد، تا خودش را تزکیه نکنـد این قـدرت را ندارد. فیلسوفی که بخواهد توحید را به مردم بیاموزد، تا این خصیصه شیطانی در او هست، این عمل را نمی تواند انجام بدهد؛ یعنی، زبان، زبان شـیطان است و توحید می گوید و دل، دل شیطان است که توحید را دریافت کرده است، و قلب، قلب شیطان است که فقه را آموخته و فقه را تعلیم می کند. تا این خصـیصه هست، تمام امور لنگ است در اشخاصی که بخواهند خودشان را تهذیب کنند، یا اشخاصی که بخواهند جامعه را تهذیب کنند.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۳۳ تا ۱۳۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل دوم: راهها و عوامل مؤثر در خودسازی

وارستگی نفس منشأ همه کمالات

شما باید خودتان را بسازید، و بعد ملت را بسازید. خودسازی به اینکه تمام ابعادی که انسان دارد، و انبیا آمدند برای تربیت آن تمام ابعاد را ترقی دهید؛ جنبه علمی، همه ابعاد علم؛ جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق؛ تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا؛ که سرمنشا همه کمالات وارسته شدن نفس از تعلقات است، و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسانها باز می دارد، و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی انسان را به مقام انسانیت می رساند. انبیا هم برای همین دو جهت آمده بودند: بیرون کردن مردم از تعلقات، و تشبث به مقام ربوبیت.(۱)

علم و عمل دو بال برای پرواز روحی

علم تنها اثر ندارد؛ بلکه گاهی مضر است. عمل بدون علم بی نتیجه است. علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. علم به همه شئون و عمل عمل نفسانی، عمل جسمانی، عمل عقلانی انسان را به مراتب انسانیت رساند. امید است که شما آقایان در خلال تحصیل، توجه به این مطلب داشته باشید که در مدرسه ها منزه کنید خودتان را از تعلقات

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دنیـا. تمـام گرفتاریهـای بشـر از این تعلقـات است. اگر این تعلقـات نبـود، اگر این توجه به دنیـا و تعلق به دنیـا نبود، مـا اینقـدر گرفتاری در ظرف بیش از پنجاه سال و قریب شصت سال نداشتیم. محمدرضا پهلوی به واسطه تعلقی که به دنیا داشت، نفسش غیر از دنیا چیزی فهمید، سرمنشاء اینهمه فساد برای ملت و اینهمه بدبختی برای خودش شد. دوستان او، که جنود شیطان بودند، برای تعلقی که به دنیا داشـتند، که نفوسـشان غیر از دنیا ادراک نمی کرد به واسطه همین تعلق منشاء اینهمه بدبختی برای ملت، و بـدتر آنکه برای خودشان شدنـد. هم بـدبخت کردنـد ملت را و به باد دادند همه چیز ملت را؛ و هم بدبخت کردند خودشان را.(۱)

اصلاح نفس قبل از اصلاح دیگران

مبداء همه خطرها برای انسان خود آدم است، و مبداء اصـلاح هم از خود آدم باید شروع شود. و نمی شود که یک واعظی که خودش اصـلاح نشده بتواند دیگران را اصـلاح کند. و آن واعظی می تواند موعظه کند که در باطنش هم موعظه شده باشد. و همین طور هر کس که می خواهـد صـحبت کنـد باید توجه کند که چه می خواهد بگوید. آیا در این چیز رضای خدا هست؟ آیا دعوت به خودش هست یا دعوت به خـدا؟ بعـد هم که صـحبت کرد، بنشـیند که آیا این صـحبت برای این بود یا برای آن. این راهی است برای سیر انسان به خدا که مراقبت کند از خودش و بعد از مراقبت،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۷ تا ۲۶۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

محاسبه نماید.(۱)

باید شیطانها را بشناسید. تا نشناسید نمی توانید دفاع کنید از خودتان. شیطان خودتان را بشناسید. شیطان باطن خودتان را بشناسید. شیطانهای خارجی را هم بشناسید، تا بتوانید با آنها جهاد کنید. شیطان باطنی انسان خود آدم است. خود انسان. آن نفسیت انسان. آن هواهای انسان. اینها قشرهای شیطانی است در انسان. جنود شیطانند اینها. آن را تا نشناسد انسان نمی تواند با آن مجاهده بکند. این انسانهایی هم که شیطانهایی هستند که مانع از این هستند که این اسلام تحقق پیدا بکند در اینجا، و یک رژیم انسانی اسلامی پیدا بشود. آن رژیمی که انبیاخواستند، آن رژیمی که اولیای خدا می خواستند، همه زحمتهایشان برای این بود که انسان درست کنند. انسان که درست بشود رژیم حکومتی اش هم درست می شود. چیزهای دیگرش هم همه چیز درست می شود. همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع، و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد. زحمتهای انبیا برای این بود. اینها زحمتهای انبیا را می خواهند هدر بدهند.(۲)

توجه به بیماری خودخواهی، قدم اول درمان

توجه داشته باشید که به این بیماری همه ما مبتلا هستیم، و بیماری

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۹۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۵ تا ۳۸۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عمومی است، الامن عصمه اللّه تعالی.(۱) همه انسانها به این بیماری مبتلا هستند. و آن بیماری منیت است، خودخواهی است. انسان تا آن آخر هم خود خواهیش هست. از این مرض مگر به مدد انبیا علیهم السلام و به مدد خدای تبارک و تعالی نجات پیدا بکند؛ یا لااقل کم بشود این بیماری در او. شما توجه بکنید که حتی الامکان توجه به این بیماری داشته باشید که این طور نشود که شما بگویید ما، و هیچ کس دیگر نه. من هستم، و هیچ کس دیگر نه. این در باطن آدم هست. این طور نیست که کسی بتواند بگوید که نه، در باطن من خودخواهی نیست. این هست، منتها کم و زیاد دارد. اشخاصی دنبال این هستند که معالجه کنند خودشان را. اشخاصی هم نمی خواهند توجه کنند.(۲)

ملاحظه خداوند و رعایت مصلحت

همه خطاهایی که از انسان صادر می شود در اثر همین خودخواهی و غفلت از خداست. انسان باید کوشش کند که این حب نفس را اگر نمی تواند تمام کند کم کند، البته مسئله بسیار مشکلی است و محتاج به ریاضت است، لکن مسئله نشدنی نیست. مشکل است، لکن نشدنی نیست. اگر انسان در هر امری که وارد می شود در آن امر، خودخواهی را کنار بگذارد و مصلحت را ملاحظه بکند و خدا را ملاحظه بکند، هم موفق

۱- ۱. مگر آن کسی که خدا او را در امان داشته است.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می شود و هم از خطراتی که بر این خودخواهی است در امان می ماند.(۱)

تفکر در عظمت خلقت و خالق جهان

عجب و خودپسندی از غایت جهل به حقارت خود و عظمت خالق است. اگر اندکی به عظمت خلقت به اندازه ای که تاکنون بشر با همه پیشرفت علم به شمه ای از آن آگاه شده است تفکر شود، حقارت خود و همه منظومه های شمسی و کهکشانها را ادراک می کند و عظمت خالق آنها را اندکی می فهمد و از عجب و خودبینی و خودپسندی خود اظهار خجلت و احساس جهالت می نماید.(۲)

نماز راستین و درک اسرار مرموز آن

فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ارث شیطان است، که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او جل و علا سر باز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است؛ و شاید آیه شریفه و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین للّه (۳) در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هرکس برای رفع فتنه از

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۴ تا ۱۹۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۵.

۳- ۳. سوره بقره، آیه ۱۹۳: «با آنان پیکار کنید تا فتنه نباشد و دین از آن خدا گردد».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می شود.

پسرم! سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست به بعض مراحل آن. همت کن و از هواهای نفسانیه که حد و حصر ندارد، بکاه، و از خدای متعال جل و علا استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد.

و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دورنمایی از صلاه معراج سید انبیا و عرفا علیه و علیهم و علی آله الصلاه و السلام را مشاهده کردیم؛ که خداوند منان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد. راه بس دور است و بسیار خطرناک و محتاج به زاد و راحله فراوان.(۱)

ایمان راستین باورمندی قلبی

ایمان فقط این نیست که ما اعتقاد داشته باشیم که خدایی هست و پیغمبری هست و چه، نه، ایمان یک مسئله ای بالاتر از این است. این معانی را که انسان ادراک کرده به عقلش، باید با مجاهدات به قلبش برساند که قلبش آگاه بشود، بیابد مطلب را. خیلی چیزهاست که انسان به برهان می داند که فلان قضیه فلان طور است یا فلان طور نیست. لکن چون ایمان

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵۵ تا ۱۵۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نیامـده است، تاثیر نمی کنـد. مثلا نوع مردم اینطور هسـتند که در یک شب تاریکی، اگر یک مرده ای در محلی باشد پیش او می ترسـند بخوابند، و همه هم عقیده شان این است که مرده هیچ اثری ندارد. هیچ کاری از او نمی آید. عقلشان می گوید که مرده است. این مرده حس و حرکت نـدارد تا بتوانـد به من ضـرر بزنـد. عقل این را می گوید. لکن این مطلب به قلب نرسـیده. مرده شورها به قلبشان رسـیده. مرده شورها به واسـطه تکراری که کرده اند، عمل تکرار شده، به واسـطه تکرار، آنها پیش مرده می خوابنـد. هیـچ برایشان چیزی نیست. این فرق مابین ادراک عقلی و ایمان است. ادراک عقلی که آدم می کند تاثیر در آدم ندارد. تا ایمان نباشد، مسئله عقلی را قلبش نفهمیده باشد، باورش نیامده باشد، آن مسئله عقلی تاثیرش کم است.(۱)

عالم محضر خداست

ایمـان عبارت از این است که آن مسائلی را که شـما با عقلتان ادراک کرده ایـد قلبتان هم به آن آگاه بشود. باورش بیایـد. این محتاج به یک مجاهده ای است تا به قلب شما، برسد. بفهمید که همه عالم محضر خداست. محضر خداست. ما الان در محضر خـدا نشسـته ایم. اگر قلب ما این معنا را ادراک بکنـد که ما الان در محضـر خدا هستیم، همین مجلس محضـر خداست، این را اگر ایمان انسان بر آن راه پیدا نیست مومن بشود انسان به آن، قلب انسان بیابد این مطلب را، از معصیت کناررود. تمام

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

معصیتها برای این است که انسان نیافته این مسائل را. برهان هم بر آن دارد. برهان عقلی هم قائم است به اینکه خدای تبارک و تعالی همه جا حاضر است. هم برهان است و هم همه انبیا گفته اند. «و هو معکم اینما کنتم»(۱) قرآن است، او با شماست. هر جا هستید او با شماست. ما این را از قرآن شنیده ایم. به برهان هم ثابت هست، لکن به قلب ما نرسیده است. ما مثل مرده شور نشده ایم. تا حالا- در این باب، ما مثل مردم عادی هستیم که مطلب نرسیده به قلبمان، تا اگر بخواهیم یک غیبت بکنیم، یک تهمت بزنیم، یک کار زشت بکنیم ببینیم محضر خداست. محضر احترام دارد. انسان در محضر یک بزرگی که در نظر خودش بزرگ است، احترام می کند از آن محضر. اگر یک شخصی که در نظرتان بزرگ است پیش شما باشد، در محضر او کار خلاف نمی کنید، چه رسد به اینکه در محضر او به او خلاف بکنید. کار خلاف مطلقا آدم نمی کند در محضر یک کسی که ادراک کرده است که این بزرگ است، محترم است. چه رسد به این که در محضر آن محترم به خود آن محترم خلاف احترام بکند. محضر، محضر خدای تبارک و تعالی است. عالم محضر است. تمام عالم محضر او است. معصیت مخالفت با خود اوست. با آن کسی است که در محضرش هستید.(۲)

در محضر خدا معصیت خدا نکنید

قلمهای در روزنامه ها، دستهایی که این قلمها به دستشان است، آنهایی که در رادیو تلویزیون و در سایر جاها سخنرانی می کنند همه مورد امتحان

۱- ۱. سوره حدید، آیه ۴.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خدا هستند. آن وقتی که قلم به دست می گیرید بدانید که در محضر خدا، قلم دست گرفته اید. آن وقتی که می خواهید تکلم کنید بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست. عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی. برای خدا کار بکنید و برای خدا به پیش بروید. اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. خداوند ما و شما را از این امتحان بزرگ، سرافراز و روسفید بیرون بیاورد.(۱)

در محضر خدا بودن همه اعمال و افکار

موعظه من به شما آقایان این است که شما در محضر خدا هستید؛ و همه ما در محضر خدا هستیم. همین جا که ما نشسته ایم، با هم صحبت می کنیم محضر خداست. همه پیش چشم خدا هستیم، همه در علم خدا هستیم؛ حضور دارد خدا در همه جا: و هو معکم اینما کنتم.(۲) وقتی این معنا را ما به خودمان درست تلقین کنیم و بفهمانیم که ما مسئولی هستیم که آن کسی که مسئولیت را به عهده ما گذاشته است، حاضر است؛ مثل مسئولیتهای دیگری نیست که بازخواست کننده غایب باشد و بتواند انسان از آن تخلف بکند، هیچ تخلفی به آن معنا که نداند او، نمی شود، هر کاری بکند در محضر اوست و ثبت می شود. همه این عالم دفتر ثبت اعمال

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۶۱.

۲- ۲. سوره حدید، آیه ۴: و هر جا که باشید، همراه شماست.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ماست؛ یعنی، این امواجی که به واسطه این صحبتهایی که ما می کنیم، تموج(۱) پیدا می کند، ثبت می کند این اقوال ما را، افکار ما هم ثبت می شود. وقتی این طور است و ما این طور در محضر او واقع هستیم، نباید مخالفت با آن کسی که حاضر است بکنیم. مخالفت اشخاصی که نیستند پیش آدم خوب، گاهی می شود، انسان جرات می کند، مخالفت می کند و مسئولیتش آن قدرها زیاد نیست. مسئولیت آنجاست که انسان با نعمت خدا و در محضر خدا مخالفت کند. نعمتها همه از اوست؛ زبان مال اوست به شما داده است؛ چشم و گوش مال اوست به شما داده است، خودش هم حاضر است. آن وقت این حاضر توجه کند به اینکه - توجه دارد ازلاً و ابدا - که در محضر او و با نعمت خودش مخالفت با خودش دارد می شود، معصیت خودش می شود.(۲)

خودسازی در جوانی و آمادگی برای ناملایمات

شما آقایان که نعمت جوانی را واجد هستید چیزی نمی گذرد که به پیری خواهید رسید، نگذارید جوانی از دست برود و کوشش کنید در خدمت به خالق و خلق و جلب رضای مولا جلت قدرته. در جوانی تهذیب نفس بسیار اسهل است از ایام پیری و ضعف که قدرت از دست می رود و ریشه اخلاق فاسده که اصلش از حب دنیا و نفس است استحکام پیدا می کند و تصفیه و تهذیب بسیار مشکل می شود. مجهز کنید خودتان را برای

۱- ۱. موج موج شدن؛ افزون شدن امواج.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۹۶ تا ۳۹۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تحمل ناملایمات و سختیها در راه خدای تعالی؛ ممکن است خدای نخواسته روزهای سختی پیش آید که اگر هم اکنون خود را مهیا نکنید تحملش بسیار ناگوار و سخت باشد. کوشش کنید حب دنیا و شهرت و جاه را سرکوب کنید که این خطر در ایام پیری بزرگترین مصایب است.(۱)

خطر استدراج و از دست دادن تدریجی فرصت ها

پسرم! تا نعمت جوانی را از دست ندادی فکر اصلاح خود باش که در پیری همه چیز را از دست می دهی، یکی از مکاید(۲) شیطان که شاید بزرگ ترین آن باشد که پدرت بدان گرفتار بوده و هست مگر رحمت حق تعالی دستگیر او باشد استدراج(۳) باطن که بزرگ ترین دشمنان اوست او را از فکر اصلاح خود بازدارد و امید می دهد که وقت زیاد است، اکنون فصل برخورداری از جوانی است و هر آن و هر ساعت و هر روز که بر انسان می گذرد درجه درجه او را با وعده های پوچ از این فکر باز می دارد تا ایام جوانی را از او بگیرد. و آنگاه که جوانی رو به اتمام است، او را به امید اصلاح در پیری سرخوش می کند و در ایام پیری نیز این وسوسه شیطانی از او دست نکشد و وعده توبه در آخر عمر می دهد و در آخر عمر و شهود موت، حق تعالی را در نظر او مبغوض ترین موجود جلوه می دهد که محبوب او که دنیا است از دستش گرفته است.(۴)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲- ۲. دامها.

۳- ۳. کسی را به نعمت های داده شده به او مغرور ساختن و بدان واسطه از حق غافل نمودن.

۴- ۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۳۷ تا ۴۳۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نیرنگهای شیطان درونی با پیران و جوانان

چه بسا شیطان باطنی با ما پیران به گونه ای و با شما جوانان به گونه دیگری خدعه کند. با ما پیران با سلاح یاس از حضور و یاد حاضر براند که هان از شماها گذشته و شماها اصلاح شدنی نیستید و ایام جوانی که وقت کشت و درو بود رفت و در ایام ضعف پیری و کهولت که قدرت اصلاح از دسته رفته و ریشه هواها و معاصی در تمام ارکان وجود نفوذ کرده و شاخه دوانده و تو را از لیاقت محضر او جل و علا انداخته و کار از کار گذشته، چه بهتر که این چند روز آخر عمر از دنیا استفاده هر چه بیشتر کنی. و گاه با ما پیران نیز مانند شما جوانان عمل می کند، به شما می گوید شما جوانید و در این فصل جوانی وقت تمتع و لذات است، اکنون مطابق شهوات خود رفتار کن، ان شاءاللّه در اواخر عمر راه توبه و باب رحمت خداوند باز است و خداوند ارحم الراحمین است، و هر چه گناهان بزرگتر و بیشتر باشد پشیمانی و رجوع به حق در آخر عمر زیادتر و توجه به خدای تعالی بیشتر و اتصال به او جل و علا افزون تر خواهد بود، چه بسیار مردم بوده اند که در جوانی بهره های جوانی را برده و در ایام پیری تتمه عمر را با عبادت و ذکر و دعا و زیارت ائمه علیهم السلام و توسل به شفاعت آنان گذرانده و سعادتمند از دنیا رفته اند. به ما پیران نیز از این وسوسه ها می شود که معلوم نیست به این زودی بمیری، فرصت باقی است، چند روز آخر عمر توبه کن، علاوه باب شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آلهباز است و مولا امیرالمومنین علیه السلام نخواهد گذاشت دوستانش را عذاب کنند و در وقت مردن او را خواهی دید و از تو دستگیری خواهد کرد و از این مقوله های فراوان که به

Presented by: https://jafrilibrary.com/

گوش انسان می خواند.

پسرم! اکنون با تو که جوانی صحبت می کنم. باید توجه کنی که برای جوانان توبه آسان تر و اصلاح نفس و تربیت باطن سریع تر می تواند باشد. در پیران هواهای نفسانی و جاه طلبی و مال دوستی و خود بزرگ بینی بسیار افزون تر از جوانان است، روح جوانان لطیف است و انعطاف پذیر و آن قدر که در پیران حب نفس و حب دنیا است، در جوانان نیست. جوان می تواند با آسانی نسبی خود را از شر نفس اماره رها سازد و به معنویات گرایش پیدا کند. در جلسات موعظه و اخلاق آن قدر که جوانان تحت تاثیر واقع می شوند، پیران نمی شوند. جوانان متوجه باشند و گول وسوسه های نفسانی و شیطانی را نخورند. مرگ به جوانان و پیران به یک گونه نزدیک است. کدام جوان می تواند اطمینان حاصل کند که به پیری می رسد و کدام انسان از حوادث دهر مصون است؟ حوادث روزانه به جوانان نزدیک تر است. پسرم! فرصت را از دست مده و در جوانی خود را اصلاح کن.(۱)

امید به شفاعت، عامل اطاعت خداوند است نه نافرمانی او

آیاتی در قرآن کریم درباره شفاعت وارد شده است که با توجه به آنها نمی توان برای انسان آرامش پیدا شود، خداوند می فرماید: «من ذاالذی یشفع عنده الا باذنه»(۲) و می فرماید: «و لا یشفعون الا لمن ارتضی»(۳) و امثال آن، که در عین

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۱ تا ۲۲۲.

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۲۵۵: چه کسی، جز به فرمان او، می تواند در پیشگاهش به شفاعت برخیزد.

۳- ۳. سوره انبیا، آیه ۲۸: و هرگز شفاعت نمی کنند مگر آنان را که مورد رضایت «خدا» هستند.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حال که شفاعت ثابت است لکن نصیب چه اشخاصی و چه گروهی و با چه شرایطی و در چه وقت شامل حال می شود، امری است که نمی توان انسان را مغرور و جری کند. امید به شفاعت داریم لکن این امید باید ما را به سوی اطاعت حق تعالی کشاند، نه معصیت.(۱)

استفاده از باقیمانده فرصت جوانی

عزیزم! از جوانی به اندازه ای که باقی است استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می رود، حتی توجه به آخرت و خدای تعالی. از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعده صلاح و اصلاح در زمان پیری می دهد تا جوانی با غفلت از دست برود، و به پیران وعده طول عمر می دهد. و تا لحظه آخر با وعده های پوچ انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می دارد تا مرگ برسد، و در آن حال ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد، می گیرد. پس در جوانی که قدرت بیشتر داری به مجاهدت برخیز، و از غیر دوست جل و علا بگریز، و پیوند خود را هر چه بیشتر اگر پیوندی داری محکم تر کن؛ و اگر خدای نخواسته نداری، تحصیل کن و در تقویتش همت گمار، که هیچ موجودی جز او جل و علا سزاوار پیوند نیست. و پیوند با اولیای او اگر برای پیوند به او نباشد، حیله شیطانی است که از هر طریق سد راه حق کند. هیچ گاه به خود و عمل خود به چشم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

رضا منگر که اولیای خلص چنین بودند و خود را لاشی ء(۱) می دیدند؛ و گاهی حسنات خود را از سیئات می شمردند. پسرم! هرچه مقام معرفت بالا رود، احساس ناچیزی غیر او جل و علا بیشتر شود.(۲)

اهمیّت حق الناس

پسرم! سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل تر است تا سر و کار با انسانها. به خداوند تعالی پناه می برم از گرفتاری خود و تو و مومنین در حقوق مردم و سر و کار با انسان های گرفتار. و این نه به آن معنی است که در حقوق اللّه و معاصی سهل انگاری کنی، اگر آنچه از ظاهر بعض آیات کریمه استفاده می شود در نظر گرفته شود، مصیبت بسیار افزون می شود و نجات اهل معصیت به وسیله شفاعت، به گذشت مرحله های طولانی انجام می گیرد. تجسم اخلاق و اعمال و لوازم آنها و ملازمه آنها با انسان، از مابعد موت تا قیامت کبری و از آن به بعد تا تنزیه و قطع رابطه به وسیله شدت ها و عذاب ها در برازخ و جهنم و عدم امکان ربط با شفیع و شمول شفاعت امری است که احتمال آن کمر انسان را می شکند و مومنان را به فکر اصلاح به طور جدی می اندازد. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که قطع به خلاف این احتمال دارد مگر آنکه شیطان نفسش چنان بر او مسلط باشد و با او بازی کند و راه حق را بر او ببندد که

۱- ۱. هیچ چیز.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

او را منکر روشن و تاریک کند. و چنین کوردلان بسیار هستند. خداوند منان ما را از شر خودمان حفظ فرماید. وصیت من به توای فرزندم آن است که مگذار خدای نخواسته فرصت از دستت برود و در اصلاح اخلاق و کردار خود بکوش هر چند با تحمل زحمت و ریاضت، و از علاقه به دنیای فانی بکاه و در دو راهی هایی که برایت پیش آید راه حق را انتخاب کن و از باطل بگریز و شیطان نفس را از خود بران.(۱)

مراقبت و محاسبه نفس در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی

توای فرزندم، از جوانی خود استفاده کن و با یاد او جل و علا و محبت به او و رجوع به فطرت اللّه بزیست و عمر را بگذران. و این یاد محبوب هیچ منافات با فعالیت های سیاسی و اجتماعی در خدمت به دین او و بندگان او ندارد بلکه تو را در راه او اعانت می کند، ولی بدان که خدعه های نفس اماره و شیطان داخلی و خارجی زیاد است و چه بسا انسان را با اسم خدا و اسم خدمت به خلق خدا از خدا باز می دارد و به سوی خود و آمال خود سوق می دهد. مراقبت و محاسبه نفس در تشخیص راه خودخواهی و خداخواهی از جمله منازل سالکان است. خداوند ما و شما را در آن توفیق دهد.(۲)

هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا مباش

پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا، اگرچه حلال او باشد، مباش که حب

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۳ تا ۲۲۴.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دنیا، گرچه حلالش باشد، راس همه خطایا است؛(۱) چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می کشد. تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و نگذاری به قدم های دیگر کشیده شوی که هر قدمی، قدم هایی در پی دارد و هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگتر انسان را می کشد، به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبائر به یکدیگر فخر می کنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجاب های دنیوی، منکر به نظر معروف، و معروف منکر گردد. من از خداوند متعال جل اسمه مسئلت می کنم که چشم دل تو را به جمال جمیل خود روشن فرماید و حجاب ها را از پیش چشمت بردارد و از قیود شیطانی و انسانی نجاتت دهد تا همچون پدرت پس از گذشت ایام جوانی و فرا رسیدن کهولت برگذشته خویش تاسف نخوری، و دل را به حق پیوند دهی که از هیچ پیشامد وحشتناک نشوی و از دیگران دل وارسته کنی تا از شرک خفی و اخفی خود را برهانی.(۲)

کتاب انسان سازی و رسالت آدم سازی

انبیا آمدند که همه مردم را آدم کنند. علم انبیا علم آدمسازی است. قرآن هم یک کتابی است کتاب آدمسازی. نه کتاب طب است، نه کتاب فلسفه

۱- ۱. مضمون روایتی است از امام سجاد علیه السلام: «حب الدنیا راس کل خطیئه » و روایتی است از امام صادق علیه السلام: «راس کل خطیئه حب الدنیا». الکافی ۲: ۱/۳۱۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۲۰ تا ۵۲۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است، نه کتاب فقه است، نه کتاب عرض می کنم سایر علوم است. هر چه در قرآن هست اگر کسی مطالعه کند درست، می بیند آنی که در قرآن هست آن جنبه الوهیتش هست. همیشه هر چیزی طرح شده به جنبه الوهیت طرح شده است. همه چیز در آن است اما به جنبه الوهیتش. اسلام برای خدمت به خدا آمده است. انبیا خدمه خدا هستند و برای خدا آمده اند؛ و برای توجه دادن همه موجودات اینجا و همه انسانهای اینجا به خدای تبارک و تعالی.(۱)

حرکت معنوی و تربیت انسانی در پرتو قرآن

ما باید کتابمان قرآن باشد. معنایش نه این است که فقط بگوییم کتاب ما قرآن است، بلکه باید با او حرکتهای معنوی بکنیم، به تربیت انسانی برسیم، با او اجتماع خودمان را اصلاح کنیم، با او همه جهات مادی و معنوی اش را طی کند. او قرآن است که کتاب ماست. این کتابی است که باید بخوانیم و بفهمیم و عمل کنیم. فقط بگوییم: «کتاب است» این، کتاب نمی شود. وقتی کتاب، کتاب ماست که به محتوای این کتاب عمل بکنیم. کوشش کنید که کتاب شما، کتاب خدا و قرآن باشد. توجه شما به محتوای کتاب خدا باشد؛ کلام از خداست، وسیله پیغمبر خداست و ما مخاطب؛ مخاطب به همان خطابهای الهی. بالفظ «یا ایها الناس»؛ نسبت به همه بشر، «یا ایها المومنون»؛ نسبت به مومنین به اسلام. دستورها، همه دستورهایی است که تربیت کننده است.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۳۷ تا ۴۳۸.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۳۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم عمل به قرآن و پیروی از اولیای دین

قرآن را که کتاب ماست و کتاب شماست، کوشش کنید که بحقیقت، کتاب باشد. کتاب ما بحقیقت باشد، نه فقط لفظا بگوییم که «کتاب ما، قرآن است. نبی ما، رسول اکرم است. امام ما، علی بن ابی طالب است». لفظ، آسان است. آسان است که من بگویم: شیعه علی بن ابی طالبم، لکن شیعه چی است؟ آنی است که دنبال او باشید. تشییع جنازه در وقتی است که کسی جنازه که جلو است این همراهش برود. اگر او از آن راه برود، این از این راه برود، این تشییع جنازه نیست.

شیعه پیرو است. اگر بنا باشد که ما، هی دم بزنیم که شیعه ایم، لکن در عمل هیچ پیروی نداشته باشیم، یا پیروی مان بسیار ضعیف باشد، ما به حسب واقع، شیعه نیستیم، به حسب ادعا شیعه هستیم. اگر ما ادعامان این باشد که قرآن، کتاب ماست، لکن هیچ صفحه ای از قرآن را به آن عمل نکرده باشیم، قرآن را ادعا داریم که کتاب ما است، به حسب واقع کتاب ما نیست. اگر ما بگوییم پیغمبر، پیغمبر ما هست، ادعایش آسان است، لکن تا پیروی ازش نکنیم، نمی توانیم بگوییم پیام آوری است از خدا. اگر ما به حرف او اعتنا نکنیم، پیامبریش برای ما فایده ندارد. و اگر چنانچه به حرف اولیا عمل نکنیم، شیعه گریش برای ما فایده ندارد، فایده اش ضعیف است.

کوشش کنید که در عمل، کتاب شما قرآن باشد و پیغمبر شما، رسول اکرم باشد، و امام شما، علی بن ابی طالب سلام اللّه علیه.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۳۲ تا ۵۳۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تربیت قرآنی، منشأ کمال بشر

انسان اگر تربیت الهی نشود، حیوان است، بلکه بدتر از حیوان. شما هیچ حیوانی را خونخوارتر از انسان نمی توانید پیدا بکنید. حیوانات دیگر، همان یک طعمه ای می خواهند که شکمشان را سیر کنند. و وقتی شکمشان سیر شد کنار می روند، نشینند، می خوابند. انسان است که سیر نمی شود، انسان است که هم در طرف کمال، مافوق همه چیز است هم در طرف شقاوت و نفس، مافوق همه است. اگر تربیت بشود، آن تربیتی که کتابهای الهی قرآن کریم آن تربیت را متکفل(۱) شده است، اگر ما تربیت بشویم به تربیتهای قرآنی، بالاترین موجود در کمال خواهیم شد. پیغمبر خدا که افضل موجودات است برای این است که آن طور که هست، فهمیده است، و آن طور که هست عمل کرده. هر کس قرآن را آن طور که هست بفهمد و آن طور که هست عمل کند، آن طور که دستور داده است عمل بکند، این از تمام موجودات افضل می شود. لکن نه آن طوری که پیغمبرفهمد کس دیگر می تواند. نه آن عملی که او می کند کس دیگر می تواند. و لهذا او افضل است. و اگر چنانچه یک علف خودرو باشد، تربیت در او نباشد، آن طور نیست که مثل یک درختی باشد که فاسد می شود، فقط درختهایی که خودرو هستند و تربیت نشدند، خودشان بدقواره می شوند، خودشان فاسد می شوند، اما دیگر درختان را فاسد نمی کنند. در حیوانات هم این طوری

۱- ۱. عهده دار.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است، که یک حیوان اگر چنانچه بداخلاق باشد، بد عمل باشد، چموش باشد، این همان خودش است. و این طور نیست که دیگران را هم وادار کنند به آن نقیصه ای که خودش دارد. انسان این طور نیست؛ انسان بد، یک بدش، یک امت را بد می کند، و یک خوبش، یک امت را خوب می کند.(۱)

سعادتمندی در پرتو عمل به قرآن

من امیدوارم که این مجتمعی که شما دارید در پناه قرآن، در پناه قرآن شما به تربیتهای قرآنی برسید، و بچه های خودتان را تربیت قرآنی کنید. عمل آنها را منطبق کنید با دستورات پیغمبر اکرم. عمل خودتان را منطبق کنید با دستورات رسول اللّه تا نجات پیدا کنید در اینجا و آنجا. در همه چیز دستور دارد اسلام، اسلام آن طور نیست که گمان بشود فقط رابطه ای است ما بین خدا و خلق. خیر، رابطه هست، لکن همه جور روابط هست. قرآن، همه چیز است؛ قرآن هم بعد سیاست دارد و هم بعد سایر چیزها؛ هم علم است و هم راهنماست؛ و هم سیاست است و هم همه چیز است. قرآن، اگر کتاب یک ملتی باشد، آن ملت سعادتمندشود. قرآن به بعض آیاتش اگر ما عمل کنیم، سعادتمند می شویم. و من امیدوارم که ما عامل باشیم، چنانچه ما عامل باشیم و با هم مجتمع باشیم و اجتماع داشته باشیم و این آیه شریفه «و اعتصموا بحبل اللّه جمیعا و لاتفرقوا»(۲) را عمل به آن بکنید، مسلمین اگر همین یک آیه به آن عمل بکنند، غلبه می کنند بر همه قدرتهای بزرگ. اگر همه

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۳۰ تا ۵۳۱.

۲- ۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

«معتصم» باشند به «حبل اللّه» که قرآن کریم است، رسول اکرم است، اینها حبل اللّه هستند، مقدم بر همه، قرآن کریم است اگر ما همه معتصم به قرآن کریم باشیم، همه مجتمع بر قرآن باشیم، تفرق از هم نداشته باشیم، جدایی از هم نداشته باشیم، غلبه می کنیم بر تمام قدرتهای بزرگ. برای اینکه ما الان جمعیتمان زیادتر از جمعیتهای دیگر است. ما یک میلیارد جمعیت مسلم تقریبا داریم، و با همه چیز همه خزائن ارضی و همه زمینهای وسیع، اگر ما همه با هم بودیم و اجتماع داشتیم، یک قدرت بزرگی را ایجاد می کردیم که تمام قدرتها در مقابلش هیچ بود.(۱)

باید «انسان قرآنی» ایجاد کرد

ملتها باید قیام کنند؛ و ملتها باید «رمز» را بفهمند که رمز پیروزی این است که «شهادت» را آرزو بکنند و به حیات، حیات مادی، دنیایی، حیوانی، ارزش قائل نباشند. این رمز است که ملتها را می تواند پیش ببرد، این رمزی است که قرآن آورده است و ملتهای عرب را، در صورتی که در کمال ضعف بودند، بر دولتهای بزرگ سلطه داد. قرآن انسان ساخت؛ یک انسان الهی ساخت که با آن قدرت الهی پیشبرد کرد، و کمتر از نیم قرن بر امپراتوریها غلبه کرد. باید این رمز را پیدا کرد. باید تابع قرآن شد. باید «انسان قرآنی» ایجاد کرد. ملتها باید «صورت قرآن» بشوند تا بتوانند پیش ببرند. اگر بخواهند خودشان با دسته بندیهای سیاسی، با اجتماعات عادی، با

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۳۳ تا ۵۳۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اجتماعات جمعیتهای صوری بخواهند پیش ببرند، تا آخر هم نخواهند برد. باید همه مجتمع بشوند و یک انسان الهی بشوند، یک انسانی بشوند که برای خدا جهاد بکنند. اگر همچو شد پیش خواهند برد. و من توصیه می کنم به همه اقشار انسانی و به همه اقشار مسلمین و به همه اقشار عرب که اگر بخواهند اینها غلبه کنند بر مشکلاتشان، باید تربیت اسلامی بشوند؛ باید روی نقشه اسلام حرکت کنند؛ قرآن هادی آنها باشد، «امام» آنها باشد. اگر این طور بشود غلبه خواهند کرد بر همه امور، و اگر این طور نباشد و بخواهند روی موازین عادی و روی موازین ــ عرض می کنم که ــ سیاسی و اینها بخواهند پیش ببرند، دولتها همیشه مقدمند بر اینها، و [ملتها] هم پیش نخواهند برد.(۱)

نامه محبوب محبوب است

فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامه محبوب محبوب است اگرچه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۰۳ تا ۵۰۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شکرانه این که قرآن کتاب ما است به سجده رویم از عهده برنیامده ایم.(۱)

تدبر در قرآن

در قرآن کریم این سرچشمه فیض الهی تدبر کن هر چند صرف خواندن آن که نامه محبوب است به شنونده محجوب آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می کند «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها».(۲) و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبر هم آنچه نتیجه است حاصل نگردد. خداوند متعال پس از قسم عظیم می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون»(۳) و سر حلقه آنها آنان هستند که آیه تطهیر در شانشان نازل گردیده.

تو نیز مایوس نباش، که یاس از اقفال بزرگ است، به قدر میسور در رفع حجب و شکستن اقفال برای رسیدن به آب زلال و سرچشمه نور کوشش کن.(۴)

انجام واجبات و ترک محرمات

شما کوشش کنید که در خودتان احکام خدا را جاری کنید؛ تعبد داشته باشید، اعمالی که خدای تبارک و تعالی فرموده است انجام بدهید؛ خودتان

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۲- ۲. سوره محمد، آیه ۲۴: «آیا در قرآن اندیشه و تدبر نمی کنند یا بر دلهایشان قفلها است».

۳- ۳. سوره واقعه، آیات ۷۷ _ ۷۹: «آن» چه بر تو خواندیم «قرآنی است گرامی، در کتابی پوشیده، که جز پاکان کس بدان دست نزند».

۴- ۴. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را الهی کنید. یعنی تابع چون و چرا ندارد، فرموده است بکن، می کنم. خداست فرموده است بکن، می کنم. چرا؟ به من ربطی ندارد. «چرا» مال این است که یک کسی عادی باشد؛ آدم نداند که صحیح است یا نه «چرا» می گوید. شما وقتی پیش یک طبیبی که تشخیص داده طبیب است، وقتی می گوید فلان کار را بکن نمی گویی «چرا»، نسخه که می دهد نمی گویی «چرا»، با اینکه طبیب است و یک بشر است.

باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به اینکه تبعیت کنید از احکام خدا؛ هرچه فرموده است اطاعت؛ هر چه فرمود نه، نه؛ هر چه فرمود آره، آره. وقتی اینطور شد، یک مرتبه، یک مرتبه پیدا شد یک مرتبه ای که از برای انسان باید باشد. اگر این کار اینطور بشود که هرچه فرمود نه، نه؛ و هرچه فرمود آره، آره شد، و این تابع اراده حق تعالی شد که هرچه فرموده است می کنم، هرچه فرموده است نکن نمی کنم، این از انسانیت یک «مرتبه پیدا شده. مراتب دیگر هم زیاد است. و اگر این مرتبه از انسانیت هم پیدا شد که من کارم کاری شد که برای خدا این کار را می کنم، شکست دیگر در آن نیست. کاری که برای خداست شکست در آن نیست.(۱)

دعاها و مناجات ها، والاترین راه گشای عبودیت

پسرم! دعاها و مناجات هایی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۶۸ تا ۱۶۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است بزرگ ترین راهنماهای آشنایی با او جل و علا- است و والا-ترین راهگشای عبودیت و رابطه بین حق و خلق است و مشتمل بر معارف الهی و وسیله انس با او است و ره آورد خاندان وحی است و نمونه ای از حال اصحاب قلوب و ارباب سلوک است. وسوسه های بی خبران تو را از تمسک به آنها، و اگر توانی از انس با آنها، غافل نکند. ما اگر تمام عمر به شکرانه آنکه این وارستگان و واصلان به حق، ائمه ما و راه نمایان مایند به نیایش برخیزیم از عهده برنخواهیم آمد.(۱)

شلاق های ادعیه

خدا می داند که من هر وقت نظرم به این جوانهایی که عازم جبهه هستند و با شور و شعف دارند به جبهه ها می روند، وقتی من آنها را نگاه می کنم، از خودم خجالت می کشم، ما کی هستیم، ما چی هستیم؟ ما قریب هشتاد و چند سال در این دنیا خودم را می گویم بودم و به قدر این چند روزی که اینها مشغول خدمت هستند، ما خدمت نکردیم، ما خودمان را نساختیم. از من گذشت، لکن شما توجه کنید که خود را بسازید. توجه کنید که دنیا را به چیزی نگیرید، توجه کنید که همه رفتنی هستیم و باید به خدای تبارک و تعالی نزدیک بشویم تا آن جا ما را راه بدهند. شما ادعیه ائمه اطهار را ملاحظه کنید، ادعیه شلاقه هایی است که بر فرق ماها زده شود. اینهایی که به واقعیت و به عقیده ما معصوم از هر خطا هستند، ببینید که در ادعیه ها چه

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جور عجز و نـاله می کننـد، برای اینکه مطلب بزرگ است. مقام بشـر هر چه باشـد، مقام خاتم النبیین بالاترین مقام، لکن وقتی که این مقـام را بـا مقام الوهیت ملاحظه بکنیم که خود آنها می بیننـد، هیـچ است در مقابل همه چیز. آنی که آنها فهمیدنـد از عظمت خـدا، آن هـا را وادار کرده است آن طور راز و نیاز کننـد و اعتراف به تقصـیر. شـما در ادعیه امیرالمومنین، خود رسول خدا، حضرت سجاد علیه السلامسایر ائمه، ملاحظه کنید چه جملاتی هست و ما چطور بعیدیم از این معانی، چه معارفی در این ادعیه هست که مـا محرومیم از آن معـارف، چه سوزی در قلب این خاصان خـدا بوده است که برای فراق خـدا می سوختنـد و آتش جهنم را می گفتنـد اگر صبر کنیم، صبر در فراق را چه کنیم؟ اینهـا برای مـا مثـل یـک افسـانه است، لکن واقعیت است، واقعیتی که آنها فهمیده اند و ما نفهمیدیم.(۱)

مناجاتی که همه امامان می خواندند

مناجات «شـعبانیه» را خواندیـد؟ بخوانیـد آقا! مناجات شـعبانیه از مناجاتی است که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکنـد، انسان را به یک جایی می رساند. آن کسی که این مناجات را گفته و همه ائمه هم به حسب روایت می خواندند، اینها، آنهایی بودنـد که وارسـته از همه چیز بودنـد، مع ذلک آن طور مناجات می کردند، برای اینکه خودبین نبودند. هر چه بودند این طور نبوده که خودش را ببیند که، حالا من امام صادق ام دیگر، نه، امام صادق

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۴ و ۵۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مثل آن آدمی که در معصیت غرق است مناجات می کند، برای اینکه می بیند خودش هیچ نیست و هر چه هست نقص است و هر چه هست از اوست. هر چه کمال است از اوست، خودش چیزی ندارد. هیچ یک چیزی ندارند، انبیا هم هیچی نداشتند. همه هیچ اند و اوست فقط، همه هم دنبال او هستند، همه فطرت ها دنبال او هستند، منتها چون ما محجوبیم، نمی فهمیم که ما دنبال او هستیم؛ آنهایی که می فهمند، آنها وارسته می شوند و می روند سراغ همان معنا. این کمال انقطاعی که خواستند، این کمال انقطاع همین است که از همه این چیزهایی که هستش، اصلش به کنار باشند.(۱)

کمال مطلق و ذکر حقیقی او، آرامش بخش دلها

بدان که در انسان اگر نگویم در هر موجود به حسب فطرت، حب به کمال مطلق است و حب به وصول به کمال مطلق، و این حب محال است ازا و جدا شود و کمال مطلق محال است دو باشد و مکرر باشد، و کمال مطلق، حق جل و علا است، همه او را می خواهند و دلباخته به اویند گرچه خود نمی دانند و در حجب ظلمت و نورند و با این حجب، پندارند چیزهای دیگر می خواهند و به هر کمال یا جمال یا قدرت یا مکانت که رسیدند به آن حد قانع نیستند و گم شده خود را در آن یابند.

قدرتمندان و ابرقدرتان به هر قدرتی برسند دنبال قدرت فوق آن می گردند، و علم طلبان به هر مرتبه از علم برسند مافوق آن را می خواهند و گم شده خود را که خود غافل از آنند در آن نمی یابند. اگر به قدرت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۵۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

طلبان، قدرت تسلط و تصرف در همه عالم مادی، از زمین ها و منظومه های شمسی و کهکشان ها و هر آنچه فوق آنها است، بدهند و بگویند: «قدرت دیگری فوق اینها و عالمی یا عوالمی دیگر فراتر از اینها است، آیا می خواهی به آنها برسی؟» محال است تمنای آن را نداشته باشند، بلکه به لسان فطرت می گویند: «ای کاش به آنها نیز دست یابیم!». و به همین گونه است طالب علوم، بلکه اگر شک کند که مقام دیگری فوق آنچه دارد هست، فطرت مطلق جوی او گوید: «ای کاش بود و من هم قدرت تصرف در آن داشتم، یا سعه علم من آن را نیز شامل بود!». آنچه همه را مطمئن می کند و آتش فروزان نفس سرکش و زیادت طلب را خاموش می نماید وصول به او است، و ذکر حقیقی او جل و علا چون جلوه او است استغراق در آن آرامش بخش است. الا بذکر اللّه تطمئن القلوب(۱) گویی فرماید: توجه توجه! به ذکر او فرو رو، تا قلبت که سرگشته و حیرت زده از این سو به آن سو و از این شاخه به آن شاخه پروازکند طمانینه حاصل کند.(۲)

تفکر در الطاف الهی، راه وصول به حب خداوند

ما اگر ساعتی تفکر کنیم در موجودات عالم، که خود نیز از آنهاییم و بیابیم که هیچ موجودی از خود چیزی ندارد و آنچه به او همه رسیده، الطافی است الهی و موهبت هایی است عاریت، و الطافی که خداوند منان به ما فرموده چه قبل از آمدن ما به دنیا و چه در حال زیستن از طفولیت تا

۱- ۱. سوره رعد، آیه ۲۸: آگاه باشید که یاد خدا باعث آرامش دلهاست.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۲ تا ۲۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

آخر عمر و چه پس از مرگ به واسطه هدایت کنندگانی که مامور هدایت ما بوده اند، شاید بارقه ای از حب او جل و علا که محجوب از آن هستیم در ما پیدا شود و پوچی و بی محتوایی خود را دریابیم و راهی به سوی او جل و علا برای ما باز شود یا لااقل از کفر جحودی نجات یابیم و انکار معارف الهی و جلوه های رحمانی را برای خود مقامی محسوب نکنیم و به آن افتخار نکنیم که تا ابد محبوس در چاه ویل خود خواهی و خودبینی شویم.(۱)

نظر رحمت و محبت به همه موجودات بویژه انسانها

راستی چرا پیمبر خاتم صلی الله علیه و آله از ایمان نیاوردن مشرکان آن گونه تاسف و تاثر جان فرسا داشت که مخاطب شد به خطاب لعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یومنوا بهذا الحدیث اسفا(۲) جز آن که به همه بندگان خدا عشق می ورزید و عشق به خدا عشق به جلوه های او است. او از حجاب های ظلمانی خودبینی ها و خودخواهی های منحرفان که منجر به شقاوت آنان و منتهی به عذاب الیم جهنم که ساخته و پرداخته اعمال آنان است رنج می برد و سعادت همه را می خواست؛ چنانچه برای سعادت همه مبعوث شده بود و مشرکان و منحرفان کوردل با او که برای نجات آنان آمده بود دشمنی می کردند.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۶.

۲ - ۲. سوره کهف، آیه ۶: «ای رسول نزدیک است که اگر امت به قرآن ایمان نیاوردند جان عزیزت را از شدت حزن و تاسف بر آنان هلاک سازی».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ما و تو اگر توفیق یابیم که بارقه ای از این عشق به جلوه های حق که در اولیای او است در خود ایجاد کنیم و خیر همه را بخواهیم به یک مرتبه از کمال مطلوب رسیده ایم. خداوند تعالی دلهای مرده ما را به فیض رحمت خود و رحمت برگزیده خود که رحمه للعالمین است حیات بخشد.

پسرم! اگر می توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به ویژه انسان ها نظر رحمت و محبت کن، مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می باشند، مگر نه آنکه وجود حیات و تمام برکات و آثار آن از رحمت ها و موهبت های الهی است بر موجودات، و گفته اند: کل موجود مرحوم(۱) مگر موجودی ممکن الوجود امکان دارد که از خود، به نفسه، چیزی داشته باشد یا موجودی مثل خود ممکن الوجود به او چیزی داده باشد، در این صورت رحمت رحمانیه است که جهان شمول است. مگر خداوند که رب العالمین است و تربیت او جهان شمول است تربیتش جلوه رحمت نیست، مگر رحمت و تربیت بدون عنایت و الطاف جهان شمول می شود. پس آنچه و آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت های الهی است چرا مورد محبت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقصی نیست برای ما؟ و کوتاه بینی و کوتاه نظری نیست؟(۲)

خدمت به محرومان

از امور مهمی که لازم است وصیت نمایم اعانت نمودن به بندگان خدا،

۱- ۱. هر موجودی مشمول رحمت خداوند است. فصوص الحکم ۱: ۱۷۸، فصّ زکریاویّه.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۶ تا ۲۱۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خصوصا محرومان و مستمندان که در جامعه ها مظلوم و بی پناهند، هر چه توان داری در خدمت اینان که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت ها به خدای تعالی و اسلام عزیز است به کار بر و هر چه توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن.(۱)

انتخاب دوستان از میان اشخاص وارسته و متعهد

از وصیت های من که در آستان مرگ، و نفس های آخر را می کشم به تو که از نعمت جوانی برخورداری، آن است که معاشران خود و دوستان خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به معنویات و آنانکه به حب دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال به اندازه کفایت و حد متعارف پا بیرون نمی گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند، انتخاب کن که تاثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب ناپذیر است، و سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند پرهیز نمایی که با خو گرفتن به این مجالس ممکن است از انسان سلب توفیق شود، که خود مصیبتی است جبران ناپذیر.(۲)

هیچ گاه خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید

نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۴.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۱ تا ۲۱۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند؛ بر بالای دار رفته اند و محرومیتها چشیده اند؛ زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به

Presented by: https://jafrilibrary.com/

این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده وکنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس ماب و دین فروش زده اند و می زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده اند.(۱)

توجه به گذرگاه بودن دنیا

این دنیا دنیایی است که عبور از آن باید بکنیم ما؛ دنیایی نیست که در اینجا ما زیست کنیم. این راه است؛ این صراط است که اگر توانستیم مستقیما این صراط را طی کنیم، همان طوری که اولیای خدا طی کردند «جزنا و هی خامده»(۲) اگر توانستیم که از این صراط به طور سلامت عبور بکنیم، سعادتمندیم. و اگر خدای نخواسته در اینجا، در این راه، لغزش داشته باشیم در آنجا هم همین لغزش ظهور پیدا می کند، در آنجا هم موجب لغزشها می شود، موجب گرفتاریها می شود. از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۷ و ۹۸.

۲- ۲. «از جهنم» گذشتیم در حالی که آتش آن خاموش بود؛ علم الیقین، ج ۲، ص ۹۷۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

که ما را بیدار کند؛ ما را به آن الطافی که خفی است و ما مطلع بر آن نیستیم، ما را بر آنها مطلع بفرماید تا اینکه ما هم مثل اشخاصی که معرفت دارند به مقام ربوبیت، معرفت دارند به مدارج انسانیت، و دنیا را مد نظرشان نمی آورند، استقلال به آن نمی دهند، مارب(۱) دنیایی شان تحت نظرشان نیست مستقلا، و اینجا را طریق می دانند از برای جاهای دیگر، از برای سعادتهای بزرگ دیگر، اگر ما هم ان شاءاللّه توفیق خدا بدهد و ما هم برسیم به یک همچو مرتبه ای، آن مرتبه هایی که ما نمی توانیم ادراکش بکنیم، نمی توانیم در این عالم که هستیم بفهمیم چه مدارجی است، چه عوالمی است. چه بساطی است این بساط دنیا؛ چشممان را همه اش را باز کردیم و این دنیایی که به حسب روایت ما نظراللّه الیه منذ خلقه(۲) به عالم اجسام «در روایت هست که» نظر لطف خدای تبارک و تعالی نکرده است منذخلقه با اینکه این عالم اجسام و این عالم طبیعت، آنطوری که تا حالا ادراک کرده اند، تا حالا کشف کرده اند، محیرالعقول است؛ عقول ماها به آن نمی رسد. آنقدری که تا حالا فهمیده اند، و ماعدایش هم الی ما شاء اللّه هست که کسی دستش به نورش نمی رسد، ستاره هایی هست که نورشان شش بیلیون سال، شش بیلیون سال نورشان به زمین می رسد. این عدد را تفهمش نمی توانیم بکنیم. در بعضی نوشته ها هست که بعضی از ستاره ها اگر جوفش را باز کنند پانصد میلیون شمس در آنجا جایش می شود. و بعضی از

۱- ۱. نیازها.

۲- ۲. کنزالعمال ۳: ۲۱۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ستاره ها هست که اگر در مرکز شمس بگذارند، تا زمین می آید؛ اینقدر بزرگی اش هست. این پهناوری که عقول به آن نمی رسد، کسی نمی تواند بر آن اطلاع پیدا کند، اینها همه اش عالم «دنیا»ست؛ عالم پست است. بعضی از اهل معرفت می گفتند اینکه این عالم را «دنیا»(۱) گذاشته است اسمش را، برای این که خجالت می کشد واقع این قضیه را واقع دنیا را بفرماید؛ از این جهت همین با همین اسم به «دنیا» تعبیر کرده است. این عالم با این پهناوری، با این بساط، عالم «دنیا»ست. این آسمانها با همه چیزهایی که تا حالا کشف شده است به حسب لسان قرآن زینا السما الدنیا بزینه الکواکب(۲)»؛ آسمان «پایین»، پایین اینکه همه تا حالا کشفش کرده اند؛ اینها همه در لسان قرآن آسمان «پایین» است. این آسمانهای بالا را باز کشف نکرده اند که چه خبر است در عین حال به حسب روایت: ما نظر الیه نظر لطف منذ خلقه؛ و به حسب قرآن هم که «متاع» اسمش باشد حیات دنیا. حیات آخرت حیات است، زنده است. اینجا زندگی نیست، مردگی است اینجا. حیات آخرت حیات است دار آخرت لهی الحیوان.(۳) ما اطلاع نداریم در آن.(۴)

میزان حاکمیّت اللّه در نفوس، معیار خودشناسی

خدای تبارک و تعالی، یک میزانی در قرآن کریم قرار داده است که با آن

۱- ۱. دنیا در لغت یعنی پایین.

۲- ۲. سوره صافات، آیه ۶: «ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان بیاراستیم».

۳- ۳. بخشی از آیه ۶۴ سوره عنکبوت: «ان الدار الاخره لهی الحیوان»؛ همانا زندگانی آخرت زندگانی حقیقی است.

۴- ۴. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۵ تا ۲۳۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

میزان ما باید خودمان را و دیگران را بشناسیم. می فرماید که: اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات.(۱) میزان در مومن و غیر مومن؛ مومن واقعی و غیر مومن این است که کتاب خدا می فرماید که چنانچه مومن است، خدای تبارک و تعالی ولی اوست، و مومنین را خدای تبارک و تعالی از همه ظلمتها، از همه تاریکیها، از همه چیزهایی که انسانها را محجوب می کند از حق تعالی، از همه اینها اخراج می کند و در نور وارد می کند. این انسانی که در اینجا غرق حجابهاست، غرق ظلمات است، اگر ایمان واقعی بیاورد، از همه انواع ظلمات، خداوند او را خارج می کند و به نور وارد می کند. یک قلب ظلمانی که در این عالم تمام چیزهایش حجاب است برای او، این حجابها را خدای تبارک و تعالی، یکی پس از دیگری برمی دارد و نور را به جای آنها می گذارد، که نور مطلق همان جمال خودش هست. ما اگر بخواهیم خودمان را بسنجیم و کسانی که مدعی هستند بسنجیم، باید ببینیم که این میزان؛ این دو تا میزانی که خدای تبارک و تعالی برای معرفی مومنها و غیر مومنها فرموده است، در خودمان هست یا نیست. به مجرد اینکه من یا شما ادعا کنیم که ما مومن به اللّه هستیم، تا آن محکی که خدای تبارک و تعالی قرار داده است در ما نباشد یک ادعای پوچی است. ببینیم که ما از اولیای خدا هستیم و خدا ولی ماست، یا از اولیای طاغوت هستیم و طاغوت ولی

۱- ۱. بخشی از آیه ۲۵۷ سوره بقره: «خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکیهای جهان بیرون آرد و به عالم نور برد، و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان طاغوت است. آنها را از عالم نور به تاریکیهای گمراهی در افکند».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ماست. اگر از این گرفتاریهای عالم طبیعت، از این ظلمتهای عالم طبیعت، شما دیدید که خارج شدید، علاقه هایی که انسان به این عالم طبیعت دارد، این علاقه ها برداشته شده است یا کم شده است. اگر شما خودتان را یافتید که هر کاری می خواهید بکنید برای خدا می خواهید بکنید، حکومت اللّه در شما و در قوای شما سلطه دارد. شما همه چیزتان، تمام اعضا و قوایتان فرمانبردار حکم خداست. چشم شما چنانچه حجاب داشته باشد و به چیزهایی که نباید نظر بکند نظر بکند، این علامت این است که طاغوت ولی است، و اگر چنانچه چشم احتراز کند از آن چیزهایی که موجب ظلمت قلب می شود، اللّه ولی است. محک بزرگی است که هر کس خودش را می تواند بشناسد.تواند بفهمد که این ایمانی که ادعا می کند، همان ادعاست یا خیر، نور ایمان در قلب او وارد شده است و ظلمتها همه بر کنار شده است. ما، هر کس، در هر جا که هستیم و شما در هر محلی که هستید، چه در بازار باشید و چه در مدرسه و چه سپاه پاسداران باشید، و چه قوای انتظامیه دیگر و چه رئیس جمهور باشید یا وزیر باشید یا وکیل باشید یا سایر قشرهای دیگر، این حکم عمومی، این میزان عمومی، این محکی که برای عموم است در این معنا، این محک را باید ما خودمان پیش خودمان، وقتی که در شب خلوت هست و شما فارغ هستید، فکر کنید که آیا قلب شما یک قلب نورانی متوجه به نور است، یا یک قلب ظلمانی متوجه به آمال شیطانی یا اللّه است یا طاغوت. این از این دو حال خارج نیست: یا حکومت در ما، حاکم در ما اللّه است یا حاکم در ما طاغوت است. چنانچه ما توجه مان به این دنیا و به این مسائلی که بر ما عرضه می شود در دنیا،

Presented by: https://jafrilibrary.com/

توجه مـان به عـالم طبیعت است، هر چه می خواهیم برای خودمـان می خواهیم، هر کـاری می کنیم خـدا در کـار نیست، ما از طاغوتیم و اولیای ما هم طاغوت است. و چنانچه خودمان را تهذیب کنیم، خودمان را تربیت کنیم، و از این غلافهایی که هست خارج کنیم، و به مبداء نور برسیم، و قلب ما متوجه به حق تعالی باشد، به نور مطلق باشد، خدمتگزار حق باشیم، هر چه نعمت خدا به ما داده است در خدمت او صرف کنیم، این علامت این است که ما از ظلمتها یا از بعض ظلمتها خارج شدیم و به نور یا بعض مراتب نور وارد شدیم.(۱)

تأثیر سوء مدح و ثنا

پسرم! برای ماها که از قافله ابرار عقب هستیم یک نکته دلپذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان که درصـدد خود سـاختن است دخیـل است. بایـد توجه کنیم که منشـاء خوش آمـد ما از مـدح و ثناها و بدآمـدنمان از انتقادها و شـایعه افکنی هـا حب نفس است که بزرگترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشـند گرچه برای مـا افعـال شایسـته و خوبی خیـالی را صـد چنـدان جلوه دهنـد، و درهـای انتقـاد گرچه به حق برای مـا بسـته باشـد یا به صورت ثناگویی درآیـد. از عیب جویی ها، نه برای آن که به ناحق است، افسـرده می شویم و از مدحت و ثناها، نه برای آن که به حق است، فرحناک می گردیم. بلکه برای آنکه عیب

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۵۲ تا ۳۵۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

من است و مـدح من نیست، من است که در اینجـا و آنجا و همه جا بر ما حاکم است. اگر بخواهی صـحت این امر را دریابی، اگر امری که از تو صادر می شود عین آن یا بهتر و والاتر از آن از دیگری، خصوصا آنها که همپالکی تو هسـتند صادر شود و مـداحان به مـدح او برخیزنـد برای تو ناگوار است، و بالاتر آنکه اگر عیوب او را به صورت مـداحی درآورند، در این صورت یقین بدان که دست شیطان و نفس بدتر از او در کار است.

پسـرم! چه خوب است به خود تلقین کنی و به بـاور خود بیاوری یک واقعیت را که مـدح مـداحان و ثنای ثناجویان چه بسا که انسـان را به هلاـکت برسانـد و از تهـذیب دور و دورتر سـازد. تـاثیر سـوء ثنـای جمیـل در نفس آلوده مـا، مـایه بـدبختی هـا و دورافتادگی ها از پیشـگاه مقـدس حق جل و علا برای ما ضـعفا النفوس خواهـد بود. و شاید عیب جویی ها و شایعه پراکنی ها برای علاـج معـایب نفسـانی مـا سودمنـد باشـد که هست، همچون عمل جراحی دردناکی که موجب سـلامت مریض می شود. آنان که با ثناهای خود ما را از جوار حق دور می کننـد دوسـتانی هسـتند که با دوستی خود به ما دشـمنی می کننـد و آنان که پندارند با عیب گویی و فحاشـی و شایعه سازی به ما دشـمنی می کنند دشـمنانی هسـتند که با عمل خود ما را اگر لایق باشـیم اصلاح می کنند و در صورت دشمنی به ما دوستی می نمایند.

من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیله های شیطانی و نفسانی بگذارند واقعیات را آنطور که هستند ببینیم، آنگاه از مدح مـداحان و ثنای ثناجویان آنطور پریشان می شویم که امروز از عیب جویی دشـمنان و شایعه سازی بدخواهان. و عیب جویی را آن گونه استقبال می کنیم که امروز از

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مداحی ها و یاوه گویی ثناخوانان. اگر از آنچه ذکر شد به قلبت برسد، از ناملایمات و دروغ پردازیها ناراحت نمی شوی و آرامش قلب پیدا می کنی، که ناراحتی ها اکثرا از خودخواهی است. خداوند همه ما را از آن نجات مرحمت فرماید.(۱)

پیروزی بر نفس با مراقبت و محاسبه اعمال

ما باید خودمان را مواظبت کنیم، باید مجاهده بکنیم خودمان را. باید حساب خودمان را خودمان بکشیم، قبل از اینکه آنجا حساب از ما بکشند. خودتان حسابتان را بکشید، قبل از اینکه حسابگرها حساب شما را بکشند. همه لحظات چشمهای شما، همه خاطرات ذهن شما، تمام تفکرات باطل شما در حضور خداست، و در نامه ها هم در پرونده ها ثبت است. هر لحظه ای که در لحظات چشم شما بر خلاف آن چیزی که دستور است واقع بشود، در حضور خداست و ثبت است. و در روایات هم هست که اینها هفته ای دو مرتبه اعمال عرضه می شود بر ولی امر؛ بر امام زمان سلام اللّه علیه. توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان سلام اللّه علیه خدای نخواسته آزرده بشود، و پیش ملائکه اللّه یک قدری سرافکنده بشود، که اینها شیعه های من هستند، اینها دوستان منند و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعل می شود.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۱۶ و ۵۱۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل سوم: اخلاص در انگیزش و کار

انسان، اعجوبه مخلوقات

انسان یک موجود عجیبی است. در جمیع طبقات موجودات و مخلوقات باری تعالی، هیچ موجودی مثل انسان نیست. اعجوبه ای است که از او یک موجود الهی ملکوتی ساخته می شود و یک موجود جهنمی شیطانی هم ساخته می شود. موجودات دیگر اینطور نیستند. اینطور نیست که این فاصله باشد بین فرد کامل و مابین فرد جهنمی ناقص. این از مختصات انسان است که حق تعالی او را با جمیع اوصاف و صفات مقدس خودش ایجاد کرده است و همه چیز در او هست. از این موجود، پیغمبر اکرم و سایر پیغمبرها محقق شده است و «ابوجهل»(۱) و سایر «ابوجهل ها» هم هست. و واسطه ما بین این دو تا هم «الی ما لا یعلم»(۲) هست. و کارهایی که از این انسان صادر می شود، حسن و قبح و صلاح و فسادش، بستگی دارد به آن جهات روحی انسان. اعمال به حسب صورت با هم خیلی فرق ندارند. آن چیزی که فارق بین اعمال است، آن نیات است؛ انما الاعمال بالنیات.(۳) ملاحظه

۱- ۱. ابوجهل، کنیه عمرو بن هشام مخزومی است که از مخالفان سرسخت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهبود.

۲- ۲. تا آنجا که دانسته نمی شود.

۳- ۳. عوالی اللئالی، ج۲، ص۱۱، ح۱۹: «کردار هر فرد به نیتهای اوست».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کنید که شمشیر دست دو نفر باشد و مثل هم فرود بیاید و مثل هم دو نفر را هلاک کند. یکی از آنها مثل عبادت ثقلین(۱) باشد ارزشش، و یکی از آنها طوری باشد که در فساد و در تباهی، قابل ذکر(۲) نباشد. اما عمل یک عمل است؛ دست بالا می رود و فرود می آید و یک نفر را می کشد. این اختلاف، مال اختلاف خود انسان است. اختلاف روحیات انسان است. و اختلاف صدهایی است که روی آن قصدها و اغراضی که روی آن اغراض، اعمال موجود می شوند. انگیزه اعمال به غایات است. آن چیزی که اعمال را با هم مختلف می کند، آن غایاتی است که انسان را وادار می کند به اینکه عملی را انجام بدهد، و مراتب حسن و قبح و مراتب فضیلت و رذیلت هم، روی همین معناست. انگیزه هایی هم که در اعمال بشری است اختلافش روی همین معنویات است، و اراده و تصمیم و غایات.(۳)

قلب انسانی، نقطه شروع کمالات

همه چیزها از قلب انسان شروع می شود، نه این قلبی که حیوانی است، قلب انسانی، همه مسائل از قلب انسانی شروع می شود. و اگر چنانچه قلب، یک سرچشمه نور و هدایتی در آن باشد، زبان هم به نورانیت قلب منور می شود؛ چشم هم به نورانیت قلب منور می شود، همه اعضای انسان، که تابع قلب است، وقتی قلب الهی شد، همه چیز انسان الهی می شود، یعنی

۱- ۱. اشاره است به ضربت شمشیر علی علیه السلام.

۲- ۲. اشاره است به ضربت شمشیر ابن ملجم مرادی بر سر مقدس علی علیه السلام.

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حرف که می زنـد، حرفش هم الهی است، اسـتماع هم که می کند، اسـتماعش هم الهی است. راه هم که می رود، راه رفتنش هم الهی است. این همـان است که انبیـا آمـده انـد برای تربیت انسانهـا. این انسـانی که یک حیوان است، با سایر حیوانات فرق نـدارد، یا بدتر از سایر حیوانات است، می خواهند که این انسان را از این لجنزار بیرون بیاورند، و یک انسان الهی، یک انسانی که سـرتاپایش معرفت اللّه باشد، توحید باشد، حرکتی نکند الا به حرکت الهی: و ما رمیت اذ رمیت و لکن اللّه رمی(۱). نه این است که معنـایش این است که خـدا تیر را انـداخته است. این دست، دست خـداست. نفسانیت در تو نبوده است تا اینکه رمیی که می کنی، رمی تـو باشـد. تـو الهی بودی، تو یـک موجود الهی بودی، موجود الهی همه چیزش الهی است، رمیش رمی اللّه است، عینش، عین اللّه است. همه چیزش خداست.(۲)

تمایز اعمال در الهی بودن و غیرالهی بودن

پیغمبر جنگ می رفتند و معاشـرت با اشـخاص می کردند، زندگی عادی می کردند، لکن زندگی الهی بود. چند نفر که با هم نشسـته بودنـد فرض کنید همه یک کار را انجام می دادند، و بین آنها پیغمبر اکرم بود و اشخاصـی که تبعیت مطلق از او کرده بودنـد بود و منافقها هم بودنـد و آنهایی که هجرت نکرده بودنـد آنها هم بودنـد، کار همه به حسب صورت مثل هم بود: همه جنگ می رفتند، همه فرض کنید کار دیگر می کردند؛ لکن معناش با هم فرق

۱- ۱. سوره انفال، آیه ۱۷: «ای رسول چون تیرافکندی، نه تو بلکه خدا افکند.»

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کرد. آن کاری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر می شد با آن کاری که از یک منافق صادر می شد در صورت یکی بود؛ معناش دوتا بود. آن الهی بود؛ این شیطانی بود. آن کسی که گرفتار این ظلمتها هست کارهایش هر چه کار هم بکند، نورانیت ندارد؛ ولو کارهایی که عبادی باشند باز آن نورانیت درش نیست؛ فقط یک ادای تکلیفی است. نماز می خواند، اما نماز او یک ادای تکلیفی است که معاقب نیست برای اینکه نگویند چرا نخواندی. لکن نماز، او را راه نمی برد. باید این عباداتی که به جا می آوریم اینها ما را راه ببرند؛ ما را مهاجر کنند.

کوشش کنید که کارهایتان کارهای الهی باشد؛ برای خودنمایی نباشد؛ برای این نباشد که دیگران از شما تعریف کنند؛ برای این نباشد که از شما مدح و ثنا بکنند؛ برای خدا باشد. وقتی کار برای خدا باشد، آن کار نورانی است. هر مقداری از نماز را که توجه به خدا دارید، این مقدار نورانیت پیدا می کند و بالا می رود. و هر مقداری که غافل هستیم، آن مقدار نورانیت ندارد و طرف ملکوت نمی رود. همه کارها اینطوری است. فرق ما بین اولیا و دیگران در صورت هیچی نیست؛ گاهی وقتها دیگران از اولیا خوش اندامتر هم بوده اند؛ در معناست فرق. فرق معنوی است. که دارند، اعمالشان با هم فرق دارد. از حیث معنویت یک ضربت علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین(۱). البته آن، جهت مقابله کفر و اسلام با هم بوده لکن اگر این را یک کسی دیگر هم می کرد اینطور نمی شد که افضل از عبادت ثقلین باشد. اگر کسی

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۱، ح ۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

گرفتار نفس باشد، ولو همان عملی که از علی علیه السلام از او صادر شده بود و فتح حاصل می شد به ضربت او، غلبه بر کفر هم حاصل می شد، لکن «اسمش» عبادت بود، تا برسد به اینکه از عبادت ثقلین بالاتر باشد. این یک روحی در آن عمل هست، یک الهیتی هست، یک توجه به خدایی هست، که آن عمل را فضیلت می دهد و از عبادت ثقلین بالاتر می کند. دست ما از اینها کوتاه است. لکن می توانیم اینقدر که یک شباهتی، یک شباهت دور، خیلی دور داشته باشیم. به هر حال کارهامان از آن وسوسه های شیطانی خالص باشد. آنقدرها مجاهده کنید که بتوانید این کار را بکنید. که این مقدمه هجرتی است که شما برای خودتان انتخاب کرده اید.(۱)

ارزش انگیزه الهی در امور

آنی که برای انسان ارزش دارد، ارزش انسانی و روحانی دارد، ارزش الهی دارد، این است که این انگیزه را حفظش بکند که برای خدا این کار را بکند. می خواهید تربیت کنید اطفال مردم را، برای خدا، می خواهید تربیت کنید جوان مردم را، برای خدا، می خواهید تربیت کنید ملت را، برای خدا؛ می خواهید حکومت کنید، برای خدا؛ حکومت کنید، همان حکومتی که انبیا می کردند، خوب، موسی هم حاکم بود، پیغمبر هم حاکم بود، علی هم حاکم بود. از آن طرف، افراد مفسد هم حاکم هستند، آن هم صورت مثل هم می ماند الا ـ در بعضی جهات انسانها صورتهایشان یکی هست. مثل هم می ماند همه، یک وضع دارند. گاهی اگر یک وضع اختلاف داشتند، وضع

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۶۱ تا ۶۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جسمانی و حیوانی است دیگر، آن چیزی که فرق می گذارد ما بین اینها، آن معنایی است که در آنها هست. و مهم آن انگیزه الهی است که برگردد همه چیز به خدا. خدا هم که انبیا را فرستاده، مقصد اصلی این نبوده که حکومت بکنند، مقصد اصلی این نبوده است که نظام ایجاد کنند، مقصد اعلا این نبوده که عدالت اجتماعی ایجاد کنند، مقصد اعلا اینها نیست، اما اینها مقصد است بعضیهایش مقصد است البته عدالت، اجرای عدالت یک مقصدی است، عدالت الهی را بخواهید اجرا کنید لله تعالی، مقصدی است. بخواهید عدالت الهی را ایجاد کنید برای خاطر اینکه مشهور بشوید، به اینکه آقا چه آدم خوبی است، دارد چی شود، این برای خودتان بد است، واقعش خوب است، برای مردم آن وقت خوب است. بعضی چیزها برای مردم خوب است، برای دانشگاه خوب است، بعضی از چیزها برای شما خوب است، بعضی چیزها برای هر دو خوب است. اگر موفق بشوید هم این معنا را درست بکنید که انگیزه، انگیزه الهی و خدایی باشد، نه برای خودم یک کاری می خواهم بکنم، برای خدا می خواهم یک کاری بکنم، برای ملت هم نیست، برای خداست، اگر این طور باشد موفقید در کارتان راجع به این جهت. در آن کار اگر هم به حسب قاعده موفق خواهید شد در آن کار هم اگر هم خدای نخواسته، یک وقت چیزهایی آمد پیش، موانعی آمد پیش، نتوانستید موفق بشوید، این دیگر قدرت نداشتید، خدا هم از شما قبول دارد، بیشتر از قدرت از شما نمی خواهد. بنابراین، این انگیزه را باید ما حفظ بکنیم. یک کسی ممکن است درس بخواند، درس الهی بخواند، توحید بخواند، عرفان بخواند و جهنم برود. دیگران از استفاده از او تو بهشت

Presented by: https://jafrilibrary.com/

برونـد، این برای اینکه خودش انگیزه باطل داشـته باشـد جهنم برود. یک کسـی می خواهد درس بخواند برای اینکه مثلا فلان منصب را پیدا کند، آقای محله بشود، آقای شـهر بشود، آقای یک مملکت بشود، آقای دنیا بشود. یک کسی می خواهد درس بخواند برای اینکه خودش معروف بشود، در این جاها، در این ده، در این شهر معروف بشود، همه اش برگشت به این است که یـا خودم یـا خـدا، یـا من یا او. این «من» را اگر انسان زیرپا گـذاشت و «او» شـد، اصـلاح می کنـد همه چیز را. و در همه اقطار کارها این طوری است که فرق مابین اینکه این کار یک کاری است الهی، آدم خودش بایـد فکرش را بکند. گاهی وقتها خود انسان هم در اشتباه است لکن باید فکر کند حالا این کاری که من دارم می کنم و این قدر خوشحالم برای اینکه برای خدا این کـار را کردم، اگر یـک کسـی بهتر از من این کار را انجام بدهـد، حاضـرم که این را به او بـدهم و خوشـحالتر هم بشوم برای اینکه، او بهتر برای خـدا کـار می کنـد یـا نه. اگر اینجا آدم فهمیـد که نه، این طور نیست، حاضـر نیست این کار را، بدانـد این خـدایی نبوده صـرف خدایی اخلاص نبوده در آن. آنی که برای ما فایده دارد اخلاص است که برای خدا هم کار بکنیم، خدا هم احتیاجی به هیـچ چیز نـدارد، احتیاجی به اخلاص ما هم نـدارد. خـدا می خواهد که، میل دارد، یعنی میل به آن معنایی که دیگران دارنـد نه، انبیـا را فرسـتاده که تربیت کننـد، مردم را نجـات بدهنـد. نجات مردم هم به این است که دنبال انبیا باشـند و انگیزه هایشان هم انگیزه انبیا باشـد؛ نمی توانیم به آن قـدر، به هر انـدازه ای که می توانیم. البته ما نمی توانیم که انگیزه ای که حضرت امیر دارد ما داشته باشیم، این معلوم است که ما نمی توانیم. اما می توانیم که

Presented by: https://jafrilibrary.com/

یک انگیزه هایی داشته باشیم که مشابه او باشد.(۱)

تلاش برای الهی نمودن انگیزه ها

سعی کنید که انگیزه ها، انگیزه های الهی باشد. سعی کنید که به مردم خودتان هر جا هستند، به کشورهای خودتان هر جا هستند تزریق کنید که انگیزه هایشان الهی باشد؛ برای کشورگیری نباشد، برای سلطه نباشد، برای دنیا نباشد. گمان نکنند که دنیا یک چیزی است که باقی می ماند، چند روز می ماند دست این و از بین می رود. آن چیزی که باقی می ماند آنی است که للّه تعالی است. (ما عندکم ینفد و ما عنداللّه باق)،(۲) ما عنداللّه آن چیزهایی است که انسان برای خدا می کند، آنها باقی هست و آن چیزی که پیش خود ما هست از دنیا و از جهاتی که نفسانیت ما دارد، اینها از بین می رود.(۳)

اخلاص، معیار ارزش عمل

باید سعی کنید اخلاص را در تمامی کارهایتان درنظر داشته باشید و جدیت کنید که کارتان برای خداوند متعال باشد. گاهی عمل بزرگ است، ولی چون برای خدا نیست ارزشی ندارد.(۴)

حجم معنوی عمل در اخلاص عمل

آن چیزی که حجم عمل را زیاد می کند، ولو حجم مادیش کم است، آن

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۴۶ تا ۴۴۸.

۲- ۲. سوره نحل، آیه ۹۶: «آنچه پیش شماست نابود می شود و آنچه که پیش خداست ماندگار است».

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۰۵ تا ۲۰۶.

۴- ۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۰۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

«للّه » بودن و اخلاص است. یک عمل ممکن است به حسب حجم مادیش بسیار کم باشد، لکن به حسب معنا از همه اعمال، یا از اکثر اعمال، حجم معنویش زیادتر باشد. «لااله الا اللّه» یک عبارت چند کلمه ای است؛ لکن عظمتش از تمام اذکار، یا اکثر اذکار، زیادتر و حجم معنویش از همه بیشتر است. افعال وقتی که «اخلاص» همراهش باشد حجم معنوی پیدا می کند «اخلاص» به منزله روح عمل است. همان طوری که انسان به این حجم مادی انسان نیست، این حجم مادی را سایر حیوانات بسیاری از حیوانات، هم این حجم را بیشتر از انسان دارند. آنکه اسباب امتیاز انسان است از سایر حیوانات آن جهت معنویت انسان است؛ آن جهت روح انسان است، روح مهذب. روحی که تربیت شده باشد به تربیتهای الهی، آن ارزش انسان را زیاد می کند، و حجم معنوی را بالا می برد. کوشش کنید که آن حجم زیاد بشود.(۱)

کار برای خدا

اگر این راه را برای خدا می روید، اگر این طریق را برای خدا طی می کنید، افسرده نباشید از اینکه به شما اعتنا نمی شود؛ خداوند به شما عنایت دارد. کوشش کنید که راه برای خدا باشد، کوشش کنید که چشمتان را از مخلوق، از ما سوای خدا ببندید. توجه تان به این نباشد که اگر خدمتی برای خدا می کنید، دیگران پیش شما بیایند تواضع کنند. شما جوانهایی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۴۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

هستید که در طول این مدت زحمت کشیدید؛ برای خدا رنج بردید؛ برای خدا عمل کردید. حالا یک راه طولانی را برای خدا طی کردید و آمدید اینجا با ما صحبت کنید، درد دل کنید. کاری که برای خداست خدا توجه می کند و اگر برای خدا نباشد، همه عالم هم توجه کنند، چیزی نیست.(۱)

اخلاص، منشأ اطمینان قلبی و ایمان و پیروزی

امروز ما دریک کشوری هستیم که به حسب واقع و به حسب ادعای همه ماها، کشوری است که اسلامی است و برای اسلام خدمت می شود. این یک وظایفی دارد که ما باید در آن وظایف کوشا باشیم. وظیفه ای که از همه وظایف بالاتر است این است که اخلاص داشته باشیم برای کارهایی که می کنیم.

شما گمان نکنید که اتکا به ماورای خدا برای ما بتواند یک کارگشایی بکند، اتکا به خدا بکنید. اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت. شما امروز بحمداللّه، موجب سرافرازی ملت ایران شدید و ملت ایران هم موجب سرافرازی اسلام. و اخلاص پیدا کنید در کارهای خودتان، اتکای خودتان را به خدای تبارک و تعالی قوی کنید که نصر و نصرت بدون اتکا به او حاصل نمی شود.

شما ملاحظه کنید الان قدرتهای بزرگی که اتکا دارند به آن سلاحهای

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عجیب و غریب خودشان، در اضطراب دارند زندگی می کنند. گمان نکنید که کاخ سفید یا کرملین الان آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی می کنند. آن ها با اضطراب زندگی می کنند و این اضطراب برای این است که آنها تبع(۱) شیطان هستند و شیطان نمی گذارد که طمانینه پیدا بشود در قلب انسان.

شما بخواهید که اضطراب نداشته باشید و بخواهید که ایمانتان را قوی بکنید، بدانید که نصرت دنبالش است. اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید بعد دنبال کار بروید به آن طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است. و این اخلاص و ایمان، شما را تقویت می کند و روحیه شما را بالا می برد و نیروی شما جوری می شود که هیچ قدرتی نمی تواند مقابله بکند. امروز هم که می بینید همین طور است، الان همین طور است که قدرتهای بزرگ هم با شما مقابله توانند بکنند؛ یعنی، آنها خودشان به اضطرابهایی گرفتار هستند که آن اضطرابها گذارد که وارد بشوند در یک کارهای دیگری.(۲)

کسب رضایت الهی در انجام وظیفه

ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا ان شاءاللّه مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه است، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کار انبیا هم مورد قبول همه نبوده

۱- ۱. دنبال، پیرو.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷۷ تا ۷۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است، لکن انبیا به وظایفشان عمل کردند و قصور در آن کاری که به آنها محول شده بود نکردند، گرچه مردم اکثرا گوش ندادند به حرف انبیا. ما هم آن چیزی که وظیفه مان هست عمل می کنیم و باید بکنیم، گرچه بسیاری از این عمل ناراضی باشند یا بسیاری هم کارشکنی بکنند.(۱)

ما باید رضای خداوند را بدست بیاوریم

ان شاءاللّه هواهای نفسانی را کنار بگذاریم و آن چیزی را که به حسب حدیث پیغمبر اکرم است که: ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان(۲) یکی اتباع هواست، یکی هم طول امل است. هواها از بین برود، طول املها از بین برود. این طور نیست که ما همیشه باشیم، دیر و زود دارد، زود و دیر دارد، چند روز این، چند روز آن، چند روز آن، هر کسی پنج روز نوبت اوست و بعدش وارد می شود به یک دنیایی که دنیای همیشگی است، ابدی است، یا ابدی در نعمت، ان شاءاللّه شماها باشید یا خدای نخواسته طور دیگر. بنابراین، ما باید رضای خدا را به دست بیاوریم و دنبال این باشیم که رضای او به دست بیاید. حالا او روشنفکری که یک خیال دیگر می کند، هرچه می خواهد بگوید. آن دولت دیگری هم که یک چیزی می گوید، نقی می زند، آن هم هرچه می خواهد بگوید. آن منافقی هم که یک چیزی گوید، آن هم هرچه می خواهد بگوید. ما رضای خدا را به دست بیاوریم، چیزهای دیگر سهل است.(۳)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴۶ تا ۲۴۷.

۲- ۲. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۷۶، ح ۶۳. «آنچه بیش از همه چیز از آن می ترسم بر شما، دو چیز است».

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اخلاص داشتن در خدمت به بندگان خدا

توجه به اینکه مردم درباره شما چه می گویند، مخالفین درباره شما چه می گویند، نداشته باشید. شما اخلاص داشته باشید و برای خدا به بندگان خدا خدمت کنید و ثنا و اجر را از او طلب کنید که او جزای شما را و اجر شما را عطا می فرماید.(۱)

ریزه کاریهای شیطان

ما هم باید به مسائل؛ یعنی، به آن شیطنتهایی که نفس اماره انسان می کند، توجه کنیم؛ آن ریزه کاریهایی که در انسان ایجاد می کند. چه بسا یک نفر آدم زاهد متقی در طول عمرش به زهد و تقوا و اینها معروف باشد و شیطان یک گوشه ای از دل او را ربوده باشد که همه این اعمال و این زهد و تقوا، همه و همه فاسد بشوند. و چه بسا باشد که شما آقایانی که در مجلس تشریف دارید و امیدوارم که موفق باشید با همه کوششی که می کنید برای اسلام، لکن آن حظ شیطانی از پیش شما نرفته باشد.(۲)

تشخیص چگونگی اعمال

می تواند انسان خودش را تشخیص بدهد که از اولیای شیطان است یا از اولیای خداست ما خودمان می توانیم اعمال خودمان را تشخیص بدهیم.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۴۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۶۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

قبل از اینکه این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا و قبل از آن برای پیشگاه امام زمان سلام اللّه علیه برسد، خودمان باید نظر کنیم به این نامه اعمالمان، یعنی صفحه قلبمان، که همه چیز درش نقش می شود همان صورت نامه اعمال است. خودمان بفهمیم چه کاره هستیم. آیا ما در این کاری که به ما محول است، با صداقت، صمیمیت، برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام کار می کنیم؟(۱)

عمل الهی در گرو مقصد الهی

این یک واقعیتی است که در آیه هست: الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل اللّه والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت(۲). این آیه محک است برای اینکه ما خودمان را بشناسیم. هر کسی می داند که خودش چه می کند؛ می داند که چه مقصدی دارد؛ و کارهایی که انجام می دهد روی چه مقصدی انجام می دهد. اگر چنانچه مقصد، مقصد طاغوتی است، عمل، عمل طاغوتی می شود. و اگر مقصد، مقصد الهی است، عمل، عمل الهی می شود، و راه فهم هم خود آدم است. خود ما هم می دانیم، می فهمیم که کارهایی که انجام می دهیم چه قتال باشد و چه کارهای دیگر آیا کارهای ما روی مقاصد طاغوتی انجام می گیرد؛ بر ضد مصالح مملکت، بر ضد مصالح اسلام؛ یا بر مسیر اسلام، بر مسیر ملت، است. اگر بر مسیر اسلام، بر مسیر ملت اسلامی شد، این کسی که عمل می کند عملش الهی است و فی سبیل اللّه است. و اگر خدای

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۱.

۲- ۲. سوره نسا، آیه ۷۶: «اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می کنند.»

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نخواسته برخلاف مسیر ملت و ملت اسلامی و برخلاف مسیر اسلام شد، باید بفهمد که این مسیر، مسیر طاغوت است و عمل، عمل طاغوتی، حالا چه قتال باشد و چه کارهای دیگر فرقی نمی کند.(۱)

اخلاص، منشأ نتیجه بخشی تمام امور

شما هم اگر بخواهید انسان باشید، ارزش انسانی داشته باشید، برای شکم نباشد برای شرف باشد کارهایتان، برای انسانیت باشد، برای خدا باشد، اگر بخواهید که کارهایتان که برای خدا باشد به نتیجه برسد، باید دست از هواهای نفسانی بردارید. شیطان از انسان دست بردار نیست. قسم خورده است برای خدا، من در ذهنم این است که به خدا تشر رفته است، که قسم خورده است که نمی گذارم اینها چیزی بشوند؛ الا عبادک منهم المخلصین(۲) شما با یک همچو دشمن قسم خورده ای مواجه هستید، به جنگ او بروید، در شهرهایتان که می روید به جنگ او بروید. مردم را آگاه کنید به این که یک همچو دشمنی در باطن است که موجب شده است این دشمن باطنی که دشمنهای جبار ظاهری هم به ما غلبه کنند. اگر آن دشمن را شما از بین ببرید، یک انسجام بینتان حاصل می شود، یک وحدت بینتان حاصل می شود، یک اخوت و برادری بینتان حاصل می شود، قلب شما از خوف خالی می شود، قلب شما از حب دنیا خالی می شود، می توانید همه کاری را

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۰.

۲- ۲. سوره حجر، آیه ۴۰: «مگر آنانکه بندگان با اخلاص تو باشند».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بکنید، آن وقت یک همچه اعجازی می شود.(۱)

اخلاص مسئولان، منشأ وحدت

افراد اگر کارهایشان به وجهه واحد باشد؛ یعنی مقصد خدا باشد و توجه به او. انسان را وادار به کار بکند، هیچ اختلافی متصور نیست. تمام چیزهایی که بشر به آن مبتلا هست از خود آدم است. تمام یعنی کارهایی که به دست بشر انجام گیرد، بلکه کارهایی هم که از غیب به ما وارد می شود، چه بسا این همه زلزله ها و سیلها و طوفانها برای این باشد که ما خودمان را اصلاح نکردیم. ما اگر چنانچه خودمان را اصلاح کنیم و اینهایی که موثرند در بین توده ها، اینهایی که مردم نظر می کنند ببینند اینها چه می کنند، آنها هم تبعیت کنند، اگر آن اشخاصی که مورد توجه مردم اند و مردم اعمال آنها را و اقوال آنها را تحت نظر دارند، اگر چنانچه وجهه واحد باشد، شما که صحبت می کنید برای خدا باشد، آن هم که می شنود برای خدا باشد، او که می نویسد هم همین طور، هیچ اختلافی نخواهد واقع شد. اگر اختلاف نظر هم باشد، با طرز الهی حل می شود؛ نه با طرز شیطانی. عمده اصلاح همین مرکز «خود» است. همه مصیبتهای ما از خود ماست. و باید اصلاح از خود ما شروع بشود. من توقع نداشته باشم که خودم اصلاح نشده بخواهم دیگری را اصلاح کنم. این خیال باطل است. اگر چنانچه خود آن گوینده اصلاح شده باشد، می تواند دیگران را اصلاح بکند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۰۴ تا ۲۰۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عبادت بودن خدمت خالصانه به انقلاب

شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید. برای خدای تبارک و تعالی عمل کنید، این عبادت است، خالص باشید در این عبادت. این نهضت تمامش عبادت بود، این انقلاب تمامش عبادت است و شما خالص باشید در این عبادت. خداوند همراه شماست.(۱)

حفظ امدادهای غیبی با اخلاص در عمل

عمده این است که یک کشوری است که شما از دهن چند تا اژدها بیرونش آوردید اینها، طرفین، همه شان اژدها هستند، یکیشان بدتر یکیشان از او بدتر، و الا همه در بدی مثل هم هستند و شما الان کشور خودتان را، این ملت نجات داده و حالا هر گوشه ایش دست یک دسته ای افتاده است که باید درش کار کند. و مطمئن باشید شمایی که می خواهید، مایی که می خواهیم آن مسائل الهی و آن مقاصد الهی و مقاصد حق در ایران جایگزین آن باطلها بشود، خداوند با ما همراهی می کند. وقتی که ما یک همچو پشتوانه ای داریم پیروزیم و ملت ما را الان می بینید، شما خیال می کنید مسئله عادی است که یک ملت سرتاسرش یک مطلب را بگوید، این مسئله عادی نیست، یک مسئله غیبی است؛ این که سرتاسر کشور یک وقت آدم ببیند که هر جا هر صدایی بلند می شود، آن چیزی که در بندر عباس واقع می شود، در آخر آذربایجان هم واقع می شود همان مطلب،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۱۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کی تواند همچو کاری را انجام بدهد؟ چه دستگاهی می تواند؟ این دستگاههای بزرگ خارجی وقتی بخواهند یک چیزی را راه بیندازند، یک میتینگی می خواهند راه بیندازند، هزار جور زحمت دارد، باز هم نمی توانند آن طوری که دلشان خواهد. شما یک کلمه می گویید، یک وقت می بینید سرتاسر کشور همه با هم همصدا هستند. این یک دست غیبی است همراه ما و این را حفظش بکنید. حفظ به این است که خدمت را خالص کنید برای خدای تبارک و تعالی.(۱)

جاودانگی کارهایی که برای خداست

چیزهایی که برای خداست، اینها دائم است؛ همیشگی است. چیزهایی که برای طبیعت و ماده است، خود ماده و طبیعت از بین می رود. آنهایی که برای اوست، آنها هم از بین می روند.... توجه بکنید که اغراضتان یک اغراض مادی نباشد؛ اغراض الهی باشد. اغراض الهی داشتید، مادی هم دنبالش هست، اما این مادی دیگر الهی شده است که دنبالش هست. اگر دارای اغراض مادی شدید، هرچه هم بگویید برای خدا، درست نخواهد شد. عمده این است که اغراض را همه قشرهای ملت، دولت، مجلس همه غرضهاشان را غرض الهی کنند تا همه مسائل، مسائل الهی بشود. آن وقت ما راه یافتیم به یک گوشه ای از آن چیزی که انبیاخواستند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

پیروزی نهایی در اخلاص است

تمام این پیروزی ها و عدم پیروزی ها و سلطنت ها و ابرقدرتی ها و همه، گذراست. ما این جا نشستیم، بلااشکال در صد سال دیگر از ما خبری نیست، گذشته است، رفته است، پیروز بشویم رفته است، شکست بخوریم رفته است، قدرت داشته باشیم رفته است، نداشته باشیم گذشته است. آن که باقی است، آن است که در پیش خودمان است. آنچه باقی می ماند، ما و چیزهایی که حمل کنیم به عالم دیگر است. ما باید فکر این معنا باشیم که خدمت بکنیم؛ خدمتی که برای ما سرمایه باشد برای آن جهان. زدن و پیروز شدن و فتح کردن و همه اینها اگر آن بعد معنوی اش نباشد، همه اش شکست است، بلکه آنهایی که بیشتر در نظر مردم پیروزند، شکسته ترند. این قدرت های بزرگی که در عالم بوده است و هست و خواهد بود، اینها اگر آن بعدی که آنها را به سعادت می رساند نداشته باشند، تمامش شکست است. چند روز خورد و خواب و جنایت و خیانت و بعدش تمام، این جا بسته می شود و در آن عالم باز می شود، صحیفه ما باز می شود. همه این عالم شهادت می دهند برای ما، همه حاضرند. ما باید که فکری بکنیم که نصرت کنیم خدا را؛ ان تنصروا اللّه ینصرکم. جنگ نیست، انزوا هم نیست پیشرفت نیست، شکست هم نیست. نصرت یک معنایی است که در خود انسان باید متحقق بشود. ما اگر چنانچه در همه جبهه ها پیروز بشویم، لکن به عنوان نصرت خدا نباشد، برای نصرت خودمان باشد، بخواهیم که خودمان یک جایی را بگیریم، ما نصرت خدا را نکردیم و خدا هم آن وعده ای را که داده اند، عمل کنند، اگر عمل کنند یک عنایت خاصی است،

ص: ۱۰۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ربطی به ما ندارد. آنی که وعده کرده است که «ان تنصروااللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم»(۱)، آن این است که شما جبهه نصرت را بازکنید، خدا هم باز می کند. شما برای خدا کار کنید. برای خدا پیش بروید، برای خدا زحمت بکشید، برای خدا همه کارها را انجام بدهید. آن که در جبهه هست برای خدا باید جبهه باشد. آن که پشت جبهه است برای نصرت خدا باشد. این کسی که متصدی امور لشکر است برای خدا متصدی باشد. آن که متصدی امور کشور است برای نصرت خدا باشد. آن که در مجلس است برای خدا در مجلس باشد، برای نصرت خدا باشد. و بالاخره اگر همه در نصرت خدا باشیم، خدا به وعده خودش بی اشکال عمل می کند. اگر نقصی باشد در ماست. اگر ما به خیال خودمان پیروزی داریم پیدا می کنیم، لکن نصرت خدا نباشد، یعنی برای او نباشد برای پیشرفت مقاصد الهی نباشد، مقاصد الهی مقصود این است که برای مظلومان، برای مستمندان، برای پیشرفت احکام اسلام، برای دفع ظلم از مظلومان، برای قطع ید ستمگران، همه اینها برای خدا، خدا فرموده است، ما عمل می کنیم. اگر فرموده بود که بروید در منزلتان بنشینید، آن وقت ما برای خدارفتیم منزل می نشستیم.(۲)

بقای نتیجه اعمال

برادرهای ما! این چند روز عمر را برای خدا صرف کنید. عزیزان من!

۱- ۱. سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۷: «اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری کرده و قدمهایتان را استوار می کند».

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۰۱ تا ۲۰۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

این چند روزی که ما هستیم برای خدا صرف کنید. این را، این حیات از دست ما می رود؛ این دنیا برای هیچ کس باقی نمی ماند. آن چیزی که برای همه باقی می ماند نتیجه آن اعمالی است که از ما صادر می شود. هر عملی که از ما صادر می شود یک صورتی در آن عالم دارد و ما آن را می بینیم: فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره(۱) خود او را می بینیم. هر ذره خیراتی که از شما صادر می شود، هر عمل انسانی که از شما صادر می شود، هر عمل اسلامی که از شما صادر می شود، یک صورتی در آن عالم دارد؛ و شما آن را می بینید. و چنانچه خدای نخواسته یک امر غیر انسانی، یک امری برخلاف مسیر اسلام، برخلاف مصالح کشور اسلامی از ما صادر بشود، صورتش در آن عالم با مناسبت هست و ما می بینیم. کاری بکنید که وقتی از اینجا بار را بستید، در حضور خدای تبارک و تعالی با روسفیدی باشید. کاری نکنید که خدای نخواسته در آنجا غیر از این صورتی که اینجا دارید داشته باشید. کار شما مهم است، این کار مهم را خوب انجام بدهید. همه کارهایمان مهم است، همه باید کارهایمان را خوب انجام بدهیم.(۲)

۱- ۱. زلزال، آیه ۷: «هرکس به قدر ذره ای که کار نیک کرده، آن را خواهد دید».

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۱ تا ۴۴۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل چهارم: پست و مقام وسیله امتحان

۱. جایگاه پست و مقام در اسلام

حکومت و زمامداری در اسلام، تکلیف و وظیفه الهی

اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه ای، یعنی رابطه مسلط و زیر سلطه، به وجود نمی آید. اساسا حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند.(۱)

ریاست و حکومت، وسیله ای برای اقامه عدل

شما که الان از وزرای محترم هستید و مملکت اسلامی به شما سپرده می شود و پستهای شما پستهایی است که باید در آن اعمال بسیار شایسته انجام بگیرد، کوشش کنید که اولا، گمان نکنید که ریاست، از ریاست درجه

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اول تا آخر، یک چیزی باشد؛ یک امر اعتباری است. یک دسته ای جمع می شوند یکی را می گویند تو کارها را انجام بده. در نظر داشته باشید که حضرت امیر سلام اللّه علیه در حالی که به حسب فهم جامعه، ریاست یک کشور بسیار بزرگی را داشت از حجاز تا مصر، عراق، ایران؛ همه را داشت، آن وقت چه جور بود وضعش، چه جور بود سلوکش با مردم و چه بود سفارشهایی که به عمالش یا به حکومتهایی که از طرف او بودند. چه سفارشهای ارزشمندی فرموده است! البته ما نمی توانیم خود او باشیم، لکن می توانیم که شیعه او باشیم، پیرو او باشیم. تا آن حدودی که بتوانیم، باید پیروی از او بکنیم. او تمام مقصدش خدا بود. اصلش این دنیا و این ریاست دنیا و اینها در نظر او چیزی نبود، مگر اینکه بتواند یک عدلی را در یک دنیا برقرار کند، و الا پیش آنها مطرح نبود که یک ریاستی داشته باشم یا خلافتی داشته باشم، مگر اینکه بتوانند یک عدلی را اقامه کنند و یک حدی را جاری کنند. ما باید از آنها درس بگیریم و پند بگیریم و به شیوه آنها تا آن اندازه ای که می توانیم عمل کنیم و از آن چیزهایی که دام شیطان است که بزرگترین دام همان خودخواهی انسان است از این دام رهایی پیدا بکنیم و به صراط مستقیم الهی راه برویم تا بتوانیم، هم خودمان را اصلاح کنیم و هم جامعه مان را.(۱)

انگیزه الهی حاکمان، مایه نیل به معدن قرب حق

پسرم! نه گوشه گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است، و نه ورود در

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جامعه و تشکیل حکومت، شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه های آنها است. چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر، با آنچه مناسب او است چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگ بینی و تحقیر خلق اللّه و شرک خفی و امثال آنها، او را از حق دور و به شرک می کشاند. و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به معدن قرب حق نائل می شود، چون داود نبی و سلیمان پیامبر علیهماالسلام و بالاتر و والاتر چون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و خلیفه بر حقش علی بن ابیطالب علیه السلام و چون حضرت مهدی ارواحنا لمقدمه الفدا در عصر حکومت جهانی اش. پس میزان عرفان و حرمان، انگیزه است. هر قدر انگیزه ها به نور فطرت نزدیکتر باشند و از حجب حتی حجب نور وارسته تر، به مبداء نور وابسته ترند تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است.

پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست و دست و پا برای به دست آوردن مقام هر چه باشد چه مقام معنوی و چه مادی مزن به عذر آنکه می خواهم به معارف الهی نزدیک شوم یا خدمت به عباداللّه نمایم؛ که توجه به آن از شیطان است چه رسد که کوشش برای به دست آوردن آن.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۱۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مطرح نبودن مقام و ریاست در اسلام

مسئله کرسی مجلس در اسلام مطرح نیست، مسئله ریاست مطرح نیست، مسئله ریاست جمهور مطرح نیست، مسئله وزارت مطرح نیست، اگر کسی اینها را خیال کند مطرح هست اسلام را نشناخته است. شماها شیعه همان هستید که گوید که من به اندازه این کفش کهنه ای که هیچ نمی ارزد امارت شما را به اندازه این برایش ارزش قائل نیستم مگر اینکه حقی را ایجاد کند. شما که می خواهید حق را ایجاد کنید، شما که می خواهید اسلام را به پیش ببرید، چه در مجلس پیش ببرید یا در مدرسه پیش ببرید یا در محافل دیگر، باید پیشتان فرق نکند.... من باید تذکر بدهم به اینکه آقایانی که در انتخابات دخالت کردند باز هم با کمال خلوص نیت دخالت بکنند و هرگز از این معنا که من نبردم و او برده است دلخور نباشند. شما همه برادر هستید، دوستید. این دوست باشد در مجلس یا آن دوست باشد یا من باشم، اینها مطرح نباید باشد پیش ملت ایران و مطرح نیست ان شاء اللّه.(۱)

قبول مسئولیّت برای خدمت نه کسب قدرت

باید افراد متوجه این معنا باشند، کسانی که واقعا دلشان برای اسلام می تپد و برای کشورشان، متوجه این باشند که پست، میزان نیست، مقام میزان نیست، مقام ریاست جمهوری، این میزان نیست. مقام نخست وزیری یا رئیس دولت بودن یا رئیس مجلس بودن، اینها چیزی نیستند، این مقامات

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۱۱ تا ۴۱۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تمام می شود؛ آنی که هست خدمت است. آدم متعهد در هرجا باشد، اگر دید خدمتش خوب است آن جا، بیشتر دلگرم است. ممکن است که یک نفر؛ مثلا، فرض کنید که نخست وزیر بوده است، لکن اگر این نخست وزیر ببیند که در یک جایی کار بهتر می کند، آدم متعهدی است می رود آن جا. یک نفر در دادستانی مقام داشته است، وقتی دید که یک کسی از خودش بهتر می تواند کار کند برود آنجا، برایش فرق نکند؛ یعنی، هدفش این باشد که خدمت بکند، نه هدفش این باشد که مقام داشته باشد. انسان هم خودش می تواند خودش را بشناسد، هیچ کس بهتر از خود انسان، البته بسیاری از اوقات هم انسان از خودش هم غفلت می کند، اما بسیاری از اوقات هم هست که انسان خودش درک می کند که چی دارد می کند و در دلش چی می گذرد؛ ماها نمی دانیم، اما خدا می داند. انسان می فهمد که اگر انتقاد بکند، آیا این انتقاد سازنده است یا انتقام است. خودش می فهمد یعنی، غالبا می فهمد خودش فهمد که این که در این پست هست، پست را دوست دارد یا خدمت را دوست دارد. این چون خدمتگزار است، دلبسته به این پست هست، یا خیر؛ دلبسته به این پست است، خدمتگزاری پیشش خیلی مهم نیست. خوب، ادعاش را می کند، و می کند هم خدمت، عمده آن جهت است که انسان واقعا بداند که یک روزی جواب باید بدهد. هیچ، هیچ شبهه در این نیست که ما یک روزی باید جواب بدهیم. هر کداممان، هر کاری انجام بدهیم، یک روز جواب می خواهد، انتقاد بکنیم، یک روز جواب می خواهد؛ انتقام گیری باشد، یک روز جواب می خواهد؛ و بدرفتاری باشد، یک روز جواب می خواهند از ما. این را ما باید حتما توجه بهش داشته

Presented by: https://jafrilibrary.com/

باشیم و دارید توجه؛ یعنی، هرکس مسلمان است، اعتقاد به اینکه معاد است و همه چیز دست آن، در آن جا رسیدگی می شود، و حاضر است، این جزو اعتقادات اسلام است. بنابراین، نباید اگر فرض بفرمایید که رئیس جمهور رفت و دیگری آمد، رئیس جمهور برود کنار و مایوس بشود؛ نه، باید او برود یک کاری که ازش می آید بکند و دلبستگی هم به او داشته باشد، به عنوان اینکه یک کاری است دارد می کند، نه به عنوان اینکه یک مقامی است دارد. اگر انسان در خودش ادراک کرد که من بروم آن بالا- را بگیرم، بداند که این کار، یک کار شیطانی است، این کار ازش نمی آید. اگر در ذهنش این است که برویم یک کاری انجام بدهیم برای جمهوری اسلام، این کار الهی است و ازش هم کار می آید. این محکی است که انسان خودش غالبا می تواند تشخیص بدهد. گاهی هم البته اشتباه دارد؛ یعنی، گاهی هم بر خود انسان مخفی است یک مسائلی.(۱)

دنبال این باشیم که مکتبمان پیش برود

اسلام وضعش غیر آن چیزهای دیگری است که می خواهند قدرت نمایی کنند و خودنمایی کنند و هر کس خودش را نمایش بدهد. ما همه باید خودمان را فانی کنیم، و همه ما دنبال این باشیم که آن مکتبمان پیش ببرد، نه دنبال این باشیم که خودمان پیش ببریم. ما خودی نداریم؛ هرچه هستیم مکتبمان است. وقتی مکتب مطرح است هم من و شما و آقا و دیگران و همه ارگانهای دولتی و همه اینها باید خود را کنار بگذارند، دنبال

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۶۵ تا ۳۶۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مکتب باشند؛ خودشان را فانی کنند در مکتبشان، همان طوری که در صدر اسلام بوده است. صدر اسلام این مسائل نبوده است که هرکسی بخواهد خودش را نشان بدهد، هر کسی می خواسته مکتبش را پیش ببرد، از این جهت هم پیش بردند.(۱)

۲. آزمون بزرگ

ملازم بودن وجود انسان با امتحان

انسان را گاهی به ناامنی و خوف امتحان می کنند و گاهی به امنیت و اطمینان، گاهی به نقص در ثمرات و انفس. جوانها را از انسان می گیرند، برادرها را می گیرند، و بچه ها و زنها را به این راه امتحان می کنند. و گاهی به زیاد کردن ثمرات، زیاد کردن اموال، توسعه دادن و امنیت اعطا کردن امتحان می کند. بشر در امتحان واقع است. با ادعای اینکه من مومن هستم رها نمی شود. پیغمبرهای بزرگ امتحان شدند. ابراهیم خلیل علیه السلامدر آن قضیه حیرت انگیز امر به اینکه باید اولادت را ذبح کنی امتحان شد.(۲) پیغمبرهای بزرگ، اولیای بزرگ امتحان شدند. حضرت سیدالشهدا علیه السلامامتحان شد. اولاد و احفاد(۳) او هم امتحان شدند و همه ماها هم امتحان می شویم. و همه بشر هم امتحان خواهند شد. و امتحان به امنیت و دارایی و ثروت و ریاست و امثال ذلک بزرگتر است از امتحان در نفس، اولاد و انفس. چه بسا

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۶۰.

۲- ۲. این داستان در سوره صافات، آیات ۱۰۰ تا ۱۰۷ ذکر شده است.

۳- ۳. احفاد: فرزند زادگان، نوادگان، نبیرگان، جمع حفد.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اشخاصی که ادعا می کنند که ما مومن هستیم، لکن وقتی که امتحان می شوند معلوم می شود که فقط ادعا بوده. و چه اشخاصی که ادعا می کنند که ما طرفدار ضعفا هستیم لکن وقتی که امتحان می شوند از امتحان درست در نمی آیند. و چه اشخاصی که ادعا می کنند که اگر برای ما صفحه جنگ پیش بیاید پیشقدمیم، و در وقت عمل از امتحان درست در نمی آیند.(۱)

مبتلا بودن همه به امتحانات الهی

باید عرض کنم که ما و شما و همه اهل دنیا همه برادران ایرانی ما در معرض امتحان هستیم. یعنی مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. ما امروز درباره خودمان و مسئولین کشور خودمان و ملت محترم خودمان عرض می کنیم، هر کس در هر مقامی که هست و هر مسئولیتی که دارد همان مقام و همان مسئولیت امتحان اوست. امتحان مثلا رئیس محترم جمهور، همان ریاست جمهورش است که آیا در این مقامی که هست چه می کند، افکار او چیست، اخلاق او در این زمینه چیست و اعمال او چیست و حتی خطرات قلب چیست، چیزهایی که در قلبش عبور می کند و می گذرد اینها چیست و همین طور تمام مسئولین، مجلسیها، آنهایی که در مجلس هستند، آنها هم همان کرسی مجلس محل امتحان آنهاست که اینها در این کرسی که نشسته اند افکارشان چی هست و اقوالشان چی هست و آرائشان چی هست، و آیا این کرسی، کرسی اسلامی است و برای اسلام است یا اینکه این طور نیست. در همان جا محل آزمایش است. و همین طور دولت محل آزمایش اش در همان وزارتخانه ای

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۵۴ و ۴۵۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است که هست، در همان جایی که نخست وزیر هست و اهل ادارات در همان ادارات خودشان مرکز امتحان آنهاست. و ارتشیها در مقام قدرت ارتشیشان امتحان می شوند، محل امتحانشان همان محلی است که به فعالیت ارتشی مشغولند و سپاه پاسدارانمان در همان محلی که هستند، قدرت در دستشان آزمایش است، تفنگ در دستشان آزمایش است. و همه کسانی که دارای یک ابزاری هستند برای خدمت، همان ابزار آزمایش آنهاست. و همین ها هستند که در آن عالم منعکس می کنند اعمال ما را. همان تفنگ منعکس می کند اعمال تفنگدار را، و همان مجلس منعکس می کند در آن عالم اعمال مجلسی را....

تمام قشرهایی که در این کشور تصور بکنید، تمام اینها، از مقدرات این مملکت سئوال می کنند از شما. کسی گمان نکند که خوب من بازاری هستم،توانم. من یک اداری جز هستم، من یک کارمند ضعیف هستم. فرق ما بین هیچ یک از شماها نیست در این معنا. هر کس آن محلی که هست همان محل، محل آزمایش اش است. آن کارمند جزئی که یک کار جزئی انجام می دهد آن کار جزئی آزمایش اوست. آیا این کاری که دست اوست انجام چطور می دهد؟ با کسانی که به او در همین جزئی مراجعت می کنند چه رفتار می کند؟ آیا قصدش از این شیطان است یا قصدش خداست؟ این مسئله استثناء ندارد. انبیا هم مورد آزمایش اند. یعنی هر کس در این دنیا پا گذاشت و مکلف بود به تکلیفی، این آزمایش می شود و گمان نکند که من این کار را که می کنم کسی نمی بیند. این کاری که می کنید خود این کار منعکس می شود. خدای تبارک و تعالی در محضرش واقع می شود. ملائکه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اللّه موکل هستند بر این فرد. باید ما فکر کنیم که چه باید بکنیم که از زیر بار مسئولیت خارج بشویم. مائی که امروز مقدرات مملکتمان به دست خودمان افتاده است همه مان مسئولیم، کسی نیست که مسئول نباشد، همه هستیم. ببینیم که باید چه کار بکنیم که این مسئولیتی که به عهده ماست به طوری انجام بدهیم که فردا پیش خدای تبارک و تعالی و پیش انبیای خدا خجلت زده نباشیم و آبرومند باشیم. آن این است که هرکس در هر کاری مشغول است او را خوب انجام بدهد. فرض کنید خدای نخواسته، همه افراد کشور خلاف می کنند، شما یک نفر کار خوب بکن. هرکسی فکر خودش باشد. هر کسی خودش مسئول کارهای خودش است، هیچ کسی مسئول کار دیگری نیست. او کار را می گوید و مواظبت هم می کند، اما هیچ کس نمی تواند که عمق کارهای شما را بفهمد چه جوری است، لکن در محضر خداست. آنهایی که در هر جا خدمت می کنند توجه کنند که خدای تبارک و تعالی و ملائکه ای که از طرف خدا موکل هستند مواظب هستند. همین موجهایی که در دنیا از حرف شما، از عمل شما منعکس می شود، همینها فردا پیش شما شهادت می دهند. باید توجه بکنید به اینکه مسئولیت بزرگ است.(۱)

سخت ترین آزمایش الهی

الان همه این روسا، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس، روسای دادگاهها، روسای همه استانها، حکومتها، فرماندارها، استاندارها، همه اینها

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۰۷ تا ۳۱۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

در معرض امتحان انـد. و این امتحـان از امتحـان در نقص اولاـد و انفس بالاتر است. امتحان مردم به ریاست، به ریاست در هر مقام، به رسـیدن به هر مقام، این امتحان سـختتر است از امتحان در نقص اولاد و انفس. و مشکلتر است که انسان بتواند از این امتحان نجات پیـدا بکنـد، و درست امتحان بدهـد در معرض اعمالی که می کند و در پیشـگاه خدا آبرومند باشد. روسا هر جا هسـتند، در هر کشوری هسـتند، دولتمردان در هر کشوری که هستند و در هر جا که هستند باید بدانند که رسیدن به این مقام، امتحانی الهی بوده است و سخت امتحانی است. خودشان توجه کنند به اینکه قبل از رسیدن به این مقام و بعد از رسیدن به این مقام، چقـدر در حالشان تفاوت حاصل شـده است. قبل از رسـیدن به این مقام به روسای جمهوری که سابق بودنـد، به نخسـت وزیرانی که سـابق بودنـد، به وکلاـی مجلسـی که سـابق بودنـد، به اسـتاندارهایی که سـابق بودنـد، به دادگاههایی که در سابق بودند، قبل از رسـیدن خودشان به این مقامات به آنها اشـکال داشـتند و آنها را تقبیح می کردند. الان که خودشان رسیدند آیا همان نقشه را عمل می کننـد که آینـدگان، آنها را تقبیـح کننـد؟ یا خیر، وقتی که به مقام رسـیدند رفتاری می کننـد که همان طوری که بعد از هزار و چهارصد سال نسـبت به امیرالمومنین مردم نظر می دهند؟ همان که بعد از اینکه مقام ریاست داشت به حسب اصـطلاح شـما تمام ایران و عراق و مصر و جاهای دیگر در زیر سلطه او بود، رفتارش با مردم آن طور بود که هیچ کس نمی تواند آن رفتار را داشـته باشد. در خطبه جمعه، گاهی که یک وقتی که در خطبه جمعه آمده بودند و منبر بودند، دامنشان را حرکت می دادند برای اینکه پیراهن را شسته

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بودند. و پیراهن عوضی نداشتند.(۱)

بیدار بشویم ما! دولتمردان بیدار بشوند! استاندارها بیدار بشوند! دادگاهها بیدار بشوند! ما دعوی شیعه گری را می کنیم. ادعا هست که ما شیعه و تابع هستیم. در مقام امتحان، باز شیعه هستیم؟ تبع هستیم آن طوری که او هست؟ به اندازه ای که وسعت وجودی ما هست تبعیت می کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با همکیشانمان، با بشر آن طور رفتار می کنیم؟ آن شخصی بود که وقتی یک خلخال(۲) را از پای یک ذمیه(۳) یا یهودی یا نصارا بوده است بیرون آورده بودند اشرار قریب به این معنا فرموده است که اگر انسان بمیرد برای این ننگی که واقع شده و این چیزی که واقع شده است، خیلی بعید نیست.(۴) ما هم مدعی هستیم که شیعه هستیم. روسا و دولتمردان بیدار بشوند! مخاصمه را ترک کنند! این منظره را ببینند. این جوانهایی که خون خودشان را در راه اسلام داده اند ببینند. این جوانهایی که شما را به این مقام رسانده اند ببینند، و دست از مخاصمات(۵) بردارند، آتش بس کنند. در محضر خداست، همه ما در محضر خدا هستیم و همه ما خواهیم مرد، و همه ما خواهیم حساب پس داد. بیدار بشوید ملت! بیدار بشوید دولت! همه بیدار باشید! همه تان در محضر خدا هستید. فردا همه باید حساب پس بدهید. از روی خون شهدای ما نگذرید بدون نظر! و برای مقام دعوا نکنید

۱- ۱. الغارات، ثقفی، ص۶۲.

۲- ۲. خلخال: حلقه فلزی که زنان برای زینت به مچ پای خود می اندازند.

۳- ۳. زن غیر مسلمان که تحت الحمایه حکومت اسلامی است.

۴- ۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۷ صبحی صالح.

۵- ۵. دشمنی ها.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

باهم. ما همه که به صدام این طور نفرین می کنیم و ننگ نشارش می کنیم، مبادا خودمان آن طور باشیم. در حال خودمان مطالعه کنیم، وقتی که خلوت هست خودمان را آزمایش کنیم که ما اگر به مقام رسیدیم آیا همان طوری که صدام کند، ما هم همان طور خواهیم کرد، یا شبیه به او؟ یا ما شبیه به خلیفه رسول اللّه عمل کنیم؟ حکومت کردن بر یک جامعه ای، بزرگترین آزمایشی است که خدای تبارک و تعالی از بشر می کند. حکومت کردن اگر حکومت کردن اسمش باشد، باصطلاح حکومت کردن بر یک همچو جامعه ای که خون خودش را در راه اسلام و در راه کشور اسلامی دارد می دهد، و جوانان برومندش را دارد فدا می کند؛ از کارهای بسیار مشکل و از امتحانات بسیار مشکل است.ای روسا! شماها در معرض امتحان درآمده اید، و اعمال شما دقیقا تحت نظر خدای تبارک و تعالی است. توجه بکنید به این ملتی که به این طور همراهی با شما می کند.ای پاسداران!ای ارتشیان!ای ژاندارمری وای سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی! و ای روسای هر جا که هستید، هر قبیله که هستید و ای همه استاندارهای سرتاسر کشور! در معرض امتحان هستید. مبادا با خون اینها برای خودتان بخواهید مقامی درست کنید. خدا نکند که شماها بخواهید دیگران، خون خودشان را بدهند و شما مقامتان بالاتر برود. خدا نکند که یک همچو حیوانی در باطن شما باشد و شما خیال کنید انسانید. بشر در معرض امتحان است. « احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون »(۱) شما گمان می کنید،

۱- ۱. سوره عنکبوت، آیه ۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردم گمان می کنند که همین که گفتند من مومنم رهایشان می کنند؟ امتحانشان نمی کنند؟ همین که گفتید ما آزادیخواهیم رهایتان می کنند؟ بر مسند می نشانند تا بفهمند که راست می گویید یا نه و بفهمانند. به مجرد اینکه ادعا کردید که من برای این ملت و برای این کشور خدمتگزارم، رها می شوید؟ امتحان خواهید شد و در امتحان هستید. از من طلبه تا تمام افراد این مملکت و تمام افراد بشر و تمام انبیا و اولیا، همه در معرض امتحان اند، به ادعا و گفتار رها نمی شوند.(۱)

۳. آفات و خطرات پست و مقام

فانی بودن دنیا و مقامات دنیوی

هر مقامی که برای بشر حاصل می شود، چه مقامهای معنوی و چه مقامهای مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است.

توجه داشته باشند همه کسانی که برای بشر خدمت می کنند، کسانی که دارای مقامی هستند، دارای پستی هستند، که مقام آنها را مغرور نکند. مقام رفتنی است و انسان در حضور خدای تبارک و تعالی ماندنی است....

و من از همه کسانی که در مقامی هستند، چه مقامهای کشوری و چه مقامهای لشکری می خواهم که به مقامات خودشان مغرور نباشند، و در راه اعتلای اسلام و اعتلای ملت مسلمان و اعتلای کشور ایران کوشا باشند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۵۷ تا ۴۶۰.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مقام چیزی نیست

آرزوی ما این است که یک کشور اسلامی بشود؛ و همه مسائلش مسائل اسلامی باشد. و این بسته به این است که هر کس در هر جایی که خدمت می کند، این مسئله در نظرش باشد که من دارم برای خدا و برای اسلام خدمت می کنم، نمی خواهم برای مقام، مقام چیزی نیست، مقام چیزی است که هرچه هم زیاد باشد، خوب دیگر مقام سلطنت را شما دیدید که مسئله چه بود و آن پدر چه شد و آن پسر چه شد، و آن طور وضع پیدا کردند، آن طور عاقبت چه شد. و آن طرف هم که معلوم نیست چه خواهد شد. یعنی، برای ما معلوم نیست که آنجا با آنها چه خواهند کرد. ما به آن طرفش کاری نداریم.

در هر صورت مقام مسئله ای نیست که انسان ارزش انسانی اش را صرف آن بکند. شماها ارزش انسانی دارید. ارزش انسانی بالاترین چیزهاست برای شما؛ و باید این ارزش انسانی را هرچه بیشتر تقویت کنید. خدمت به مردم به کناره گیری درست نمی شود. انسان ارزشش در این است که در جامعه چه می تواند بکند، و چه خدمتی به این بندگان خدا می خواهد بکند. شما ملاحظه می کنید که پیغمبر اکرم از همه بیشتر رنج کشید برای تربیت مردم؛ برای اینکه این مظلومین را از دست آن ظالمها نجات بدهد. و بعدش هم کسانی که متعهد بودند و به جای او بودند آنها هم همه رنج کشیدند، و همه عرض می کنم که زحمت کشیدند، و همه برای این بود که چه بکنند. خوب، می بینید که پیغمبر اسلام با آن وضعی که آن وقت داشت و بنده هایی که همه خاضع او شده بودند، توی مجلس وقتی نشست نمی فهمید کسی که کدام یک از آنها پیامبر است. عرب می گفت کدام پیغمبر

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است ؟ آن بـا اسم پیغمبر می گفت این. وضـعش این طور بود که مجلسـش مسـجد بود. در مسـجد بود و همه کارهای بزرگ دنیا را هم مساجد انجام می دادند.

و ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسـجد، محل حل و عقد امور باشد، و مسجد محل نقشه های جنگ باشد، همه چیز باشد. و مسجدیها باشند که بتوانند کارها را بخوبی انجام بدهند.(۱)

مقام سوار شما نشود

شما باید خدمت کنید به این مردم؛ شـما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشـیم. و شـرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم. اینها بندگان خدا هسـتند، خدای تبارک و تعالی، علاقه دارد به این بندگان و ما مسئولیم، باید خدمت بکنیم و من امیـدوارم که شـما به حسب آن روحیه ای که داریـد، آقـای رجایی به حسب آن روحیه ای که دارنـد، این مقام ایشان را بازی ندهد شما سوار مقام بشو، مقام سوار شما نشود، این دو تا مثل راکب و مرکوبند.

اگر انسـان روحیه اش طـوری باشـد که سـوار بشـود بر هر مقـامی که برای او پیش می آیـد و مهـار کنـد او را، این به سـعادت نزدیک می شود و اگر روحیه ضعیف باشد و وقتی که به یک مقامی رسید او سوار آدم بشود، او هر جا دلش بخواهد انسان را می برد تا به هلاکت می رسانـد. من از خـدای تبارک و تعالی اسـتدعا می کنم که شـما را موفق کند به اینکه خدمت بکنید به این

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۲ تا ۲۳۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خلق و همه کسانی که دست اندرکار هستند، در هر جا، در مجلس هستند، در قوه قضائیه هستند، دولت هست، هر کس هست و همین طور قوای مسلح، اینها همه ان شاءاللّه، موفق بشوند.(۱)

خطر قدرت در دست ظالم

قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب برسد خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد همین کمال را به فساد می کشانند. دنیا امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است که از انسانیت بهره ندارند. ابرقدرت ها، قدرت های بزرگ جز به فکر اضافه کردن قدرت خودشان و پایمال کردن مظلومان هیچ فکری ندارند. آنهایی هم که پیوسته به آنها هستند، آنها هم چون سنخ ذاتشان همان است نظیر آنها عمل می کنند. قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت ها ایجاد می کند. اگر قدرت در دست انبیا باشد، اولیا باشد باعث می شود که سلامت در جهان تحقق پیدا کند، کمال در جهان تحقق پیدا بکند. و چنانچه در دست زورمندانی باشد که عاقل نیستند، مهذب نیستند مصیبت بار می آورد. امروز که مشاهده می کنید که این دو قدرت بزرگ یا چند قدرت بزرگ در عالم حکمفرمایی می کنند، و برای خودشان حق این امر را قائل هستند که ملت های دیگر باید در تحت سلطه ما باشند، این فکر اگر همراهش قدرت باشد مصیبت بار می آورد. قدرت در دست ظالم، دنیا را به

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۷۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فساد می کشاند. و اگر چنانچه در رتبه های پایین هم بیاییم قدرت در دست یک نفر انسانی که از آن قدرت های بزرگ بهره ندارد، در همان محیطی که قدرت دارد آنجا را به فسادکشاند. آنها عالم را به فساد می کشانند، اینها یک کشور را یا دو کشور را. و پایین تر بیاییم، اگر قدرت در دست یک آدمی باشد که در یک محله هست، آن محله را به فساد می کشد. در یک خانواده هست، آن خانواده را به فساد می کشد. قدرت در وقتی کمال است و می تواند که کمال خودش را بروز بدهد که در دست دانشمند باشد، در دست عاقل باشد.

مرحوم مدرس؛ آن طوری که من شنیدم که ایشان گفتند. ایشان گفتند که شیخ الرئیس(۱) می گفته است که من از گاو می ترسم، برای اینکه شاخ دارد و عقل ندارد. این یک مسئله است. حالا فرضا هم شیخ نگفته باشد، اما مسئله است. گاو شاخ دارد و عقل ندارد، قدرت دارد عقل ندارد. اینهایی هم که در دنیا الان فساد راه اندازند از همان سنخ هستند که شاخ دارند عقل ندارند، قدرت دارند انسانیت ندارند.(۲)

تأثیر ناپذیری از مقام و ریاست

قضیه مقام و ریاست هرچه باشد، این وقتی که نظر انسان یک نظر محدود دنیایی باشد، این مقامات، انسان را از خودش بیخود می کند، اینها را مقام می داند.

شما حساب کنید که این سیاره ای که ما در آن زندگی می کنیم به اسم

۱- ۱. ابوعلی سینا.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۰۶ تا ۲۰۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

زمین، در مقابل منظومه شمسی چه قدر است و این منظومه شمسی که ما یکی از سیارات کوچکش را در آن زندگی می کنیم، در مقابل کهکشان چه قدر است و این کهکشانهایی که تا کنون کشف شده است که گفته می شود که تا آن قدری که از ستاره های نورانی کشف شده است به مقدار شش میلیارد سال نوری است؛ یعنی، اگر نور آن ستاره ای که در آخر است بخواهد بیاید به پیش ما، شش میلیارد سال نوری طول می کشد و آن چیزی که ماورای اینهاست و باز کشف نشده است، حتما بدانید که بیش از این معانی است، اینها هم در مقابل عظمت خالق ناچیزند، ما باید چقدر ضعیف باشیم که در این ذره ای که خودش و آن منظومه ای که این یکی از ستاره های کوچکش است، اصلا به حساب نمی آید و اگر گم بشودتواند پیدایش بکنند در این غائله بزرگ عالم. ما چه قدر از این سیاره در اختیارمان هست؟ یک ایران، ایران یک قطعه کوچکی است در مقابل این سیاره، و حکومت ایران هم یک حکومت ناچیز کوچکی است در این سیاره و سیاره ما هم یک چیز کوچکی است در مقابل منظومه شمسی و منظومه شمسی ما هم یک چیز بسیار کوچکی است در مقابل منظومه های دیگر و همه آنها از خداست و خالق او خداست. ما اگر بندگی خدا را بپذیریم و قلب ما منور بشود به نور بندگی خدا و عبودیت، این امر ناچیزی که به حساب در عالم نمی آید، در ما تاثیر نباید بکند. شما(۱) دیروز نخست وزیر بودید و پریروز وزیر بودید و قبل از او معلم بودید و قبل از او هم یک

۱- ۱. شهید محمد علی رجایی.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شاگردی بودید و بعد از این هم معلوم نیست کی از اینجا بروید. ممکن است خدای نخواسته همین حالا که بیرون رفتید و یا همین حالا- یک بمبی اینجا باز منفجر بشود و فاتحه همه را بخواند وقتی مطلب این است که چرا باید انسان قبل از ریاست جمهور و بعدش فرق بکند؟ مگر ریاست جمهور چه هست؟ کسی که دلش به نور توحید روشن است مگر عالم چه هست؟ همه عالم چه هست؟ همه عالم در مقابل عظمت خدای تبارک و تعالی چیزی نیست. تمام این عالم مادی در مقابل عالمهای معنوی که هست قدر محسوسی ندارد. آن وقت ما برای یک کدخدای ده یا یک کدخدای شهر، یا کدخدای یک کشور خیال بکنیم که خیر، ما الان یک چیزی هستیم و دیگران به نظرمان کوچک بیایند و خودمان را بزرگ. اگر شما ملاحظه کردید در نفس خودتان که غیر از خدا از او کسی اطلاع ندارد و خودتان هم تا یک حدودی اطلاع دارید، اگر دیدید که این مقامی که خدای تبارک و تعالی، مردم را دلشان را متوجه کرده است به شما و به شما رای داده اند، این مقام شما را محکوم خودش می کند و شما مرکوب او و او راکب شما هست، بروید خودتان را تصفیه کنید و بدانید این را که با دست خودتان خدای نخواسته خودتان را در دنیا و آخرت تباه نکنید.(۱)

ظهور ضعف انسان در خودنمایی

ظهور ضعف انسان در خود نمایی و مقام پرستی و انسان چقدر ضعیف است که خیال می کند در این دنیا که هست و در این شهر که هست و در

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۷۰ تا ۷۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

این کشور که هست حالا باید خودنمایی کند. چقدر انسان باید جاهل باشد که این چیزها را مقام بداند، و چقدر ضعیف النفس باشد که این حکومت را، حکومتها را یک مقام بداند. و این مقامات، چه مقامات روحانی، چه مقامات غیر روحانی، آنهایی که دارای مقام ها بودند، آنها وقتی که ما ادعیه شان را ملاحظه می کنیم می بینیم که بیشتر از ما عجز دارند، برای اینکه آنها فهمیده اند. شما وقتی دعای کمیل را بخوانید، مناجات شعبانیه را بخوانید و ادعیه دیگری که وارد شده است از معصومین علیهم السلام مطالعه کنید، می بینید که لسان آنها غیرلسان معمولی ماهاست که چنانچه یک مسئله فقهی را بدانیم خیال می کنیم کاری شده است، اگر یک کشوری را در تحت سلطه بیاوریم خیال کنیم یک مطلبی شده است، اگر یک مقام معنوی را به دست بیاوریم خیال کنیم به مقامی رسیده ایم. آنهایی که به آن مقامهایی که دست دیگران از آن کوتاه است رسیده اند، وقتی انسان گفتارشان را ملاحظه می کند می بیند که از سر تا ته اش عجز می ریزد، عاجزند و باید هم باشند.(۱)

جاه طلبی نتیجه مهذب نشدن نفوس

مقصد این است که اسلام جریان پیدا بکند، مقصد این نیست که من اجرایش کنم. از چیزهایی که انسان مبتلا به آن هست این شیطنت های باطنی که انسان به آن مبتلا هست این است که، دلش می خواهد خودش متصدی امر باشد. جریان امر اگر به دست دیگری بهتر واقع بشود، این ناراحت است، می گوید من خوب است باشم. این از شیطنت های باطنی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۶ تا ۵۲۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

انسان است. انسان به صورت مقدس مابی طرحش می کند، من می خواهم به این ثواب برسم. اگر حساب کند پیش خودش که همان ثواب را، بالاترش را به شما می دهند، و شما کمک کنید به این کسی که متصدی است و از شما بهتر می تواند، راضی نمی شوید. مسئله این نیست که ثواب می خواهم، مسئله این است که دنیا می خواهم. اختلاف اگر بین افراد پیداشود، جستجو کنند در باطن ذات خودشان ببینند که مسئله، مسئله مصلحت اسلام و مصلحت مسلمین است یا مسئله، مسئله مصلحت خودش هست؟ پای نفس در کار است یا خدا در کار است؟ اگر یک کسی یک مطلبی را بهتر از من تواند انجام بدهد، آیا من خوشحالم به اینکه او متصدی امر بشود یا من ناراحتم؟ اگر یک وزیر بتواند بهتر کار وزیر دیگری را انجام بدهد و کمک کند به او، آیا نفس او اجازه به او می دهد؟ اگر برای خداست اجازه باید بدهد. اگر برای خداست نباید بین قشرهای مختلف اختلافی واقع بشود، و بحمداللّه نیست اختلاف، ان شاءاللّه. ما باید ید واحده باشیم، همان که تعبیر اسلام است، ید واحده باشیم علی من سوی.(۱) ید واحده دوتا هم نه، یک دست، یک کار بکنیم، باز اگر دو تا دست گفته بود، این دست، گاهی یک کاری موافق او نمی کند. ما باید ید واحده باشیم، ید واحده این است که سرکوب کنید نفس خودتان را، سرکوب کنید آمالی که خیال می کنید یک چیزی است. حساب کنید که ما چی هستیم، و این منظومه شمسی چی هست و این کهکشان ها چی هستند در مقابل عظمت خدا تا بفهمید که

۱- ۱. بر کسانی که بیگانه اند.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ما درگیر یک شیطنت کثیف هستیم، نه یک شیطنتی که باز یک چیزی هست. ما گرفتار یک شیطنت هایی در خودمان هستیم که کثافتکاری است و پستی است. و خودتان را نجات بدهید و خودمان را نجات بدهیم. اگر از این بند نجات پیدا بکنید، آن بعدش آسان می شود، وحدت آسان می شود، اما از این بند باید نجات پیدا بکنیم، از این بند خودخواهی، هر چه هست برای خودم، خود محوری، من، نه غیر. این در همه نفوس هست مگر اینکه تهذیب بشود.(۱)

حب ریاست، شعبه ای از حب نفس

اساس این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صفی اللّه تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگها و ظلمها و تعدیها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه هایی از این حب نفس و مظاهری که دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهری که پایه اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده اند و مع الاسف، آن طوری که آنها می خواستند، موفق نشده اند و گمان ندارم که هیچ کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهری از این حب نفس، حب ریاست است؛ حب جاه است؛ حب غلبه است. از اول عالم تا حالا، از این قدرتهای جابر هر چه به مردم رسیده است، از این حب اشتهار، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است. الان هم که ما در یک

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۹ تا ۵۳۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

وضعی باقی هستیم در دنیا که همه می دانید دنیا الان چه خبر است و بر بلاد مسلمانها چه می گذرد و بر کشورهای مظلوم چه ظلمها واقع می شود، اساس همه اینها همان حب مسند و ریاست است. حب قدرت است که امریکا را وادار می کند که این جنایتهایی که در طول تاریخ بی سابقه است، انجام بدهد. و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی انگیزد که اینطور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند. و حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرتها واقع می شود و از وابستگان آنها واقع می شود، بی تفاوتند. اگر این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلمهایی که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان، نمی نشستند و تماشا کنند. همه ترس از این دارند که این قدرت تخیلی، که باید بگویم که هیچ ارزش ندارد، ازشان گرفته بشود. از این جهت، آن طور خاضع شدند در مقابل امریکا و بدتر از او و فجیعتر از او، در مقابل اسرائیل.(۱)

خودخواهی و قدرت طلبی منشأ فسادهای عالم

قدرت طلبی در هر که باشد، این اسباب این می شود که زمین بخورد. قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است؛ می خواهد رئیس جمهور امریکا قدرت طلبی کند یا یک طلبه ای در مدرسه بخواهد قدرت طلبی بکند یا یک امام جمعه ای در مرکزی که دارد. اگر وضع این باشد که قدرت طلبی در

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۵۸ تا ۴۵۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کار بیاید و کار اینکه من این طور باید باشم، بشود، بداند که این از شیطان است. شیطان این تزریق را از ابتدا کرده است و ما را هم از این راه،بیشتر از جاهای دیگر می تواند بازی بدهد، که تو فلانی هستی، تو چه هستی، دیگران چی اند، از این معانی. هیچ فرقی مابین آن آدمی که به حسب ظاهر قدرتمند دنیاست و دارد باز هم دنبال قدرت می گردد، با آن آدم زاهدی که توی یک صومعه نشسته است، در این جهت فرق نیست که اگر هر دوشان بگویند: من این طور، این زاهد بگوید: من این زاهد هستم، من چه، یا آن بگوید، من قدرتمند هستم، هر دویش از شیطان است، بلکه این فسادش بیشتر از آن است. خودخواهی همیشه اسباب این است که انسان را به فساد بکشد. تمام فسادهایی که در عالم پیدا می شود، از خودخواهی پیدا می شود، از حب جاه، از حب قدرت، از حب مال، از امثال اینهاست و همه ش برمی گردد به حب نفس و این «بت» از همه بزرگتر است و شکستنش هم از همه مشکل تر است. تعقیب کنید که اگر نمی توانید به تمام معنا بشکنید که می توانید ان شاءاللّه مشغول باشید به شکستن دست و پای یک همچو بتی. اگر رهایش کنید شما را به هلاکت کشاند. این طور نیست که ما را رها کند، ما یک معصیتی بکنیم ما را رها کند، یک کاردیگری بکنیم زیادتر ما را رها کند. درجه به درجه پیش می برد تا آن جایی که دین انسان را از دست انسان می گیرد. این یک مسئله طبیعی است که شغل شیطان هم همین است، هم شیطان باطنی انسان، هم آن شیطانی که اینها هم به او بستگی دارند.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴۹ تا ۲۵۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بشر در جستجوی کمال مطلق

این بشر یک خاصیتهایی دارد که در هیچ موجودی نیست. من جمله این است که در فطرت بشر؛ طلب قدرت مطلق است، نه قدرت محدود. طلب کمال مطلق است، نه کمال محدود. علم مطلق را می خواهد؛ قدرت مطلقه را می خواهد. و چون قدرت مطلق در غیر حق تعالی تحقق ندارد، بشر به فطرت حق راخواهد، و خودش نمی فهمد. یکی از ادله محکم اثبات کمال مطلق همین عشق بشر به کمال مطلق است. عشق فعلی دارد به کمال مطلق. نه به توهم کمال مطلق؛ به حقیقت کمال مطلق. عاشق فعلی بدون معشوق فعلی محال است. در اینجا توهم و ساختن نفسی تاثیر ندارد، برای اینکه فطرت دنبال واقعیت کمال مطلق است؛ نه دنبال یک توهم کمال مطلق تا کسی بگوید بازی خورده است. فطرت بازی نمی خورد. در فطرت همه بشر این است که کمال مطلق را می خواهد. و برای خودش هم خواهد. بشر انحصار طلب است. کمال مطلق را می خواهد که خودش داشته باشد. و این کمال مطلق آنجایی که همه پیدا بکنند یکی می شود. متعدد نیست تا اینکه آنجا دیگر انحصار باشد. همه یک است. اگر یک نفر فرض کنید حکومت یک شهری را داشته باشد، در قلبش راضی نیست؛ برای اینکه می بیند که دلش خواهد حکومت یک استان را داشته باشد. وقتی استاندار شد، باز راضی نیست. دلش می خواهد که تمام یک کشور در دست او باشد. بعد که به دستش آمد، راضی نیست. می خواهد که کشورهای دیگر هم تحت سلطه او باشد. شما می بینید که الان این دو قدرتی که در عالم هست، در زمین است، این دو قدرت هیچ کدام راضی به آن ابرقدرتی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خودشان نیستند. دولت امریکا می خواهد که روسیه شوروی نباشد و خودش باشد. شوروی هم می خواهد که امریکا نباشد و خودش باشد. و توهم این را می کنند که کافی است برایشان! و حال آنکه اگر تمام زمین را به یکی بدهند، می رود دنبال آنچه ندارد. قانع نمی شود به آنچه دارد. دنبال آن چیزی است که ندارد، برای اینکه عشق به کمال مطلق دارد، عشق به قدرت مطلقه دارد. اگر تمام عالم را، تمام این کهکشانها و تمام این سیارات و ثوابت و هرچه هست در تحت سلطه یک نفر بیاید، باز قانع نمی شود، برای اینکه اینها کمال مطلق نیست. تا نرسد به آنجایی که اتصال به دریای کمال مطلق پیدا بکند و فانی در آنجا بشود، برایش اطمینان حاصل نمی شود. «الا بذکر اللّه تطمئن القلوب»(۱). نه به ریاست جمهوری و نه به نخست وزیری و نه به قدرت قدرتهای بزرگ و نه به دارا بودن همه ملک و ملکوت. آنی که اطمینان می آورد و نفس را از آن تزلزل که دارد و خواهش که دارد بیرون می آورد «ذکر اللّه» است. نه ذکر اللّه به اینکه با لفظ، ما لا اله الا اللّه بگوییم. ذکراللهی که در قلب واقع می شود، یاد خدا، توجه به او: الا بذکر اللّه تطمئن القلوب. و بعد در آیات دیگر می فرماید که یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی.(۲) اگر انسان بخواهد خصوصیات این آیات شریفه را بگوید طولانی است. من

۱- ۱. آیه ۲۸، سوره رعد: آگاه باشید که تنها یاد خدا آرامبخش دلهاست.

۲- ۲. آیات ۲۷ تا ۳۰، سوره فجر: «ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام به یاد خدا! امروز به حضور پروردگارت بازآی که تو خشنود به نعمتهای ابدی او، و او راضی از اعمال نیک توست، بازآی و در صف بندگان خاص من درآی ودر بهشت رضوان من داخل شو».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

یک اشاره به آن بکنم. و آن اینکه آن «نفس مطمئنه»؛ یعنی آن نفسی که دیگر هیچ خواهشی ندارد. این طور نیست که حالا نخست وزیر شده می گوید این کم است، باید رئیس جمهور بشوم؛ رئیس جمهور شده است می گوید این کم است، من باید رئیس جمهور کشورهای اسلامی باشم. به اینجا رسید می گوید این کم است. به هر جا برسد کم است. تمام عالم را اگر یک لقمه کنند و به دست او بدهند، وقتی فکر می کند می بیند نقیصه دارد؛ خواهشش غیر این است. آن وقت مطمئن می شود که به کمال مطلق برسد. کمال مطلق آن وقتی است که او باشد؛ غیر او نباشد در کار. توجه به ریاست، توجه به سلطنت، توجه به عالم ماده، توجه به عالم های دیگر به غیب، به شهادت، هیچ نباشد. یاد منحصر شده باشد به یاد خدا. آنجا نفس «مطمئن» می شود. آن وقت است که مورد این خطاب واقع می شود که یا ایتها النفس المطمئنه ای نفسی که به آنجا رسیدی که مطمئن شدی؛ از لغزش بیرون رفتی و توجه نداری به جای دیگر. یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک حالا دیگر هیچ چیز دیگر برای تو نمی شود. تو برگرد به سوی خدای «خودت»: «ربک». رب نفس مطمئنه. فادخلی فی عبادی نه عباداللّه، بادصالحین نه. «عبادی». با این ریزه کاری. وقتی که واقع شدی در عباد، آن وقت وادخلی جنتی نه الجنه. آن جنت مال دیگران است. آن جنت با همه عرض و طولش مال «عباد صالح» است، «عبادی» نیست. مال «عبادی» آنچه دیگر هیچ نیست جز عبادت، آن هم عبادت «هو». وقتی آنجا رسیدی، «ادخلی جنتی». جنت لقا، جنت ذات؛ نه جنت دیگران. جنت شما که ان شاءاللّه همه وارد بشوید در آن جنت، با این جنت فرق دارد. آن جنت «عباد صالح»،

Presented by: https://jafrilibrary.com/

«عبادالله الصالحین» است. اما این جنتی است که انتساب به هیچ جا ندارد، الا به «هو». آن وقت «نفس مطمئنه» وارد شده است در یک منبع نور و در یک کمال مطلق، و رسیده است به آن چیزی که عاشق او بود. به هیچ چیزی عشق ندارد، خیال می کند! قدرتهای بزرگ خیال می کنند که قدرت رسیدن به زمین و هرچه در اینجاست کافیشان است. دلیل اینکه کافی نیست این است که بینید که در فطرت همه هست که یک قدرتی من داشته باشم که هیچ محدود به حدی نباشد. اگر به آن بگویند که خوب، حالا همه قدرت ملک و ملکوت را داری، لکن یک قدرت دیگری هم هست، می خواهی یا نمی خواهی، جواب مثبت است! اگر بگوید همه قدرتهایی که در عالم هست، عالم ملک و ملکوت و جبروت، هر چه که هست، به تو دادم و تو فرمانفرمای عالم ملک و ملکوت شدی، لکن یک چیز دیگری هست بالاتر از این، می خواهی یا آن را دیگرخواهی ؟ می گوید می خواهم. فطرت انسانی می گوید می خواهم. هیچ کس از شما نیست که وقتی عرضه به او داشتند، بگوید من نمی خواهم. یک کسی عالم به همه علوم دنیا و آخرتی هست، تمام علوم در این محفظه اش موجود است، به او بگویند علوم دیگری هم در عالم دیگری هست، او را می خواهی یا همین بس است. هیچ فطرتی نیست که بگوید بس. می گوید ای کاش که بود و ای کاش که به ما می رسید! آنجایی که تمام می شود و ای کاش ها تمام می شود و آن در آنجایی است که انسان به علم مطلق برسد، و فانی بشود این قطره در آن دریا. پس شما که در این عالم هستید و خیال می کنید که من اگر فلان را داشتم کافی بود، بدانید که کافی نیست. ممکن است که آن چیزی را

Presented by: https://jafrilibrary.com/

که شما حالا تخیل می کنید که می خواهید یک کمی باشد، یک نفر آدم عادی می گوید یک خانه ای داشته باشیم و یک زندگی مثلا بخور و نمیری، تا نرسیده خیال می کند این را می خواهد. همچو که رسید به او، یک چیز بالاتری را می خواهد، تا نرسیدید به اینکه ریاست جمهوری بهتان برسد، می گویید این را می خواهیم. همچو که رسیدید به آنجا می گویید نه، این که او نیست، آن که من می خواستم این نیست. بالاتر را می خواهم. آن هم که رفته به بالاتر. شما می بینید که فرض کنید که رئیس جمهور امریکا نصف قدرت این سیاره را دارد، و خیال می کند این کم است. آنکه من می خواهم این نیست، خیال می کند که اگر شوروی را هم شکست بدهد و منزوی کند و همه این سیاره در تحت قدرت او بیاید بسش است. این نمی فهمد که این جور نیست. این نمی فهمد که عاشق خداست، نه عاشق دنیا. دلیل این است که وقتی رسید به آنجا،بیند نه، کافی شد. اگر به او می گفتند در سیاره مشتری هم یک چیزهایی هست،خواهی به او برسی هیچ ممکن نیست بگوید نه؛ می گوید آری. هیچ سیر نمی شود انسان. دنبال این نباشید که خیال کنید ما رسیدیم به اینجا، خوب، الحمدللّه! اختلافاتی که پیدا می شود برای همین است که اشتباهات هست. اشتباه در مقصد است. مقصد فطرت نداریم، ما ندیدیم، ما نمی دانیم، ما کتاب فطرت را نخوانده ایم. ما چون آشنا به کتاب فطرت نیستیم، خیال می کنیم که ما می خواهیم برسیم به یک قدرتی و در انحصار ما باشد این قدرت. وقتی رسیدید، می بینید آنکه می خواستم این نیست. در دل باز آشفتگی هست. و آشفتگی رو به تزاید هم می شود؛ یعنی الان اگر فرض کنید که به فلان رئیس جمهور امریکا بگویند به اینکه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خوب، شما حالا چه می خواهید، عاشق چه هستید، میل دارید چه بکنید. همه همش این است که شوروی که یک خاری در چشم من است، این نباشد. به آن هم بگویند، می گوید این امریکا یک خاری است در چشم من، او نباشد. نمی فهمند اینها که نه آن قدرت آمال است؛ نه آن قدرت یک چیز دیگر است. در تمام فطرتها بلا استثناء، در تمام فطرتها بی استثناء، عشق به کمال مطلق است؛ عشق به خداست. عذاب برای این است که ما نمی فهمیم، ما جاهلیم، عوضی می گیریم مسائل را. اگر روی همین فطرت ما پیش برویم به کمال مطلق می رسیم. اینکه انسان را معذب خواهد کرد این است که کمال را عوضی گرفته است. خیال می کند کمال رئیس شدن است، رئیس اداره شدن است. رئیس اداره که می شود، می بیند اینکه کم است این اداره چه است، رئیس یک کشور شدن است. وقتی رسید، می رود سراغ آن کشور دیگر. آن هم وقتی رسید، می رود سراغ دیگری. هم عالم را به او بدهند باز سیر نمی شود. برای این است که کمال مطلق آرزوی انسان است. فطرت انسان فطرت اللّه التی فطر الناس علیها(۱). این فطرت توحید است. فطرت کمال مطلق است. تا آنجا نرسید، هی می خواهید. دنبال یک گمشده ای شما هستید. عوضی می گیرید آن گمشده را. ماها همه عوضی می گیریم. هر کس خیال می کند اینکه آن چیزی که دیگری دارد کاش مال من بود، وقتی پیش دیگری می روی، می گوید آن چیزی که آن دارد کاش پیش من بود. هر دوشان هم برسند به آن مطلب، می بینند نه این آن نبود. دنبال چیزی شما

۱- ۱. سوره روم، آیه ۳۰: «فطرت الهی که خداوند بر اساس آن مردم را خلق کرده است».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

هستید که آن کمال مطلق است؛ یعنی همه در فطرتشان خداست. و این اثبات می کند که یک همچو کمال مطلقی تحقق دارد.

عشق فعلی محال است بی عاشق فعلی، بی معشوق فعلی. این از ادله محکم ثبوت کمال مطلق است. پس، این قدر دنبال این ورق و آن ورق و این جبهه و آن جبهه و این طرف و آن طرف نگردید. زحمت ندهید خودتان را، شما سیر نخواهید شد. دنبال چیزی بروید که شما را شاداب کند؛ مطمئن کند نفس شما را. هرچه زیادتر دستتان بیاید تزلزل زیادتر می شود. انسان فطرتش این طوری است. چون کمال مطلق را می خواهد، عوضی گرفته است. وقتی که اینجا را گرفت،بینند این نیست؛ یک چیز زیادتری من می خواهم. رئیس جمهور امریکا دیگر قانع نیست به اینکه یک کشور، دو تا کشور، ده کشور، مال او باشد. شما قانعید که یک اداره دیگری را دستتان بدهند، چون حالا نمی دانید. اما اگر هر یک از شما را به جای رئیس جمهور امریکا بگذارند، یا شوروی بگذارند، همان آشوبی که زیادتر الان در دل آنها هست و در دل شما شعله اش کمتر است همان آشوب در قلب شما زیادتر می شود. و اگر همه دنیا را به شما بدهند، آشوب زیادتر خواهد شد؛ تزلزل زیاد می شود. آنکه انسان را از تزلزل بیرون می آورد ذکر خداست. با یاد خداست که تزلزلها ریخته می شوند؛ اطمینان پیدا می شود. وقتی اطمینان پیدا شد و ذکر خدا و یاد خدا شد، وقتی است که مخاطب می شود به این خطاب یا ایتها النفس المطمئنه در روایتی است که خطاب به

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حضرت سیدالشهداست.(۱) آن وقت است که به شما می گویند که فادخلی فی عبادی. نه فی عباداللّه؛ نه فی عباد دیگر. «فی عبادی». یک عنایت خصوصی است مال خودم. این بشر مال خودش است. وقتی این طور شد، جنتش هم فرق دارد با جنتهای دیگر. شما خیال نکنید که بهشت شماها و ماها مثل بهشت رسول اللّه است. خیر، آن وضع دیگری است، «جنتی» است. «الجنه» مال همه است ان شاءاللّه؛ لکن وقتی به آنجا رسید، «جنتی» است دیگر. دیگر دل به جای دیگر نمی رسد. پس دنبال چه می گردید شماها که با قلمتان، با زبانتان، کوشش می کنید که مثلا یک چیزی دستتان بیاید. شما خیال کنید که درست می شود. مطلب دستتان که آمد، دیگر مطمئن می شوید، نه! وقتی دستتان آمد، زیادتر متزلزل می شوید، نگرانیها بیشتر می شود. برای آن درویشی که یک گوشه ای نشسته و فرض کنید یک لقمه نانی پیدا می کند، تشویش خاطر کمتر است از رئیس جمهور امریکا. او تشویش خاطرش زیادتر است؛ ناآسوده تر است؛ متزلزلتر است؛ نگرانتر است. کاری بکنید نگرانیها رفع بشود، نه زیاد کنید نگرانیها را. هر چه بروید جلو، نگرانیها زیاد می شود.

کاری بکنید که این پرده هایی که بین شما و بین خدای تبارک و تعالی است اینها کنار زده بشود. پرده بزرگ، خودتان هستید. انسان خودش حجاب است. تو خود حجاب خودی. فکر بکنید بخواهید اطمینان قلبی پیدا کنید. بخواهید آسایش داشته باشید؛ نه تزلزل و نگرانی. انسان در همین دنیا

۱- ۱. تفسیر قمی، ج۲، ص۴۲۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

هم این نگرانیها در جهنم انسان را نگه می دارد. این نگرانیهایی که برای انسان است یک بابی از جهنم است. کوشش کنید این نگرانیها رفع بشود. رفع شدن نگرانیها به این نیست که یک پست اگر دارید دو تا داشته باشید. نه، اضافه نگرانی است. کاری بکنید که این وحشت نفسی که در انسان هست، این نگرانی و این چیزهایی که دنبال این خودخواهیهاست، اینها رفع بشود. خودتان را از بین بردارید. خودتان حجابید. اگر خودتان را از بین برداشتید، تمام نگرانیها تمام خواهد شد. همه این نگرانیها که آدم خیال می کند من که دارم کوشش می کنم و می خواهم در این پست باشم، برای خدا می خواهم این کار را بکنم. این خیالاتی است که انسان می کند. انسان چون خودش را خیلی دوست دارد، خیال می کند که هر کاری که می کند خوب است، و هر کاری که می کند برای خداست. لکن اگر خودش را عرضه کند به یک کسی که خدا را می شناسد، آن وقت به او می فهماند که نه، کار تو برای خودت بوده. همه کارها برای خودت است. اگر رسیدی به آن جایی که این خود را کنار بگذاری و کار بکنی، آن کار برای خود نیست. قهرا وقتی خود نباشد، دیگر نزاع هم نیست، دعوا هم نیست. انبیا باهم نزاع نداشتند. همه انبیا اگر جمع بشوند در یک جایی باهم هیچ اختلافی ندارند؛ برای اینکه وجهه وجهه واحد است و خود کنار رفته است؛ دیگر خودی در کار نیست...

مقصودم از این مزاحمت این بود که گمان نکنند ابرقدرتها و گمان نکنند دولتمردها و گمان نکنند هیچ کس از افراد که من قانعم به اینکه حالا بشوم فلان رئیس، آشوبی که در قلب شماست بیشتر می شود. حالایی که این حد

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را داریـد، اگر به آن یک قـدری توجه کنیـد و قانع بشویـد، آشوب هست، اما کم است. وقتی هرچه زیادتر شد، آشوب زیادتر می شود؛ نگرانیها زیادتر می شود. پس چرا انسان دست و پا بزند برای زیاد کردن آشوب خودش. برای اینکه ناراحتی خودش را زیاد کنـد، دست و پا بزنـد؛ مثل عنکبوت، تار دور خودش بتنـد. تمام کارهایی که ما می کنیم، مثل همین عنکبوتها، در آن عالم ظاهر می شود که ما خودمان داریم با دست خودمان، خودمان را به بنـد می کشـیم. چرا می خواهید این مقام را پیدا کنید که این برای شما یک چیزی است که صورتش مشوه است در آنجا؟ چرا دنبال این هستید که زحمتهای خودتان را زیاد کنید؟ سلمـان دارای حکومت مـداین بود؛ وقـتی سـیل آمـد، پوستی که زیرش بود برداشت و رفت بالاـ گفت نجی المخففون(۱) من چیزی نـدارم تا آب ببرد. یک پوستی هست آن هم برداشـتم. حاکم آنجا بود! اما آنهایی که زیاد کردنـد، روی هم گذاشـتند، چه اموال دنیا را روی هم گذاشتند و چه ریاستها را روی هم گذاشتند آنهایی هستند که در آن عالم گرفتاریشان زیاد است. و چرا ما این قدر زیاد کنیم گرفتاریها را؟!(۲)

برای رسیدن به مقام و شهرت این در و آن در مزن

ای فرزند عزیزم! که خداوند تو را با ذکر خود مطمئن القلب فرماید، نصیحت و وصیت پدر سرگشته و حیرت زده ات را بشنو و به این در و آن در برای رسـیدن به مقـام و شـهرت آنچه مورد شـهوات نفسانیه است مزن، که به هر چه برسـی از نرسـیدن به مافوق او متاثر می شوی و حسرت بالاتر را

۱- ۱. «سبکباران، نجات یافته اند».

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۰۵ تا ۲۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می بری و ناراحتی روحیت افزون می شود؛ اگر گویی: تو خود چرا به خود این نصیحت را نکنی؟ گویم: انظر الی ما قال، لا الی من قال(۱) این حرف صحیح است، اگرچه از مجنونی یا مفتونی صادر شود، در قرآن کریم پس از آن که می فرماید: «آنچه مصیبت در زمین و در نفوس شما وارد می شود قبلاً ثبت است در کتاب»(۲) گوید: «لکیلا تاسوا علی مافاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم و اللّه لا یحب کل مختال فخور»(۳) انسان در این عالم در معرض تحولات است، گاهی مصیبت هایی بر او وارد می شود و گاهی دنیا به او رو می آورد و به مقام و جاه و مال و منال و قدرت و نعمت می رسد و این هر دو پایدار نیست، نه آن کم و کاستی ها و مصیبت ها تو را محزون کند که عنان صبر از دستت برود، که گاه شود آنچه مصیبت و کمبود است برای تو خیر و صلاح باشد: «عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم»(۴) و در اقبال دنیا و رسیدن به آنچه شهوات اقتضا می کند خود را مباز و تکبر و فخر بر بندگان خدا مکن که بسا باشد که آنچه را خیر می دانی شر باشد برای تو.(۵)

قدرت طلبی مسئولین، منشاء شکست انقلاب

آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم،

۱- ۱. «به گفته بنگر، نه به گوینده». غررالحکم و دررالکلم ۱: ۱۱/۳۹۴.

۲- ۲. سوره حدید، آیه ۲۲: ما اصاب من مصیبه فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراها.

۳- ۳. سوره حدید، آیه ۲۳: تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دلتنگ نشوید، و به آنچه به شما رسد دلشاد نگردید و خداوند دوستدار هیچ متکبر و خودستایی نیست.

۴- ۴. سوره بقره، آیه ۲۱۶: چه بسا چیزی را ناگوار شمارید در حالی که برای شما خیر است.

۵- ۵. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خودنمایی کرده؛ از آن وقت باید جلویش را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلویش را بگیرند. مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکند، خود مردم باید جلویش را بگیرند؛ اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند؛ یعنی، حفظ کنند از اینکه خدای نخواسته یک وقت قدمی از آن ور برندارند. این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هر کس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مهذب کند.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل پنجم: شایستگی و شایسته سالاری

اتمام حجت خداوند در رفع عذرها

امروز که بحمداللّه ایران به دست ایران و ایرانی اداره می شود و همه شئون کشور در دست خود ایرانیان و خود دلبستگان به اسلام، رهبری می شود، امروز روزی است که همه قشرهایی که در این کشور هستند مسئول هستند. هیچ فردی از فراد این کشور، چه از نویسنده و روشنفکر و چه روحانی و دانشگاهی و چه ارتش و سپاهی و بسیج و عشایر و چه مردم بازار و مردم خیابانها نمی توانند عذری پیدا بکنند به اینکه ما برای فلان عذر نتوانستیم به این کشور اسلامی خدمت کنیم. تمام عذرها را خدای تبارک و تعالی راهش را بسته و حجت را بر همه ما تمام کرده است. و امروز ایران میدان کار است، میدان نبرد است با شیاطین، و میدان سازندگی جوانان است، و میدان خدمت به اسلام و خدمت به مسلمین و خدمت به مستضعفان جهان. هر کس در هر شغلی که به او پیشنهاد می شود، اگر شایستگی ندارد برای آن شغل، برای او صحیح نیست و جایز نیست که در آن شغل وارد بشود، و اگر شایستگی دارد برای آن، برای او صحیح نیست که شانه خالی کند. امروز ما احتیاج به همه گروههایی که در کشور هستند داریم، و همه ملت ایران احتیاج به گروههای مختلف دارند، و اسلام عزیز هم احتیاج به فعالیت همه شماها دارد. از طرف خدای تبارک و تعالی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عـذرها منقطع است؛ راه را باز کرد، موانع را برطرف کرد، دشـمنان را کنار گـذاشت و میدان را برای فعالیت باز کرد. و ما در این کشور، اسـلام، در این کشور احتیاج به بسیاری از چیزها دارد که آنها که توانند این احتیاج را رفع کنند و شایسـته هستند، برای آنها عذری نیست که وارد نشوند.(۱)

زمامداران شایسته از دید اسلام

انبیا و اولیا که هر چه بر آنها وارد می شد، هر چه قدرت در عالم وارد می شد بر آنها، هیچ در آنها تاثیری نمی کرد. آن کسی که زمـام یک مملکتی که از حجاز گرفته تا مصـر و همه اینجاها را؛ ایران و سایر جاها تحت سـلطه او بود، و قـدرت جسـمی و روحی خـودش آنطـور بود، می بینیم که از یکی از افراد پـایین و متوسـط متواضـعتر است. و این قـدرتها ابـدا در روح او تـاثیر نکرده. برای اینکه، روح این قدر بزرگ است که همه عالم را می گیرد. یک روح مجردی که از این آلایشـها تجرد پیدا کرده است، اینقـدر وسـیع است که همه عالم مثل یک نقطه می مانـد در آن. آنها لایق زمامـداری انـد. اسـلام آنها را زمامدار کرده است. وقتی هم که دست به دامن آنها نمی رسـد باید آن اشخاصـی که نزدیکتر به آنها هسـتند از سایر افراد، آن اشخاصـی که بهتر می توانند هضم کنند قدرتها را، کمتر قدرت مابی در آنها تاثیر بکند، آنها باید زمامدار باشند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عدالت، شرط اصلی زمامداران اسلام

اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه اش هم باید عادل باشد از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر. زمامدار باید عادل باشد؛ ولاتشان(۱) هم باید عادل باشند. این ولاتی که در اسلام می فرستادند، والیهایی که می فرستادند به این طرف و آن طرف، امام جماعتشان هم بود، باید عادل باشد.(۲)

تقوا، معیار کرامت در نزد خداوند

«إنَّ أَکرَمَکُمْ عِنْدَ اللّه ِ أتقیکُم»(۳)؛ خدای تبارک و تعالی به طبقات نگاه نمی کند که این طبقه بالاست، این نخست وزیر است، این اعلیحضرت همایونی است، این نمی دانم چه است، این سردار است. نزد خدای تبارک و تعالی اینها هیچ مطرح نیست. در اسلام تقوا مطرح است. آنکه تقوا دارد، هر که تقوایش زیادتر است، پیش خدا کرامتش زیادتر است. آن کارمندی که در کارمندی اش تقوا دارد، آن نخست وزیری که در نخست وزیری اش تقوا دارد، تقوای سیاسی دارد، آن وزرایی که تقوا دارند، در کارهایی که می کنند

۱- ۱. جمع والی به معنای حاکم ولایت.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۴.

۳- ۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

متقی هستند، با خدا هستند، آن رئیس جمهوری که تقوا دارد، الهی است، اینها کریمند. و اگر خدای نخواسته تقوا در کار نباشد، همه از نظر خدا منفی اند. آن روزی که بر ملتْ تقوا پیدا شود ملت برومند است، کریم است، پیش خدا «اکرم» است؛ (إنَّ أَکرَمَکُمْ عِنْدَ اللّه ِ أتقیکُم »استثنا ندارد. پیغمبر اکرم برای اینکه اَتْقای ناس بود، اکرم ناس بود. امیرالمؤمنین برای اینکه بعد از رسول اللّه، اَتْقَی الناس بود، اکرم ناس بود، نَسَب و سَبَب، این حرفها توی کار نیست؛ تقوا در کار است، تقوا داشته باشید تا بر همه مشکلات غلبه بکنید. با خدا باشید و از هیچ چیز باک نداشته باشید. اتکال به خدا بکنید و... از هیچ چیز نترسید.(۱)

تدین و تعهد، معیار تصدی مسئولیت

باید کسانی که می خواهند یک کاری بکنند، باید فکر این باشند که شایسته این کار هستند یا نه! مسائل مهم است. مسئله دولت، مسئله ریاست جمهور، مسئله ریاست مجلس، مسئله قوه قضائیه، وزارت، همه اینها اهمیت دارد. اگر چنانچه انسان دنبال این باشد که حالایی که من رئیس دولت هستم، بروم دنبال رفقایی که همراه من هستند، کار آمد باشند یا نباشند، به این کار نداشته باشد، بداند که این کار، کار شیطانی است. رئیس جمهور هم اگر دنبال این باشد که وزرایی تعیین بکند، معرفی بکند که آن وزرا فرمانبردار خودش باشند، نه فرمانبردار اسلام، آن هم بداند که این کار، کار

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۱۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شیطان است، کار انسان متعهد نیست و هر یک از ما. این یک مسئله معیاری است برای همه، که اگر چنانچه واقعا متعهد است، فرقی نکند که حالا من وزیرم، یا اینکه وکیل هستم، یا اینکه کار دیگر از من می آید، یک کار دیگر، هر چه شد؛ من برای اسلام می خواهم کار بکنم. و می دانید که الان ما احتیاج داریم؛ مملکت ما احتیاج به خدمتگزار دارد؛ احتیاج دارد که اشخاص فهیم، اشخاص فعال در این کشور خدمت بکنند.

و ما مورد هجوم همه آن جاها هستیم، همه کسانی که بدخواه اسلام هستند، هستیم. بنابراین، فکر ما این معنا باشد که افرادی باشند که برای اسلام خدمت کنند، نه افرادی باشند که برای من خدمت می کنند. این در دولت هست و در رئیس جمهور هست و در قوه قضائیه هست و همه جا هست. آنهایی که انتخاب می خواهند بکنند، توجه به این، باید همیشه نصب العین این باشد، و الا انسان به خطا وارد می شود. و امروز هم اگر معلوم نشود که این چه شده است، یا یک روزی در همین دنیا معلوم می شود، اینجا هم نشد، جای دیگر بلااشکال معلوم می شود. این یک مسئله ای است که، این طور نیست، مخفی نمی ماند؛ منتها یک روزی به انسان می گویند که دیگر دستش کوتاه است. اگر در این عالم معلوم بشود، خوب، دستش باز باز است، می تواند کاری بکند، می تواند جبران بکند؛ اگر از این جا گذشت و پرده دیگری در کار آمد، دیگر دست انسان کوتاه است،تواند کاری بکند. عذر هم در آن جا بعد از گذشتن، دیگر فایده ندارد.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۶۶ تا ۳۶۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم امین بودن افراد در مسئولیتها

هر کس در هر جا هست و هرجا خدمت می کند، یکی از اموری که بسیار برای او لازم است امانت است، امین باید باشد. اگر خدای نخواسته، در یک گروهی اشخاص غیر امین و اشخاص خائن پیدا بشود، یک وقت می فهمیم که تمام آن گروه را اینها به بدنامی کشیدند یا به فساد. از امور لازم، امانت است در امور. برای بازرسها امانت از امور بسیار لازم است. آنهایی که در شغل بازرسی هستند، آنها باید امین باشند، و مطلبی که دست آنها می آید به احدی غیر از آنجایی که باید گفته بشود نگویند. عرض(۱) مردم، حیثیت مردم از اموری است که خدای تبارک و تعالی درباره او بسیار تاکید کرده است، و اسلام درباره او بسیار پافشاری کرده است. قاضیهای محترم دادسراها و سایر جاها، کسانی که متکفل قضا هستند یا بازرسی هستند، در هر جا که هستند اینها باید امین باشند و ان شاءاللّه هستند. و باید مطالبی که از اشخاص، آنها که سر و کارشان با اعراض مردم است، سروکارشان با حیثیات مردم است، با جان مردم است، با ناموس مردم است، اگر بنا باشد که به غیر آن راهی که خدا تعیین کرده است یک راه دیگر بروند و خدای نخواسته، افشای اسرار مردم را بکنند، ولو یک انسانی باشد معصیت کار، آن را افشا بخواهند بکنند، الا آنهایی که معصیت را علن(۲) می کنند، آنها دیگر احترامی ندارند در اسلام. آن کسی که علنا آمده است در

۱- ۱. آبرو.

۲- ۲. آشکارا.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خیابان و کار خلاف می کند، این دیگر احترام ندارد. اما آنهایی که تحفظ می کنند بر این مسائل، در خلوت یک کار خلاف می کنند، بر فرض اینکه شما مطلع شدید، جایز نیست برایتان که این را افشا کنید حتی برای برادرتان، حتی برای اهل منزلتان. بنابراین، از امور مهمی که برای قاضی، برای آن اشخاصی که بازپرس هستند، برای سازمان بازرسی، از امور مهمی که باید مراعات کنند، این است که امین باشند در آن امری که به آنها محول شده است؛ و این طور نباشد که سازمانی باشد برای بازرسی و آن وقت خودش معصیت خدای نخواسته بکند و افشا کند اسرار مردم را؛ و همان جایی که باید گزارش بدهد، بیش از او تعدی به هیچ وجه نباید بکند.(۱)

تقوا برای متصدیان امور لازمتر است

همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جبهه رفته هـا و شـهید و اسیر و مفقود و مجروح داده هـا و در یک کلام، مصـلحت پابرهنه ها و گودنشـینها و مستضـعفین، بر مصـلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسـلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سـینه به سـینه شـرافت و اعتبار پیشـتازان این نهضت مقـدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بمانـد و باید سـعی شود تا از راه رسـیده ها و دین به دنیافروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خـدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسـئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه های مجلل، راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنجها و مصـیبتهای جانفرسـای سـتون محکم انقلاب و پـابرهنه محروم، تنهـا ناظر حوادث بوده انـد و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسـئولیتهای کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سـینه شـکافته نظام و ملت را به دست از خـدا بیخبران مشاهده نکرده اند و از همه زجرها و غربتهای مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند، غافل و بیخبرند.(۱)

سپردن پستهای کلیدی کشور به معتقدان واقعی اسلام ناب محمدی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۳ تا ۳۳۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

من به طلاب عزیز هشدار می دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مابها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود، گر چه در آن موقع هم من شخصا مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تایید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تاسفی نمی خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالها می خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می کنید؟ چرا شعار نه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شرقی و نه غربی داده ایـد؟ چرا لانـه جاسوسـی را اشـغال کرده ایم و صـدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نبـاید تحت تاثیر ترحمهای بیجا و بیمورد نسـبت به دشـمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حـدود الهی زیر سئوال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشوردانم که معتقدم دشـمنان از آن بهره می برند، من به آنهایی که دستشان به رادیو تلویزیون و مطبوعات می رسد و چه بسا حرف های دیگران را می زنند صریحا اعلام می کنم : تا من هسـتم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد، تا من هسـتم نخواهم گذاشت منافقین اسـلام این مردم بی پناه را از بین ببرنـد، تا من هسـتم از اصول نه شـرقی و نه غربی عـدول نخواهم کرد، تا من هسـتم دست ایادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه ها کوتاه می کنم.(۱)

ادامه مسئولیّت بدون شایستگی، گناه کبیره

هـان! ای متصـدیان و دولتمردان از رده به اصـطلاح بالا تا پایین، بهوش باشـید که در دوراهی سـعادت و شـقاوت قرار داریـد. طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم «اللّه» تبارک و تعالی. توجه کنید و بسیار توجه که همه و همه در محضر مبارک حق هستیـد و اعمـال قلبیه و قـالبیه و خـاطرات روحیه و لغزشـهای عملیه همه در حضور اوست. اگر به واسـطه سوء مـدیریت و ضعف فکرو عمل شما به اسلام و مسلمین ضرری و خللی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۵ تا ۲۸۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

واقع شود و خود می دانید و به تصدی ادامه دهید، مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده اید که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است. و هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق خدا می داند کناره گیری او در این زمان پشت به خلق و خدای خلق است، مگر آنکه خدمتگزاری بهتر یا همطراز او جایگزین او معرفی شود. دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت رو سفید باشند و در امور موفق باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تامل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست اندر کاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان موثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان، هر که و هر چه خواهد بود. دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند. و این سیاست صحیح اسلامی است. و خدای نخواسته در سیاست بازیهای

Presented by: https://jafrilibrary.com/

گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می شوند.(۱)

اهمیّت ارزیابی و گزینش در تصدی مسئولیتها

این از مسائل مهمی است که در درجه اول اهمیت واقع شده است که اشخاصی که اداره می کنند یک جایی را، از اول ارزیابی بشود که این اشخاص چه کاره بوده اند. سابقه شان چیست. تحصیلاتشان در کجا بوده. چه جور رویه ای در تحصیلات داشتند. و بعد از انقلاب چه جور وضعیتی اینها داشتند. قبل از انقلاب چه وضعیتی داشتند اینها. افکارشان قبلا چی بوده. اگر یک کسی افکارش قبلا منحرف بوده، حالا بیاید به شما ادعا بکند که خیر، من برگشته ام، ما باید قبول کنیم،... توبه قبول است، لکن نمی شود آنها را سر یک کاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد. برای اینکه ما نمی دانیم که به حسب واقع که ما نمی دانیم که این آدم توبه کرده یا این آدم می خواهد با این کلمه «توبه» ما را بازی بدهد. ما باید از او قبول می کنیم که در جامعه مسلمین مثل سایر مسلمانها با او عمل بکنیم، اما نباید رادیو و تلویزیون را به دست او بدهیم، یا او را راه بدهیم در رادیو و تلویزیون، یا مجله ای که برای تربیت افراد است، برای ترویج این مسیر اسلامی ملت است، ما به دست او بدهیم و یا نوشته هایش را به دست او بدهیم. این طور نباید که ما خوش باور باشیم. خیلی از اشخاص هستند که تمام حرفهایشان حرفهای اسلام است، تمام حرفهایشان حرفهای نهج البلاغه است، و تمام

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۷ تا ۱۵۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حرفهایشان حرفهای قرآن است، لکن مسیرشان این نیست. در بین اشخاص همچو اشخاصی هستند که این راه را پیش گرفتند، برای اینکه، خودشان را در جامعه جا بزنند. آن مقصدی که دارند آن را عمل بکنند در بین مردم.(۱)

گماردن افراد شناخته شده در مسئولیتهای حساس

ما الان مبتلا هستیم به گروههایی که آنها قبل از ما مشغول بودند به این امور. قبل از اینکه ما وارد در این امور بشویم، آنها قبل از این مشغول بودند و نقشه داشتند و ما مبتلا- هستیم به آنها. الان بعضی از این احزابی که در ایران هستند، بعضی از این گروههایی که در ایران هستند، اینها قبل از ما خودشان نقشه داشتند و کارها داشتند. حالا ما می فهمیم که این حزب و این دسته منافقین چه سابقه خودشان داشتند و چه کارها می خواستند انجام بدهند، در حبس چه کارها می خواستند انجام بدهند و قبل از آن چه کارها و بعد از آن چه کارها و الان هم دست بردار نیستند اینها، ولو نمی توانند یک کاری بکنند، لکن کافی است که یکی دو نفرشان خودشان را وارد بکنند، یک وقت ببینید که یک انحرافی حاصل شد و از اینها انحراف حاصل شده است. و لهذا، افرادی که در موارد حساس اینجا خصوصا واقع می شوند افرادی باشند که سوابقشان معلوم باشد اینها چکاره بودند در آن وقت، چه کرده اند اینها، خانواده اینها چه خانواده ای هست، چکاره بودند در آن وقت، کارهایی که در سابق کرده اند روی چه زمینه ها بوده است. اگر

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۷۵ تا ۴۷۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بخواهید شما واقعا، یک دستگاهی باشد که این دستگاه در خدمت خود کشورتان باشد و بخواهد نجات بدهد این کشور را از آن گرفتاریهایی که در طول تاریخ و خصوصا، در این پنجاه سال اخیر ما داشتیم و شما داشتید. بخواهید نجات بدهید این ملت را، باید طوری بکنید که افرادی که آنجاهایی که حساس است، بسیار زیاد باید مطالعه کنید رویش و در سایر جاها هم همین طور.(۱)

لزوم دقت در انتخاب استانداران و اسلامی کردن محل مسئولیّت

به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد. و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند.(۲)

وابسته نبودن افراد اطلاعات به احزاب و گروهها

قضیه اطلاعات از امور بسیار مهم و حساسی است که با همه چیز مردم سر و کار دارد. شما باید خداوند را حاضر و ناظر بدانید. انسان ممکن است چیزی را از چشم همه مخفی کند، ولی همه چیز ما در نزد خدا حفظ می شود و اعمال ما را به خود ما بر می گرداند. شما باید خیلی مواظبت کنید.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۲۲.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

البته همه باید مواظبت کنند، ولی از آنجا که شما کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید. باید به قلبتان برسانید که هر کاری انجام می دهید در محضر خدا هستید.

مطلب دیگری که اهمیت دارد این است که تمام کسانی که در این وزارتخانه هستند باید در هیچ گروه و حزبی نباشند. وابستگی به گروهها، وابستگی فکری و عملی می آورد و این با کار شما منافات دارد. باید همه شما بیطرف باشید؛ دشمنی، دوستی، آشنایی و غریبی در کار نباشد. این کار خطرش بسیار است، آن طرف هم چون اسلام است اجرش زیاد است. باید فکر کنید که اگر امروز مطلبی را مخفی کردید، فردا چه می کنید. عالم چه برای آن که عالم را می خورد و چه برای درویش می گذرد، باید به فکر فردا بود. مبادا کسی پیدا شود و از روی اغراض و گرایشها عمل کند که این کار هم برای خودش خطرناک است و هم برای مردم. در مرحله اول، خطر برای خود انسان دارد، ولی انسان غافل است. داخل شدن در گروهی طبعا یک نوع گرایش به آن گروه به وجود می آورد که با کارهایی که شما می خواهید انجام دهید، منافات دارد.(۱)

مستقل، منزه و متقی بودن افراد اطلاعات

باید افراد اطلاعات مستقل، منزه و متقی باشند. من امیدوارم که شما همین طور باشید و دوستانتان را موعظه کنید که مبادا تندروی کنند. مبادا به خاطر تنداندیشی، یک بیچاره ای بیجهت گرفتار شود. در مورد زندانیانی که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۷۹ تا ۱۸۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اسامی آنها به آقای ری شهری داده می شود، زودتر اقدام کنید که بیخود کسی در زندان نماند. ولی دقت در امور برای شما لازم است، چرا که با امثال منافقین و گروههای دیگر سروکار دارید، باید دقت کنید. امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد، هر کس خوبتر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می کند در این امر دخالت کنیم، کنار رفتن و کنج خانه نشستن و دعا کردن فایده ای ندارد. باید به انبیا اقتدا کنیم. بنای انبیا و اهل بیت علیهم السلام این نبوده است که از مردم کناره گیری کنند؛ آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان می رسید، حکومت را می گرفتند. هیچ وسوسه نکنید که وسوسه کار شیطان است. انسان در هر موردی باید روی موازین شرعی عمل کند و کار صواب انجام دهد. از خداوند متعال توفیق و سعادت و سلامت شما را خواستارم. امیدوارم حضرت ولی عصر پشتیبان شما باشد.(۱)

اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر

ما همه امروز وظیفه داریم. امر به معروف و نهی منکر بر همه مسلمین واجب است. جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است. سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امر به معروف کنیم. و اگر اشخاصی پیدا می شوند که خلاف

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کنند معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند. و مشکلات را هم تحمل کنیم؛ مشکلاتی که امروز برای ایران هست و برای مملکت جنگزده هست، این مشکلات باید صبر بشود تا اینکه رفع بشود. شما که امروز کشور را از خودتان می دانید و دولت را از خودتان می دانید و رئیس جمهور را از خودتان می دانید و ارتش را از خودتان می دانید و همه مصالح کشور را مصلحت خودتان می دانید و هر فسادی که در کشور واقع بشود نقص برای خودتان می دانید، موظف هستید و موظف هستیم که هر چیزی که بر خلاف حق است سفارش کنیم که انجام نگیرد، و حق در ایران انجام بگیرد. و مشکلاتی که در اثر جنگ و در اثر انقلاب و در اثر مخالفت با ابرقدرتها برای مملکت ما پیش آمده است خودشان صبر کنند، و دوستان خودشان را به صبر سفارش کنند. و ان شاءاللّه امیدواریم که این صبر شما هم مورد رحمت الهی واقع بشود و هم فرج برای کشور ما و برای ملت ما حاصل بشود.(۱)

لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان

این مسئله مهم است. و آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۷۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواسته برخلاف مقررات اسلام دارد عمل می کنـد، بازاری بایـد اعتراض کنـد؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کننـد تا این کـج را راست کننـد. اگر دیدنـد یک معمم بر خلاف موازین اسـلام، خـدای نخواسـته، می خواهـد عمل بکنـد، همه موظفند که جلویش را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آن وقت هم باید بگیرند، اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه اسـلام است. اساسـی است که الان اسلام به دست ما افتاده، داریم چه کنیم؟... همه باید این جهت را توجه داشـته باشـند و همه آنها مراعات این مسـئله کلکم راع، همه بایـد مراعات این مسائل را بکنند.(۱) توجه داشته باشند که نبادا من یکوقت یک کلمه برخلاف مقررات اسـلام بگویم. اعتراض کننـد، بنویسـند، بگوینـد. آقا، خـدای نخواسـته آقا، شـما، ایشان، ایشان، اینهایی که الان مردم توجه به آنها دارند وگویند اینها مثلا دارند اداره می کنند، چه حکومت باشد و چه کسانی که عرض بکنم که از این دادگاههـا باشـد، هر جا باشـد، الان وقت این است که همه اینها مواظبت کننـد خودشان را. مواظبت کننـد در اینکه یک قـدم کج نگذارند؛ و اسـلام را حفظ کنند. صورت اسـلام را آنطوری که هست نشان بدهند. و اگر خدای نخواسـته یک کسـی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می کنی. در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت

۱- ۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۰ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

در منبر بود که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می کنیم. باید اینطور باشد. باید مسلمان اینطور باشد که اگر هر که می خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می خواهد باشد اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذار.(۱)

لزوم اصلاح و تصفیه و مراقبت در قوه اجرائیه

از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجراییه است. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازیها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده اند یا عمدا برای نگران نمودن مردم عمل کنند، که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می کند. وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه ها بودجه ای که از آن ارتزاق می کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصا مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواسته گاهی موجب غضب الهی می شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصا طبقات محروم بود

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵ تا ۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگان پستها را اشغال می نمایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی انسانی احتراز نمایید.(۱)

جلوگیری از فعالیّت اشخاص متخلف در وزارتخانه ها

در هر وزارتخانه ای اگر مثلاـ اشخاصی باشند که می خواهند یک کارهای خلافی بکنند، نگذارند کارها انجام بگیرد، با ملایمت، با تدبیر آنها را به وظایفشان آشنا بکنید. و اگر یک وقت دیدید که کسی است که نه، نخواهد گذاشت، خوب، تصفیه بکنید. و اگر کسانی که تصفیه شده اند اشتباه بوده است، آنها را برگردانند باز به محل خودشان تا خدمت بکنند.(۲)

ما با کسی شوخی نداریم

باید نوع اداره وزارتخانه ها و ادارات عوض شود و افراد ناصالح از آن ادارات تصفیه شود. باید گروهی تشکیل شود که هر کس بر خلاف عمل می کند گوشش را بگیرند و از اداره بیرونش کنند، و مامور بگذارند که دیگر برنگردد و هرگز راهش ندهند. باید دید چه کسانی کارشکنی می کنند، آیا خود وزیر است؟ دستش را بگیرند و از وزارتخانه اخراجش کنند. ما با

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۶.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۹۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کسی شوخی نداریم.(۱)

خدا را حاضر دیدن در همه امور

آن روزی را که می خواهید یک کسی را کنار بگذارید، آن روزی که می خواهید به یک کسی فرض کنید که یک «انگ» غیر اسلامی بزنید، توجه کنید که خدا حاضر است. اگر خدای نخواسته بر خلاف بکنید عمدا و اگر سهوی باشد، اشتباهی باشد که مقدماتش دست شماست، بدانید که این خدای حاضر و ناظر بر شما ممکن است نبخشد. توجه بکنید که کارها همه اسلامی باشد؛ برای خدا باشد؛ خدمت برای خدا باشد.(۲)

نظام در اهداف خود جدی است

این مسئله که نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ کس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می نماید، بایدبه عنوان یک اصل خدشه ناپذیر برای تمامی دست اندرکاران و مردم تبلیغ گردد.(۳)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۶.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۸۴.

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل ششم: ساده زیستی مسئولان و پرهیز از اشرافیگری

توجه به معنویات منشأ حفظ نظام اسلامی

مادامی که این ملت، این حالی که الان دارنـد که توجه به معنویات تا یک حدودی، و این جوانهای ما توجه به معنویات دارند و این تحول عظیم پیـدا شـده است در آنها که شـهادت را با جان و دل می خرنـد، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسـلامی محفوظ است و هیچ کسی نمی تواند به او تعدی کند. آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیـدا کنـد و راهنمای ما شـیطان باشـد، آن روز است که ابرقـدرتها می تواننـد در ما تاثیر کننـد و کشور ما را به تباهی بکشـند. همیشه این کشور به واسـطه این کاخ نشـینها تباهی داشـته است. این سلاطین جور که همه کاخ نشین تقریبا بودند، اینها به فکر مردم نمی توانسـتند باشـند، احساس نمی توانسـتند بکنند فقر یعنی چه، احساس نمی توانستند بکنند بی خانمانی یعنی چه، اینها اصـلا احساس این را نمی توانسـتند بکنند. وقتی کسـی احساس نکند که فقر معنایش چی است، گرسـنگی معنایش چی است، این تواند به فکر گشـنه ها و به فکر مستمندان باشد. لکن آنهایی که در بین همین جامعه بزرگ شده اند و احساس کردند فقر چی است، دیدنـد، چشـیدند فقر را، احسـاس می کردنـد، ملموسـشان بوده است که فقر یعنی چه، اینهـا می تواننـد به حال فقرا برسـند. کوشـش کنیم که این وضـعیت در همه مـا محفوظ باشـد. در مجلس مـا، در ارگانهای دولتی ما، در مجاهـدین ما، در ارتش ما، در قوای مسلحه، در قوای قضائیه باید این معنویت محفوظ بماند؛ توجه به خدا محفوظ بماند. توجه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

به خداست که یک نفر را از آن صحرای گرم عربستان و از آن مرکز همه جهالتها منبعث می کند و یک همچو بساط عادی و یک همچو انسانهایی را تربیت می کند و یک همچو ملتی را ایجاد می کند. از شاهنشاهی این چیزها نمی آید. شبان(۱) است که می تواند راه بیفتد و در مقابل فرعون بایستد. از یک نفر نظیر خود فرعون این کار نمی آید. ما باید آدم تربیت کنیم، نه شکمباره. اسلام می خواهد انسان درست کند. اسلام می خواهد که استقلال محفوظ باشد و استقلال با توجه به دنیا ممکن نیست حاصل بشود. اینهایی که الان هم برای ملتهای خودشان آن طور تباهی ایجاد می کنند اینهایی اند که در کاخ نشسته اند و نمی دانند گرسنگی یعنی چه، فقط توجه به منافع خودشان دارند و می بینند که امریکا منافع خودشان را حفظ می کند، منافع خودش را حفظ می کند و منافع اینها هم تا آن حدودی که اینها محفوظ باشند برای خودش، حفظ می کند. یک همچو اشخاصی نمی توانند به فکر ملت و استقلال ملت باشند. اینهایی که همه توجهشان به این است که کاخها برای خودشان درست کنند، حتی برای حیوانات خودشان، برای سگهای خودشان کاخ درست می کنند. اینهاتوانند به فکر مردم و آن گرسنه باشند که در کشورهای خودشان هست؛ و لهذا می بینیم که نفت همین مردم بیچاره را می برند به جیب امریکا می ریزند و ملتشان آن طور گرسنه و پابرهنه هستند. اینها احساس دیگر ندارند، اینها احساس انسانی از دستشان رفته. این توجه به زرق و برق دنیا انسان را از آن احساس انسانی اش می برد، یک حیوان است

۱- ۱. حضرت موسی کلیم اللّه علیه السلام.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

در بین مردم راه می رود. کوشش کنید معنویت را تقویت کنید در بین این ملت. با معنویت است که شما توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و آزادی خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسید.(۱)

مسئله معنویات در رأس امور است

یک مسئله که در راس همه امور است مسئله معنویات است. ما باید کوشش کنیم که معنویات را در بین این ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم، مردم را دعوت به معنویات و دعوت به اخلاق اسلامی و آداب فرهنگ اسلامی کنیم. ملت ما بحمداللّه بسیار مهیاست از برای اینکه، رو به معنویات برود و تاکنون هم قدمهای زیادی برداشته اند، لکن راه طولانی است و راه معنویات آنطور است که باید انسان در تمام عمر کوشش کند. شاید بسیاری گمان کنند که رفاه مادی و دارا بودن در بانکها، اموال، یا دارا بودن زمینها یا پارکها و امثال اینها برای انسان سعادت آورد. این یک اشتباهی است که انسان می کند.(۲)

کوخها منشأ برکاتند نه کاخها

انسان گمان می کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانکها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد، شاید انسان این گمان را می کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می کنیم و سعادتها

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۷ تا ۳۷۸.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را سنجش می کنیم، می بینیم که سعادتمندها آنهایی بودند که در کوخها بودند. آنهایی که در کاخها هستند سعادتمند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخها پیدا نمی شود. ما یک کوخ چهار پنج نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ فاطمه زهرا علیهاالسلام است. از این کوخها هم محقرتر بوده لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد. این کوخ نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتیها هم به آن نمی رسد؛ و در جنبه های تربیتی آن قدر بوده است که هرچه انسان می بیند برکات در بلاد مسلمین هست و خصوصا در مثل بلاد ماها، اینها از برکت آنهاست. خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله در راس همه واقع است زندگی کوخ نشینی داشته است. خیال نشود که یک اتاق، حتی یک اتاق نظیر اتاق متوسط این جامعه داشته اند. چند تا حجره داشته اند، حجره های محقر. و این شخص عالی مقام از همین حجره محقر نورش به ملک و ملکوت افتاده است و سعه تربیتش در تمام جهان توسعه پیدا کرده است. در صورتی که آنچه او می خواست باز نشده است و بشر به این زودی نمی تواند برسد به او مگر ان شاءاللّه خلف صالح او(۱) بیاید و با دست مبارک او تربیت عالیه تحقق پیدا بکند. از این معنویات که گذشتیم، در این امور فرهنگی، در این امور مادی، در این اموری که اختراعات و کشفیات هست، شما اگر گردش کنید در بین

۱- ۱. حضرت قائم آل محمد، مهدی موعودعج.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کاخ نشینان، گمان ندارم که پیدا کنید یک کاخ نشین موفق شده است به یک اختراع کوخ نشینان بودند که موفق شده اند به این اختراعات. طبع قضیه کاخ نشینی، توجه به عیش و عشرت و توجه به دنیا و توجه به مال و منال است و نمی تواند شهوت و شکم، این طبقه را مهلت بدهد که در یک امر تفکری وارد بشوند و فکر بکنند. آنهایی که اختراع کرده اند، آنهایی که زحمت کشیده اند و کتابهای ارزنده تحویل جامعه داده اند در هر رشته ای، این کوخ نشینان بوده اند. طبع کاخ نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تالیف و زحمت. اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید، اگر موفق بشوید، یکی دو تا و چندتاست. تمام مصنفین از این کوخ نشینان بودند تقریبا، و تمام مخترعین از همین کوخ نشینان بودند تقریبا. ما وقتی که در مذهب خودمان ملاحظه می کنیم که فقه ما آن طور غنی است و فلسفه ما آن طور غنی است، آن اشخاصی که این فقه را به این غنا رساندند و آن اشخاصی که این فلسفه را به این غنا رساندند کاخ نشینان نبودند، کوخ نشینان بودند. «شیخ طوسی»(۱) که مبداء این امور و ارزنده ترین اشخاص در جامعه تشیع بوده است یک کاخ نشین نبوده است؛ اگر کاخ نشین بود نمی توانست این کتبی که تحویل جامعه داده است و این شاگردهایی که تحویل جامعه داده است تحویل بدهد. در قشر مرفه نمی شود یک همچو کاری انجام بگیرد. وقتی که در متاخرین از علما

۱- ۱. محمدبن حسن طوسی، از بزرگترین فقهای شیعه که به «شیخ الطائفه» مشهور است و در نیمه اول قرن پنجم هجری در نجف درگذشته است.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ملاحظه می کنیم می بینیم که «صاحب جواهر»(۱) یک همچو کتابی نوشته است که اگر صد نفر انسان بخواهند بنویسند شاید از عهده برنیایند و این کاخ نشین نبوده. آن طور که نقل می کنند در آن وقتی که ایشان این کتاب را نوشته اند سرداب در نجف نبوده، سرداب را «شیخ انصاری»(۲) از ایران برای نجف سوغات برده، یک منزل محقر داشتند و در یک اتاقشان باز بوده به یک دالانی از قراری که نقل کنند که در آن هوای گرم نجف یک نسیمی، نسیم داغی می آمده است و ایشان مشغول تحریر «جواهر» بودند. از یک آدمی که علاقه به شکم و شهوات و مال و منال و جاه و امثال اینها دارد این کارها نمی آید؛ طبع قضیه این است که نتواند. زندگی «شیخ انصاری» را همه شنیده یعنی بسیاری شنیده اند چه وضعی داشته است در زهد. اگر نبود آن وضع، نمی توانست آن شاگردهای بزرگی را تربیت کند وتوانست آن کتابهای ارزنده را تحویل جامعه بدهد.(۳)

تنافی خوی کاخ نشینی با فرهنگ اسلام

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزداییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ

---

۱ - ۱. محمدحسن نجفی، از بزرگترین فقهای شیعه در قرن ۱۳ هجری که به نام کتاب فقهی خود «جواهر الکلام» به صاحب جواهر مشهور شده، وی به سال ۱۲۶۷ ه. ق. در نجف درگذشته است.

۲ - ۲. مرتضی انصاری معروف به «شیخ اعظم» از فقهای عظیم الشان شیعه که دو تالیف فقهی و اصولی وی هنوز در حوزه های علمیه تدریس می شود. وی اشتهاری خاص به زهد نیز داشته و در سال ۱۲۸۲ ه . ق در نجف درگذشته است.

۳- ۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۳ تا ۳۷۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نشینی به پایین بکشید، خود کاخ نشینی این خوی را می آورد، ممکن است که در بین آنها هم کسی پیدا بشود لکن نادر است. توجه کنید که این ملتی که الان کوخ نشینانش مشغول فعالیت هستند و مشغول به زحمت هستند در جبهه ها و پشت جبهه ها، این کوخ نشینان را زحمت بکشید که به همین حال خوی کوخ نشینی و خوی اینکه توجه به کاخها نداشته باشند نگه دارید تا بتوانید ادامه بدهید زندگی صحیح اسلامی را. آن خوی کاخ نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است، لکن خود او، این خوی را دنبال دارد. کسی که تمام توجهش به دامداری است او نمی تواند آدم بشود. کسی که تمام توجهش به باغداری است این نمی تواند یک انسان مفید واقع بشود. آنهایی که دامداریشان مفید است برای جامعه، آنها توجه به دامداری ندارند. آنهایی که دامداریشان برای حفظ جامعه است آنها جز همان کوخ نشینانند. و آنهایی که باغداریشان برای حفظ جامعه است آنها هم اینطور؛ لکن وقتی خوی زمینخواری و باغداری و کاخ نشینی در بین مردم باشد، این اسباب این می شود که انحطاط اخلاقی پیدا بشود. اکثر این خویهای فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است. و شما امروز در جامعه خودتان وقتی ملاحظه بکنید، در جامعه اهل علم و عرض می کنم که مدرسه نشینها، اینها که زحمت می کشند و کار برای این جمهوری اسلامی می کنند، اینها همین کوخ نشینهایند. حجره های مدرسه را بروند ببینند که چی است وضعش و فعالیتشان چیست. منزل علمای اسلام را بروند ببینند چی است وضعش و کارشان چی است. منزل مدرسین جامعه های ما را بروند ملاحظه کنند ببینند که منازلشان چی هست و کارشان چی است. و ما

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بحمداللّه امروز همه دست اندر کارهایمان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیداشود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینها خیلی صدمه خوردیم. مجلسهای ما مملو از کاخ نشین بود و در بینشان معدودی بودند که از آن کوخ نشینها بودند، و همین معدودی که از کوخ نشینها بودند از خیلی از انحرافات جلو می گرفتند و سعی می کردند برای جلوگیری. آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواسته در آنها تاثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم.(۱)

مرفه بودن مسئولین سرچشمه همه مصیبتهای ملتها

شما اگر توجه کنید به حکومتهائی که در تاریخ بوده است و خصوصا در این پنجاه سال، ملاحظه می کنید که آنهایی که در راس امور بودند، آنها از این «ملک »ها و «سلطنه»ها و عرض می کنم که از این سنخ مردم و به

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۵ تا ۳۷۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اصطلاح از اشراف بودند. وقتی که اشراف به قول خودشان و اعیان و متمکنین و یال و کوپالدارها متصدی امور یک کشور شدند، قهرا اینها مردم را به حساب نمی آورند. این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر، از خودشان خاضع اند و در مقابل ضعفا و ملت خودشان، جابر و ستمگر. شما اگر ملاحظه فرموده باشید، معامله این دولتهایی را که ما داشتیم سابق، با مردم مقایسه کنید و معامله شان را با سفارتخانه های خارجی، اینها شخصیت خودشان را شخصیت هم نداشتند بکلی از دست می دادند. و به آن چیزی که در ذهن من است، یکی از سفرا حالا یا سفیر انگلیس بود، یا یک جای دیگر آن صدر اعظم وقت را پاشد گلویش را گرفت توی اتاق و زد او را به دیوار. در مقابل او، آنها سپر می انداختند، لکن در مقابل مردم، آن قدر به مردم ظلم می کردند و آن قدر به خیال خودشان به بزرگی و امثال ذلک رفتار می کردند که همه می دانید. وقتی بنا شد که متصدی یک امور کشوری، قشر اشراف به اصطلاح خودشان اعیان، مرفه ها و صاحب اموال و نمی دانم پارک(۱) و اتومبیل ها و کذا و کذا، یا آن وقت کالسکه ها و آن حرفها باشد، این یکی از مصیبتهای بزرگی است که در یک ملت هست. سر چشمه همه مصیبتهایی که ملتها می کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان از آنها باشد. و آنها این طور هستند، اشراف و اعیان این طور هستند که تمام ارزشها را به این می دانند که آنجایی که زندگی می کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها

۱- ۱. سابقا ویلا پارک نامیده می شد.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کننـد، رفتار عبید با موالی باشد؛ تمام افکارشان متوجه به این مسائل است. باید حتما چند تا پارک داشـته باشد، چند تا باغ داشته باشد در شمیران، در تهران، در کجا، تا اینکه بشود یک نفر آدم عرض کنم که نخست وزیر یا یک نفر آدم وزیر کذا. و اینهـا وضع روحیشـان، به حسب نوع، وضع روحیشان این طور بود که چون قـدرت را، تمام ارزشـها را به قـدرت می دانسـتند، تمـام ارزشـها را به قـدرت مالی می دانسـتند، به قـدرتهای دیگر می دانسـتند، در مقابل قـدرت بالاتر از خودشان خاضع و عبد بودنـد، در مقابـل ضـعفایی که قـدرت ندارنـد، فرمانفرما و حکومت بودنـد. این وضع طبیعی این است که یک قشـر اشـراف و اعیـان به اصـطلاح خودشـان و مرفه به یـک کشوری حکومت کننـد و قابـل اجتنـاب نیست این. وقـتی حکومت آن طور شـد، دیگرشود این را کسـی خیال کند که قابل این است که این با مردم چه جور باشد، از آن ور با دولتهای خارجی چه جور باشد. مقابل آنها، از باب اینکه می دیدند آنها قدرتشان بیشتر است، خاضع بودند. هر جایی که توهم می کردند که به قدرتشان یک قـدرت بالاتری یک صدمه ای بزنند، مقابل او لنگ می انداختند و همه جور تواضـعی می کردند؛ برای اینکه آنجا را به دسـت داشته باشند. به مردم هر چه گذشت، گذشت و هرچه خواستند، بکنند با مردم.

این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور اسلامی را از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیـان و «سـلطنه»هـا و «ملـک»هـا و اینهـا قرار نـداد. و این اسـباب این شـد و می شود که وقـتی که بناشـد که یـک اشخاصـی زندگیشان یک زندگی عادی باشد و ارزش را در

Presented by: https://jafrilibrary.com/

این زندگی هم ندانند، ارزش را به ارزش انسانی، ارزش اسلامی بدانند، ارزش اخلاقی بدانند، اگر یک حکومتی ارزشهایش این طور ارزش باشد که ارزش اسلامی باشد، بخواهد خدمت به نوع خودش بکند، خودش را خدمتگزار بداند، اگردیدش این باشد، قهرا ملت با اوست و قهرا نمی تواند یک قدرت خارجی او را تحت تاثیر قرار بدهد. همیشه قدرت خارجی برای اینکه بر مردم مسلط بشود، این بالاتریها را می ترساند. آنها هم از باب اینکه تمام توجهشان به این بود که در بین ملت قدرتمند باشند، دارای یال و کوپال باشند، آنها را تسلیم می شد برای اینکه به اینها ظلم بکنند. این وضع طبیعی این جور حکومت است و وضع طبیعی حکومتی که از قشر غیر مرفه است، از خود این مردم درست شده، وضع طبیعی اش این است که با مردم باشد و خدمت بکند و ارزش را ارزش جاه و مقام نداند.(۱)

پیروی از حضرت امیر علیه السلام در رعایت بیت المال

حکومت، حکومت حضرت امیر علیه السلام و وضع حکومت او را ما در نظر بگیریم، و کسانی که در حکومت هستند و در دستگاههای دولتی هستند، سیره آن بزرگوار را در نظر بگیرند و ببینند که باید چه بکنند. البته قدرت اینکه آنطور کسی عمل بکند، ماها نداریم، کسی ندارد. به طوری که نقل کردند در یکی از چیزهایی که به بعض از عمال خودشان نوشتند، نوشته اند که: «سر قلمها را نازک بگیرید، سطرها را نزدیک هم بنویسید، از چیزهایی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۲ تا ۴۴۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

که فایده ندارد، احتراز کنید».(۱) این یک دستوری هست برای همه؛ یعنی، دستوری هست برای کسانی که در بیت المال دست دارند. اینطور حضرت امیر علیه السلام در وقت حکومتش دستور می دهد برای صرفه جویی. او مضایقه می کند که در یک صفحه که می شود ده سطر نوشت، پنج سطر نوشته بشود؛ یک قلم که می تواند آن مرکبی که در آن وقت بوده است صرف کند، سرش ریزه باشد تا کم صرف بشود، حرفهای غیر اصولی نوشته نشود، که صرفه واقع بشود. باز از ایشان نقل شده است که حساب بیت المال را می کشیدند، چراغی روشن بود، شمعی روشن بود و کسی آمد با ایشان حرف دیگری خواست بزند، شمع را خاموش کردند، فرمودند که این مال بیت المال است، تو می خواهی حرف دیگر بزنی.

ما چه کنیم با بیت المال مسلمین؟ وظیفه حکومتها چیست با بیت المال مسلمین؟ این مسئله، مسئله این نیست که در آن وقت و در حکومت حضرت امیر باشد؛ این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند، یک درهمش در آن طرف حساب دارد. باید حساب بدهیم، باید در پیشگاه خدای تبارک و تعالی، در کارهایی که کنیم، تصرفهایی که در بیت المال می کنیم، باید بعد حساب بدهیم چرا؟ زیاده روی شده باشد، مجازات دارد؛ عدالت شده باشد، مجازات خیر دارد. بیت المال مسلمین را بزرگ

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات ۳۰۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بشمارید.(۱)

مصرف بیت المال در امور مربوط به مصالح مسلمین

حکومتهای اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند، بیت المال مسلمین صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است. وزارتخانه ها باید وقتی که می بینند که کارمند بیت المال مسلمین هستند و مسلمین هستند و از آنجا حقوق می گیرند و ارتزاق می کنند و اداره، اداره بیت المال مسلمین است، حتی در آن مسائلی که حضرت امیر گفته ملاحظه کنند، کوچک نشمرند مسئله را، مسئله بیت المال مسلمین است و دستور، دستور اسلام است به حد ضرورت. البته راجع به آن چیزهایی که مربوط به حفظ مقامات است در حالی که ما الان درش می گذرانیم آن یک چیز لازم است، اما به حد لزوم. حتی مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف این نکنند. باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت المال مسلمین است، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین نیست، نشود، مسئولیت دارد اینها. باید اشخاصی که، مقاماتی که هستند، ملاحظه کنند که به اندازه ضرورت مشاور بگیرند، به اندازه ضرورت خدمتگزار بگیرند، نه به اندازه دلخواه. و این معنا را باید همه ما بدانیم که دلخواههای ما آخر

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۷۳ تا ۳۷۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ندارد. گمان نباید بکنیم که اگر ما به آنجا رسیدیم، تمام شد مسئله، آنجا که رسیدیم بیشتر خواهد شد. امروز حکومتهای کوچک تقاضاهای کوچک دارند، هواهای کوچک دارند، لکن اینطور نیست که این هواها محدود بشود. وقتی به یک حکومت بالاتر رسیدند، تقاضاها زیادتر می شود، هواهای نفس بیشتر می شود. وقتی رئیس جمهور یک کشور پهناور مثلا امریکا یا شوروی یا هندوستان شدند، آن وقت هوایشان بالاتر می رود، قانع نیستند به آنجا، حدود ندارد، انسان لاحد است در همه چیز. گمان نکند انسان که اگر یک جایی دارد که درش زندگی می کند، یک جا بهتر پیدا کند، آنجا وقتی رفت راحت است. آنجا تازه اول این است که یک جای بالاتر داشته باشد.(۱)

اهمیّت ساده زیستی روحانیت و مسئولان

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شان روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۷۴ تا ۳۷۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید وجهه تان پیش مردم بزرگ می شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمومنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالابالاها نشسته اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه ها و طبقات ضعیف به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواسته، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد. آنهایی هم که می خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعاتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصا از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه اینکه مثل رئیس جمهور امریکا که اگر این مقام را از او بگیرند شاید از حسرت دق کند!(۱)

بالاترین خطر برای علما و روحانیت اسلام

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خودخواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شان روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمداللّه روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه دار

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۱۷ تا ۳۱۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان شاء اللّه موفق نمی شوند.(۱)

مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.(۲)

پیروی از امام علی علیه السلام در همه ابعاد

شما که داعیه پیروی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارید، لااقل در

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲ تا ۳۴۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶ و ۸۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

زندگی آن مرد بزرگ کمی مطالعه کنید، ببینید واقعاً هیچ گونه پیروی و مشایعتی از آن حضرت می کنید؟ آیا از زهد، تقوا، زندگی ساده و بی آلایش آن حضرت چیزی می دانید و به کار می بندید؟ آیا از مبارزات آن بزرگوار با ظلم و بیدادگری و امتیازات طبقاتی، و دفاع و پشتیبانی بی دریغی که از مظلومین و ستمدیدگان می کرد و دستگیریهایی که از طبقات محروم و رنجدیده اجتماع می نمود، چیزی می فهمید؟(۱)

۱- ۱. جهاد اکبر، ص ۲۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل هفتم: مردمی بودن مسئولان

رفتار حکومتهای قاجار و پهلوی با مردم

شاید میان شماها کسی نباشد که زمان قاجار را درک کرده باشد، اگر هم باشد بسیار کم است. و همین طور اوایل سلطنت پهلوی، اواخرش را که بسیار تغییر کرده بود با آن اوایل ملاحظه کردید. بافت حکومت در آن وقت و بافت کسانی که در دستگاه دولتی کاری به دستشان بود چه استانداران و چه فرمانداران و چه بخشداران و چه دیگران، یک بافت خاصی بود که مناسب بود با دستگاه شاهنشاهی. ممکن نبود که یک نفر بخشدار حتی در یک مجمعی که مردم عادی هستند، کشاورزان هستند، بازاریها هستند آن هم حاضر بشود، با آنها در صف واحد بنشیند. یک بافت خاصی بود که هر یک از آنهایی که در آن وقت حتی فرماندار یک جای کوچکی بودند اگر مقایسه کنیم با رئیس جمهور امروز ما و نخست وزیر نمی توانید بدانید که آنها چه وضعی داشتند و اینها چه وضعی. در رفت و آمدهایشان، در نشست و برخاستهایشان، در معاشرتشان یک وضع عجیبی بود. وقتی که یک حکومتی ولو جای کوچکی وارد می شد فراش ها و آنهایی که اطراف او بودند مردم را کنار می زدند که این آقا می خواهد عبور کند از اینجا، چه برسد به اینکه یک وزیر باشد که دیگر او بالاتر از همه، یا یک نخست وزیر باشد و آنها همه در پیش خودشان آن طور یال و کوپال داشتند لکن در مقابل کشورهای دیگر ضعیف و ناتوان بودند. با رعیت آن رفتار غیرانسانی را می کردند و رعیت را از هر طرف تحقیر می کردند، توهین می کردند، اذیت و آزار

Presented by: https://jafrilibrary.com/

می کردند، از آنها استفاده های مادی می کردند، ولی در مقابل یک سفیر همه شان خاضع بودند.(۱)

رسیدگی ننمودن به محرومان ویژگی حکومت اشرافی

در طول تاریخ، اسکلت حکومت، چه اصل حکومت و چه مجلس ها از وقتی که مجلس تحقق پیدا کرد الا کمی در دوره اول و همین طور ارتش و سایر نهادها، اینها چون از طبقه مرفه بودند و اسکلت حکومت را به اصطلاح اشراف و اعیان تشکیل می دادند از این جهت، اطلاع از اینکه به قشر مستمند چه می گذرد نداشتند، نمی توانستند بفهمند که مستمند یعنی چه؛ فکرشان اصلا در این قضیه هیچ وقت وارد نمی شد. کسانی که از اول کودکی تا آن وقتی که به حکومت رسیدند در مهد آرامش و رفاه بارآمدند، اینها ادراک این مطلب را که قشر دیگری هم ما داریم که قشر مستمند است نمی کردند. اگر هم یک وقتی هم در ذهنشان آمد، عبور می کرد. فکر این نبودند که این طبقه هم یک موجودیتی دارد و باید برای موجودیت اینها هم فکری کرد. و لهذا در طول تاریخ، این قشر مستمند و مستضعف و محروم در طول تاریخ شاهنشاهی و در این تاریخی که شماها هم ادراک کردید زمان محمدرضا و بعضی تان هم زمان رضاخان را ادراک کردید،بینید که حکومت، حکومت اشراف بود. اگر در یک مجلسی یک نفر، دو نفر هم از طبقه محرومین پیدا می شد، دریک اقلیت بسیار ضعیف بودند که در مقابل

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷۸ تا ۲۷۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

آن جمعیت کثیر نمی توانستند کاری انجام بدهند. اصل جنس اسکلت حکومت اشرافی این است که به مردم نرسند. و لهذا تمام این روستاهای ایران تقریبا از همه مواهبی که باید به دست حکومتها تحقق پیدا کند برای این روستاها و این دهات دور افتاده هیچ تحققی پیدا نکرد؛ کمی بوده است، آن هم روی یک مطالبی که باز پای مالکین و اشراف تو کار بود. اگر روستایی بود که یکی از اشراف مالک او نبود یا یکی از حکومت افراد حکومت مالک او نبود، او از تمام مواهب محروم بود. برق یک مطلبی بود که الان هم در اکثر روستاهای ما کمی رفته است و مشغول که برود، بهداری ابدا نبود، راه نبود، به طوری که اگر یکی مریض می شد، یک زنی می خواست وضع حمل بکند، در آنجا اسبابش فراهم نبود، می خواستند بیاورند به یک شهرستانی، از باب اینکه راه نبود، بین راه، مریض یا آن زن بدبخت تلف می شد یا کمی اش می رسید به معالجه. این وضع حکومت اشرافی در جهان است.(۱)

لزوم عبرت پذیری از تاریخ

تاریخ و آنچه که به ملتها می گذرد، این باید عبرت باشد برای مردم. از جمله، تاریخ عصر حاضر ببینیم که چه شد که یک همچو قدرتی از بین رفت، دولتها ببینند که برای چه اینطور منهدم شد یک همچو قدرتی، و اجزای دولتی، ادارات، ببینند که چه شد قضیه؛ و موجب عبرت همه باشد.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷ تا ۲۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

هر دولتی که متکی بر ملت نباشد، بلکه مقابل ملت بایستد، این عاقبتش، ولو یک قدری هم طولانی باشد، عاقبتش به همین عاقبتی که این پدر و پسر منتهی شدند، منتهی خواهد شد. رضاخان کاری کرد که بین ملت هیچ پایگاهی نداشت. و من شاهد قضیه بودم که متفقین که به ایران رو آوردند و ایران را گرفتند و همه چیز ایرانی ها در معرض خطر بود، وقتی که نتیجه این شد که رضاخان رفت شادی کردند مردم! من به این پسر نادانش گفتم(۱) که تو نکن کاری که همان طوری که پدرت رفت و شادی کردند، برای رفتن تو هم شادی بکنند. و نشنید. و دیدید که برای این بیشتر شادی کردند! و حق هم همین بود؛ چرا؟ برای اینکه بین مردم پایگاه نداشت. اساس این بود که یک دولتی که خیانتکار است، این نمی تواند با مردم بسازد. و برای خیانتکاری ای که دارد و چپاولگری ای که می کند و وابستگی به بیگانگان که دارد، این همیشه از خودش می ترسد. یک دولت همیشه نگران است که مبادا این خیانتها که کرده است، ملت جبران بکند و ملت تلافی کند. از این جهت، اینها مجبورند به اینکه با ملت به فشار و ارعاب عمل کنند. و لهذا هر روز که می گذرد فشار آنها زیادتر می شود؛ تنفر ملت هم از این طرف زیادتر. در این پنجاه و چند سال، اینها هر روز فشارشان زیادتر شد؛ و هر روز ملت از آنها تنفرش زیاد شد؛ تا رسید به آنجایی که دیدید که تمام ملت، نه یک قشر، دو قشر، همه ملت، یکدفعه از او روبرگرداندند. و چون بین مردم هیچ پایگاه نداشت نتوانست. نه خودش

۱- ۱. در سخنرانی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

توانست؛ و نه قدرتهای بزرگ توانستند او را نگه دارند....

این بایـد مایه تنبه برای ماها بشود فرق نمی کنـد یک قـدرتی که در راس است و همه مملکت تحت سـیطره اش است؛ یا یک قـدرتی که در یـک اسـتان است؛ یـا یـک قـدرتی که در یک شـهر است؛ یا یک قصـبه است. اگر چنانچه عقل داشـته باشـند قـدرتها، باید از این تاریخ موجود عبرت ببرند؛ که وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشند، هرچه قدرتمند باشد هم نمی تواند پایداری کند. دیدید که قدرت خودش چه بود؛ علاوه بر او، همه قدرتها با او موافق بودنـد؛ یعنی ما در تمام دنیا یک کسـی که با او مخالف باشـد حالا شاید یک نفر، مثلا یکی از دولتها، شاید آن هم اظهار می کرد حالا راست گفته یا نه نمی دانم اما تمام دول بزرگ با او موافق بودنـد؛ ابرقدرتها موافق بودند؛ تمام دول عربی با او موافق بودنـد؛ این خلیـج و این کویت و این، عرض می کنم که دول عربی با او موافق بودنـد؛ در عین حال چون پایه قدرت بر قلوب مردم نبود، روی دوش ملت نبود، همه قدرتها دسـتشان را روی هم گذاشـتند و قدرتهایشان را روی هم گذاشتند که نگه دارند او را و نتوانستند رفت! این یک تاریخ موجود است؛ و باید برای ما همه عبرت باشد.(۱)

سرنوشت شاه درسی برای دولتها

وقتی یک ملت یک چیزی را خواست، نمی شود خلافش را کسی عمل

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۴۸ تا ۳۴۹ و ج ۷ ص ۵۱۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بکنـد. و ملت ما همه با هم خواسـتند که رژیم طاغوتی نباشـد، و لهـذا کوششـهایی که دولتهای بزرگ و ابرقـدرتها هم کردند برای نگهداشـتن او به جایی نرسـید و نتوانسـتند نگهش دارند. این باید یک سرمشـقی برای دولتها باشد. دولتهایی که در عالم هستند که ببینند که چه شد که یک همچو قدرت بزرگی که همه قدرتها هم دنبالش بودند، همه هم از او پشتیبانی می کردند، نه فقط ابرقـدرتها، این قـدرتهای کوچکتر هم، اینها هم از او پشتیبانی می کردنـد و می شود گفت که همه قـدرتهای شـیطانی جمع شـده بودند با هم که این را حفظش کنند و نتوانسـتند. این باید یک سرمشـقی باشد از برای دولتها که وظیفه خودشان را بداننـد. چه دولتهایی که بعـدها در ایران تشـکیل می شود، و امیـد است که دولت اسـلامی انسانی باشد، و چه دولتهایی که در خارج این مملکت هسـتند، این باید یک سرمشـقی برای آنها باشد که با ملت چه بکنند، چه جور رفتار بکنند. اگر با ملت اینها رفتار خوب کرده بودند، همه قدرتها می خواسـتند اخراجش کنند نمی توانسـتند. اگر ملت پشتیبان او بود و مردم می خواسـتند او را، فرض کنیـد کـه دولتهـای بزرگ می خواسـتند او را بیرونش کننـد، قـدرت ملـت او را نگهش می داشت؛ نمی توانسـتند کاری با او بکنند. چنانکه عکسش هم همین طور بود، که همه خواستند باشد، ملت گفت نه، تمام شد.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۴۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جدایی دولتها از ملتها، منشأ گرفتاریها

این جدایی دولتها از ملتها منشاء همه گرفتاریهایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می کند. اگر آنطوری که اسلام طرح دارد راجع به حکومت و راجع به ملت، حقوق ملت بر حکومت، حقوق حکومت بر ملت، اگر آن ملاحظه بشود و مردم به آن عمل بکنند، همه در رفاه هستند؛ نه مردم از حکومت می ترسند، برای اینکه حکومت ظالم نیست که از آن بترسند، همه پشتیبانش هستند؛ و نه حکومت فرمانفرمایی می خواهد بکند؛ حکومت هم خدمت می خواهد بکند. مسئله، مسئله خدمتگزاری دولت به ملت است؛ نه فرمانفرمایی دولت به ملت. همین فرمانفرمایی جدا می کند شما را از ملت، و ملت را از شما و منشاء مفاسد زیادشود. اگر جوری باشد که وقتی رئیس دولتی نخست وزیرش، رئیس جمهورش بیاید توی مردم، با مردم باشد؛ فواصل نباشد، آنطور فواصلی که در طاغوت هست. فرماندارها با مردم فواصل نداشته باشند که مردم پشت اتاقش بیایند بایستند و راهشان ندهند و چه. البته با عدالت راه باید بدهند، نه اینکه؛ هرج و مرج نباشد که هر کس آمد، بخواهد جلو بیفتد. یک موازینی که خود شمادانید. اما مردم از کارهای شما احساس کنند که شما از خودشان هستید و می خواهید خدمت کنید بهشان، نمی خواهید فرمانفرمایی کنید و نمی خواهید مردم را تحت فشار قرار بدهید، و نمی خواهید ظلم بکنید، این حرفها نباشد.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۱۸ تا ۱۱۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جایگاه مقامات دولتی در اسلام

عمده این است که همه ماها بدانیم که مسئول هستیم پیش خدای تبارک و تعالی. و همه بدانیم که عقل هم اقتضا می کند به همان طوری که اسلام دستور داده با مردم رفتار بشود. حکومتها همان طور رفتار بکنند. وقتی که در صدر اسلام مامورین را می فرستادند، همان که سردار بود، همان که استاندار بود، امام جماعت هم بود؛ یعنی اینقدر مورد اعتماد مردم بود و مردم او را به عدالت می شناختند که به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند. و همان هم جنگ می رفت و مردم هم به او اعتنا می کردند.(۱)

حکومت آرمانی

حکومت اسلامی که ما می خواهیم یک همچو چیزی ما می خواهیم که آن کسی که در راس است، آن هم با مردم رفیق باشد. و بنشیند و خودش را نگیرد؛ در بین مردم بنشیند با آنها صحبت بکند؛ هرکس حاجتی دارد به او بگوید، وقت داشته باشد با او صحبت بکند. آن هم که رئیس ارتش است و آن هم که رئیس شهربانی است و آن هم که رئیس ژاندارمری است، آن هم در بین مردم همان طور باشد. وارد بشود بین مردم، نه او از مردم وحشت کند؛ نه مردم از او وحشت بکنند. این باید دستور باشد برای همه حکومتها و ملتها. وقتی یک حکومت اینطور شد، ملت دنبالش است؛ ملت حافظش

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۵ تا ۲۳۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است. همان طور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند. و ما می خواهیم یک همچو چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد؛ دولت هم حافظ منافع ملت به همه جهات باشد. اگر یک همچو چیزی شد، یک مملکت آرامی پدید می آید که هیچ کس هم نمی تواند در آن تصرف بکند. تا خیانت بزرگان نباشد، دولتهای خارج نمی توانند تصرف بکنند. خیانت هست که اسباب این می شود که اینها راهشان را باز می کنند؛ مستشارآورند نمی دانم کارشناس می آورند؛ از این بساط درست می کنند. این خیانت است که راه آنها را باز می کنند. اگر یک دولت غیرخائن باشد، راه بازشود بر آنها که بیایند منافع ما را ببرند.(۱)

رژیم اسلامی، رژیمی مردمی

در رژیم اسلامی شاید در راس برنامه همین تفاهم مابین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارعاب بکند، اذیت بکند؛ و نه مردم در صدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی. اسلام وضعش از اول اینطور بوده است که آن حاکمش که راس بوده است، در زندگی، در معاشرت، در اینها، با مردم یا پایینتر بوده است، یا همان جور...(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۵۱ تا ۳۵۲.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با مردم

رئیس اول اسلام هم اینطور بود که با مردم معاشرت می کرد؛ مثل معاشرت یک نفر آدم با یک نفر دیگر. مثل دو نفر برادر که اینجا نشسته بودند. پیغمبر اکرم که رئیس اسلام بود در مسجد می آمدند می نشستند، و رفقایشان هم، اصحابشان هم دورشان می نشستند با هم. جوری بود جلسه که وقتی یک کسی می آمد از خارج نمی شناخت که اینها کدام یکی پیغمبرند کدام یکی غیر پیغمبر. می پرسید که کدام یکی تان هستید؟ وضع اینطوری بود. اینطور با جامعه رفتار، اینطور با مردم رفتار می کردند. اینطور نبود که وقتی که وارد می شود، هزار تا پرده جلو باشد، و بعد هم باید دید کجا بنشیند و سان بدهند و چه. این حرفها نبود در کار.... از آن طرف قدرت اینطور بود که ایران را، آن امپراتوری بزرگ ایران را، شکست دادند، آن امپراتوری بزرگ روم را هم شکست دادند. در عین حالی که وضع یک وضع ساده ای بود، بین خودشان به دستور قرآن رحمت بود، و بر دیگران شدت.(۱)

الگو قرار دادن پیشوایان دین در رفتار با مردم

کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می کردند، پیغمبر شما رفتار می کرد و سایر انبیا رفتار می کردند. گمان نکنید که حالا فلان نخست وزیر است، فلان وزیر کشور است، فلان رئیس

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۲۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جمهور است، فلان رئیس مجلس است فلان استاندار است، فلان بخشدار است، فرماندار است، گمان نکنید که اینها یک چیزی است. آن که همه چیز است به دست آوردن رضای خداست، و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سرو کار دارید این مردم را باید رضایشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه زحمت می کشند اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند و اینها ولی نعمت ما هستند. و ما باید این معنا را در قلبمان احساس کنیم که با این ولی نعمت خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد. گمان نکند آن کسی که فرماندار یک جایی است باید به رعیت آنجا، به مردم عادی آنجا، به بازاری آنجا یک وقت خدای نخواسته یک بالاتری بفروشد، آن طوری که ساخت فرمانداران زمان سابق بود. فرق ما بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است، و شاهنشاهی می گفت نه، من این طور نیست که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آن طور می کردند. با بندگان خدا رفتار خوب بکنید و پیروزی از آنها به دست ما آمده است.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی

امروز ما می بینیم که فرماندارهای سرتاسر کشور، به طوری که آقا گفتند و بخشدارها و بعضی از کشاورزها و بعضی از مردم عادی در یک جا نشستند. اگر نخست وزیر و وزیر کشور هم که اینجا تشریف دارند و رئیس جمهور و اینها هم بودند اینها هم در بین اینها همان طور نشسته بودند که اگر کسی از خارج بیاید تشخیص نمی دهد که کدام وزیرند و کدام فرماندارند و کدام بخشدارند و کدام از مردم عادی کشاورز است. این همان بود که در روایات ما هست که اگر کسی وارد می شد در مسجد رسول اللّه و ایشان با اصحاب نشسته بودند تمیز نمی داد،گفت کدام یکی تان هستید. سابق معلوم بود هر که می آمد در مجلسی، در یک جایی وارد می شد معلوم بود که حکومت کی هست. برای اینکه آن در آن بالا نشسته بود با یک یال و کوپال و یک طور وضع خاص، مردم می فهمیدند که این است که باید چه باشد. اما رسول خدا در مدینه که مرکز حکومت ایشان بود وسعه حکومتش هم آن وقت زیاد بود، عرب می آمد می دید که چند نفر نشستند دور هم با هم صحبت می کنند، او نمی توانست بفهمد که کدام یکی اینها در راس واقع است و حاکم است و کدام یکی از اینها پائینتر هستند. وضع زندگی این بودکه تعلیم بدهد به ما که باید اینجور باشید که ما بفهمیم تکلیفمان چی است. من امیدوارم که همین طوری که وضع ظاهری شما آقایان فرمانداران و بخشداران و دیگران و همین طور همه اجزاء حکومت اسلامی، امروز همان طور که وضع ظاهریشان یک وضع بی آلایشی است، وضع روحی و معنویتان هم همان طور باشد. همان طوری که حضرت امیر علیه السلام می فرماید

ص: ۱۹۶

Presented by: https://jafrilibrary.com/

که وقتی به او اطلاع داده بودنـد که یک خلخالی را از پای یک زن حالا یا یهودی بوده یا نصاری کشـیدند، می فرماید که به حسب نقـل که انسـان اگر از غصه بمیرد عیب نیست.(۱) این طور در مقابل ظلم ناراحت می شدنـد. شـما همه در محضـر خدا هستید، هر جا باشـید. قلبهای شـما در محضـر خداست، بازوهای شـما، چشـمهای شما، همه چیز شما در محضر خداست و خدا حاضر است در همه جا.(۲)

مردمی بودن دولتمردان

ملتها و دولتها بایـد با هم تفاهم داشـته باشـند. یعنی دولت جوری باشد، ارتش جوری باشد، شـهربانی جوری باشد، ژاندارمری جوری باشـد، که مردم به آنها محبت داشـته باشـند؛ احساس دوستی و محبت بکننـد. نه اینکه وقتی که شـهربانی بیاید یا مامور شهربـانی بیایـد توی بازار، مردم از او بترسـند و از او تنفر داشـته باشـند. چنانکه در این نقاط اینطور بود. بلکه در طول سـلطنت اینطور بودند. در سـلطنتی که یعنی در حکومتی که، «سلطنت» که نباید گفت در حکومتی که در اسلام هست اینطور است که آنکه راس است با آنکه در لشـکر واقع شـده است و در ارتش واقع شـده است، و آنکه در ادارات واقع شده، همه اینها با سایر ملت فرقی ندارنـد که از هم جـدا باشـند، همین ملت هسـتند که یـک مقـداری از آنهـا ارتش شـده، و یک چنـد تا از آنها هم حکومت

۱- ۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷ خطبه جهاد.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷۹ تا ۲۸۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را اداره می کنند و اینها. و وقتی که رئیسشان بیاید توی جمعیت، هیچ باکی از این ندارد که مردم با او چه می کنند. هیچ. برای اینکه با آنها خوبی کرده است. وقتی خوبی کرد، مردم هم با او خوب هستند. شما دیدید که یک روز نمی توانست، یک ساعت نمی توانست، محمدرضا بیاید توی مردم! اگر می خواست از این خیابان عبور کند، قبل از اینکه بیاید از این عبور کند، تمام منازل آنطور که می گفتند تمام منازلی که در سر راه او بود کنترل می شد! سازمان امنیت می فرستاد تمام اینجاها را می دیدند می گرفتند و کنترل می کردند. برای چه؟ برای اینکه خوف این را داشتند که از اینجاها یک کسی سوءقصد بکند به او. که حسن قصد اسمش بود! اما یک حکومتی که برای مردم باشد، مردم آن را بخواهند، این نمی ترسد از اینکه توی بازار مردم بیاید، توی جمعیتها بیاید و با آنها بنشیند صحبت کند؛ هیچ از اینها باکی ندارد. چنانکه صدر اسلام اینطور بوده است که آنکه راس هم بوده هم توی مسجد می آمده نشسته و منبر می رفته و می نشسته و با مردم صحبت می کرده.(۱)

صلاح مسئولین کشور در مراوده و دوستی با مردم

در عمل این طور باشد که مردم ببینند که این استانداری که آمده است در اینجا، آمده است خدمت کند به مردم، مشغول خدمت به مردم است. خوب، وقتی مردم ببینند که کسی مشغول به خدمت است دیگر دعوا ندارند

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۵۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

با او. دعوا آن جا پیداشود که ببینند آمده است که مردم را داغ کند. آمده که با هر وسیله ای اخاذی کند. آمده است قدرت خودش را تثبیت کند. وقتی مردم دیدند که یک نفری خواهد قدرت خودش را تثبیت کند، مردم با او مخالف می شوند. و حالا ـ هم می گویند مردم، مثل آن وقت نیست که عقده بشود. حالا اینها عقده ها شکافته شده است. حالا دیگر اجازه نمی دهند به کسی که بخواهد این کار را بکند. این جز آبروریزی خود آنها چیز دیگری بار نمی آورد....

در هر صورت من عرضم به آقایان این است که منحصر به شما هم نیست، به هر کس که هست این است که توجه کنید به اینکه هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که اینها دوستهای آنها هستند که آمده اند. برای اینکه مثلا فرض کنید که ژاندارمری مثل آن وقت نباشد که مردم از ترس او نمی توانستند عبور کنند نه از دست دزدها! مثل - عرض می کنم که - شهربانی نباشد که مردم از ترس آنها نمی توانستند اظهار بکنند که یک کسی به ما چه کرده است. شاید شما آن وقت در شهربانی نرفته باشید یا رفته باشید شاید هم. در این کلانتریها که مردم کار داشتند، عزا می گرفتند. اگر، بخواهند بروند توی کلانتری، آیا چه خواهد شد؟ یک مظلومی می خواهد برود آن ستمی که به او شده است، آن ظلمی که شده است به او بگوید، به اینها بگوید. عزا می گرفتند چطور ما برویم توی اینجا. این مثل از حبس بدتر بود برای اینها. اینها یک وحشت عجیبی، یک ارعاب عجیبی کرده بودند. بنابراین بود که ایجاد خوف بکنند در مردم. ارعاب کنند

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردم را که کسی در ذهنش هم نیاید که مخالفت کند. این بساط بنابراین بوده است. حالا- یا تعلیم بالاترها بوده است یا خودشان؛ شیطنت خودشان.

در هر صورت ما برای خاطر حفظ یک کشوری، برای خاطر استقلال یک کشوری که باز یک قدرتهایی نیایند دوباره در کشور ما و بخواهند چه بکنند؛ باید مردم را نگه دارید. هر کدام در هرجا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید. و مردم را با هم جوش بدهید؛ یعنی صحبتهایی که می کنید، در مجالسی که مردم دارند، بروید صحبت کنید برای مردم و مردم را آگاه کنید که این بساطی که فرض کنید بعضی از روشنفکرها می خواهند درست بکنند، این بساط، بساطی است که اگر اشتباه کرده اند خوب، اشتباه. و اگر یک نقشه ای در کار هست که یک همچو کارهایی بشود، نقشه اش را به هم بزنند. مردم با هم باشند. آقا، مردم تا حالا در این چند سال آخر که چقدر اینها زحمت کشیده اند. مردم خیلی خوب اند. مردم ما واقعا خوب اند. شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد. ماها بدیم. آنها خیلی خوب اند. من گاهی در ذهنم این معنا می آید که اگر در آخرت من خودم راگویم من جهنم بروم آن کسی که برای من یک کاری کرده، به خیال اینکه من آدم هستم، برای من یک کاری کرده است در بهشت باشد. می گویند بهشت مشرف به جهنم است. می بینند آنها را. خوب من چه جواب بدهم به او؟ اینها به من بگویند که ما برای تو مثلا «اللّه اکبر» گفتیم. تظاهر کردیم، تو جوری بودی که رفتی جهنم و ما برای خاطر تو بهشت رفتیم. تو خودت ملعون بودی، رفتی جهنم. این مردم خوب اند. این خوبها را نگه دارید. این مردم خوب را با خودتان همراه کنید. وقتی تمام استانها، اشخاصی که در

Presented by: https://jafrilibrary.com/

استانداری هستند، تمام این استاندارها بنا را بر این بگذارند که کارهای خودشان را خوب انجام بدهند، در خدمت مردم باشند، حالی کنند به مردم که حکومت اسلامی، حکومت خدمت است. پیغمبر اکرم خدمتگزار مردم بود با اینکه مقامش آن بود ولی خدمتگزار بود. خدمت می کرد. آن قصه مالك اشتر را من کرارا گفته ام. عبور می کرد از جایی. سردار اول اسلام بود. از یک جایی عبور می کرد. یک کسی نشناخت و یک فحشی داد. یک چیزی گفت. وقتی رد شد آن کسی که آنجا نشسته بود گفت؛ تو او را شناختی؟ گفت نه. گفت: مالك اشتر بود. دوید مردك، دید رفته مسجد، رفته مسجد نماز می خواند. رفت عذرخواهی کرد. گفت: من نیامدم مسجد الا اینکه برای تو طلب مغفرت بکنم. این یک کلمه ببینید چه می کند با قلب آن آدم.(۱)

آسیب ناپذیری در حاکمیّت بر قلوب

شما آقایان کوشش کنید، شما سران کشورها کوشش کنید، و به دیگر سران کشور هم سفارش کنید که آنها هم نظیر ایران حکومت بر قلوب مردم بکنند. اشکال مسلمین این است که در بسیاری از حکومتها حکومت بر ابدان است، آن هم با فشار؛ و لهذا موفق نیستند. اگر ما حکومت بر ارواح بکنیم و سران کشورهای اسلامی حکومت بر ارواح بکنند و قلوب ملتها را به دست بیاورند، با این کثرت جمعیت و با این مخازن زیاد اینها آسیب

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۸۲ تا ۳۸۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

پـذیر نخواهنـد بود؛ و بر همه کشورهایی که بخواهنـد به آنها تعـدی کننـد، مقابله می کننـد و هیچ کشوری با ملتها نمی تواند مقابله کند. کشورها با دولتها مقابله می کنند و با ارتشهایی که قلوب مردم با آنها نیستند.

شما کوشش کنید و به دوستان خودتان بگویید که کوشش کنند که قلوب مردم را به دست بیاورند. همان طوری که در صدر اسلام قلوب مردم متوجه به حکومت بود. حکومت صدر اسلام؛ حکومت بر قلوب بود. و لهذا با جمعیتهای کم بر امپراتوریهای بزرگ غلبه کردند.(۱)

با ملت بودن و بدون ملت بودن

شما مردم را برای پشتیبانی از خود لازم داریـد. دولت بـدون پشتیبانی مردم تواند کار بکند و هر یک از ادارات و وزارتخانه ها باید این مسـئله را مد نظر داشته باشند که برای خدا، مردم را راضی نگه دارند. و اگر شما تاریخ پنجاه سال سلطنت را ملاحظه کنیـد، آن وقت تکلیف خودتان را می دانیـد که با ملت بودن چیست و بـدون ملت بودن چیست. همه ما بایـد برای خـدمت به توده هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده اند، کوشـش کنیم. و دولت باید آنها را مقدم بدارد و مغزهایی را که مشغول به کارنـد تشویق بکنـد. و دولت بایـد این فرصت را، که در این کشور افرادی پیـدا می شونـد که خودشان می توانند کارها را انجام بدهند، غنیمت بشمارد و به تدریج، ان شاءاللّه، به آن جایی برسند که ما دیگر به خارج احتیاجی نداشته باشیم. و

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مسلما اینها تشویق می خواهند و شما باید به این فکر باشید که برای خدا کار کنید تا نتیجه کارتان تا ابد باقی بماند. و بدانید هر کاری که شما انجام دهید و ملت از آن استفاده اسلامی و فرهنگی بکند، برای شما فایده دارد، اگر شما هم نباشید.(۱)

نقش ملت در پشتیبانی از دولت

شما که در شهربانی کاشان هستید، آن هم که در شهربانی قم است، آن هم که رئیس شهربانی کل است، آن هم که رئیس ارتش کل است، آن هم که رئیس ژاندارمری کل است، آن هم که رئیس دولت است، اینها توجه داشته باشند که آنکه می تواند اینها را نگه دارد و حفظ کند ملت است. ملت می تواند این قدرتها را حفظ کند. اگر ملت پشتیبان این جمعیت شد، اینها همه کاری می توانند بکنند. و اگر ملت یکوقتی نارضایتی پیدا کرد، اگر امروز صحبت نکنند، چند روز دیگر صدایشان درمی آید؛ چند وقت دیگر صدایشان درمی آید. آن روزی که ملت صدایش در بیاید، دیگر نمی تواند یک قدرتی با آن مقابله بکند. از این جهت، باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که آنچه ملت را راضی می کند این است که ببینند که شهربانی برای آنهاست؛ نه شهربانی ضد آنهاست. در زمان طاغوت، مردم شهربانی را، ارتش را، ژاندارمری را، دولت را، تا برسد به خود آن آدم، ضد خودشان می دیدند. اگر هم فرض کنیم یک شهربانی یا یک رئیس شهربانی بود که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۹۳ تا ۴۹۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

این موافق با ملت بود، نمی توانست عملی بکنـد که مردم از او احساس کننـد که این موافق است، ولهـذا خوب و بدش در نظر همه مردم بد بود؛ و آن پایگاهی که باید از آن اول تا آن آخر داشته باشد، در ملت آن پایگاه را از دست داد. وقتی بنا شد که پایگاه ملت از دست رفت، و نتوانستند هم جوری بکنند که دوباره اعاده اش بکنند، این است که فرو می ریزد.(۱)

پایگاه مردمی، رمز پایداری نظام

این الان برای شـما و ما و همه قشـرهای دولت و ملت، و خصوصا قشـرهایی که قوای انتظامی هسـتند، این باید یک سـرمشق و یک الگو باشـد که ببینیم که یک قـدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی نـدارد، این قـدرت نمی توانـد بایسـتد سـرپای خودش. یک قـدرت ولو بزرگ نباشـد اگر پایگاه ملی داشـته باشـد، این غلبه می کنـد. کوشـش کنیـد که پایگاه ملی برای خودتان درسـت کنیـد. این به این است که گمان نکنیـد که شـما صاحب مقام هستیـد، منصب هستیـد باید به مردم فشار بیاورید. هرچه صاحب منصب ارشـد باشـد بایـد بیشتر خـدمتگزار باشد. مردم بفهمند که هر درجه ای که این بالا می رود با مردم متواضـعتر می شود. اگر یک همچو کاری شـد و یک چنین توجهی به مسائل شد و یک همچو عبرتی از تاریخ برای ما شد، هر قوه ای پایگاه ملی پیـدا می کنـد؛ و پایگاه ملی حافظ اوست؛ حفظ می کنـد او را. شـهربانی هر شـهری اگر چنانچه در خدمت مردم باشد؛ اینطور نباشد که مردم وقتی اسم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۰ تا ۵۱۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کلانتری را بشنوند بلرزند به خودشان! وقتی بخواهند بروند طرف کلانتری مثل اینکه طرف حبس دارند می روند یا طرف کشتارگاه می روند! خیال کنند دارند طرف منزلشان می روند، یا طرف جایی می روند که عدالت توی آن هست، جایی می روند که ظلم در آن نیست، جایی می روند که با مردم دوست هست، نه دشمن، اگر اینطور شد، دلهای مردم متوجه می شود. مردم زود راضی می شوند، مردم نفوسشان اینطور است که زود راضی می شوند. یک نوازش از یک نفر صاحب منصب برای مردم کافی است که تا مدتها اینها دلشان راضی باشد از او.(۱)

حکومت بر دلها، تنها راه اقتدار دولتها

کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می ماند، و مردم هم پشتیبان شمایند؛ اگر یک کسی بیاید بخواهد به شما یک تعدی بکند، ملت به او حمله می کند. به خلاف اینکه اگر مردم دیدند که اینها با آنها نیستند، اینها دشمن آنها هستند، اگر یک کسی بیاید، یک دزدی بیاید بخواهد به شما حمله کند، آنها کمکش هم می کنند. این یک مطلبی است که الان ما از این تاریخ موجودی که بر ما گذشت باید عبرت بگیریم؛ و بدانیم که اگر پایگاه داشت این مرد بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۱ تا ۵۱۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

قدرت به هم نمی خورد؛ هرگز مخالفت با او نمی شد؛ لکن مع الاسف همه قدرتش را روی هم گذاشت بر ضد مردم. به طوری که اگر می رفت به زیارت حضرت رضا، هر که می شنید می گفت که دارد حقه بازی می کند! اگر قرآن طبع می کرد و بین مردم منتشر می کرد، دست هرکس می آمد می گفت که این مثل قرآن معاویه است! این برای این است که عمل نشان نداد به مردم؛ یک عملی که با آن عمل بتواند پایه برای خودش درست بکند. او آن قدرت بالا بود؛ فرق نمی کند؛ شما هم که در کاشان هستید و در آنجا یک اداره ای دارید همین معنا در آنجا هم جاری است؛ آن برای همه ملت بود، شما برای ملت کاشان هستید؛ قم هم برای قم هست؛ تهران هم برای تهران هست. این یک مسئله کلی است برای همه ما که فکر این باشیم که برای ملتمان بفهمد ملت که ما خدمتگزار ملت هستیم؛ ملت ادراک کند که ما خیر او را می خواهیم، وقتی آن را ادراک کرد که ما همه خیر ملت راخواهیم، ملت هم پشتیبان ماست.

ان شاءاللّه خدا همه شما را حفظ کند. همه موفق باشید و همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید؛ و هم رضای ملت که رضای خداست تحصیل کردید.(۱)

سبب عمده شکست کشورها

عمده شکستهایی که کشورها می خورند برای پوسیدگی است که از

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۲ تا ۵۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

باطن خودشان پیدا می شود. ارتششان از آنها جدا می شود؛ ملت پشت به آنها می کند. همین پیروزی که شما مشاهده کردید در ایران، دیدید که ملت پشت کرده بود به دستگاه و فریاد می کرد «نمی خواهیم». ارتش هم از همین ملت بودند، ژاندارمری هم از همین ملت بودند، اینها برادر بودند، می دیدند که نمی شود مخالفت کرد؛ نمی شود تا آخر سرکوبی کرد ملت را، این است که پیوستند به ملت. خرابیها مال این است که یک مملکتی قوای انتظامی اش را جدا کنند از ملت؛ ارتشش از ملت جدا باشد؛ به طوری که ملت وقتی که ارتش را ببیند از آن فرار کند؛ ارتش هم در ذهنش این باشد که باید سرکوبی کند ملت را! ژاندارمری اش هم همین طور. شهربانی اش هم همین طور. اداراتش هم همین طور. وقتی بنا شد که یک کشوری اینطور حالش شد که ملت علی حده شدند و دولت با همه بساطش هم علی حده، این دولت پشتیبان ندارد. ملت باید پشتیبان دولتها باشد. دولتی که پشتیبان ندارد شکست خواهد خورد. همه دولتهایی که در خارج شکست می خورند و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلا به هم خورد برای همین بود که تفاهم مابین ملت و رژیم نبود. اگر ملت با رژیم تفاهم داشتند، این مسائل پیش نمی آمد؛ اصلا الان شما مشغول کار خودتان بودید؛ ما هم مشغول کار خودمان، این مسائل روی همین زمینه پیش آمد که دولتها در مقابل ملت می ایستادند و جبهه گرفتند، ملت هم در مقابل دولت همین طور بود، وقتی اینطور شد، نمی تواند دوام داشته باشد. ممکن است سرنیزه تا یک مدتی باشد، اما دوام نمی تواند داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند، آنها خودشان

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد. تا اینطور هستید که با ملت هستید، تا اینطور هستید که توجه به خدا داشته باشید، شکست برایتان نیست.(۱)

آسیب پذیری نظام در جدایی مردم از مسئولان

شما هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید. از اینکه مبادا خدای نخواسته مسیر، یک مسیر دیگر بشود و راه، یک راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الان هست، از دست برود و مردمی بودن از دستتان برود. از این بترسید که اگر خدای نخواسته یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالایی که من نخست وزیرم، حالایی که من رئیس جمهورم، حالایی که من وزیر کذا هستم، باید چه و چه و چه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می بینید؛ یعنی، آن وقت است که خارجیها به شما طمع می کنند.

آنها می دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی بکشانند. آنها می دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت، از راه خود مجلس، از راه خود اینها، این کارها را انجام بدهند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حفظ پشتوانه مردمی توسط مسئولان

شما باید کوشش کنید همه تان، هر کس در هر وزارتخانه هست باید کوشش کند که اجزای این وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحی اش جوری باشد که با مردم بسازد. مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه هم وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم، باید یک مدتی دم در بایستیم و یک مدتی آن مامور و آن مامور و آن مامور، تا برسانند ما را به آنجا، آنجا هم پشت در بایستیم. نه، این وضع اگر یک وقت خدای نخواسته دیدید دارد این طور می شود، بدانید که دارید رو به تباهی می روید، قدم دارید بر می دارید رو به تباهی. آن روزی شما قوی هستید که این بقال سر محله و آن مومن توی مسجد و آن کسی که در جاهای بزرگ و اعیان و اشراف فرض کنید هست، برای شما این طور نباشد که برای او یک کاری بکنید، برای این نکنید. اینها را مقدم بر آنها بدانید؛ اینهایی که شما را به وزارت رسانده اند با اینکه وزارت الان یک چیز مهمی نیست پیش شما اینهایی که قدرتمندها را بیرون کردند، اینهایی که همه آن اشخاصی که مقدرات یک کشور در دستشان بود و ما را و شما را و همه کشور را به تباهی کشیده بودند، آنها را بیرون زدند، اینها را باید ما قدرشان را بدانیم؛ یعنی نگه شان داریم. برای خدا، برای اسلام، برای حیثیت خودتان، برای حیثیت کشورتان، باید این سر و پا برهنه ها را نگه شان دارید؛ اینهایی که بعد از همین که هر شهیدی شما پیداکنید، آن طور برایش تظاهرات می کنند، آن طور برایش عرض بکنم به سر و سینه خودشان می زنند، که می بینید نشان می دهند. یک همچو ملتی را باید با همین وضع نگه داشت و این به

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دست امثال شماست که این طور باقی بماند. اگر یک وقت سر خورده بشوند از دولت و خیال کنند که دولت دارد برای خودش یک کارهایی انجام می دهد و برای ما نیست و چطور، آن وقت هست که شما هر کدامتان خدای نخواسته از بین بروید، یک کسی برایتان فاتحه نمی خواند. شما کاری بکنید که بعد از مردنتان هم این طور وضع مردم باشد با شما؛ بعد از شهادت هم اگر نصیبتان شد مردم با شما این جور باشند. پیش خدا، این ارزش دارد. وقتی خدای تبارک و تعالی دید که یک جمعیتی ایستاده اند و فریاد می زنند، توی سرشان می زنند که رجایی چه، خدا به رجایی رحم خواهد کرد. اگر خدای نخواسته هم آن یک اشکالاتی در آن باشد، به همین، خدا رحم می کند. خوب، مومن، چهل تا مومن شهادت بدهند به خوبی یک کسی، خدا قبول می کند این را؛ برای اینکه یک آدمی است که چهل نفر مومن این را به خوبی شناخته اند، وقتی به خوبی شناختند، خداوند عفو می کند؛ فرضا از اینکه یک جمعیتهایی این طوری بریزند در خیابان و آن طور و به سر و سینه شان بزنند برای آنها. ارزش آقای رجایی، ارزش آقای باهنر، ارزش آقای بهشتی(۱) و ارزش این ائمه جمعه مظلوم ما(۲) به این نبود که یک مثلا دستگاهی دارد، ارزششان به این بود که «خودی» بودند، با مردم بودند، برای مردم خدمت می کردند، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می کنند ولهذا آن همه تبلیغاتی که با دستهای فاسد

۱- ۱. شهید سید محمد حسینی بهشتی.

۲- ۲. شهیدان: قاضی طباطبایی، مدنی، صدوقی، دستغیب و اشرفی اصفهانی.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بر ضد مرحوم بهشتی بالخصوص آنقدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجایی هم، آن آدم فاسد(۱) آنقدر پافشاری کرد و اذیت کرد، مردم اعتنایی هیچ به او نکردند و همان طور با آنها رفتار کردند. مردم همان طور آن تلافیهایی که در آن وقت سر آن مظلوم در آمد، مردم درست کردند، بعد از فوت ایشان آن طور کردند. و همه شما باید وضعتان یک همچو وضعی باشد. و من امیدوارم که همه این وضع را توجه به آن بکنید و حفظش بکنید. بخواهید اسلام حفظ بشود. این وضع را باید حفظ بکنید. بخواهید که ایران حفظ بشود. همین را باید حفظش کنید. بخواهید خودتان محفوظ بمانید. همین را باید حفظ کنید.(۲)

همگامی ملت با دولت

من امیدوارم که بشود ان شاءاللّه. یک صبغه اسلامی پیدا بکند. یک شبیهی؛ یک قدری شباهت به حکومت اسلام باشد. و اگر باشد امیدواریم که بشود همه اش، اما هر چه بتوانیم، اگر بشود، یک مملکت آرامی که هیچ کس به این فکر نیست که به دیگری تعدی بکند. نه دولت به ملت؛ نه ملت به دولت. و مردم هم از روی رضا و رغبت مالیاتی که برای حفظ خودشان است، برای حفظ سرحدات خودشان است، برای خودشان با رضا و رغبت می دهند. هر کسی فرض کنید که یک کسی گوسفند دارد، ده هزار گوسفند دارد، اگر یک نفر بیاید بگوید من اینها را حفاظت می کنم، خوب، بداند این

۱- ۱. ابوالحسن بنی صدر.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۷ تا ۴۴۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

امین است و حفظ می کند، این از روی رضا و رغبت به او اجرت می دهد، چیز می دهد که حفظش کند. یک کسی که خودش نمی تواند حفظ کند، آن اشخاصی که بیایند بگویند ما حفظش می کنیم، خودش از روی رضا و رغبت به او پول می دهد. خوب، یک مملکتی است که مردم که نمی توانند این مملکت را اداره بکنند و حالا که نمی توانند اداره کنند، خوب یک طایفه ای باید اداره کنند؛ سرحداتش را حفظ کنند؛ جهات دیگرش درست بشود. خوب، یک همچنین مملکتی مملکت خود مردم است، و دولت می خواهد حفاظت کند آن را، انتظامات را ایجاد کند، شهرداری می خواهد شهر را آباد کند، دولت می خواهد راهها را درست بکند، و این چیزی است که مال خود مردم است و به دسترس خود مردم، برای خود مردم دارد انجام می دهد، وقتی اینطور شد، خود مردم با رضا و رغبت دیگر دو دفتر هم درست نمی کنند! می دهند برای اصلاح امورشان. و اگر یک دغل هم پیدا بشود، آن وقت کم می شود. اینطور نیست که همه باشند. کم می شود.(۱)

حکومتهای مردمی و دستاورد آن

وقتی که اینطور باشد که بتواند یک سلطان مملکت، فرض کنید یا یک نخست وزیر مملکت، بتواند برود توی مردم، با مردم باشد، صحبت کند، حرف بزند، چه بکند، وقتی اینطور باشد، خوب، اساس به احترام صدرنشینی اش و حکومتی اش باز هست، با اضافه اینکه مردم پشتیبان او

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

هستند، مردم او را چون پاسبان خودشان می دانند، پشتیبانشان هستند. اما وقتی که بگویند پاسبان عقرب است و می زند آدم را، به اسم پاسبانی اخاذی می کند، مردم را می چاپد، خوب، این دیگر معلوم است که مردم با او بدبین می شوند. اگر دیدند که روسای مالیه، مثلاً اینها یک قدری مالیات می گیرند یک قدری هم زیادتر از مالیات برای خودشان، یک قدری هم مامورشان می رود چه می کند، مردم حتی الامکان مالیات نمی دهند؛ حتی الامکان بتوانند از زیر بارش فرار می کنند. اما وقتی دیدند آنکه آمده است برای حفظ خودشان و برای حفظ مملکتشان برای حفظ دارایی شان، برای حفظ جانشان اینها دارند زحمت می کشند، خوب، قهرا آدم وقتی دید یک کسی به او محبت می کند، به او محبت می کند؛ آن وقت مالیاتها را با رضا و رغبت و با صورت گشاده به آنها می دهد. جدیت بکنید که با مردم رفتارتان خوب باشد. اینها بندگان خدا هستند. با اینها رفتارتان خوب باشد. همه جا، همه کس، همه مردم با هم، جدیت بکنند که همه با هم خوب باشند؛ یک محیط برادری ایجاد بشود در یک مملکت اگر یک محیط برادری ایجاد شد، یک محیطی که قرآن کریم فرماید که مومنین اخوه هستند، برادر هستند، همه مومنها با هم برادر هستند، وقتی یک محیط برادری پیدا شد، صلح و صفا پیدا شد، دیگر اینطور ناراحتیها و اینطور چیزها که باید بشود، نمی شود.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۷ تا ۲۳۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

در حکومت اسلامی، فرمانفرمایی و فرمانبری نیست

از جمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید، این است که به این کلمه «فرماندار» مغرور نشوید که شما فرمانداریـد. این کلمه فرمانـدار، مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد، و برادری نباشد و طبقه ای طاغوتی باشد، مردم دیگر فرمانبردار آنها، در صورتی که در اسلام مطرح نیست. آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره می کردند، آن هم آن کشوری که از حجاز تا مصر، افریقا، عراق، ایران و همه این ممالک اسلامی که می بینید، اروپا هم یک مقداری اش تحت فرمان بود، مع ذلک اینطور نبود که معاملاتشان با رعیت، معامله فرمانفرما و فرمانبر باشد. خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله وضعشان با مردم مثل یکی از سایرین بود، یکی از اشخاص بود. نه یک منزل فرمانفرمایی داشتند و نه در محافل که بودند یک امتیازی بود که مردم ببینند که این بالا- نشستن است و پایین نشستن، این مسائل مطرح نبود. بعضی از این عربها که از خارج می آمدند و وارد مسجدشدند، پیغمبر را با سایرین نشسته بودند، وضع جوری بود که شناختند که خوب، کدام یکی پیغمبر است و کدام یکی اصحاب، می پرسیدند که کدام یکی تان هستی؟ برای اینکه وضع نشستن دور بود و حتی حالا شما اینجابینید که یک پتو اینجا انداخته اند و یک اشخاصی هم اینطوری نشسته اند، که اگر یکی از خارج بیاید یک امتیازی قائل می شود، نبود. حضرت امیر علیه السلام همان روزی که بیعت با وی کردند بیعت به خلافت رسول اللّه همان روز بیل و کلنگش را برداشت و رفت سراغ یک جایی که کار می کرد، خودش کار می کرد، دستش پینه داشت. وضع سردارها با این سردارهایی که حکومتهای

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بلاد بودنـد با مردم وضع، وضع فرمانفرمایی و فرمانبرداری نبوده است. وضع خدمت بوده است که فرمانفرماها خدمتگزار مردم بودند.(۱)

حکومت محرومان و مستضعفان، نعمت بزرگ الهی

خاصیت یک حکومت محرومین، مستضعفین و حکومت مردمی این است که هم مجلسش می فهمد مستضعفین و محرومین یعنی چه، هم حکومت و وزرافهمند که یعنی چه، هم رئیس جمهور و رئیس مجلس اش می دانند که این محرومیت یعنی چه؛ برای اینکه خودشان لمس کرده اند، خودشان لمس محرومیت را کرده اند؛ اینها می فهمند که ناداری یعنی چه و محرومیت یعنی چه. ولهذا خاصیتی که حکومت محرومین دارد چند چیز است که حالا ـ من بعضی اش را عرض می کنم. یکی اینکه چون احساس کرده اند محرومیت را، به فکر محرومین می توانند باشند. می توانند که بفهمند که راه اگر نباشد و این مریض در یک دهکده ای مریض بشود و بخواهند بیاورندش به شهر، چه مصیبت هست، برای اینکه، راه نیست باید با الاغ مثلا با اسب بیاورند. اینها می فهمند این یعنی چه، در ذهنشان این معنا می آید. اینها می فهمند که محرومیت از حیث بهداری و درمانگاه یعنی چه. اینها می فهمند که محرومیت از حیث آب و برق یعنی چه. اینها از باب اینکه خودشان لمس کرده اند این مسائل را، می توانند بفهمند. به خلاف آن قشری که سابق متکفل این امور بود نمی توانستند بفهمند. یعنی یک کسی که در مهد اشرافیت به اصطلاح آن وقت بزرگ شده است و از اولی که چشمش

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۱۶ تا ۱۱۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را بـاز کرده است بـا نوکر و کلفت و حشم و اینهـا روبرو بوده، این وقتی بزرگ شـد خیال می کنـد همه چیز همین است. نمی توانـد ادراک کنـد که یـک طبقه ای هستند که نان ندارنـد، یک طبقه ای هسـتند که نمی تواننـد زنـدگی کننـد. این یکی از خاصیت های حکومت محرومین و مستضعفین است.(۱)

خوف نداشتن از قدرتها، ویژگی حکومت محرومان

یکی از خاصـیت های بزرگش این است که اینها دیگر از قدرت ها نمی ترسند. خاصیت اعیانیت و اشرافیت به اصطلاح و رفاه این است که چون همیشه خوف این مطلب که نبـادا از این مقـام، پـایین بیـایم و نبادا یک لطمه ای به اشـرافیت من بخورد، این خوف، اسـباب این می شد که نسبت به زیر دست ها ظالم و نسبت به بالا دست ها توسری خور باشد. یک نفر که نخست وزیر بود، وزیر بود و در تاریـخ، در طول تاریـخ از کسـانی بود که متکفل امور کشور بود، نسـبت به زیردسـتان با تمام معنا ظلم می کرد به حسب نوع البته ولی وقتی مواجه می شـد بـا یـک سـفارتخانه خارجی، کمال ذلت را داشت. این خاصـیت اشـرافیت، به اصطلاح اشرافیت آن معناست که آنها داشتند، و خاصیت حکومت رفاه طلبان است که در مقابل سفارتخانه های خارجی ذلیل بودنـد و در مقابل رعیت خودشان و قشـر محرومین با کمال قلدری رفتار می کردند. از قراری که من شـنیدم همین محمدرضـا در اواخر سـال جنایاتش وقتی که ایران قیام کرد و آن بساط را و آن نهضت را، انقلاب را بپاکرد و دیدنـد خارجی ها که نمی توانند این را

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸ تا ۲۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دیگر اینجا نگه دارند، دیگر این عروسک به درد نمی خورد، گفتند از بعضی اشخاصی که نقل کردند که از خود آنها بودند و حاضر قضیه بودند که وقتی از طرف امریکا با او آمدند و گفتند که شما باید دیگر بروید، او که نشسته بود یک قلم دستش بود لرزید و قلم از دستش افتاد، این قدر عاجز بود؛ اما نسبت به ملت دیدید که چه کرد، حکومت محرومان این خاصیت را دارد که امروز اگر رئیس جمهور امریکا بیاید اینجا بخواهد به یک نفر از کارمندهای اداره، دولت ما یک درشتی بکند یک سیلی می خورد. در حکومت، حکومت های سابق تعقل نمی کردند که می شود یک سفارتخانه امریکایی با یک سفارتخانه شوروی را باهاش این رفتاری بکنند که در حکومت محرومین شد، تعقل این مطلب را برای آنها امکان نداشت. امروز خاصیت حکومت محرومین این است که خوف به دلشان راه نمی دهند. امریکا از آن طرف دریاها نشسته و فرمان می دهد بر حکومت های قلدری، همه فرمان برند، حکومت ایران که حکومت مستضعفین است هیچ اعتنا به او نمی کند.

ایران حکومت مردم است، حکومت مردمی دیگر نمی تواند بترسد از اینکه امریکا چی می گوید. حکومت مستمندان است، حکومت مستضعفان است. اینها در دلشان خوف نیست به اینکه اگر چه بشود ما مقام مان را از دست می دهیم. مقام نیست تو کار، هیچ یک از اینها به فکر این نیستند که ما الان یک مقامی داریم و مقام فروشی بکنند. و هیچ کدام هم یک زندگی اشرافی ندارند که بترسند از دستشان گرفته بشود. و چون حکومت ایمان است، خوف از شهادت هم ندارند. بنابراین، امریکا و امثال امریکا تصور

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نکنند که با یک کلمه ای که در سابق، زمان شاه و زمان رضاخان و محمدرضاخان می گفتند در اینجا اطاعت می شد، حالا هم آن هست. نخیر، حالا آن نیست. حالا اگر یک سفیری از شما نسبت به یک نفر از کارمندهای ما بخواهد یک جسارتی بکند غایت امر این است که او را بیرونش کنند. اگر در همین جا تربیتش نکنند. حکومت، حکومت محرومین است، محرومین ترس ندارند از این امور، آن حکومت اشراف بود که تشرزدید و آنها جا می خوردند. اینها حکومت توده است، توده مردم است، محرومین است، بازار است، خیابان است و کارگرانند و کشاورزان، حکومت مال اینهاست. یک همچو حکومتی، یک همچو بافتی که در حکومت ایران است امروز، این بافت جوری است که خوف تویش نیست. از چی بترسند؟ بترسند شهید می شوند؟ بسیارند، بسیاری هستند که آرزوی این کار را می کنند. بترسند مقام از آنها گرفته بشود؟ مقامی تو کار نیست تا گرفته بشود. بترسند نمی دانم پارک ها و نمی دانم دهات از آنها گرفته بشود؟ نه پارکی دارند، نه دهی دارند، این از خاصیت حکومت محرومین است که نه از این ابرقدرت می ترسد و نه از آن ابرقدرت ترسد و از جنگ هم نمی ترسند. شما خیال می کنید که اگر در زمان سابق یک همچو جنگی پیش می آمد، وضع ایران این نحو بود که مردم بایستند و در جبهه و پشت جبهه بایستند و اینطور توی دهنی بزنند به امریکا؟(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۹ تا ۳۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ناتوانی قدرتها در مواجهه با حکومتهای مردمی

اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می آید در راس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلطه ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است، افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند، یا قدرت برای حفظ خودشان و حیثیت خودشان در دست داشته اند، می باشند. مادامی که مجلس و ارگانهای دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را. همیشه این قدرتهای بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می کرد. او را می دیدند و ملت را می چاپیدند و به اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چاپیدند. هیچ وقت قدرتهای بزرگ مواجه با ملتها، اگر شدند نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند. هر وقت که می خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی کرده از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگری می تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می بردند. کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه متوسط و مادون متوسط نبوده است.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۹ تا ۲۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

سوء استفاده قدرتهای بزرگ از روحیه قدرت طلبی مرفهین

اینکه این عمل را آنها انجام می دادند یک نکته روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد؛ آمالش، آمالش غیر متناهی است، وقوف نمی کند آمال انسان و وقتی که این طور است، اگر انسان اسیر همین آمال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آمال او را و آن خواستهای مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ می کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند؛ برای اینکه، از طبقه مرفه است و از طبقه قدرتمند است، و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می کند که همه حیثیت ملت و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش بگیرد. الان شما ملاحظه می کنید که قدرتهایی در دنیا هست از حیث مال که اگر اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می شوند و از طبقه باصطلاح خودشان بالا می شوند. یک نفر از آنها اینطور است، لکن همان آدمی که دارایی او به این اندازه بود، از این آدمی که درویش سر محله است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می خواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود حرص انسان اضافه شود. هر چه قدرت اضافه بشود

Presented by: https://jafrilibrary.com/

حرص انسان به قدرت، اضافه می شود.(۱)

میدان ندادن به افراد مرفه برای استضعاف ملت

اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می گیرد. وقتی برای خودش به کار گرفت دولتهای بزرگی که هستند، ابرقدرتهایی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می دهند و این را به مقام می رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد. شما ملاحظه وضع این پنجاه سال، یک قدری بیشتر را هم بکنید که انتخاب کردند خارجیها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آنطور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد، و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود. آنها آن یک نفر را دمش را می دیدند و کارهایشان را انجام می دادند و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آن همه افرادی که اطراف او بودند، و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوشگذران و بالا و بالاها به اصطلاح آنها. باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن «دوله»ها و «سلطنه»ها و «سلطنتی»ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولتهایی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذایی که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

املاک بی انـدازه داشـتند و آپارتمانهای چنـدین طبقه داشـتند نداریم، این مملکت محفوظ می ماند. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دیـد که داریـد از مرتبه متوسط می غلتید به طرف مرفه و دنبال این هسـتند که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا کنیـد، مردم باید توجه داشـته باشـند و اینطور افرادی که بتدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواسـته پیدا بشود، آنها را سـر جـای خودشان بنشانـد. اگر ملت می خواهـد که این پیروزی تا آخر برسـد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسـد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشـکیل می دهنـد، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسـی هست، همه اینها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد. بدانید که اگر دولت اینطور باشـد و اگر ملت اینطور باشـد، و اگر مجلس و امثال اینها اینطور باشـد، اگر یک قـدرتی بخواهـد هجمه کنـد به اینجا، مـواجه بـا سـی میلیون جمعیت هست و نخواهـد توانست؛ نمی توانـد آن وقت پیـدا کنـد یـک کسـی که قدرتمنـد باشـد و آن قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را برای آنها، تاریخ همین طور بوده. مادامی که این ملتها در بینشـان افرادی پیـدا نشـده است که به آن مرتبه برسـد در بین آنهـا که قـدرت مالی یا قـدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کنـد، نمی تواننـد آنها این ملت را از بین ببرنـد و حکومت بر آنها کننـد. و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر، دو نفر، صـد نفر، پانصـد نفر هست که آنها را سـیر می کنـد و آنها به جان مردم می افتند و خودش هم کنارنشـیند و حکومت بالاتر را خودش دارد، حکومت پایینتر را به این آدمی که، یا این

Presented by: https://jafrilibrary.com/

آدمهایی که در این کشور هستند واگذار می کند. اساس استضعاف ملتها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه توی آن هیچ نیست. آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما، ملت ما ثروتمند می شوند، ندارید حالا. در دولت هم ندارید یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی، ندارد دولت یک همچو قدرتی. رئیس جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند، یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد. مادامی که این حد متوسط محفوظ است این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست مابین قدرتهای بزرگ با همچو دولتی؛ بخواهند کودتا کنند، با کی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند، مواجه با کی می شوند؟ مواجه با یک ملتی می شوند که همه شان از این طبقه ای هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند. آنها مطالعه امور را می کنند و اقدام می کنند. آنها الان درصدد اینند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بعد تو این اختلافات یک نفر پیدا بکنند که آن، آن نفری که پیداست، در یک طرف واقع بشود و آنها هم به او قدرت بدهند، تا آنکه کم کم با قدرت داخلی، این کشور کم کم ضعیف بشود، و مردم روحیه شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها. تا کشور ما این مقام را دارد که بحمداللّه از آن طبقه مرفه بالایی که امور را در دست گرفته اند مبَّری هست. و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این «رئیس

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جمهور»هـا و «رئیس مجلس»هـا و «نخست وزیر»ها و وزرا و وکلا هست، شـما مطمئن باشـید که نخواهـد توانست یک قـدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد.(۱)

ارائه الگوی مردمی بودن نظام برای صدور انقلاب

ما که می گوییم انقلابمان را می خواهیم صادر کنیم به همه کشورهای اسلامی، بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین بر ضد مستضـعفین هسـتند، می خواهیم یـک همچو وضـعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش امثال ذلک نباشـد و ملت یک ملتی نباشد که دشـمن با دولت است. ما می خواهیم بین ملتها و دولتها آشتی بدهیم. دولتها اگر توجه بکنند و یا مطالعه کننـد وضع ایران را و ببیننـد ملت ایران با دولت چه وضـعی دارد، گمان ندارم که آنها تحت تاثیر واقع نشوند. البته قلمهـای مسـموم خارج، قلمها و نوشـته ها و مطبوعات خارجی، رسانه های گروه خارجی، همه بر ضـد ایران و بر ضـد دولت و ملت ایران تبلیغات می کننـد، لکن شـما که داخل این کشور هستید، می دانید که تبلیغات آنها برای چه هست. برای این اسـت که این ملت و دولت بـا هم شـده انـد. وقتی ملت و دولت بـا هم شـد، قشـرهای روحانی و قشـرهای دانشـگاهها و سایر قشـرها، ارتشی و اشخاصـی دیگر همـه بـا هـم هسـتند و همه یـک فکر می کننـد، البته منـافع ابرقـدرتها دیگرشـود تـامین بشـود، یک حکومتی نمی آیـد روی کار که برای یک ابرقدرتی یک کلمه بگوید، اگر یک وکیلی، یک نخست وزیری، یک کلمه راجع به منافع

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۰ تا ۲۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ممالک دیگر، منافع اجنبیها حرف بزند، همین ملت است که در مقابلش می ایستد و گذارد. ما میل داریم که همه ممالک اسلامی، همه کشورهای اسلامی، همه کشورهای مستضعفین دنیا اینطور بشود که یک جمعیت باشند. در بین خود این جمعیت و در بین همین جمعیت، نخست وزیر، رئیس جمهور، مجلس، افراد دیگری که در بنگاههای دولتی هستند، تعیین بشوند تا آسیب بردار نباشد.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۹۵ تا ۹۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل هشتم: پشتوانه های اقتدار نظام

اسلامیّت انقلاب، انگیزه حضور مردم در صحنه ها

مهم همین معناست که کرارا من عرض کرده ام، این است که جمهوری چون اسلامی است و ملت اسلامی هستند، مسلم هستند، مادامی که دولت و رئیس جمهور و رئیس مجلس و مجلس و قوای قضائیه و ارتش و پاسدار و همه، رو به اسلام باشند این کشور اسلامی رو به آنهاست، و اساس همین است که برای خاطر اسلامی بودن از اول پیروزی حاصل شد. شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه دیگری عرضه شده بود به این ملت، ملت مجتمع می شدند. برای اینکه ملت، ملت مسلمان است. وقتی که اسلام عرضه شد، خوب، تمام روحانیون، اکثر روحانیون، اکثر کسانی که در کار بودند تبلیغ کردند و مردم را به صحنه آوردند، و مردم هم خودشان با روی گشاده آمدند، و تا امروز هم تمام این فداکاریها، فداکاریهای روی اسلام است نه اینکه حساب دیگری دارد. مسئله ملیت هست، اما نه آن طوری که آقایان خیال می کنند که ما ملیت را بگیریم و کاری به اسلام نداشته باشیم، اول ملی باشیم و بعد اسلامی باشیم، نخیر، مسئله اسلامی بودن است که مردم را وادار کرد به اینکه جوان هایشان را بدهند و فریاد بزنند باز جنگ، این غیر از این چیزی نیست.(۱)

ص: ۲۲۶

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۷۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مدارس علمی و دانشگاههای متعهد، بنیان مرصوص در مقابل اجانب

پس از جنگ، از مدارس علمی و دانشگاهها، که در حقیقت قلب تپنده و نبض زننده ملت هستند، شروع می کنیم. می دانیم که این دو مرکز در حقیقت دو شاخه اند از یک شجره طیبه و دو بازو از یک مقام انسان روحانی؛ که اگر به صلاح گرایند و تعهد روحانی خود را حفظ کنند و دست در دست هم در صف واحد و در خدمت به حق و خلق قیام کنند ملت را به کمال خود در دو بعد معنوی و مادی رسانند و آزادی و استقلال را در کشور حفظ می کنند و چون سدی محکم و صفی و بنیانی مرصوص در مقابل تهاجم اجانب و نفوذ فساد ایستاده و ملت و کشور را با قامتی راست و پرچمی افراشته به سوی ترقی و تعالی سوق می دهند. و خدای نخواسته اگر در هر یک از وظایف الهی و ملی خود انحراف پیدا کنند، به سر ملت آن می آورند که دانشگاه وابسته در رژیم وابسته آورد، که اکنون نیز کشور و ملت اسلامی ما از گرفتاریهای آن خارج نشده. و شک نیست که گرفتاری امروز ما در بعد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بلکه در جنگ تحمیلی و شرارت وابستگان به دو قطب سلطه جو از آثار شوم دانشگاههای مبتلا به غرب و شرقزدگان ضداسلامی و ضد ملی است.

هجوم مغولانه رضاخان به حوزه های اسلامی و شعائر مذهبی، که اشخاصی که آن روز سیاه را درک کرده اند و به عیان دیده اند می دانند و با وصف و بیان نتوان آن را منعکس کرد و هجوم بدتر از مغول غربزدگان و شرقزدگان به دانشگاهها و مراکز آموزشی نوباوگان و جوانان که به کشور و

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مصالح ملت آن کرد که ملت و کشور را تا آستانه سقوط کشانید، بی انگیزه نبود. کوشش بیش از حد تربیت شدگان در مکاتب غرب و شرق و نیز مدعیان «ملی گرایی» در ایجاد عداوت بین دو قشر بسیار موثر روحانی و دانشگاهی بی جهت نبود. ماموریت رضاخان برای محو آثار شریعت در سراسر ایران با فشار و اختناق و قلدری، و خلف خطرناکتر از خودش در محو همان آثار به شکل نوین آن بود؛ که با تایید خداوند متعال و ادعیه حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا کوشش و جدیت و جانبازی زن و مرد و کوچک و بزرگ این ملت از شر حکومت طاغوتی وابسته به امریکا و از شر غربزدگان و شرقزدگان تا حدی رهانیده شد و با برقراری حکومت اسلامی، این غرب و شرقزدگان پشت به آن کردند و رو به قبله خود غرب و شرق نمودند و با قلم و قدم بر ضد حکومت اسلامی با شکلهای مختلف به جدیت و هیاهو برخاستند. این الهام گیرندگان از شرق و غرب اکثرا با اصل اسلام مخالفند؛ و استقلال و آزادی را که اسلام بیاورد نمی خواهند و بعضی نیز با کوتاه شدن دست امریکا مخالفند. منظور از طول کلام آن است که ملت عزیز عموما و متعهدان و متخصصان خصوصا و دولتمردان بالاخص به این دستگاههای آدم ساز و پشتوانه ارزشمند اهمیت ویژه ای دهند و با جان و دل در تقویت و تهذیب آن بکوشند.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۱ تا ۱۵۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

محرومان و مستضعفان حامیان واقعی انقلاب و اسلام

مستمندان و فقرا و دورافتاده ها در صف مقدم جامعه هستند، و همینها و همین زاغه نشینان و همین حاشیه نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند. اینها بودند که از همه چیز خودشان در راه اسلام عزیز در رژیم سابق گذشتند و الان همه مشغول اند. همینها هستند که الان در جبهه ها مشغول به فداکاری هستند، و جوانهای همینهاست که در سرتاسر کشور، داخل و در خارج کشور مشغول اند برای تایید اسلام. و ملت شریف ایران قدر یک همچو جوانان و قدر یک همچو خانواده هایی که این جوانان را تحویل جامعه داده اند می داند؛ و عمده این است که در پیشگاه خدای تبارک و تعالی یک درخشندگی خاص این افراد دارند. اگر نبودند این محرومان جامعه که دلبستگی به این دنیا به آن طوری که بالاتریها به خیال خودشان دارند، اگر نبود همت این محرومان و همت این روستائیان و همت این جنوب شهریها، اگر نبود این، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما در مقابل مشکلات می توانستیم مقاومت کنیم. همه اینها از برکات اینهایی هستند که شما به امداد آنها برخاسته اید؛ و آنها لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم و برای آنها خدمت کنیم؛ همه ما خدمتگزار آنها باید باشیم. آنها به ما منت دارند که ما را از این قیدی که ابرقدرتها به دست و پای ما بسته بودند نجات دادند. آنها بر کشور ما منت دارند که اسلام عزیز را در این کشور حاکم کردند. ما و شما برای آنها کاری نمی کنیم، آنها ما را رساندند به آنجایی که بتوانیم در مقابل همه قدرتها بایستیم و سرفراز باشیم که ما نه در طرف شرق هستیم و نه در

Presented by: https://jafrilibrary.com/

طرف غرب هستیم و نه احتیاجی به وابستگی آنها داریم. ما یک ملت مستقل هستیم. یک کشور مستقل آزاد و سرفراز هستیم که تمام ریشه های فساد را کنده ایم، یا ان شاءاللّه اگر یک ریشه های پوسیده ای هم مانده است می کنیم و این به برکت همین محرومان است.(۱)

قدر این جوانان حزب اللهی را بدانید

اینک به تمام متصدیان امور و دست اندرکاران کشور هشدار می دهم که قدر این جوانان حزب اللهی را بدانید، و از آنان قدردانی کنید و آنان را تشویق نمایید و در آغوش محبت خود حفظ کنید. اینان بودند که ایران را نجات دادند؛ و از این پس همینها هستند که انقلاب را پاسداری می کنند، و همینها هستند که با صرف هزینه ای کم در ظرف مدت کوتاهی با روشن بینی خاص خویش کارهای تعجب آوری نمودند که گمان نمی شد در ایران بتوان انجام داد. این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند. مسئولین صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه های اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری آنان هستند جایگزین کنند. البته باید از متخصصان متعهد یا لااقل غیر معاند استفاده شود، لکن نه به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب. چشمها و گوشها را باز کنید که دشمنان حیله بازان کارکشته هستند و ممکن است از ساده دلی شما استفاده کنند و مراکز حساس را کم کم به دست گیرند و

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۵ تا ۴۲۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

انقلاب را به سوی غرب یا شرق بغلتانند. خداوند همه مسلمانان را از شر مخالفان اسلام و غارتگران کشورهای اسلامی حفظ بفرماید.(۱)

انگیزه قیام ۱۵ خرداد

پانزده خرداد چرا به وجود آمد؟ و مبداء وجود آن چه بود؟ و دنباله آن در سابق چه بود؟ و الان چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را کی به وجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الان کی همان دنباله را تعقیب می کند؟ و پس از این امید به کیست؟ ۱۵ خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تا کنون برای چه مقصدی است؟ و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را دنبال کردند بشناسید؛ و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید؛ و مخالفین ۱۵ خرداد، و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید. ۱۵ خرداد از همین مدرسه شروع شد. عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود؛ و بعد از اینکه صحبتهایی و افشاگریهایی شد، دنباله آن منتهی به ۱۵ خرداد شد. ۱۵ خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدایت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیتها که الان اینجا هستند. اینها بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین سنخ جمعیت بودند که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. و همین سنخ جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

افراد اسلامی بودند که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند ۱۵ خرداد را به وجود آوردند. همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارند در تعقیب ۱۵ خرداد تا حالا دنبال کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند.(۱)

آفرینندگان و حافظان و مدافعان حماسه ۱۵ خرداد

باید دید این جمعیت کی هستند. اینها که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند و آنها که در ۱۵ خرداد، به طوری که مشهور است، پانزده هزار فدایی دادند و آنهایی که پس از ۱۵ خرداد و ۱۵ خردادها و پس از قتل عام ۱۵ خرداد و قتل عامهای دیگر در میدانها آمدند چه قشری از جمعیت بودند؟ آنهایی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند، آنهایی که دنباله ۱۵ خرداد را تا کنون رساندند، آنهایی که برای شکستن سد رژیم فعالیت کردند، آنهایی که به خیابانها ریختند و فریاد «اللّه اکبر» کردند، همین قشر از جمعیت بودند. حق مال همین قشر از جمعیت است؛ دیگران هیچ حقی ندارند. الان کی منحرف دارد می کند مسیر ملت ما را؟ چه گروههایی هستند که ملت ما را از این مسیر می خواهند منحرف کنند؟ چه جمعیتهایی هستند که نهضت اسلامی را می خواهند از اسلامیتش منحرف کنند؟ اینها گروههایی هستند که عده ای از آنها نمی دانند قضایا را، جاهلند؛ و عده ای هستند عالما عامدا با اسلام

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۳ تا ۵۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مخالفند. آنهایی که جاهلند باید هدایت کرد، باید گفت به آنها که ای آقایان ! که خیال می کنید به غیر از اسلام در ایران می توانـد چیزی پیش ببرد،ای کسـانی که گمان می کنیـد قـدرتی غیر اسـلام رژیم را ساقط کرده است،ای کسانی که احتمال می دهید که غیر مسـلمین و غیر اسـلام کس دیگر دخالت داشـته است، شما مطالعه کنید، بررسی کنید اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، سـنگهای قبرهای آنها را ببینید کی بودند اینها. اگر یک سـنگ قبر از این قشـرهای دیگر غیر اسـلامی پیدا کردید، آنها هم شـرکت داشـته اند. اگر در قشـرهای اسـلامی یک سـنگ قبر از آن درجه های بالا پیدا کردید، آنها هم شرکت داشته اند. ولی پیدا نمی کنید. هر چه هست این قشر پایین است، این قشر کشاورز است، این قشر کارگر است، این تاجر مسلم است؛ این کـاسب مسـلم است؛ این روحانی متعهـد است. هر چه هست از این قشـر است. پس ۱۵ خرداد را به تبع اسـلام اینها بوجود آوردند و به تبع اسـلام اینها حفظ کردند؛ و به تبع اسلام اینها نگهداری می کنند. کسانی که گمان می کنند غیر قدرت اسلام می توانست یک همچو سدی را بشکند در خطا هستند.(۱)

تواضع و تعظیم در برابر ملت

از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شـما خون دادید، من که نشسـته ام اینجا. من هم هیچ حقی ندارم. شـما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۴ تا ۵۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده عنوانی. خاک بر سر من که بخواهم استفاده عنوانی از شما بکنم! خاک بر سر من که بخواهم خون شما ریخته بشود و من استفاده اش را ببرم! گریه و ابراز احساسات شدید جمعیت و شعار درود بر خمینی طبقه های بالا، آنهایی که فعالیت هیچ نداشتند و مخالفت هم ندارند، حقی ندارند، و نباید حقی داشته باشند؛ لکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق می شوند. و من مایوسم که خدمت بکنند. آنهایی که نظر انحرافی دارند، آنهایی که نظر خیانت به اسلام و این ملت دارند، آنهایی که اسلام ۱۴۰۰ ساله را کافی نمی دانند، آنها باید حسابشان را از ملت جدا کنند. جدا هم هست. ما از این به بعد احتیاج به شما داریم. احتیاج به همین طبقه؛ و بی نیاز از آن طبقات.(۱)

اگر سپاه نبود کشور هم نبود

من از سپاه راضی هستم، و به هیچ وجه نظرم از شما برنمی گردد. اگر سپاه نبود، کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم. چشم من به شماست. شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید. سلام مرا به همه برسانید. من از همه شما متشکرم.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۶ تا ۵۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

آتش دوزخ جایگاه مسئولین غافل از بسیج

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. من مجددا به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصا امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند؛ لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله موج می زند. باید برای شکستن امواج طوفانها و فتنه ها و جلوگیری از سیل آفتها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. خلاصه کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروریترین تشکلها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارنـد. فرزنـدان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کننـد. تنها با بسیج است که این مهم انجام می پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماست و مسئولین تنها با پشتوانه شماست که توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کننـد که بـدون امریکـا و شوروی می شود به زنـدگی مسالمت آمیز توام با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه ها موجب می شود که ریشه ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد. من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شونـد، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تاکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

لزوم تفاهم استانداران و روحانیون

با روحانیون بسازید. من به روحانیون هم این سفارش را بارها کرده ام، ولی چون شما امروز اینجا هستید به شما تاکید می کنم. شما با ساختن با روحانیون مردم را با خود کنید، در این صورت آسیب نمی بینید؛ زیرا آسیب از ناحیه اختلاف پیش آید. شما و روحانیون باید با هم تفاهم داشته باشید. شما می دانید تا به حال هر کاری انجام گرفته است، از اتفاق بوده است؛ پیشبردمان از توافقی بوده است که بین تمامی اقشار است. خارجی ها هم اگر بخواهند کاری بکنند، اول بین خود ما اختلاف می اندازند و از این راه فساد ایجاد می کنند، بعد از آنکه اختلاف شد لطمه وارد می آورند، مستقیما که دخالت نمی کنند. و ما برای حفظ اسلام مکلف و مسئولیم، و امروز حفظ اسلام در تفاهم است، تفاهم بین همه اقشار، بین مردم با روحانیون، روحانیون با استاندارها، استاندارها با مردم و روحانیون، و این تکلیفی است الهی که باید جواب آن را بدهیم.(۱)

مردم حلّال مشکلات کشور

آن چیزی که اساس است در این مملکت، هم سیاست اقتضا می کند، هم دیانت اقتضا می کند، هم انصاف و وجدان اقتضا می کند؛ این است که این خدمتگزارهایی که مجانی برای شما دارند خدمت می کنند، و برای حکومت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دارنـد خـدمت می کننـد، اینها را ارجشان را بدانیـد. و بدانیـد که اگر خدای نخواسـته این پیوند سـست بشود و گسسـته بشود. خـدای نخواسـته کار همان است که اول بود. حال نشود چند وقت دیگر، چند وقت دیگر، از حالا باید این بنیان، محکم باشد، این بنیان را بایـد همیشه دنبال اسـتحکامش باشـید. و این اسـتحکام را هر کـدام شـما در محلتان عهده دارش هستید، یعنی یک تکلیف شـرعی وجـدانی است که شـما نگذاریـد در هر جایی که هستیـد آن کسانی که در زیر نظر شـما وزیر - عرض کنم - حکومت شـما هست به مردم بدسلوکی کنند، مردم را بپذیرید برای خودتان، بروید تو مردم، جدا نشوید از مردم. آن وقت این طور بود که مردم را نمی پذیرفتنـد، جـدا بودنـد از مردم. اگر محمـدرضا می خواست از یک راهی برود، چنـد روز قبلش باید همه آنجا را، خانه ها را کنترل کنند تا بتوانند از آنجا عبور کند. این سـلطنت نیست که، این ذلت است. اسـمش را سلطنت می گذارند.

بایـد جوری باشـید که مردم مثل مادر شـما را در آغوش بگیرنـد. الان این جورنـد مردم، این را حفظش کنید. مملکتتان با این ترتیب حفظ خواهد شد. هر روزی برای مملکت مشـکل پیدا می شود، حلالش خود مردم باشـند الان این مشـکلی برای کشور ما پیـدا شـده، خوب مردم دارند کمک می کنند. حلالش خود این مردم هسـتند. این پشتیبانیهای عظیمی که مردم می کنند، و آن حضوری که خودشان دارنـد و خودشان هست. از خودشان می داننـد همه چیز را. ارتش را از خودشان می دانند. همه چیز را از خودشان می داننـد. این بایـد حفظ بشود تا حفظ بشویم. تا کشورتان حفظ بشود. و اگر خـدای نخواسـته، این از دست ما برود، ما برمی گردیم به آن طوری که اول بودیم.

ص: ۲۳۸

Presented by: https://jafrilibrary.com/

و من خوف این را دارم که ما نعمتی را که خدا به ما داده است، و همه اینها از جانب خدای تبارک و تعالی بوده است ما کفران این نعمت را بکنیم، و عنایت خدا از ما منحرف بشود. ما خودمان اسباب این بشویم و ما بدتر از آنکه بودیم بشویم.(۱)

حفظ پشتوانه مردمی نظام

این قلبهای صاف پاک مردم را نگه دارید. این کشاورزها و نمی دانم کارگرها و اینها بودند که شما را به استانداری رساندند، و الا شما را استاندار نمی کردند. زمان رضاشاه هیچ کدام شما استاندار بوده اید؟! راه نمی دادند شما را توی ادارات. این مردم بودند که این دولت را به وجود آوردند و این رئیس جمهور را رئیس جمهور کردند. و عرض می کنم این مملکت را برگرداندند از آن حال که یک حاکمی که وارد یک جایی می شد، هزار جور فساد می کرد، حالا آن جور نباشد. ما باید درست توجه داشته باشیم به این مسائل، و خدا را حاضر ببینیم همه جا. در قلوب ما حاضر است، در هر مجلس حاضر است، ما در محضر خدا هستیم. وقتی ما در محضر خدا هستیم، بندگان خدا که عزیز خدا هستند، در محضر خدا ما به آنها اذیت بکنیم؛ این جرم بخشودنی نیست. باید نگه داریم اینها را. اگر بخواهید کشور شما دوباره اسیر نشود و همه چیز را از شما نگیرند و این پنجاه سال اختناقی که بعضی از شماها یادتان هست و ده پانزده سالش را

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۸۷ تا ۳۸۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بعضی یادتان هست، همه یادتان هست. آن اختناق دوباره به وجود نیاید. و آن ذلتی که برای همه بود، برای بزرگها بیشتر بود، منتها نمی فهمیدند. اینها این قدر قلبشان ظلمانی شده بود که نمی توانستند ادراک کنند. من خدا می داند این مطلب هیچ از یادم رود که وقتی دیدم یک کسی که خودش را شاه یک کشوری می داند ما البته هیچ وقت او را نپذیرفته بودیم به اینکه این شاه است، این یک دزدی بود آمده بود اینجا به زور اما یک کسی که به عنوان شاهی، مردم ممالک دیگر شناخته بودند او را، در مقابل نیکسون بود، جانسون گمان می کنم بود. جانسون(۱) بود. او آنجا ایستاده بود و او اینجا ایستاده بود. او اصلا توی صورت او نگاه نکرد. از شان خودش، عینکش را برداشته بود، چشمش را از آن طرف دوخته بود، این هم مثل یک بچه مکتبی که مقابل آن معلمهای سابق بود نه حالا، معلمهای سابق، این طور ایستاده بود. من خجالت می کشیدم از اینکه، خوب، ما در مملکتمان یک نفر مقامی که عالم او را شناخته اند به اینکه او مثلا شاه ایران است. او در مقابل یک رئیس جمهور آن طور ذلیل هست. چرا باید باشد؟ باری اینکه می خواهد از آنجا اجازه حکومت بگیرد و اینجا بچاپد. همان کاری که خود آن سلاطین سابق هم کردند و نخست وزیرهای آن وقت، و ــ نمی دانم ــ فرمانفرماهای آن وقت کردند که به تیول می دادند کشور را، حکومتهای تکه تکه را. همین کار راخواهد او بکند که آنها اجازه غارت بدهند. بیاید هر کاری بکند آنها هم نگذارند کسی صدایش دربیاید. خوب اگر بخواهید که

۱- ۱. لیندون جانسون، رئیس جمهور پیشین امریکا.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

برنگردد این اوضاع، من چند روز دیگر بیشتر نیستم، اما مملکت، مملکت شماست، مملکت، مملکت ایران است. اگر ایرانیها از آن صدر تا آن ذیل بخواهند که این مملکتشان این طوری که حالا پیش خودشان هست، و ان شاءاللّه این غائله ها هم ختم می شود، به خیر ختم شود ان شاءاللّه اگر بخواهید مملکتتان مال خودتان باشد و مال خود این ملت باشد، باید این ملت را به همان گرمیی که هست نگه دارید. و تخیل اینکه ما یا به شرق متمایل باشیم یا به غرب متمایل باشیم، این در ذهنتان اصلا دیگر وارد نشود. و نگذارید در ذهن کسانی دیگری که با شما تماس دارند یا ملت وارد بشود. اینها را همین طور منسجم نگه دارید. یک ملت است که اصلا نظیر ندارد این. اگر زمان محمدرضا یک جنگی واقع می شد، مثلا فرض کنید در اهواز واقع می شد، در خراسان برایش زنها نان می پختند؟! دعا می کردند که - ان شاءاللّه - شکست بخورد. حالا وضع این طوری است. در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی. یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش. سراغ نداریم ما جایی در این، نظیر نداشته است این، در تاریخ هم توانید پیدا بکنید. از بچه های کوچکی که ده تومان دارند می دهند برای ارتشی که آنجا، قوای مسلحه ای که آنجا کار می کنند. با آن پیر زن هشتاد ساله ای که چند تا تخم مرغ دارد، اینها ارزش دارد. ارزش اینها زیاد است، و ما باید حفظ کنیم این ارزش را. پیروزی مملکت ما برای همین ارزشهاست. این پیروزی قلوب، بالاتر از پیروزی کشور است. از قلوب این طور، این طور فتح قلوب بالاتر از فتح کشورهاست. این را حفظش بکنید. و دائما در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردم ما را به این محل رساندند، و ما برای آنها باید خدمت بکنیم.(۱)

ارتش ۲۰ میلیونی

اگر یک ملت که همه جوانهایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچی نباشند که یک تفنگی دستشان آمد ندانند با آن چه بکنند. باید یاد بگیرید و یاد بدهید رفقایتان را. جوانها را یادشان بدهید. و همه جا باید این طور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد. و این یک همچه مملکتی آسیب بردار نیست. و الآن هم الحمد للّه آسیب بردار نیست. الآن هم ما پشتیبانمان خداست. و ما برای او نهضت کردیم. برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم. و خدا با ماست.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۸۵ تا ۳۸۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل نهم: جایگاه خدمت و خدمت رسانی

برترین عبادات

من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که تمام کشور ایران، هر جایی که شما دوستان هستید و در هر شغلی که عزیزان ما اشتغال دارند، محلشان مهبط(۱) الهی باشد؛ یعنی، کارها برای خدا، برای خدمت به بندگان خدا، برای خدمت به اسلام باشد که این از بزرگترین عبادات است، خدمت به خلق خدا و خدمت به اسلام.

و امید است که در هر جا شما هستید، اداره شما و پستهای شما مبدل بشوند به یک عبادتگاه و خدمتهای شما همه عبادت باشد. و من امیدوارم که در مقابل آن رژیم سابق، جاهایی که مامورین بودند، مرکز معصیت بود، امروز شما با تعهد به اسلام و با تعهد به احکام اسلام و با تعهد به جمهوری اسلامی، در خدمت بندگان خدا و مستضعفین باشید و بیشتر از همه، طبقات ضعیف را ملاحظه کنید و این خود یک عبادت بزرگ است برای شما. و من امیدوارم که شما به این عبادت موفق باشید و غنیمت بدانید این را که در یک رژیمی واقع شده اید، در یک حکومتی واقع شده اید که آن شغلی که سابق معصیت بود، امروز عبادت است و در آن اتاقی که سابق در آن معصیت واقع می شد، امروز با خدمت به خلق خدا، عبادتگاه است. و خداوند این عبادتگاه را برای شما حفظ کند و شما را موفق کند که به این

۱- ۱. محل نزول.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عبادت بزرگ، که خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به مردم است، بیشتر موفق بشوید.(۱)

برترین توفیق

من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که برای خدا کار بکنیم، تا شکست در آن نباشد. این از همه توفیقها بالاتر است که ما خودمان طوری بکنیم که کارهایمان برای او باشد. خدمت به ملت، خدمت به اوست. خدمت به مملکت خود شما، خدمت به خداست. مملکت، مملکت خداست. خدمت کردن برای اینکه ما محتاج به اجانب نباشیم خدمت بزرگی است؛ خدمت الهی است؛ برای خداست این. کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد. وقتی برای خدا باشد، از هیچ چیز باک نداشته باشید؛ خدا همراه شماست. کسی که خدا همراهش است، از هیچ چیز نباید باک داشته باشد.(۲)

انبیا و روحیه خدمتگزاری

انبیا اینطور احساس را داشتند. انبیا خودشان را خدمتگزار می دانستند، نه اینکه یک نبی ای خیال کند حکومت دارد به مردم. حکومت در کار نبوده. اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ همین احساس را داشتند: که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند به آنها. شما هم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۳۲ تا ۳۳۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۴ تا ۴۴۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

احساس قلبی تان این مطلب باشد که واقعا ما آمدیم که به این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم، خدمت به خودمان است؛ یعنی، ما اگر این مملکت را با این وضعی که الان دارد به پیش ببریم، با این حاضر بودن مردم در صحنه به پیش ببریم و با این همراهی مرم با دولت، هر قصه ای که برای دولت پیش می آید، مردم پیشقدم هستند.(۱)

خدمت به محرومین، جلوه ولایت حضرت امیر

ما که امیدواریم که یک جلوه ولو بسیار ناقصی از ولایت، ولایت علی علیه السلامدر کشور ما شده باشد، ما باید توجه بکنیم، کافی ندانیم اینکه ما تظاهر می کنیم و شعار می دهیم و چه، اینها کافی نیست. دولت واقعا باید با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین، مثل یک پدری که بچه هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمومنین باید اینطور باشد. الحمدلله هستند، خیلی البته من نمی گویم که کسی می تواند مثل حضرت امیر باشد. خود او هم گفت که شما نمی توانید، نمی توانیم هم واقعا، اما اعانت کنیم ما او را به ورع و تقوا، اعانت کنیم به اینکه تا آن اندازه که می توانیم. برای همه تا یک اندازه ای قدرت هست که هم خودش را نگه دارد و هم جمهوری اسلامی را نگه دارد. این قدرت های کوچک وقتی پهلوی هم گذاشته می شود یک قدرت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۵۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بزرگ است.(۱)

بهترین حالات، خدمت به خدا و بندگان او

اسلام را می دانید که برای همه است؛ و اسلام یک رژیمی است یک حکومتی است عادلانه، الهی، از این جهت برای خدا کار می کنید. این کارها کارهایی است که برای خداست. و این تحول هم تحولی است که به دست خدا انجام گرفته. هیچ کس نمی تواند قلوب را برگرداند از حالی به حالی. «مقلب القلوب» خدای تبارک و تعالی است؛ «محول الاحوال» خدای تبارک و تعالی است. و بحمداللّه این «مقلب القلوب» و این «محول الاحوال» حال شما را به «احسن حال» متحول کرد. «احسن حال» این است که برای او و برای بندگان او خدمت کنید و برای احکام او خدمت کنید و شما همه بحمداللّه برای او خدمت می کنید و برای بندگان او و برای مخلوق او. این حال بهترین حالهایی است که برای ما هست و برای شما. و بحمداللّه موفق هستید. و خداوند توفیق شما را هر چه بیشتر کند.(۲)

خدمت با قصد خالص الهی نه با اغراض نفسانی

نهادهایی که در ایران از خود ملت پیدا شد، اولش با یک قصد خالصی، الهی پیدا شد و ظاهر شد. اگر این قصد خالص در پیش شما کوچک بشود

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دست خدا هم برداشته می شود. کوشش کنید که این نهادی که شما در آن خدمت می کنید و خدمت ارزنده ای هست، بسیار کوشش کنید که این خدمت در راه خدا باشد، خدمت به بندگان خدا، خدمت به بندگان مستضعف خدا که مورد عنایت حق تعالی هستند. کوشش کنید خدمت برای مستضعف باشد، نه برای هواهای نفسانی و کوشش کنید که این خدمت آلوده نشود به بعض از کارهایی که ناپسند است. شیاطین درصددند که هر یک از این نهادهای اسلامی را لکه دار کنند. دستهای خائنین در کار است. توطئه ها در کار است که این نهادهای اسلامی را به دنیا برخلاف آنچه که هست معرفی کنند. اگر خدای نخواسته در این نهادها یک کارهای برخلاف موازین انجام بگیرد فرصت دست بدخواهان می افتد، و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند، و شما که برای خدا مشغول کار هستید شما را بدنام می کنند.(۱)

توقع پاداش از هیچکس نداشته باشیم

توقع اینکه مسائل به آسانی رفع بشود نباید داشته باشید و ندارید هم. و اینکه کسی به شما از بشر یک تشویقی بکند یک عرض می کنم که فرض کنید که پاداشی بدهد، شما برای خدا کار می کنید، بشر چیزی نیست، بشر یک چیزی حالاگوید، یک چیزی فردا فرض کنید بعضیهاشان خلافش را هم می گویند؛ اینی که اساس است این است که ما حسابمان را با خدا

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۴۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

درست کنیم نه با مردم، و از هیچ کس هم توقع نداشته باشیم. مایی که برای خدا می خواهیم یک کاری بکنیم توقع نداشته باشیم.(۱)

لزوم ادای وظیفه نه وصول به نتیجه

آنچه مهم است آن است که انسان با هر منطقی که بتواند خدمت کند و ادای وظیفه نماید که پیش وجدان خود شرمنده نباشد. وصول به مقاصد و عدم آن، بسته به اراده الهیه و به ما تکلیفی نیست.(۲)

در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیّت مباش

پسرم! ما که عاجز از شکر او و نعمت های بی منتهای اوییم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است؛ چه که همه از اویند. هیچ گاه در خدمت به خلق اللّه خود را طلبکار مدان که آنان به حق منت بر ما دارند، که وسیله خدمت به او جل و علا هستند. و در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیت مباش که این خود حیله شیطان است که ما را در کام خود فرو برد. و در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پرنفع تر است انتخاب کن، نه آنچه برای خود یا دوستان خود؛ که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل و علا است.

پسر عزیزم! خداوند حاضر است و عالم محضر او است، و صفحه نفس ماها یکی از نامه های اعمالمان. سعی کن هر شغل و عمل که تو را به او

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ۲۸۳ و ۲۸۴.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نزدیک تر کند انتخاب کن که آن رضای او جل و علا است.(۱)

خودتان را خدمتگزار مردم بدانید

شماها باید برای این ملت خدمت کنید و خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. اگر در ذهنتان بیاورید که من وزیرم و باید مردم از من اطاعت بکنند بدانید اصلاح نشدید. در ذهنتان حتی خلجان بکند، آقای رئیس جمهور در ذهنش خلجان بکند که من شخص اول مملکت هستم و چه و کذا، این اصلاح نشده است. خلجانش هم از شیطان است. این خلجانش هم، او عمل نمی کند اما در ذهنش این خلجان را هم بیرون کند. و همین طور هر یک شماها خدمتگزار این مملکت هستید، خدمتگزار این ملت هستید.(۲)

خودتان را حاکم مردم ندانید

ملتفت باشید که شمایی که الان به حکومت رسیده اید، این حکومت نیست، خدمتگزار هستید. اسلام حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد. منتها قوای انتظامی هم دارد برای سرکوبی آنهایی که می خواهند خیانت بکنند. و الا نه این است که اگر خیانتکار نباشد، دیگر چیزی نمی خواهند بکنند. آنهاخواهند که حکومت کنند به مردم و خودفروشی کنند به مردم و مردم را از خودشان بترسانند.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شما خیال می کنید آنطور که محمدرضا در خیابانها می آمد، حضرت امیر هم با اینکه ده مقابل او سعه مملکتش بود، در خیابانها آنطوری، در کوچه و بازار آنطور می آمد؟ خوب، در کوچه و بازار مثل یک آدمی می آمد که نمی شناختندش بعضیها. مالک اشتر، که یکی از سردارهای بزرگ اسلام بود، خیال می کنید که مثل یکی از این درجه دارهای زمان طاغوت بود؟ نه، این تو مردم می آمدشناختندش. آن روز یک کسی نشناخت و به او فحش داد. و بعد هم ببینید کرامت او را: رفت مسجد به او دعا کرد! این اخلاق را، این تاریخ اسلام را باید مطالعه کرد و خصوصا حکومتهایی که در اسلام بوده است، باید مطالعه کرد و از آن پند گرفت.

شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. این پیش خدا ثوابش بیشتر از این است که خودتان را رئیس حکومت بدانید. حکومت هم همان خدمتگزاری است. ارتش هم باید خدمتگزار مردم باشد. اگر همه شماها خدمتگزار، خودتان را حساب بکنید، نخواهید که هی به شما مدح بگویند و ثنا کنند و نمی دانم فریاد بکشند و با هم دعوا بکنید، اگر این چیزها را کنار بگذارید و خودتان با هم تفاهم کنید و دوستی داشته باشید، این برای ملت چه لذتی دارد! آنکه دیده است بچه هایش از بین رفته، حالا این حکومتی پیش آمده است که همه شان با هم برادرند و همه اش کوشش می کنند که برای مردم یک کاری بکنند، تا توان دارند برای مردم می خواهند کار بکنند. اگر به جای این، ببینند که حالا که اینها رسیده اند به یک چیزی و آمده اند سر یک سفره ای نشسته اند، اینها با هم سر اینکه بیشتر این طعام سفره را ببرد یا آن یکی بیشتر ببرد دارند

Presented by: https://jafrilibrary.com/

جنگ می کنند، خوب، ببینید چه تلخ است در ذائقه این ملت و در ذائقه اسلام و پیش خدای تبارک تعالی، به ما چه می گوید!(۱)

به من بگوئید خدمتگزار

من دعاگوی همه هستم و شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام، ما را موظف کرده که خدمت بکنیم. خدمتگزاری مطرح است. پیش ما.(۲)

قدردانی از فداکاریهای مردم با خدمت به آنان

این مردم زحمت کشیدند در این مدت، البته مردم زحمت کشیدند، غالبا هم فداکاری کردند و این قدر هم توقع ندارند که چه بشود، اما خوب اسلام از ما توقع دارد و ما باید ادا کنیم این دین را. مردم جانشان را، بچه هایشان را، جوانهایشان را فدا کردند و مع ذلک، خوب به شما رای دادند، وکلایشان به آقایان وزرا، خودشان به ایشان، اینها کار خودشان را کردند و انصافا از اول انقلاب تا حالا آن که کار خودش را صد در صد صحیح انجام داد ملت بود، صد در صد کار خودش را خوب انجام داد؛ یعنی، در همه مشکلات با دولت موافقت کرد. در کجا شما سراغ دارید که جنگ در یک طرف بشود و از آن طرف مملکت خود مردم پا بشوند بروند

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۲ تا ۲۰۳.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۶۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کمک کنند، پا بشوند در پشت جبهه وسایل فراهم کنند. اینها یک نمونه هایی است که مال اسلام است، مردم چون متعهد بودند و مسلم بودند و عقاید اسلامی داشتند، خودشان را موظف می دانستند که کشورشان را حفظ کنند و کمک کنند به آقایان. حالا- نوبت آقایان است که در مقابل این همه زحمتی که آنها کشیدند و محبتی که آنها کردند و فداکاری که آنها کردند حالا نوبت آقایان است که من نمی گویم جبران آنها نکردند برای اینکه یک چیزی بگیرند از شما اما وجدان اقتضای این را می کند که در همه جا کارها به نفع مملکت باشد و به نفع اسلام و به نفع این جمعیت ها و خصوصا این مستمندهایی که در همه کشور هستند.(۱)

ارزش خدمت به مظلومان و کشور

میزان، خدمت کردن به یک کشوری است که در طول تاریخ تقریبا این کشور مظلوم بوده است، و خصوصا در این سده های آخر، این آخر، واقعا مظلوم بوده است، الان هم مظلوم است. خدمت به این کشور الان ارزش دارد و خدمتگزارهایش هم ارزش دارند. همه فکر این باشید که خدمتگزار پیدا کنید. خدمتگزار به کشور و اسلام پیدا کنید، نه خدمتگزار به خودتان. این یک مسئله ای است که خود شما هم تصدیق دارید که مطلب همین طور است. لکن گاهی وقتها انسان خودش غفلت می کند، از روحیات خودش هم غفلت می کند؛ گاهی وقتها هم اگر یک آدم ناجوری باشد، هی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تعمد می کند؛ و می گوید: «هر طور پیش آمد، من چه کار دارم به این مسائل، ما امروز را بگذرانیم تا ببینیم چه خواهد شد».(۱)

رعایت مصالح اسلام و کشور در انجام خدمات

ما خودمان باید برای خودمان کار بکنیم. فکر این نباشیم که یک کاری بکنیم که یک گروهی بپسندد این را، یا ما را تایید بکند؛ این انحراف است. ما باید برای خدا کار بکنیم؛ باید کاری بکنیم که خدا بپسندد و آن کاری است که برای کشور ما مفید باشد و برای ملت ضعیف ما مفید باشد، برای مستضعفین این ملت مفید باشد، هر که هر چه می خواهد بگوید. ما دنبال این نباشیم که فرض کنید برای من یک کسی هورا بکشد یا کف بزند. دنبال این چیزها ما نباید باشیم....

اختلاف سلیقه ها را ما نباید گوش بکنیم. ما باید خودمان بفهمیم که چه داریم می کنیم و برای این ملت چه خدمتی باید بکنیم. خودمان وقتی فهمیدیم یک چیزی هست، گوشمان بسته باشد راجع به قلمها و راجع به... هر کاری بکنید، آنهایی که می خواهند لطمه بزنند و آسیب بزنند کار خودشان را می کنند. شما هر کاری انجام بدهید، آنها کار خودشان را می کنند. یکوقت یک کاری انجام می دهید که تایید آنهاست، که آنها می توانند انجام بدهند. یکوقت یک کاری می کنید که نه، بر خلاف آنهاست، آنها باز صدمه ای را که دلشان می خواهد می زنند؛ لکن دستشان نمی رسد که صدمه بزنند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۶۸.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵ تا ۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل دهم: سالم سازی محیط خدمت

لزوم هماهنگی مأموران دولتی با روحانیت و مردم

این موهبت الهی که به شما شده است و به همه ما شده است و به همه مسلمین شده است، این موهبت الهیه را همین طور بگیرید و محکم نگه دارید. هم به آقای رئیس جمهور این را عرض می کنم و هم به آقای نخست وزیر و هم به همه شما. هر کدام شما در هر جایی که هستید، مامورینی که می خواهید بفرستید به اطراف، این مامورین را درست توجه کنید که با ساخت مردم موافق باشند. همان طوری که خود شما می خواهید با مردم همفکر باشید، اینها هم با مردم همفکر باشند، با روحانیون همفکر باشند، طوری باشد که هماهنگی داشته باشند و عمال دولت هماهنگی با مردم داشته باشند؛ با روحانیت که داشته باشند، با مردم هم دارند. و این اسباب این می شود که بین دولت و ملت همیشه همبستگی هست و این موجب این می شود که ایران مصون بماند؛ نتواند کسی در آن کاری بکند. عمده آنچه کار می شود روی آن، ایجاد اختلاف است. حالا توانستند بین این ملت و ملت دیگر و ملتهای دیگر، ملتها را نتوانستند، بین ملتها و دولتهایشان خیلی آسان است. این دولتها را امر می کنند که شما طرح فلان را بده، مردم ناراضی می شوند از این؛ کاری هم از آنها نمی آید، اختلاف پیدا می شود. کم کم این اختلاف می رسد به آنجایی که ممکن است سقوط بیاید.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۵۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

پیروی دقیق از خط اسلام در تدبیر امور کشور

از متصدیان امور در جمهوری اسلامی؛ خصوصا قشر روحانی تقاضا دارم که در تدبیر امور کشور و حل و فصل قضایا از خط اسلام به طور دقیق پیروی کرده و تحت تاثیر گروه گرایی و طرفداری از قشری و مخالفت با قشری دیگر قرار نگرفته و با عدل اسلامی و عطوفت متوقع از جمهوری اسلامی با مردم و مراجعین رفتار و حکومت اسلامی را در انظار واژگونه جلوه ندهند، و از سورفتار و کاغذبازیهای رژیم سابق شدیدا احتراز نمایند که جمهوری اسلامی ودیعه ای است الهی به دست همه ملت خصوصا شما و مسئولیت شما نزد خالق و خلق بسیار است.(۱)

لزوم خدمت نمودن مسئولان به مردم

شما باید کوشش کنید که این چیزی که الان در ذهن مردم هست، که دولت را از خودشان می دانند و انتخابات را از خودشان می دانند، این از دل آنها بیرون نرود. یعنی، شما در طول خدمتی که انجام می دهید خدای تبارک و تعالی را در نظر داشته باشید. شما مسئول هستید پیش خدا. فردا از شما سئوال می شود. اینجا هم بر فرض اینکه بتوانید یک چیزی را خدای نخواسته عمل کنید و مخفی نگه دارید، پیش خدا مخفی نیست، پیش ملائکه اللّه مخفی نیست، یک روزی به آن رسد انسان. از این جهت نسبت به مردم هر چی مردم ضعیفترند بیشتر، عکس سابق که هر چی قویتر بودند،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بـا خانهـا رفتارشان چطور بود، با مثلا آنهایی که دارا بودنـد چطور بود، با سـرمایه دارها چه جور بود، با مردم ضـعیف هیچی. شما عکس کنید مسئله را، یعنی آن طوری که با مردم ضعیف و مستضعف و محروم رفتارکنید، بهتر باشد از آنی که با دیگران رفتار می کنیـد، با همه خوب، اما اینها دلشکسته انـد اینها محروم بودنـد در طول تاریـخ، اینها زحمت دیدنـد، اینها در انقلاب خـدمت کردنـد، اینهـا امروز جوانهایشان را می دهنـد، آن طبقه مرفه اگر هم باشـد کمی از آنها داخل این امور هسـتند، خیلی نیسـتند. بنابراین ما باید این طبقه از مردم را برای خاطر خدا و برای حفظ حیثیت جمهوری اسـلامی حفظ بکنیم. در همه قشرها در همه کارهـا بـا آنها خوشـرفتاری کنیـد. یک وقت خـدای نخواسـته یکی را کار دارد بیایـد در آنجا، فراش راهش ندهـد، یا مـدتی معطل بشود یا توی اتاق نگذارند بیاید، اینها این طور نباشد. اینها کارهایی بود که بر خلاف رضای خدا بود و سابق می کردند، شـما باید عکسـش باشد. این یک مسئله است که راجع به همه کارهایی که شما می کنید متوجه باشید که خدا حاضر است در همه جـا، و متوجه همه مسائـل هست و ثبت می شود کارهـای مـا و پیش خـدا می رود، بعـدها، یعنی در قیـامت پیش خودمان هم باز می شود اعمالمان. از این جهت این یک سفارش است که عرض می کنم.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۷۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کوشش همگانی در اسلامی شدن نظام

باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را رژیم اسلامی بکنیم. رژیم اسلامی به این است که این افرادی که در کار هستند، این افرادی که در این رژیم سر کار هستند، فرض کنید که مشغول به خدمتگزاری هستند کارمندهای دولتی همه شان، هر کدام آنجا که کار می کنند، کارشان کار اسلامی باشد. این فکر نباشد که حالا که این اداره آنجایش خراب است، خوب، بگذار اینجایش هم خراب باشد! حالا- که آن آدم آنجا خلاف می کند، خوب، بگذار اینجا هم خلاف بکند، همه مکلفیم؛ همه ما. اگر همه عالم خلاف بکنند، یک آدمی که تربیت شده تحت مکتب انبیاست او خلاف نمی کند. تمام عالم وقتی که به هم بخورد و ظلم بشود، حضرت موسی خلاف نمی کند. از اینکه حالا همه دارند می چاپند پس باید من هم این کار را بکنم، نه. در تربیت انبیا این جور نیست. علی بن ابیطالب علیه السلامهمه عالم اگر کافر هم می شدند به حال او فرقی نمی کرد؛ جز غصه خوردن به اینکه چرا اینها دارند خلاف می کنند، و الا مشی او هیچ تغییری نمی کرد. آن روزی که تو خانه نشسته بود، با آن روزی که یک خلافت دارای آن وسعت که ایران یک جزئش بود تا مصر و در حجاز و همه اینجا تحت سیطره بود و از اروپا هم یک مقداری هیچ فرقی در حال روحیش نبود که حالا که من دارای یک همچو چیزی هستم، باید مثلا چه بشود، هیچ ابدا در روح او هیچ فرقی نمی کرد. برای اینکه روح، روح الهی بود. روح الهی در آن فرقی نمی کند یک جمعیت کمی تحت نظر او باشد، یا یک دنیا باشد، در حال روحی او فرقی نمی کند. او موظف است عدالت کند. می تواند با این چهار

Presented by: https://jafrilibrary.com/

تا که هست عدالت بکند؛ اگر توانست، به همه جا عدالت را گسترش می دهد.(۱)

لزوم رفتار عادلانه همه کارگزاران در حکومت اسلامی

همه ما الان که اسم جمهوری اسلامی روی خودمان گذاشتیم و رژیم سابق را فرستادیم بحمداللّه به خارج و دفنش کردیم، و دیگر هم زنده نخواهد شد ان شاءاللّه، همه ما الان مکلفیم که این رژیمی که ادعا داریم که تحقق پیدا کرده، واقعیتش تحقق پیدا کند؛ از حد لفظ به حد معنا بیاید؛ از حد رای به حد خارج بیاید. شما که مامورین یک وزارتخانه هستید یک طور باید عمل بکنید، آنها هم که در وزارتخانه دیگرند یک طور؛ همه باید مامورین اسلامی باشید. هر فرد باید خودش را موظف بداند به اینکه این کاری که الان این کار جزئی که پشت میز نشسته به او محول است، این کاری که به او محول است، روی عدالت عمل بکند؛ منتظر نشود که وزیر، عادل بشود. وزیر، عادل بشود یا عادل نباشد، شما باید عادل باشید. نخست وزیر عادل باشد یا نه، برای خودش ضرر دارد و نفع دارد. آن حسابش علی حده هست. شما هم حسابتان علی حده است، پیش خدا حسابش علی حده است، پیش ملت هم حسابش علی حده است. شما که این کار جزئی، این پیشخدمتی که این کار جزئی دستش هست، عدالت در آن کارش باید بکند. آن رئیس اداره هم که در آنجا نشسته آن هم عدالت در همان کار باید بکند؛

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۴ و ۱۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

منتظر نشود دیگران عادل بشونـد تا او عادل بشود، مثل این است که من منتظر بشوم دیگران نماز بخوانند تا من نماز بخوانم، یا منتظر بشوم دیگران ناهار بخورنـد تا من ناهار بخورم! چه طور وظایف طبیعی را آدم این طوری عمل می کنـد. وظایف طبیعی را هر کسـی شخصـی عمل می کند؛ شـما هیچ وقت انتظار کشـیدید دیگران نفس بکشـند تا شما بکشید؟ دیگران نگاه کنند تا شما نگاه کنید؟ هیچ همچو نیست. شما به حسب طبیعتتان وظایف طبیعی را شخصا عمل می کنید. وظایف الهی هم همین طور است. همـان طوری که وظـایف طبیعی را شـخصا عمل کنیـد، وظایف الهی را هم شـخصا شـما موظفیـد عمل کنیـد، به علاوه، موظفید که دیگران را هم وادار کنید به این کار.(۱)

عمل به وظیفه

هر کـدام مـا موظفیم خودمـان عمـل کنیم؛ و موظفیم دیگران را هم وادار کنیم. اگر یـک همچو روحیه ای در یـک ملتی پیـدا بشود، که ان شاءاللّه امیدوارم پیدا بشود، اگر یک همچو روحیه تعاون معنوی، همان طوری که در این برهه ای که انقلاب بود یـک تعاون مادی پیـدا شـده بود این هم معنا بود، اما معاونت راجع به این بود که اینهایی که می آمدنـد در خیابانها تظاهر می کردند خانه ها به آنها آب می دادند؛ غذا می دادند، عرض کنم، مردم کمک می کردند؛ معاونت می کردند. اگر یک روحیه معاونت معنوی پیـدا بشود در انسان، در همه که هر کسـی خودش را موظف بدانـد به اینکه علاوه بر اینکه خودش یک آدمی است که می خواهد عدالت بکند، وظیفه شناس

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۵ و ۱۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

است، پشت میز که نشسته کار خودش را که می کند و کار مردم را که خواهد انجام بدهد روی وظایف است، نه روی طمع است، نه روی ترس و خوف است، روی وظیفه است آن طوری که وظایف شخصی خود را آدم عمل می کند، برای خودش وظیفه می داند که برای بچه هایش لباس بخرد؛ این یک وظیفه ای است پیش آدم، نه خوف است و نه طمع. اگر انسان آن کسی که متصدی یک کاری است وظیفه بداند این را که من حقوق مثلا می گیرم وظیفه ام این است؛ نخیر، حقوق هم نمی گیرم وظیفه انسانیم این است؛ وظیفه اسلامیم این است که حالا که متکفل یک امری شدم و یک دسته ای به من محتاج اند که کارهایشان را راه بیندازم، کارها را تعویق نیندازم، همان قدری که می توانم، به هر ترتیبی که جریان دارد جریان بدهم، با رفاقت، جلو و عقب انجام ندهم، خلاف عدالت نکنم، اگر جلو و عقب انجام بدهم این همان کارهای طاغوت است، طاغوت در یک چیز کم، در یک شعاع کم، چنانچه هر کداممان توجه به همین معنا داشته باشیم، هر کسی به خودش متوجه بشود، خودش را درست کند، اداره ای که دارای پانصد نفر مامور است، هر ماموری آن کاری را که به او محول است سرش را زیر بیندازد و کارش را انجام بدهد، یک اداره درست می شود، یک وزارتخانه درست می شود، باقی درست می شود، همه کشور درست می شود. اگر یک همچو چیزی در یک کشوری پیدا شد، این کشور مترقی است.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۶ و ۱۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ملاک مترقی بودن یک کشور

کشور مترقی این است که افرادش مترقی باشند. فرد مترقی آن است که وظیفه شناس باشد، وظایف اداریش، وظایف الهیش. اگر انسان وظیفه شناس شد، یک انسان مترقی است؛ یک انسان عادل است. یک مملکتی اگر ان شاءاللّه موفق بشویم، موفق بشوید، به اینکه در این مملکت همه وظیفه شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود، جمهوری اسلامی این است که اداره مالیه اش هم اسلامی باشد؛ اداره عدلیه اش هم اسلامی باشد. تحول باید پیدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می خواهند پیش ببرند. به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می خواهند پیش ببرند؛ همین افراد نظام را معوج می کنند؛ برخلاف می کنند.(۱)

اهمیّت تحول روحی افراد

تحول در افراد، در روحیه افراد، میزان است، و این با این است که همه آقایان بنای بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه شان عمل بکنند. خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی؛ ببینند در یک مملکتی هستند که راس این مملکت امام زمان سلام اللّه علیه مراقبشان هست؛ مامورهای مخفی دارد؛ ملائکه اللّه مامورند، خودش را تحت مراقبت ببینند، بگوید که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ما یک مملکتی الان هستیم که یک مراقبی داریم معصوم، و ما تحت مراقبت هستیم، اعمالمان باید یک اعمالی باشد که یک وقتی به عرض ایشان رسید، راضی از ما باشد. در هر جا که کار می کنید، شما برای مسلمانها می خواهید خدمت بکنید.(۱)

دولت، خدمتگزار است نه فرمانفرما

دولتها خدمتگزار مردم هستند، نه فرمانفرما. این رژیم طاغوتی است که مثلا- یک نخست وزیرش، یک رئیس جمهورش، فرمانفرمایی بخواهد بکند، طاغوت همین است. بله، آن مقداری که وظیفه هست که امر و نهی بکند، وظیفه است کند. اما بخواهد زاید بر آن مقدار وظیفه فرمانفرمایی بکند، حالا که رسیده به اینجا سوءاستفاده بکند، این همان رژیم طاغوتی است، حالا- دستش به زیادتررسد، یا خوف دارد از اینکه مردم به او اشکال بکنند. اگر دستش باز بشود، همان کارهایی که محمدرضا می کرد شاید من هم بکنم؛ اگر دست برسد. تا تربیت یک تربیت صحیح نباشد فایده ندارد.(۲)

عدالت و محبت نسبت به زیردستان

من باید نصیحت بکنم به شما؛ شما به من نصیحت کنید. من به شما بگویم که امروز که روز امتحان است خوب از امتحان بیرون بیایید. شما هم به من همین معنا را بگویید. من به شما عرض کنم که با مظلومها، با

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۷ و ۱۸.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

زیردستهای خودتان، خوب رفتار کنید؛ عادلانه رفتار کنید. شما هم به من بگویید همه ما مسئولیم: کلکم راع و کلکم مسوول(۱) همه مان مثل شبانها هستیم؛ و همه مان مسئول هستیم از این شبانی. همان طوری که می دانید شبان نسبت به آن گوسفندهایی که زیردستش است محبت دارد، آنها را در جایی که علفزار باشد، در جایی که آب خوب باشد، می برد و آنجا تربیت می کند. همه ما نسبت به هم اینطور باید باشیم؛ مثل شبانی که گوسفندهای خودش را با محبت، بدون آزار، تربیت می کند، ما هم اینطور باشیم. نبادا که یکی از ما خدای نخواسته حالا که آزاد است به آن دوست زیردستش، به آن شخص زیر دستش، تعدی بکند، تجاوز بکند. تعدی و تجاوز عبارت از همانهایی است که اسلام منع کرده است.(۲)

اخوّت اسلامی

خدای تبارک و تعالی می فرماید که المومنون اخوه(۳) برادرند اینها. باید به برادری رفتار کرد. چطور شما برادر خودتان را دلتان نمی آید که اذیت کنید، باید همین طور با هم رفتار کنید. با دیگران، با دیگران همین طور رفتار کنید. نفوس خودتان را تربیت کنید، تهذیب کنید. این دنیا پایان دارد برای همه ما؛ من زودتر و شما بعد؛ پایان دارد؛ نمی مانیم؛ آنکه می ماند خوبی و بدی است. صفحه اعمالتان منور به نور اسلام باشد، به عمل به احکام اسلام

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸ و کنزالعمال، ج ۶، ص ۳۰. «همه شما شبان «سرپرست» و همه شما مسئول هستید».

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۱.

۳- ۳. بخشی از آیه ۱۰ سوره حجرات.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

باشد تا در همه جا سعادتمند باشید. در اینجا دلتان خوش باشد به اینکه خدمت به ملتتان کردید، خدمت به زیردستتان کردید، خدمت به کشورتان کردید؛ در آنجا هم در ازای این خدمت جزاهای بسیار بزرگ است، عوضهای بسیار بزرگ.(۱)

سلوک رؤسا و امرای صدر اسلام

یکی از فرقهای بین حکومت اسلام با سایر حکومتها، این است که در حکومت اسلام جو، جو محبت است. بین شخص اول مملکت مثل رسول خدا که شخص اول بود و در زمان خلافت امیرالمومنین شخص اول امیرالمومنین بود با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می شدند فرق اساسی مربوط به دنیا نبود. اینطور نبود که رسول خدا حالا که در راس واقع شده و رئیس امت است مثل سایر حکومتها ریاست بکند. در مسجد می آمدند می نشستند؛ اصحابشان و اتباعشان هم توی مسجد بود؛ کسی، از خارج که می آمد نمی دانست کدام از آنها پیغمبر است. می پرسید کدامتان پیغمبر هستید؟ در نشستن اینطور نبود که کی در بالای تخت بنشیند و مابقی مقابلش بایستند و سلام نظامی بکنند! حضرت امیر هم همین طور بود. صدر اسلام وضع اینطور بود، اینطور نبود که امرای لشکر امرای لشکر خیلی مهم هم داشتند با مردم دیگر فاصله بگیرند؛ جو محبت بود. آنها در یک محیط دوستی و رفاقت و محبت زندگی می کردند. بین خودشان

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷ ص ۴۹۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

«رحما» بودند؛ یعنی همه با هم دوست و رفیق... با رحمت رفتار می کردند. و وقتی که مقابل کفار واقع می شدند، آنجا «اشدا» بودند(۱). همین آدمی که، همین حضرت امیری که توی مسجد وقتی که می آمد با سایرین پهلوی هم می نشستند و صحبت می کردند وقتی رفته بود توی آن مزرعه آن رعیتی که آنجا بود یک غذایی داشت. حضرت فرمود: غذا داری؟ گفت: چیزی که لایق شما باشد ندارم. حضرت گفت: چیه؟ بیاور. پیه را آورد؛ کدو را با پیه سرخ کرده بود؛ و خیال کرد حضرت امیر منزلش بساطی هست و حالا این کم است! در صورتی که حضرت امیر شاید در تمام عمرش هم یک همچه غذای دلچسبی شاید شاید نخورده بود! بیا؛ با هم نشستند: آن رعیت مزرعه، و این هم رئیس همه. با هم نشستند و خوردند. بعد هم پاشد حضرت، لب آن آبی که داشت عبور می کرد دستهایش را با شن شست و با مشتش آبش را خورد و شکر کرد.

همین آدمی که این است و همین آدمی که دور خانه ها می گردد و طعام تقسیم می کند، بدون اینکه بشناسندش، و وقتی که در خانه یک نفر می رود و بچه هایش گرسنه اند، یک مقدار نان به آنها می دهد، دهنشان می گذارد؛ و بعد هم برای اینکه بچه ها را دلجویی کند با آنها بازی می کند و صدایی مثل شتر می کند که بچه خوششان بیاید! همین آدم که رئیس قوم است و آن کار را دارد می کند؛ اینطور ملایم، اینطور رئوف، وقتی مقابل دشمن می ایستد،

۱- ۱. اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شمشیر را می کشد به فرق زند، دو تا می کند! از این ور می زند دو تا می کند![(۱)]

ایجاد آرامش روحی و محیط محبت با خدمت به ملت

اسلام، در مقابل همه دولتهای طاغوتی، برای انسان سازی آمده است. قرآن کتاب انسان سازی است. اگر انسان چنانچه در این ممالک اسلامی تحقق پیدا بکند و اسلام برنامه دولتها و ملتها باشد، امکان ندارد که دیگران بتوانند استفاده های نامشروع از ما بکنند. ما باید اقتصادمان تابع اسلام باشد؛ فرهنگمان تابع اسلام باشد؛ ارتشمان، ارتش اسلامی باشد. در صدر اسلام ارتش یک پناهگاهی برای ملتها بوده است، محیط ارتش از محیط مردم جدا نبوده است؛ محیط رعب نبوده است؛ محیط وحشت نبوده است. اگر ارتش، دولت، به وظایف ارتشی خودشان، به وظایف دولتی خودشان، به وظایف اسلامی، عمل کنند، محیط در یک کشور محیط محبت می شود؛ محیط آرامش روحی می شود؛ و این هم برای ملت مفید است؛ و هم برای دولت؛ و هم برای ارتش. و اگر محیط، محیط ارعاب باشد چنانچه در حکومتهای طاغوتی است محیط وحشت باشد، این برای ملت و خود دولت و خود ارتش بد است. و اینکه طاغوتیها محیط ارعاب ایجاد می کنند برای این است که آنها برای ملت کار نکرده اند و خودشان را از ملت جدا کرده اند، و از ملت وحشت دارند؛ از این جهت محیط را ارعاب، محیط ارعابی درست می کنند که مردم را سرکوب کنند. در صدر اسلام این معانی نبوده است.

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ارتش اسلام از مردم جدا نبوده است. محیط هیچ وقت محیط ارعابی نبوده است. حکومتی که در راس جامعه بوده است با مردم دیگر فرقی نداشته است؛ بلکه زندگی اش پایینتر بوده است. حکومتها نمی خواستند که به مردم حکومت کنند؛ می خواستند خدمت کنند. اسلام حکومتها را موظف به خدمت کرده است. ارتش در خدمت ملت باید باشد. حکومتها در خدمت مردم باید باشند. اگر یک همچو برنامه ای تحقق پیدا بکند، محیط رعب از بین می رود؛ محیط دوستی پیش می آید، مبدل به محیط برادری می شود.(۱)

ایجاد محیط اخلاقی و برادری برای جلب همکاری ملت

اگر ملت پشتیبان دولتی شد، دولت سقوط نمی کند. اگر شاه به نصایح روحانیون توجه کرده بود و خدمت به این ملت کرده بود، سقوط نمی کرد. لکن خدمت نکرد و خیانت کرد، و پشتوانه مردمی را از دست داد، و وقتی که مردم شنیدند رفت، شادی کردند. چنانکه در رفتن پدرش هم شادی کردند. حکومتها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد، و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. برادر باشند با هم. با ملت دوست باشند. ملت احساس کند که دولت از خود اوست؛ دولت خدمتگزار اوست. ملتها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست. ارتش که در خیابان می آید برای آن گل بریزند؛ نه از آن فرار کنند! عمده در برنامه حکومتی، در برنامه های دولتی، این

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۸۶ و ۸۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در راس همه برنامه هاست. اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می کنند. اگر دولت بخواهد برنامه ای را... اجرا بکند، ملت در خدمت آن هست.(۱)

بسیج وزارتخانه ها برای خدمت رسانی

وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می کنند، و این به این است که همه وزارتخانه ها، هرکسی که متصدی یک وزارتخانه است، وزارتخانه خودش را بنابر این بگذارد که اصلاح کند به نفع مردم، به جوری که مردم وقتی که در آن وزارتخانه وارد می شوند با رضایت خاطر، با اطمینان خاطر بیرون بیایند. اگر اینطور بشود، بلااشکال مردم حاضرند. مردم، مردم خوبی هستند. ما از مردم تشکر باید بکنیم، ما همه مرهون آنها هستیم. عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم.

و باید ما از مرحله لفظ و شعار بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم؛ یعنی هر وزیری در وزارتخانه خودش واقعا بین خودش و خدا، خودش را موظف بداند به اینکه آن پرسنل آنجا را، هرکس در تحت نظر او هست، آنها را بسیج کند به اینکه با مردم رفتار خوب بکنند و با مردم رفتار سالم داشته باشند.(۲)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۸۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۰۸ تا ۴۰۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خوشرفتاری با ارباب رجوع، عامل عشق مردم به دولت

بـه مردم حـالی کنیـد که مـا برای خـدمت آمـدیم، ادارات برای خـدمت آمدنـد، مردم بـا دل راحت بیاینـد تـو ادارات. من آن تلخیهایی که در زمان سابق بود، در زمان رضاخان بود، بعدش هم در زمان این،(۱) آن وقت آن تلخیها را زمان رضاخان خود من چون جوان بودم توی این مسائـل می رفتم گـاهی، که اگر یک وقت ابتلا به کلانتری پیـدا می شـد. آن وقت برای جاهایی هم که از اینجا می خواستند بروند فرض کنید به آذربایجان هم، باید بروند کلانتری و آنجا یک ورقه ای، چیزی بگیرند. مردم وقتی می خواسـتند به کلانـتری برونـد با یک ترس و رعب و وحشتی، کانه می خواهنـد به حبس برونـد. اینها عادت نباشـد در ادارات که مردم وقتی خواهند تو اداره بروند بترسـند. این بیچاره دهاتیها چون سابقا این طور بوده، حالا خیال می کنند باز هم این طور است. حالا بایـد ادارات به روی مردم باز باشـد، و با آغوش باز مردم را بپذیرنـد، دردهایی که مردم دارنـد بگوینـد به آنها، بتواننـد بگوینـد. آنها هم کوشـش کنند در اینکه حل بشود مسائلشان که مردم احساس کنند که یک دولتی است که مال خودشان است. و برای خودشان دارنـد خدمت می کنند. هیچ اشـکال ندارد که وقتی ملت فهمید که یک جمعی دارند خدمت می کننـد، و خودشان هم آن قبه و بارگاههایی که زمان سابق بود ندارنـد، آنها هم مثل مردم عادی دارنـد زنـدگی می کننـد، بلکه شاید بعضشان

۱- ۱. محمد رضا شاه.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خیلی هم کمتر باشـد. مردم وقتی ببیننـد به حسب فطرتشان که فطرت صـحیح است. خوب، به حسب فطرت، عاشق یک همچو دولتی خواهند شد.(۱)

لزوم رعایت عدالت نسبت به مراجعین

جمهوری اسـلامی معنـایش این است که عـدالت باشـد، عـدالت این است که این آدمی که الاـن احتیاج به من دارد، از خارج آمـده الاـن، از راه دور آمـده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسـیدگی بشود به احتیاج این. این طور نباشـد که یک کسـی که آشـنای ما هست، جلو کارش را انجام بـدهیم، یک کسـی که خیر، غریبه هست، عقبتر انجام بدهیم و هکذا، چیزهایی که شـما می دانید می شد، این چیزهایی که شد دیگر نگذارید بشود.(۲)

جلوگیری از اذیت مراجعین در ادارات

خوب، شـما که سرکشی می کنید در همه وزارتخانه ها و ادارات، توجه به این معنا داشته باشید که با مردم، اینها چه می کنند. یکی از امور مهمه این است که ما نبایـد مثل سابق باشـیم که اگر یک بی چاره ای می خواهد مراجعه کند به یک اداره ای، به یک رئیس اداره ای، آنقـدر اشـکال تراشـی و آن قـدر فساد باشـد و بالاخره هم هی بگوییم: امروز برو، فردا بیا، فردا برو، پس فردا بیا، اینطور چیزها. اگر افرادی در آنجا هسـتند که اینطور با مردم معامله می کنند، شـما بدانید که اینها می خواهند ناراضی درست بکنند؛ مثلا، یک

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۹۶ و ۴۹۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۰.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کسی آمده، یک کاری دارد، کار جزئی هم هست، دائم می گویند: برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن برو سر آن میز، آن کارهایی که سابق می کردند، اگر شما در ادارات دیدید یک همچو چیزی هست، باید به آنها تنبه بدهید، ارشادشان کنید که این کارها، کارهای اسلامی نیست. اگر تکرار کردند، آنها را هم باید کنار بگذارید.(۱)

لزوم تشکیل مرجع رسیدگی کننده به شکایات مراجعین

آقایانی که الان رای اعتماد گرفتند از مجلس و احساس می کنند که مسئولیتشان زیادتر شده است برای اینکه، خوب رای دادند، رای بالایی مجلس دارد و من باید از مجلس تشکر کنم راجع به این اینها باید حالا فکر این معنا باشند، که مردم را داشته باشند و یکی از راههایش این است که وزارتخانه ها و ادارات یک جوری باشد که نارضایی ایجاد نکند. به نظر می آید که اگر چنانچه در هر وزارتخانه ای از طرف آقای رئیس جمهور یا فرض کنید که آقای نخست وزیر، یک چند، دوسه نفری باشند برای این معنا که اگر چنانچه در آن اداره، در آن وزارتخانه از خود اهالی وزارتخانه شکایت داشتند، به اینها بگویند. این اصل نفس این کار موثر است در این که در وزارتخانه ها اگر بنا باشد یک کاری انجام بشود، برخلاف نشود. شما می دانید که ما وارث یک کسی هستیم یک رژیمی هستیم که سرتاپای اداراتش، الا یک عده ای، دنبال این بودند که منافع خودشان را حفظ کنند،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۷۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

و دنبال این بودنـد چه بکنند. از آنها، هسـتند الان در جمهوری اسـلامی، نمی توانیم بگوییم نیسـتند، همه جا هسـتند، و ممکن است که اینهایی که هسـتند بخواهند مردم را ناراضـی کنند. اصل خطش این باشد که مردم را ناراضی کنند؛ چه بهتر این است که مردم را در ادارات ناراضـی کننـد. فرض کنیـد یک نفر برود در یک اداره ای، این جا کارش را خوب انجام ندهند، این به او مراجعه کند، آن به او مراجعه کند. من گویم که هست این جور، لکن متوجه باشـید که مبادا یک همچو مسائلی واقع بشود. و بهـتر این است که یـک همچو عملی انجـام بگیرد که مردم هم توجه به این داشـته باشـند که یـک مرجعی دارنـد که اگر در اداره یک کسـی یک ضد انقلابی بود، خواست یک فضولی ای بکند، یک مرجعی دارند که به آن مرجع بروند مراجعه کنند. و هم، خود این عمـل فی نفسه موثر در این است که جلوگیری کنـد از بعضـی از امور. و بالاـخره ما مردم را لازم داریم، یعنی، جمهوری اسـلامی تا آخر مردم را می خواهـد. این مردم اند که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردم اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر. و این شـما آقایان هستید که مردم راتوانید، وزارتخانه هایتان می تواند، اداراتتان می تواند راضی نگه دارد و می توانـد خـدای نخواسـته اشخاصـی در آن باشـند که ناراضـی باشـند، و این را با قاطعیت عمل کنیـد. التزام شـما ندارید که هر کس از سـابق در این اداره بوده، حالا اگر چنانچه ضـدانقلاب هم باشـد، بایـد باشـد. این را بیرونش کنیـد برود سراغ کـارش، اگر یـک کسـی است می خواهـد ضـدانقلاب باشـد. امـا اگر کسـانی هسـتند که از روی نـادانی از چی خـوب ارشادشان کنید، توجیه شان کنید که کارها را انجام بدهند و مردم را ناراضی

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نکنند.(۱)

کارشکنی در انجام امور خانواده شهدا، عملی ضد انقلابی

لازم است تذکری که همگان بدان آگاهی دارند بدهم و آن لزوم تقدیر از شهدای انقلاب و خانواده آنان و معلولین و مصدومین می باشد. و لازم است عموم دستگاههای اجرایی اموری را که مربوط به شهدا و خانواده آنان و معلولین و مصدومین است با کمال سرعت عمل نموده و تسهیلات لازم را در مورد آنان معمول دارند؛ که اینان بر ما و ملت شریف حق بسیار بزرگی دارند. و اگر معلوم شود که کسانی در بعضی از ادارات و وزارتخانه ها برای اجرای امور شهدای انقلاب و خانواده آنها اشکال تراشی می کنند، به عنوان ضد انقلاب باید مورد تعقیب واقع شوند.(۲)

حفظ حضور مردم در صحنه ها

آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم، و این یک سرش بسته به دولت است و رئیس جمهور است و مجلس، یک سرش هم مربوط به خود مردم. اگر این طرف را شما نگه دارید، ما از ملتمان مطمئن هستیم که به حسب غالب و اکثریت، آن طرف را حفظ می کنند. این طرف باید بنا بگذارد بر اینکه با هم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۵ تا ۳۷.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۴۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مثل یک دست باشند، و این کاری را که انجام می دهند، همه با هم همصدا باشند.

اگر بنا باشد در یک دولتی، یک وزارتخانه ای بخواهد مخالفت بکند در یک امری، این کار پیش نمی رود. حالا در یک ممالکی که آسوده هستند، کاری ندارند اگر در دنیا باشد یا یک رژیمی باشد که این طور نباشد که مخالفی داشته باشند، آنجا خیلی صدمه نمی خورند. اما در یک رژیمی که می دانید همه مخالف شما هستند و دنبال این اند که یک چیزی را درست بکنند و منتشر بکنند و هرچه بخواهند بگویند و هر کاری هم بخواهند بکنند، در یک همچو وضعی که الان ما مبتلا به آن هستیم و شما مبتلای به آن هستید، عقل و انصاف اقتضا می کند که ما دیگر در بینمان چیزی نباشد. وقتی همه با ما مخالف اند، ما بر فرض اینکه در بین خودمان هم یک اختلاف نظری باشد، لکن با هم باشیم در دفع او.

این گفته می شود که در این وضع ایلاتی که ایلات بزرگ ایران بودند آن وقت، اینها با هم مخالف بودند، یک دسته شان از آن ور می کشید، جنگ هم با هم شاید داشتند، لکن اگر یک کسی به یک دسته ای حمله می کرد، همه با هم او را دفع کردند. خوب، این مقتضای عقل است که انسان، کسی که بخواهد به تیره های او حمله بکند، او را دفعش بکند؛ خودش هم اگر اختلاف دارد بعد حساب خودشان را صاف بکنند. ما الان در یک همچو قضیه ای واقع هستیم که همه کشورها به استثنای خیلی کم با ما مخالفند؛ بعضی اظهار مخالفت هم می کنند و عمل هم می کنند، و بعضی هم در واقع مخالف اند ولیکن اظهارش را هم شاید نکنند...

Presented by: https://jafrilibrary.com/

عقل اقتضا می کند که دیگر ما آنهایی که متعهد هستند به اسلام و متعهد هستند به جمهوری اسلامی و می خواهند در زیر بار ابرقدرتها دیگر نباشند، اینها دیگر با هم باشند. یک همچو عمل بزرگی که بیرون رفتن از زیر تعهد قدرتهای بزرگ، یک همچو عمل بزرگی نمی شود، الا اینکه یک ملت و دولت و همه با هم باشند؛ اگر نباشند، ممکن نیست یک همچو مطلبی. تا حالا هم هر چه انجام گرفته در سایه همین اتحاد بوده است؛ اگر یک اختلافی بوده، جزئی بوده و باید کوشش کنید که حتی آن اختلاف جزئی هم نباشد؛ یعنی جوری عمل بکنید که مردم از شما انتزاع این را بکنند که شما می خواهید خدمت بکنید.(۱)

به فکر مردم بودن و سخت گیری نکردن

مسئله دیگر رفتار نهادها با مردم است. باید حرکت ما به صورتی باشد که مردم بفهمند که اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت ما آمده است تا ملت احساس آرامش کند. اینکه آمده است: «الاسلام یجب ماقبله»(۲) این یک امر سیاسی است. اسلام دیده است اگر بخواهد با کسانی که تازه مسلمان شده سختگیری کند، هیچ کس به اسلام رو نمی آورد. «جب ماقبل» کرده است و از آنچه در قبل کرده اند گذشته است. در جایی دیدم کمیته صنفی گفته است تمام اصنافی که از چند سال قبل از انقلاب گرانفروشی کرده اند باید بیایند و مجازات شوند. این بر خلاف اسلام و رضای خداست. ما باید این قدر سخت نگیریم و به فکر مردم باشیم. مردم ما خیلی زحمت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، صص ۴۰۷ تا ۴۰۸.

۲- ۲. اسلام ماقبل خودش را می پوشاند «و نادیده می گیرد».

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کشیده اند. مردم عادی غیر از طبقه مرفه هستند. مردم عادی ما اسلام را پیاده کرده اند و تمام زحمات حکومت را متحمل می شوند. پس ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند. البته فاسدین را رها نکنیم.(۱)

عدم سازگاری تشریفات با جمهوری اسلامی

باید تمام اموری که انجام می دهید متوجه باشید که در محضر خداست و مسئولیت شما دارید. مسئولیت اینجا هم دارند، لکن آن مهمش مسئولیت الهی است. یا در فرض بفرمایید که هر یک از این ادارات دولتی که هست که خواهند خدمت کنند به مردم، از آن کسی که دم در هست، پیشخدمت هست تا آنجایی که مثلا جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می گیرند برای خدمت و باید با مردم رفتارشان رفتار انسانی، اسمی باشد؛ اینطور نباشد که یک کسی حالا احتیاج پیدا کرده که پیش این فرض کنید رئیس برود، از دم در ناملایم ببیند. خوب، در رژیم سابق این مسائل بود و همه ما مناقشه می کردیم. اگر حالا هم بنا باشد که یک همچو مسائلی باشد، این به آبروی اسلام ضرر می زند.

... استانداریها موظفند به اینکه تمام افرادی که در حیطه فرمان آنهاست، تحت نظر داشته باشند. تمام این افراد خدمت باید بکنند، خدمتگزار هستند. استاندارها خدمتگزار هستند. خدمت اینها بالاتر است، مسئولیت اینها هم

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۴.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بالاتر است. باید اینها خدمت به مردم بکنند و توجه کنند که مبادا یک وقت یک کسی احتیاج به استاندار داشته باشد، نتواند او را ببیند. این همان طاغوت است که نمی گذارد اینطور بشود. اگر بنا باشد که حالا هم باز این تشریفاتی که در آن زمان بود باشد، نمی شود که ما جمهوری را اسلامی حساب کنیم. البته نظام، لازم است و هرج و مرج نیست، لکن زیاده روی کردن و مردم را تحت فشار گذاشتن، این یک مسئله غیر اسلامی است. همه استاندارها موظفند که در آن محلی که می روند، نسبت به همه کسانی که زیر دست او هستند، توجه داشته باشند که مبادا یک وقت برخلاف موازین اسلامی کاری واقع بشود.(۱)

لزوم پرهیز از کم کاری در ادارات

گاهی من می شنوم که در ادارات یک قدری کم کاری هست، گاهی بیکاری هست. و این موجب تعجب من است. اگر چنانچه خدای نخواسته اینها از رژیم سابق هستند و می خواهند برای آنها خدمت کنند، خوب، موظف اند آقایان که آنها را یادداشت کنند و اسمهایشان را و تصفیه کنند. و اگر چنانچه این طور نیست و خود مردم اند و علاقه دارند به اسلام و علاقه دارند به مملکتشان، من نمی فهمم کسی علاقه داشته باشد به مملکتش و آن وقت از مملکتش اجر ببرد و عمل نکند. خوب این اجرتی که اینها می گیرند در مقابل عمل است. اگر عمل کم بکنند، حرام است این اجرت؛ جایز

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۱۲ تا ۴۱۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نیست استفاده بکنند از این. بنابراین، آنهایی که اعتقاد به اسلام و اعتقاد به مملکت خودشان و اعتقاد به این نهضت دارند، اینها باید عمل بکنند، بلکه زیاد کنند عملشان را که جبران بکند این چیزهایی که در سابق بود و آن نقیصه هایی که در سابق بود جبران بشود. کم کاری اصلش معنا ندارد، حالا باید پرکارتر بشوند. دو مقابل کار بکنند. شما می بینید، که ادارات، می بینند، که الان قشرهای مختلفی می روند حتی در بیابانها خدمت می کنند؛ می روند در مدارس خدمت می کنند؛ خوب، ادارات هم باید خدمت بکنند تا اجرتی که می گیرند اجرت مشروع باشد.(۱)

تصفیّه عوامل ایجاد نارضایی

مهم این است که در مقام عمل هم وزارتخانه ها را درست تصفیه کنید. ببینید افرادی که واقعا می خواهند نگذارند کارها انجام بگیرد، می خواهند مردم را ناراضی کنند هستند البته اشخاصی که بنایشان بر این است که ناراضی کنند اینها را باید تصفیه بکنید و بخواهید هم که در هر عملی رضایت همه مردم را به دست بیاورید این امکان ندارد. بالاخره در هر عملی اگر تصفیه باشد، یک دسته تصفیه شده مخالف می شوند، یک دسته رفقای تصفیه شده مخالف می شوند، شما همان نظرتان به این باشد که تکلیف شرعی الهی خودتان را که مقامی را دارید و باید با این مقام خدمت کنید. این آلت است برای خدمت به مردم، خودش چیزی نیست، اگر

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد و خوب است و اگر نشد مقام چیزی نیست.(۱)

همدلی و برادری مسئولین در رفع مشکلات

بین خودتان، بین وزرایی که هستند، بین دولتی ها که هستند برادری باشد. شما برای اسلام می خواهید خدمت کنید، نمی خواهید که برای خودتان کاری بکنید. شما می خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی خواهید که جیب خودتان را پرکنید. شما اینجور نیستید هیچ گاه. وقتی اینطور شد داعیه بر اینکه با هم مبارزه و معارضه بکنید نیست و ان شاءاللّه نمی کنید.(۲)

ترس از قانون

باید تفاهم باشد؛ باید دوستی باشد؛ باید وقتی که یک کسی می آید در کلانتری، مثل این باشد که دارد به منزل خودش می رود. کار دارد در آنجا، به منزل خودش می رود، مامون؛ بدون اینکه از هیچ کس بترسد. در اسلام هر کسی باید از خودش بترسد! هر آدمی از خودش، به چه معنا؟ به این معنا که اگر خودش خطا کرد جزا دارد؛ اگر نکرد، نه. اما اگر خودش خطاکار نباشد، دیگر از ژاندارمری نباید بترسد؛ عرض می کنم که از ارتش نباید بترسد، از پاسبان نباید بترسد، از شهربانی نباید بترسد، از نخست وزیر

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۲۴ تا ۱۲۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نبایـد بترسـد، از رئیس جمهور هیـچ نبایـد بترسـد. برای اینکه آنها آزارش نمی کننـد. وضع این است که نبایـد آزار بکنند. از خودش بایـد بترسـد که نبادا من خطا کنم. وقتی خطا کرد، قانون او را جزا می دهـد. وضع ما باید این جور باشد؛ وضع شـماها این جور باشـد، تا حالا هر جوری بوده است. تجربه کنید ببینید که آیا با محبت با مردم رفتار کنید دلتان آرامتر است، یا خدای نخواسته با شـدت؟ با شـدت ناراحتی می آورد. اگر با مردم با دوستی رفتار کنیـد، دلتان آرام است. شب می روید منزل، آرام می گیریـد می خوابیـد؛ نه وجـدانتان نـاراحت است که یـک کسـی را اذیت کردی بالاـخره وجـدان آدم نـاراحت می شود نه وجـدان نـاراحت که ظلم به او کردی، یک خلاف کردی و نه خوف این را داریـد که مبادا یکوقتی مثلا تلافی بکننـد. وقتی با مردم به محبت رفتار کنیـد، مردم را از خودتان بدانیـد ما بایـد خدمتگزار همه باشـیم، دولت خدمتگزار همه باشد؛ این وجدان، خودش راحت هست. شب هم می رود منزلش راحت می خوابـد، بعـد هم فردارود سـر خدمتش. خدمتش هم خدمت به مردم است. از اول که راه می افتد برود اداره، برای کارگشایی مردم؛ برای خدمت مردم. نه مثل ادارات سابق که هرکس صبح پا می شد بسیاری را که صبح پا می شدند می رفتند که نقشه بکشند چطور مردم را به دام بیندازند! چطور از ایشان درآورند![(۱)]

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

فصل یازدهم: خدمت رسانی و اولویتها

برتری و شرافت یک موی سر کوخ نشینان بر همه کاخ نشینان جهان

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شده اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها از میدان به در نمی روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی آید، ولی وظیفه ما و همه دست اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرهنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده اند و در همه صحنه ها بوده اند و ان شاءاللّه خواهند بود و سر و جان را در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجددا می گوییم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری

Presented by: https://jafrilibrary.com/

دارد.(۱)

ارائه طرحها در راستای حفظ منافع محرومین، بزرگترین هدیه و...

ارائه طرحها و اصولا- تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابدا اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گوییها می گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملا به شبهات و القائات خاتمه می دهد.(۱)

لزوم توسعه بخش خصوصی به نفع مردم محروم

دولت چنانچه کرارا تذکر داده ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارشهای مختلفی می رسد و هیات دولت موظف است این امر را به طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و این امر را امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقا توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کارکرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدا بی خبر در تمام امور تجاری و مالی

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۰ تا ۳۴۱.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

مردم سلطه پیدا کنند.(۱)

خدا نیاورد آن روزی را که...

همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذاللّه که این با سیره و روش انبیا و امیرالمومنین و ائمه معصومین علیهم السلامسازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگتر کرده اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند،

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.(۱)

برای این هیچ ندارها یک فکری بکنید

این عنایت خدا بود که همه را به این آزادی و به این عرض کنم استقلال و به این مقام رسانده است. حالا ما عوض اینکه شکر نعمت خدا را بجا بیاوریم و برای خاطر خدا قیام کنیم و برای ملت کار بکنیم، تمام هممان را صرف کنیم که این بیچاره هایی که توی این زاغه ها باز هم نشسته اند، اینها را از اینجا بیرون بیاوریم، جایی برایشان درست بکنیم، آب و برق این مملکت را درست بکنیم، خوب، الان شما می دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند. هیچ. بعضی از جاهایی که دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها، می گفت مردم همه اخلاص دارند، اما هیچ ندارند. بعضی جاهاست هیچ ندارند. برای این «هیچ ندارها» یک فکری بکنید، هی ننشینید دعوا بکنید، هی هم دنبال این نروید که همان طوری که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۱ تا ۳۴۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

در طاغوت می کرد، شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتیها از آن استفاده بکنند. برای این پایین شهریها، برای این بیچاره ها اسلام است؛ حکومت اسلام است برای اینها فکر بکنید. همتان را صرف این بکنید، نه صرف اینکه دعوا کنید. «وقت» وقتی بنا شد که به دعوا بگذرد، دیگر نمی رسد انسان؛ مجال ندارد دیگر بنشیند یک کاری بکند، یک طرحی بریزد برای این ملت؛ برای این بیچاره ها. من تقاضا می کنم از همه آقایانی که متصدی یک امری از امور هستند، چه آنهایی که در وزارتخانه ها و در طبقه پایین تر مشغول کارند و چه خود وزرا و چه نخست وزیر و چه رئیس جمهور و چه همه کسانی که در امور هستند، در شورای انقلاب بودند و حالا هستند، در عرض می کنم که جاهای دیگر بودند، من از همه شان تقاضا دارم که از این چیزی که برخلاف رضای خداست و برخلاف رضای اولیای اسلام است و برخلاف رضای ملت است، اجتناب کنید. این دنیا چند روزش آمده پیش شما. این را خدمت کنید تا آبرومند باشید پیش خدا. این را با دعوا نگذرانید، با صلح بروید سراغ مردم. اگر بروید سراغ مردم، دیگر دعوا پیش نمی آید؛ برای اینکه، وقت دعوا نمی ماند. اما افسوس این است که شما مشغول دعوا هستید و از مردم غافل! نه اقتصاد را توانستید درست کنید و نه امنیت را توانستید درست کنید و نه هیچی! همه اش دعوا و همه اش با هم دعوا.

همه توی تهران نشسته اند دعوا می کنند. این صحیح نیست. این خلاف

Presented by: https://jafrilibrary.com/

اسلام است؛ خلاف اخلاق اسلامی.(۱)

انتظار مردم از مسئولان

ما باید ببینیم که این ملتی که ماها را به این مقامها رسانده اند، از ما چه می خواهند و ما باید برای آنها چه بکنیم. از ما می خواهند که تمام این ارگانهایی که هستند، تمام این روسایی که هستند، از رئیس جمهور گرفته و نخست وزیر و وزرا تا وکلا و عرض می کنم که وزارتخانه ها و هر چه در آنها هست، اینها می خواهند که اینها همه در راه اسلام، که خواست ملت بود و همه کوشش شان برای اسلام بود و اسلام آنها را موفق کرد، اینها هم در همان طریق اسلامی راه بروند. طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجهشان به آنها باشد.(۲)

صرف اوقات در حل مسائل کلیدی

باز هم موضوع مهم خدمت به محرومان و دورافتادگان را تذکر می دهم. با آنکه می دانم در این سالهای محدود با گرفتاریهای بیشمار عظیمی که کشور و دولت خدمتگزار با آنها مواجه بود، حجم خدمتهایی که به روستاییان در تمام زمینه ها شده است چشمگیر و اعجاب آور است و دولت حقا و انصافا در این امر توفیق بسیار داشته است که با مقایسه با کارهای در طول رژیمهای سابق می توان یافت، لکن باز کافی نیست و حق محرومان به

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۴ تا ۲۰۵.

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۶.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

آن نحو که دلخواه است ادا نشده؛ البته نه از باب قصور و تقصیر، بلکه از جهت حجم احتیاجات و گسترش فوق العاده آن. و اشکال تراشان اگر معاند باشند حرفی نیست و اگر متعهد باشند و دلسوز باید گفت دستی از دور بر آتش دارند. امید است دولت با تمام توان خدمت خود را تعقیب و از خداوند تعالی توفیق خدمت طلب کند و تمام این امور مرهون آن است که دولت یکپارچه و بدون اختلاف درونی وبا تعهد اوقات خود را صرف در مسائل مهم کلیدی که مشکل گشای امور باشد نماید؛ و در امور مهمه نیز مهمترین را بیشتر و سریعتر مورد توجه قرار دهد. و وزرای محترم هر یک با چشم برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند. و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگانها باشند، که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بیموقع است. وبا اتکال به خداوند تعالی، که در مشکلات بزرگ عنایتهای غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پابرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد: «ان تنصروا اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم»(۱).(۲)

توجه مسئولان به ضعفا و مستمندان

همه مان و همه تان خدمتگزار به این مردم، خصوصا به مستمندان، به ضعفا؛ عمده توجهتان به این طبقه باشد که این طبقه احتیاج دارند. اینطور

۱- ۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری و گامهایتان را استوارکند.»

۲- ۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۸ تا ۱۵۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

نباشد که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند، به علاوه که جیبهایشان را هم پر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه نشین اطراف تهران که الان هم باز به همین طور هستند، اینها باید تبدل پیدا کنند. باید فرق باشد ما بین دولتی که می گوید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم، با دولتهایی که طاغوتی هستند. یک فرقش هم این است که عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا آن طبقه بالا. مبادا یکوقتی یک نفر آدمی که مثلا متمکن است و چیزدار است با یک نفر آدم ضعیف، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی گویم آن یکی را جلو بیندازید؛گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که به آن احتیاج دارند نمی تواند همه را یکدفعه بپذیرد؛ لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرید؛ آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرید.(۱)

نصیحت و سفارش همیشگی به مسئولان

به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران، برای چندمین بار، سفارش می کنم و این نصیحت و سفارش همیشگی است که قدر این نعمتهای بزرگ الهی را بدانند؛ و در شرایط کنونی و آینده های دور، اولویت را به این عزیزان و کسانی بدهند که در راه اسلام خون داده اند و مبارزه کرده اند؛ و بشدت از بهانه جویی و سنگ اندازی و مانع تراشی و کاغذبازی، که مانع

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۲ تا ۱۲۳.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

رشد آنان و ملت دلاور ایران است، خودداری ورزند.(۱)

اعطای امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به خانواده های ایثارگران

با اینکه اطمینان داریم که خانواده های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ گاه راضی نشده و نمی شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله هاست، ولی بر دست اندرکاران نظام است که ذوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی شائبه و بی منت به آنان دریغ نکنند؛ هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. من می دانم که بسیاری از خانواده های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت طبع و بزرگواری و اخلاق کریمه خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده اند و یا مراجعه شان به حداقل بوده است. و همه نیز می دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۸ و ۳۹.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهای مقدس شهیدان را بازگو نمایم که بحمداللّه تا به حال خانواده های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود.(۱)

توصیه ملت به خدمتگزاری خانواده شهدا

عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید، خدمت بکنید، گمان نکنید که شما که کاری که برای آنها انجام می دهید یک منتی بر آنها دارید. منت آنها را بکشید، خدمت بکنید، احترام بکنید از آنها. اینها خانواده شهدا هستند. و معلولین و خانواده های معلولین که ارزششان آن قدر است، و ما باید خدمتگزار به آنها باشیم. هر عملی که انجام می دهیم، هر خدمتی که به آنها انجام می دهیم عملی است که در پیشگاه خدا مقبول است. و ما باید با کمال خرسندی منت آنها را بکشیم و خدمت به آنها بکنیم. مبادا یک وقتی یک کلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا، یا به این معلولین. و باز کسانی که عائله معلولین اند، توجه داشته باشید که عملی را که می کنید خالص و برای خدا باشد. و برای آن کسی که فداکار برای خدا بوده است، و جانش را در راه خدا اهدا کرده است. شما خدمت

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۷ تا ۱۵۸.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

به او می کنید و این خدمت به خداست. همان طوری که ما منت خدای تبارک و تعالی را می کشیم و عبادت او را می کنیم، منت اوست بر ما، و خدای تبارک و تعالی منت بر ما گذاشته است و ما را هدایت کرده است، و هر عملی که بکنیم منت بر او نداریم و او منت بر ما دارد. این خدمت هم خدمت به خدای تبارک و تعالی و مجاهدین در راه او و شهدای در راه اوست. و ما باید با سرو جان خدمت بکنیم. و ابدا در نظرمان نیاید که ما یک کاری انجام دادیم. آنها جان خودشان را دادند و شما قدرتی که دارید، دارید خرج می کنید برای آنها. و من امیدوارم که در راه خدا که شد؛ ثواب مجاهدین را به شما عنایت بفرماید خدای تبارک و تعالی.(۱)

قدر این ملت را بدانید

به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۱۶ تا ۵۱۷.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

شایسته برای یک حکومت اسلامی است.(۱)

بیم از انفجار مردمی در اثر مأیوس شدن از جمهوری اسلامی

اگر خدای نخواسته جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را، که اول مرتبه زندگی مردم است، و مردم مایوس بشوند از جمهوری اسلامی و مایوس بشوند از اینکه اسلام هم برای آنها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی تواند جلویش را بگیرد. انفجار اگر در زمان طاغوت حاصل می شد، ماها می توانستیم با نصیحت، با موعظه، با امر، مهارش کنیم. اما انفجار اگر در متن اسلام حاصل بشود، مردم با یاس از جمهوری اسلامی منفجر بشوند، دیگر قابل مهار نیست. این ثروتمندها بفهمند این مطلب را که اگر خدای نخواسته یک وقت یک انفجاری که نشود مهارش کرد در یک ملتی پیدا بشود، همه این بزرگها و همه این ثروتمندها و اینها تر و خشک با هم خواهند سوخت. فکر بکنند، بنشینند برای این ملت فکر بکنند، هی ننشینند آن کنار و خودشان هر طوری بخواهند عمل بکنند و هر طوری بخواهند زندگی بکنند، و تماشا کنند این زاغه نشینها و تماشا کنند این مردمی که نمی شود اسمش را زندگی گذاشت. این زندگی است که اینها می کنند؟ زندگی است که من وقتی نگاه می کنم حیوانات هم بهتر از اینها زندگی می کنند! حیوانات

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۲.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

را هم در این تلویزیون نشان می دهند خیلی خوب! در این جنگلهایی که دارند زندگی می کنند خیلی هم خوب زندگی کنند. و در این جهاد سازندگی که هست، خانه هایی که مردم در آن زندگی می کنند، آنها را هم نشان می دهند، خیلی زندگی آنها بهتر از اینهاست؛ یعنی اصلا طرف نسبت نیست! چرا باید اینطور باشد؟ باید همه دست به هم بدهند، ملت، دولت، ثروتمندها، کارخانه دارها، همه اینها، دست به هم بدهند و این مشکله را حلش بکنند. اگر این مشکله حل نشود و خدای نخواسته یک انفجاری در متن اسلام، در متن جمهوری اسلام پیدا بشود، این دیگر قابل مهار نیست، هیچ کس نمی تواند جلویش را بگیرد.(۱)

شکر گزاری از خداوند با خدمت به محرومین

شما برای خدا در این مجلس حالا- آمدید. وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازار، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست وزیرش هم اینطور است، این جور نیست که وقتی که توی مردم برود، مردم فرق بگذارند با هم و همه اینها اینطور هستند، وقتی یک همچو مطلبی را دارید احساس می کنید که امتیاز دنیایی ندارید، این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای اینهایی که اولیای ما هستند؛ این پایین شهریها و این پابرهنه ها به اصطلاح شما، اینها

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۴ تا ۳۳۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

ولی نعمت ماها هستند. اگر اینها نبودند، ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا. اینها بودند که همه ما را از این مسائل نجات دادند و همه ما را آوردند و نشاندند به جایی؛ به خیال خودمان جایی است این. باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توی حبس بودید و شما همان آدمی هستی که در تبعید بودی و شما همان آدمی هستی که در انزوا بودی، این مردمند که آمدند ما را آوردند بیرون از همه اینها و ما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت کنیم، نمی توانیم از عهده خدمت اینها برآییم. خداوند به ما توفیق بدهد که ما یک خدمتگزاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم. شما امروز هم که ملاحظه می کنید اینهایی که در جبهه ها الان دارند جانفشانی می کنند، اینها از کدام طبقه هستند. شما اگر پیدا کردید در تمام اینها یک نفری که مال آن اشخاصی باشد که دارای سرمایه های بزرگ هستند، آن اشخاصی باشد که در سابق دارای قدرتهایی بودند. اگر یک نفر از آنها پیدا کردید، این محتاج به این است که از ما مژدگانی بگیرید، ولی می دانم که پیدا نمی کنید؛ از همین جمعیت اند. الان هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می کنند شما و مردم را همین طبقه هستند. این طبقه اند که به ما الان منت دارند و از اول منت داشتند. همینها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده اند و وکیل کرده اند، آورده اند و وزیر کرده اند، رئیس جمهور کرده اند. اینها ولی نعمت ما هستند، و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت

Presented by: https://jafrilibrary.com/

کنیم به او و همینها هستند که الان هم حفظ این کشور را می کنند و حفظ نظام این کشور را می کنند. شما آقایان نمی توانید که بروید توی کوچه ها و عرض بکنم که خیابانها و آنجا را اداره کنید، شما یک شان دیگری دارید، یک شغل دیگری در خدمت دارید، آنها هم یک شغل دیگری دارند، اما شغل آنها آنطور است که شما را هم حفظ می کنند.(۱)

۱- ۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۴ تا ۲۵.

Presented by: https://jafrilibrary.com/

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

Presented by: https://jafrilibrary.com/

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

Presented by: https://jafrilibrary.com/

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

Presented by: https://jafrilibrary.com/

Presented by: https://jafrilibrary.com/